رسانه ملی
و
الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

مهدی رشکیانی

بسم الله الرحمن الرحیم

رسانه ملی و الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

نویسنده:

مهدی رشکیانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رسانه ملی و الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

مشخصات کتاب

سرشناسه : رشکیانی، مهدی، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : رسانه ملی و الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت/ مهدی رشکیانی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۸۰ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س م.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛۱۹۷۱.

شابک : ۸۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۳۰۸-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۷۳] - ۲۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : پیشرفت-- جنبه های مذهبی-- اسلام

موضوع : رسانه های گروهی و فرهنگ -- ایران

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۱/۶/ر۵ر۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۲۴۸۹۵

ص:۱

فهرست مطالب

ص:۶

ص:۸

ص:۹

چکیده

چکیده

امروزه شاید مهم ترین برنامه عملی هر کشور و واحدهای کوچک تر از کشور، همچون مناطق آزاد و حتی کارخانه ها و واحدهای صنعتی، سند توسعه راهبردی آنها باشد؛ سندی که برنامه عملی هر مجموعه را تشکیل می دهد تا افق دست یابی به موفقیت را ترسیم کند.

همواره کشورهای در حال توسعه به دنبال یافتن الگویی برای توسعه اند، که جنبه های مادی و معنویشان را در برگیرد. تجربه، نشان داده است که بسیاری از کشورها که با الگوبرداری از شیوه الگوی توسعه کشورهای توسعه یافته عمل کرده اند، نه تنها در روند توسعه دچار تضادهایی شده اند، بلکه به کاستی های این الگو نیز پی برده اند.

انقلاب اسلامی ایران نیز که تجربه سه دهه شعار استقلال، آزادی و عدالت را سپری کرده و اکنون با رویکرد به آینده و سند چشم انداز، در چهارمین دهه عمر خود، مصمم است گام دیگری را بپیماید، نیاز به ترسیم نقشه راه و تعیین استراتژی منطبق بر تحولات موجود و در نهایت، پارادیم سازی منطبق با شرایط بومی و مقتضیات خود را بیش از پیش احساس کرده است. نیاز به چنین الگوسازی و نقشه راهی بود که سبب شد مقام معظم رهبری به عنوان سکاندار نظام جمهوری اسلامی

ایران، در سال ۱۳۸۹، برای نخستین بار به مفهوم سازی، تشریح الزامات و شاخصه ها و تشکیل هیأتی از نخبگان کشور برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقدام کند. البته در حال حاضر و با مطالبه رهبر معظم انقلاب، این موضوع به دغدغه نخبگان فکری، علمی و سیاسی کشور تبدیل شده است.

با این حال باید معترف شد که مطالعه و طراحی هدفمند و مطلوب الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نیازمند شناخت عنصرهای گوناگون و اثرگذار در زمینه این الگوست. بیگمان یکی از مهم ترین این عناصر، ابزارهای فرهنگی، از جمله رسانه است. اهمیت مسئله را می توان در سخنان مقام معظم رهبری، در تشریح راهبردها و الزامات این الگو دریافت؛ به گونه ای که ایشان در این زمینه مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت در عرصه اندیشه و توجه به ابزارهای آن، از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها را در تدوین الگوی پیشرفت، مهم دانسته است.

پژوهش حاضر در جهت چنین اهمیتی به بررسی نقش ها، وظایف، کارکردها و کارویژه های مهم رسانه در تحقق و پیشبرد مؤثر این الگو پرداخته است.

مقدمه

ص:۱۲

مقدمه

بررسی فراز و نشیب های تاریخی، بشر را به این حقیقت رهنمون می کند که پدیده های خوب و بد جوامع انسانی، چیزی جز بازتاب فرهنگ ها نیست. به سخنی دیگر، فرهنگ، خاستگاه پیشرفت ها، نوآوری ها یا عقب ماندگی ها به شمار می آید. مستندات تاریخی و روند شکل گیری استعمار غرب، حاکی از آن است که همواره استعمار، به عنوان مهم ترین روش تحقق اهداف خود، به ایجاد تغییرهای ارزشی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای اسلامی و تحت سلطه پرداخته است. همچنین توسعه غربی با دامن زدن به تضادها و ایجاد و تحکیم ارتباطات عمودی، الفت درونی جوامع انسانی را سست ساخته است.

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری در سال های اخیر بر اهمیت، ضرورت و امکان پذیری مهندسی فرهنگی کشور، رویارویی با تهاجم و شبیخون فرهنگی، هشدار جدی ایشان درباره مظلومیت فرهنگ و همچنین تأکیدات ایشان درباره الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، همگی بر این امر دلالت دارد که اصلی ترین و محوری ترین عنصر جامعه کنونی ایران اسلامی، عنصر فرهنگ و ارزش های والای فرهنگی است. بی گمان در دفاع از آرمان های متعالی فرهنگ اصیل

اسلامی و انقلابی، از مردم تا مسئولان، صاحب نظران و کارشناسان، مسئولند.

تأکیدات اخیر مقام معظم رهبری درباره تشریح جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت نیز گواهی بر این مدعاست که فرهنگ و مسائل فرهنگی، در سیاست گذاری های کلان و طراحی اسناد بالادستی نظام، نقش عمده ای دارد.

تأکیدات ایشان بر تلفیق دو فرهنگ اسلامی و ایرانی، انتخاب کلمه پیشرفت به جای مفهوم توسعه، تأکید بر اهمیت ابزارهای فرهنگی از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها، توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال وعزت ملی در بحث الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و تأکید بر اهمیت علم و معنویت، از جمله رویکردهای فرهنگی مورد نظر و مؤکد معظم له در تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت به شمار می رود.

بی گمان انتظارات به حق مقام معظم رهبری درباره مبحث مهم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، در سایه توجه به عنصر اساسی فرهنگ و همت و تلاش مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی کشور مهیا می شود؛ فرهنگی که ویژگی ها و جنبه های مطلوب فرهنگ اسلامی و ایرانی را پوشش دهد و عناصر این فرهنگ را دارا باشد؛ زیرا ملت ایران با دین اسلام و تشیع، ارزش های الهی، مبانی انقلاب اسلامی و آرمان های امام رحمه الله و رهبری معظم، پیوندی ناگسستنی دارد.

می توان در سخنان مقام معظم رهبری درباره تشریح راهبردها و الزامات الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به اهمیت فرهنگ و نقش کلیدی رسانه، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای فرهنگی پی برد. آنجا

که مقام معظم رهبری، مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت در عرصه اندیشه و توجه به ابزارهای آن، از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها را در تدوین الگوی پیشرفت مهم دانسته و فرموده است: «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، پروسه ای است که دولت یا حاکمیت نمی تواند مدل را به صورت آمرانه به پیش ببرد، بلکه باید تمام بخش های مؤثر مانند مردم، افکار عمومی، رسانه، نخبگان با توانایی خود وارد چرخ الگو شده و به صورت مشارکت هم افزایی مدل را به پیش ببرند».

بنابراین، مسئله فرهنگ و رسانه به عنوان یکی از ابزارهای مهم در طراحی و پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، جایگاه بسیار حساسی دارد و باید به درستی، این نقش ها و وظایف بررسی شود؛ زیرا نقشی که عملاً رسانه ها می توانند در روند پیشرفت و توسعه ملی کشور بر عهده گیرند، نقش بسیار خطیری است. در شرایطی که ایران اسلامی در دهه موسوم به «پیشرفت و عدالت» و با اجرای برنامه های چهارم چهار ساله توسعه و سند چشم انداز بلندمدت می کوشد به سمت توسعه، گام های بلندی بردارد و اگر قرار است ملت تا دو دهه آینده به پیشرفت های برنامه ریزی شده برسد، باید بنیادها و ساختارهای فکری آن تغییر یابد. ازاین رو، ابزارهای فرهنگی، از جمله رسانه ها با توجه به ویژگی های منحصر به فردشان در این فرآیند نقش مهمی دارد.

در این دوره که سخن از تعریف الگوی واحدی به عنوان «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت» و کلیدی ترین برنامه اداره جامعه مطرح شده، نقش رسانه به عنوان حامی و پیش برنده برنامه های ملی و رویکردهای اخلاقی، معنوی و سیاسی جامعه، بیش از پیش اهمیت دارد.

ازاین رو، نگارنده در اثر حاضر، با دریافت چنین اهمیتی از نقش

فرهنگ و رسانه، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای اثرگذار فرهنگی، کوشیده است نقش ها، وظایف و کارویژه های رسانه در تحقق و پیشبرد هر چه بهتر الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت را بررسی کند و در این راستا، به معرفی مهم ترین راهبردهای رسانه ای در نیل به این مقصود بپردازد.

برای بررسی این موضوع، محقق در فصل نخست کتاب، به اهمیت، ضرورت، اهداف این پژوهش، به تعریف مفاهیم کلیدی و نتایج مطالعات و تحقیقات پیشین در این زمینه اشاره کرده و در فصل دوم، مبانی و بنیان های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و تفاوت آن با دیگر الگوهای توسعه را بررسی نموده است. همچنین در فصل سوم کتاب، لوازم، بسترها و عناصر الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و در فصل چهارم، راهبردهای دست یابی به این الگو را بررسی کرده است. در فصل پنجم نیز درباره نقش و جایگاه رسانه و مهم ترین راهبردهای رسانه ای در طراحی، پیشبرد و تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت سخن به میان آمده است.

فصل اول: کلی___ات تحقیق

اشاره

ص:۱۶

زیر فصل ها

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

همواره انسان بر اساس فطرت الهی خویش در آرزوی تکامل، پیشرفت، ترقی و بهبود اوضاع خود است. این ویژگی مشمول گذر زمان نشده و در همه عصرها و نسل ها، دست یابی به وضعیت مطلوب و پیشرفت و توسعه، مورد نظر بوده، اگر چه میزان و کیفیت پیشرفت، چشم انداز، راهکارها و اولویت های هر یک، متفاوت بوده است.

با توجه به تحولات بنیادین پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر احیای هویت فرهنگی و بومی در همه عرصه های اجتماعی بر بنیاد ایستارها و هنجارهای دینی، ضرورت طراحی الگوها متناسب با آرمان ها، هویت دینی و بومی، بیش از پیش نمایان شد.

الزامات و معضلات پیش روی مسئولان در سال های آغازین انقلاب و پس از آن، دوران پرافتخار دفاع مقدس، عمدتاً مصروف تثبیت نظام و حراست از کیان جامعه اسلامی در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی شد. بنابراین، نظام مقدس جمهوری اسلامی، در دهه نخست حیات پربرکت خویش، به تثبیت نظام و استقرار امنیت، تأمین استقلال و آرامش جامعه از راه برطرف ساختن چالش ها، مدیریت بحران ها و سرکوب عوامل نا امنی، اهتمام ورزید. بدیهی است، امنیت مهم ترین پیش نیاز هرگونه پیشرفت است و در جوامع نا امن که فرصت سرمایه گذاری و

برنامه ریزی پیدا نمی کنند، سرمایه گذاران خطر سرمایه گذاری را در این نقاط به جان نمی خرند.

ملت و مسئولان کشورمان، در دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی، با چهار برنامه پنج ساله و چشم انداز بیست ساله، مسیر پیشرفت همه جانبه را در پیش گرفتند. از سال ۱۳۶۸، با پایان یافتن دفاع مقدس، حدود یک دهه با سیاست گذاری برنامه های اول و دوم توسعه، فراغتی برای توجه ویژه به بازسازی و احیای زیرساخت های اقتصادی و توسعه کشور حاصل شد. در این میان، الگوی توسعه مبتنی بر مقتضیات بومی و شاخصه های اسلامی طراحی نشده بود و برخی مسئولان اجرایی نیز نسبت به این موضوع بی توجه بودند. به همین دلیل، کارشناسان و تکنوکرات های تحصیل کرده در غرب با الگوبرداری از توسعه دیگر کشورهای دنباله روی غرب، به ویژه ژاپن، کره جنوبی و مالزی، بازسازی کشور را با هدایت پنهان و آشکار کانون های ثروت وابسته به سازمان ملل متحد و قدرت های جهانی و جذب سرمایه های خارجی آغاز کردند. ازاین رو، در رویارویی با برخی شاخصه های اصلی توسعه اسلامی، از جمله عدالت و جلوگیری از ایجاد شکاف میان تهی دستان و ثروت مندان در جامعه اسلامی، پاسخی نداشتند. در سال های پس از انقلاب و در دوره اجرای برنامه سوم توسعه نیز حدود یک دهه دیگر، با حضور همان کارشناسان اقتصادی و تکنوکرات های گذشته در دولت جدید، در تداوم روند گذشته حرکت کردند، ولی با توجه به اولویت ها و جهت گیری های سیاسی خاص در این دوره، نه تنها در جهت توانمندسازی داخلی، خودباوری و الگوی اسلامی ـ ایرانی، بلکه با سرعت بیشتری در جهت جذب در ساختار جهانی سرمایه داری و الگوپذیری بیشتر از آنان،

گام برداشته می شد. چنانچه در انحراف هر سه برنامه اول و دوم توسعه همین بس که بخش بزرگ سیاست های کلان هر سه برنامه که به وسیله مقام معظم رهبری ابلاغ شد، به دلیل تحقق نیافتن آن دوباره تکرار شده است!

با اهتمام مقام معظم رهبری و رویکرد انتخاب ارزشی مردم در سال ۱۳۸۴، دولت نهم با شعار احیای ارزش های انقلاب و گام برداشتن به سوی تحقق دولت اسلامی، شکل گرفت.

ازاین رو، در عرصه اقتصاد و توسعه کشور نیز تحقق الگوی توسعه اسلامی ـ ایرانی مورد انتظار بود که روی آن تأکید شد. از سوی دیگر، پیشرفت در ایران سریع تر از توسعه کشورهای پیشرفته در آغازین مراحل توسعه یافتگی آنها بوده، ولی این تلاش ها فاقد الگوی جامع و بومی و اسلامی پیشرفت بوده است. خلأ الگوی یادشده سبب شد تا مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۸۹ به مفهوم سازی، تشریح الزامات و شاخصه ها و تشکیل هیئتی از نخبگان کشور برای طراحی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت اقدام کند.

از آغاز انقلاب، ضرورت تدوین الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به دلیل ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی با گفتمان های دیگر احساس می شد، اما به دلیل مهیا نبودن برخی زمینه ها و بستر های لازم، این واقعیت با پاسخی درخور روبه رو نشده و تاکنون نیز به تأخیر افتاده است. البته نداشتن الگوی پیشرفت، متناسب با ویژگی ها و مطلوبیت های گفتمان انقلاب اسلامی، دست کم به صورت مدوّن که روح حاکم بر برنامه ها و سیاست ها باشد، آسیب ها و پی آمدهای سویی داشته که تحول در برخی ارزش ها و به تبع آن، تغییر در برخی جهت گیری ها و مناسبت ها به سود

الگوی غربی، از مهم ترین آنهاست که این واقعیت، ضرورت برخورداری از الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت را مضاعف می سازد.

اکنون در کنار برخی مؤلفه های مهمی که ضرورت تدوین الگوی پیشرفت با هویت ایرانی و اسلامی را توجیه می کرد، با برخی فرصت ها روبه رو هستیم که فراهم بودن زمینه ها و بسترها برای انجام این کار بزرگ را نوید می دهد. تجربه سی ساله که صرف برخی آزمون و خطاها درباره چگونگی پیشرفت کشور شده و شناخت متراکم و واقع بینانه ای که از این تجربه ها در اختیار کشور است و در برخی نهادسازی ها و اصلاح ساختارها مانند ترسیم چشم انداز بیست ساله، تدوین سیاست های اصل ۴۴ و هدفمند کردن یارانه ها، آثار عملی خود را نشان داده، یکی از این فرصت هاست که می تواند در تدوین الگوی پیشرفت کشور، نقش اثرگذاری داشته باشد.

«فراهم شدن بسیاری از زیرساخت های توسعه کشور در سی سال گذشته»، «تبدیل به جریان عمومی شدن پیشرفت های علمی در جامعه»، «ارتقای سطح نخبگی جامعه»، «برخورداری کشور از جمعیت جوان، تحصیل کرده و با انرژی»، «برخورداری از سطح قابل توجه از اعتماد به نفس ملی» (به ویژه در اینکه می توان پیشرفت کرد اما غربی نشد)، «زایل شدن باور به الگوی غربی پیشرفت به عنوان تنها راه پیشرفت بشر» که امروز افزون بر «مشروعیت» با چالش «کارآمدی» روبه روست و «اقتدار منطقه ای و بین المللی و قدرت الهام بخشی انقلاب در دنیای اسلام»، از دیگر فرصت های داخلی و خارجی است که برای تدوین و نیز اجرای درست و کارآمد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، زمینه های مناسبی را در دوره کنونی پدید آورده است.

ص:۲۲

این شواهد، گویا گواهی بر تأکیدات مقام معظم رهبری است که درباره گزینش این زمان و برهه، برای طراحی این الگو فرمود: «تجربه های متراکم و معرفت های انباشته شده در سی سال گذشته نشان می دهد که مقطع فعلی، زمان مناسبی برای آغاز این راه است».(۱)

حضرت آیت الله خامنه ای، در مقام سکاندار نظام جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر ضرورت به کارگیری همه ظرفیت نخبگانی کشور در تدوین این الگوی راهبردی، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت را عرصه های مهم الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت خوانده که باید جامعه را به سمت جامعه ای متفکر سوق دهد و جوشیدن فکر و اندیشه ورزی به حقیقتی نمایان در جامعه تبدیل شود.

بی گمان در این الگو، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت که رهبر انقلاب به عنوان عرصه های پیشرفت مطرح کرده است، اهمیت بسیاری دارد. در این جهت، نوآوری و حرکت در زمینه استقلال علمی و مشخص شدن راه های پیشرفت همه جانبه، عمیق و بنیانی علمی، از جمله لوازم و زیرساخت های این الگوست. توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال و عزت ملی در بحث الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت و نگاه غیرمادی به اقتصاد نیز از جمله دیگر لوازم و زیرساخت های این الگوست. همچنین ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدل و قسط، پرورش انسان هایی مؤمن، برخورداری از اقتصادی پویا و پیشرو و مشارکت حداکثری مردم از جمله مأموریت های الگوی پیشرفت اسلامی ــ ایرانی از دیدگاه مقام معظم

۱- بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی در جمهوری اسلامی ایران در میان اندیشمندان و صاحب نظران،۱۰/۹/۸۹.

رهبری است که باید با راهبردهایی همچون اصلاح نظام آموزشی کشور، طراحی نظام تعمیق معرفت دینی جامعه و ایجاد نظام تولید و انتشار دانش و با توجه به اسناد فرادستی مانند قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، به تبیین چنین الگویی پرداخته شود.

تجمیع ذخایر علمی موجود، تربیت کارگزاران نظریه پرداز و توانا در بدنه علمی و سیاسی نظام، تعیین شاخص های عدالت و رشد اقتصادی، اسراف، خانواده مطلوب از نظر اسلام، نظم و انضباط اجتماعی، شهرسازی و معماری اسلامی، استقلال، آزادی، وحدت ملی، قانون مداری، خدمت مداری، و مشارکت سیاسی را می توان از دیگر لوازم و زیرساخت های این الگو دانست. طراحی این الگو، دشواری های خاص بنیان گذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور را داراست و مشارکت فعال همه نخبگان حوزوی و دانشگاهی را می طلبد.

بی تردید، تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به عنوان بالاترین سند و مرجع بالادستی در سیاست گذاری های نظام، نیازمند مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت، به ویژه در زمینه های فکری و فرهنگی است. مسائل و رویکردهای فرهنگی از مهم ترین الزاماتی است که توجه به آن می تواند در طراحی و تحقق هدفمند الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت اثرگذار باشد و در این راه، توجه به نقش و جایگاه اثرگذار رسانه ها، به عنوان یکی از کلیدی ترین ابزارهای فرهنگی در عصر حاضر، می تواند در پیشبرد و تحقق این الگو، نقش مهمی ایفا کند.

اهمیت این مسئله را می توان در سخنان مقام معظم رهبری، درباره تشریح راهبردها و الزامات این الگو دریافت کرد، به گونه ای که ایشان در این زمینه، مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت در عرصه فکر و

توجه به ابزارهای آن، از جمله «آموزش و پرورش و رسانه ها» را در تدوین الگوی پیشرفت، مهم دانسته و فرموده است: «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، پروسه ای است که دولت یا حاکمیت نمی تواند مدل را به صورت آمرانه به پیش ببرد، بلکه باید تمام بخش های مؤثر مانند مردم، افکار عمومی، رسانه، نخبگان با توانایی خود وارد چرخ الگو شده و به صورت مشارکت هم افزایی مدل را به پیش ببرند».(۱)

بنابراین، مسئله فرهنگ و از جمله نهادهای فرهنگی و آموزشی مانند رسانه ـ که امروزه به عنوان یکی از اثرگذارترین ابزارهای فرهنگی و فرهنگ ساز در جوامع، نقش کلیدی دارد ـ ، به عنوان بخشی از ابزارهای مهم در طراحی و پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نقش مهمی دارد.

رسانه ها عملاً می توانند در توسعه ملی، نقش بسیار خطیری بر عهده گیرند. در وضعیتی که ایران اسلامی با اجرای برنامه های چهارم چهار ساله توسعه و سند چشم انداز بلندمدت کشور می کوشد به سمت توسعه گام های بلندی بردارد و اگر قرار است ملت تا دو دهه آینده به پیشرفت برنامه ریزی شده برسد، باید بنیادها و ساختارهای فکری آن تغییر یابد. ازاین رو، نقش ابزارهای فرهنگی، از جمله رسانه ها، در این فرآیند با توجه به ویژگی های منحصر به فردی که این ابزار دارند، مهم به شمار می آید.

در ایران با وجود سابقه طولانی برنامه ریزی برای عمران و توسعه، به نقش ارتباطات در کمک به تأمین اهداف توسعه، توجه لازم نشده است. بررسی برنامه های توسعه، پیش از انقلاب و همچنین مطالعه برنامه های

۱- همان.

اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی پس از دوران انقلاب، مشخص می سازد که در هیچ یک از این برنامه ها به تأثیر ارتباطات و رسانه ها در توسعه یا چگونگی بهره مندی از ارتباطات برای توسعه و پیشرفت، توجه کافی نشده یا به عبارتی، بی اعتنایی شده است. با این حال، از لابه لای قانون مطبوعات و قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، می توان به جایگاه و نقش و رسالت ارتباطات و رسانه در برنامه های توسعه کشور آگاهی یافت.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش خاصی به وسایل ارتباط جمعی اختصاص یافته و چنین آمده است: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند».

در اصول سوم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و پنجم، چهل و چهارم، شصت و نهم، یک صد و شصت و هشتم و یک صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به نقش و چگونگی اداره وسایل ارتباط جمعی تأکید شده و در اصل چهل و چهارم نیز چنین آمده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های ابرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن،

هواپیمایی، کشتی رانی، راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است».

اصل یک صد و هفتاد و پنجم نیز چنین بیان می دارد: «در رسانه های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود».

وسایل ارتباطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابزاری حکومتی است که نقش آن توسعه فرهنگ اسلامی و افزایش سطح آگاهی مردم در همه زمینه ها است. قراردادن وسایل ارتباطی در بخش نظام اقتصاد دولتی، بیانگر اهمیت ویژه آن در کشور ماست. در این قانون، رادیو و تلویزیون در کنار صنایع مادر مانند نفت و گاز و معادن قرار گرفته است و از آن انتظار ایفای نقشی مهم در توسعه کشور می رود.

با توجه به این خصوصیات در قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۷/۴/۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، به جایگاه این دو رسانه در پیشبرد اهداف توسعه، توجه خاصی شده است.

برخی از مهم ترین مواد این قانون عبارتند از:

ماده ۴: زمینه سازی برای رسیدن به خودکفایی و تحقق کامل سیاست مستقل نه شرقی نه غربی در همه ابعاد سیاسی، اقتصاد، نظامی و فرهنگی آن در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی؛

ماده۵: صداوسیما باید به مثابه یک دانشگاه عمومی به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک نماید؛

ماده ۵۷: زمینه سازی برای از بین بردن روابط ظالمانه و استثماری و

تحکیم روابط عادلانه اقتصادی در کشور طبق سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛

ماده۵۸: جلب مشارکت عمومی جهت همکاری در گسترش برنامه های تولیدی و بر حذر داشتن آنان از زندگی مصرفی و تجملی؛

ماده ۵۹: زمینه سازی برای توسعه تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی در جهت رسیدن به خودکفایی؛

ماده۶۰: توجه خاص به آموزش حرفه ای کارگران و کشاورزان که سنگ زیربنای تولید کشور محسوب می شوند.

این قانون، به شکلی صریح و واضح، رادیو وتلویزیون را عامل توسعه در کنار دیگر منابع معرفی می کند. در واقع، از کارگزاران و مسئولان صداوسیما می خواهد که به گونه ای برنامه های این رسانه ها را تنظیم کنند که از راه مشارکت همگانی در تولید و توزیع و حاکمیت احکام اسلامی در همه زمینه ها، به ویژه مصرف، زمینه ساز رشد و توسعه کشور باشند.

قوانین یادشده، نشان دهنده اهمیت نقش ابزارهای فکری و فرهنگی، و به ویژه رسانه های جمعی در پیشبرد الگوهای گوناگون پیشرفت و توسعه در کشور به شمار می رود، اما اکنون که سخن از الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به عنوان یکی از مهم ترین الگوهای بالادستی کشور، از سوی رهبری معظم انقلاب اسلامی به میان آمده است، باید در جهت اهمیت این موضوع، به بررسی و تبیین نقش این ابزار و چگونگی رسیدن به این الگوی متعالی با بهره مندی از این ابزار اثرگذار پرداخت.

پژوهش حاضر می کوشد، عناصر و ویژگی های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، عناصر و زیرساخت های آن را بررسی و معرفی کند.

همچنین تفاوت این الگو با دیگر الگوهای توسعه ای و پیشرفت و بیان راهبردهای دست یابی به این الگو را بیان نماید. همچنین به بررسی نقش و جایگاه رسانه، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارها و الزامات پیشرفت در عرصه فکر، در تحقق و پیشبرد الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت بپردازد و مهم ترین کارویژه ها و وظایف رسانه را در پیشبرد هدفمند این الگو و تحقق آن، بررسی و تحلیل کند.

۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

امروزه شاید مهم ترین برنامه عملی هر کشور و واحدهای کوچک تر از کشور، همچون مناطق آزاد وحتی کارخانه ها و شرکت های صنعتی، سند توسعه راهبردی آنها باشد؛ سندی که برنامه عملی هر مجموعه، تا افق دست یابی به موفقیت را ترسیم می کند. همواره کشورهای در حال توسعه به دنبال یافتن الگویی برای توسعه اند که جنبه های مادی و معنویشان را در بر گیرد.

تجربه نشان داده است که بسیاری از کشورها که با الگوبرداری از شیوه الگوی توسعه کشورهای توسعه یافته عمل کرده اند، نه تنها در روند توسعه دچار تضادهایی شده اند، بلکه به کاستی های این الگو نیز پی برده اند.

انقلاب اسلامی تجربه سه دهه شعار استقلال، آزادی و عدالت را سپری کرده و اکنون که با رویکرد به آینده و سند چشم انداز، در چهارمین دهه انقلاب قرار دارد، مصمم است گام دیگری را طی کند. ازاین رو، به ترسیم نقشه راه و تعیین استراتژی منطبق بر تحولات موجود و درنهایت پارادیم سازی نیاز است، ولی تحقق این امر به تعیین مسئله

اصلی جامعه اسلامی بستگی دارد. با گذشت سه دهه و نتایج حاصل از تجربه ها، می توان ادعا کرد، این انقلاب یک نوآوری بنیادی است که حاصل آن در سه قلمروی استقلال، آزادی و عدالت قابل مشاهده است.

باید یادآور شد که مسئله امروز جامعه، برای پاس داشت و مدیریت بر سه قلمروی یاد شده، تعیین الگوی پیشرفت و توسعه بومی است که نخست قادر به حل چالش های نظری در این عرصه باشد و همچنین بتواند با ارائه الگوی مطلوب، مبتنی بر مقتضیات اسلامی ـ ایرانی، قادر به پیشرفت و توسعه کشور شود. توسعه غربی با تکیه بر اومانیسم و غفلت از جنبه های معنوی، عوارضی از قبیل شکاف فزاینده طبقاتی، قدرت بی مهار شرکت های بزرگ اقتصادی، سیطره کمیت و چیرگی فن آوری بر انسان، بی هویتی بشر معاصر و سرخوردگی او را در پی داشته است.

جنبش انقلاب اسلامی ایران که هندسه فکری و معرفتی خود را بر پیوستگی دین و دنیا، توأم شدن عقل در خدمت وحی، یک پارچگیِ ایمان، علم و عمل و درهم تنیدگی دین و سیاست و فرد و اجتماع استوار کرده، از یک سو در چالش با بنیادها و مظاهر فکری و سیاسی گفتمان هایی قرار گرفت که بسیط وار و توهم گونه، دقایق گفتمانی اش را بر جدایی دنیا از دین، عقلانیت از وحی و تفکیک علم و عمل از ایمان، دیانت از سیاست و فرد از جامعه، پایه ریزی کرده بودند و در عمل و نظر بر آن پای می فشردند. در سه دهه گذشته، با وجود اینکه از یک سو صیانت از اصل انقلاب و دست آوردهای در معرضِ چالش و تهدید آن از دغدغه های اصلی نظام اسلامی بوده و از دیگر سو، نمونه تجربه شده ای از گفتمان انقلاب اسلامی در زمان معاصر در دسترس نبوده و بیش از یک هزار سال نیز با الگوهای کلاسیک خود در عصر پیامبر و

امیرالمؤمنین فاصله زمانی وجود داشته است، اما برای تحقق طرح نو انقلاب اسلامی گام های بلندی برداشته شده که ساخت سیاسی بر اساس الگوی جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی، مبتنی بر نظم مدنی دلخواه اسلام، از مهم ترین آنهاست.

با این حال، دهه چهارم انقلاب که دهه گفتمان پیشرفت و عدالتِ توأمان است، به سبب برخی فرصت های مهم باید دوره جهش انقلاب اسلامی در نظام سازی و جامعه پردازی و تکوین طرحی نو دانست که تدوین الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت از مهم ترین آنها در این راستاست که اینک با مطالبه رهبر معظم انقلاب، به دغدغه نخبگان فکری، علمی و سیاسی کشور تبدیل شده است.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، افقی روشن را برای جامعه ایرانی به تصویر می کشد که در خور توانایی های بالقوه و شأن هویتی آن است، ولی در نگاهی علمی، این مهم میسر نخواهد شد، مگر در پرتوی الگوهای کارآمد، اثربخش و هدایت کننده ای که ناظر بر هویت و فرهنگ ایران اسلامی باشد.

با این حال، مطالعه و طراحی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نیازمند شناخت عناصر گوناگون و اثرگذار دخیل در این الگوست که بی گمان یکی از مهم ترین این عناصر، ابزارهای فرهنگی و از جمله رسانه است.

کارکرد رسانه، برقراری پیوند میان بخش های گوناگون جامعه انسانی است. به همین سبب، می تواند در درون یک واحد سیاسی ـ اجتماعی، نه تنها موجبات هم گرایی ملی را فراهم آورد، بلکه می تواند با نقد کاستی ها و گسترش اصول اخلاقی و معنوی، موجبات رشد مادی و معنوی یک

کشور را مهیا سازد. در عین حال اگر رسانه ها، به جای آنکه در خدمت رشد مادی، معنوی، اخلاقی و فرهنگی جامعه باشند، در خدمت دشمنان آن جامعه قرار گیرند، به واگرایی و عقب ماندگی فرهنگی جوامع دامن می زنند.(۱) بنابراین، رسانه ها می توانند در جایگاه یکی از عوامل پیشبرد رویکردهای الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت قرار گیرند که متمرکز بر رویکردها و رویه های فرهنگی است.

برخی اندیشمندان مسائل ارتباطات، بر این باورند که صاحبان مراکز اطلاع رسانی بین المللی، قدرتی دارند که هیچ یک از سرداران نظامی تاریخ، صاحب چنین قدرتی نبوده اند؛ زیرا مالکان وسایل ارتباط جمعی، بدون آنکه لشکری داشته باشند، با بهره مندی از شیوه های پیچیده و پنهان، در شیوه تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم، تأثیر بی نظیری دارند و عملاً تحولات گوناگون جهانی را هدایت می کنند.(۲)

رسانه ها در جهان امروز، با شکل های مدرن و مخاطب پسندشان، بزرگ ترین و اثرگذارترین ابزار تولید مفاهیم، تناسبات اجتماعی و به طور کلی، پیام رسانان فرهنگ در جوامع هستند. تحولات عظیمی که از راه رسانه ها در اجتماعات به اصطلاح توسعه یافته و در حال توسعه روی داده است، نشان از قدرت بی رقیب رسانه ها در این عرصه ها دارد. پیدایش کارتل های عظیم سرمایه داری، مکتب های گوناگون سیاسی و اجتماعی، ظهور و سرنگونی ابرقدرت ها، برقراری مفاهیم جدیدی مانند دموکراسی و تعریف معیارهای جدید فرهنگی،حاصل تبلیغات و هجمه

۱- مهری بهار، «تلویزیون، ابژه های دینی و سکولاریسم»، مجموعه مقالات دین و رسانه، ۱۳۸۶.

۲- مجید محمدی، دین و ارتباطات، صص ۸۲-۸۰.

اطلاعـاتی رسـانه هـاست. در این میـان، رسـانه هـای ملی برخی کشورهـا می کوشـند با تولیـد برنامه های گوناگون برای پاس داشت و رشـد فرهنـگ و در جهت تقویت سیاسـی ـ ملی خود، گـام بردارنـد و خود را از گزنـد تـأثیرات ویران گر جریانـات رسـانه ای غرب در امـان نگـاه دارنـد. در کشـور مـا نیز در دوره حاضـر که سـخن از تعریـف الگوی واحـدی به عنوان الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشـرفت، به عنوان کلیـدی ترین برنـامه اداره جـامعه مطرح شـده، نقش رسـانه به عنوان حامی و پیش برنـده برنامه های ملی و رویکردهای اخلاقی، معنوی و سیاسی جامعه در برهه کنونی، بیش از پیش اهمیت دارد.

بنـابراین، رسـانه و به ویژه رسـانه ملی، به عنوان مهم ترین شـریان و جریـان ارتباطی و رسانه ای کشور و یکی از ابزارهای مهم فرهنگی در هر الگویی برای توسعه و پیشرفت کشور و همچنین در الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و تحقق اهداف این الگو، نقش مهمی بـه شـمار می آیـد، امـا بررسـی نقش و جایگـاه رسـانه در الگـوی اسـلامی ـ ایرانی پیشـرفت، نـه تنهـا بـه تـدوین راهبردهای مهم نظام اسـلامی ایران و پیشبرد سـیاست گـذاری های کلان نظام کمک مهمی می کنـد، بلکه از سوی دیگر، در اختیـار برنـامه سـازان و تهیه کننـدگان و سـیاست گـذاران رسانه ملی، به ویژه در زمینه نقش و اهمیت و جایگاه رسانه ملی در تحقق اهداف کلان نظام راهبردهای مهمی می گذارد و با ذکر مهم ترین بایسته ها و وظایف رسانه ملی در این زمینه، به نوعی تهیه کنندگان و سـیاست گذاران رسانه ملی را با وظایف محوله در راسـتای تدوین این الگو آشنا می سازد و به تهیه کنندگان و برنامه سازانی که قصد تولید برنامه با محوریت الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت دارند، کمک می کند.

۳. هدف های تحقیق

ص:۳۳

۳. هدف های تحقیق

به طور کلی هدف های تحقیق حاضر عبارتند از:

ــ بررسی عناصر، لوازم، بسترها و ویژگی های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ مبانی و بنیان های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ تفاوت الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت با دیگر الگوهای توسعه ای؛

ــ راهبردهای دست یابی به الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ بررسی نقش و جایگاه فرهنگ و مسائل فرهنگی در الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ بررسی نقش و جایگاه رسانه در طراحی و پیشبرد الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت.

۴. پرسش های تحقیق

۴. پرسش های تحقیق

مهم ترین پرسش های طرح حاضر، عبارتند از:

ــ مهم ترین ویژگی ها، عناصر و بنیان های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت کدام است؟

ــ میان این الگو از نظر ماهیت، عناصر و ویژگی ها با دیگر الگوهای توسعه ای و پیشرفت چه تفاوتی وجود دارد؟

ــ مهم ترین لوازم، بسترها و راهبردهای تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت کدام است؟

ــ نقش و جایگاه فرهنگ و مسائل فرهنگی مانند علوم انسانی در الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت چگونه است؟

ص:۳۴

ـ نقش و جایگاه رسانه به طور کلی و رسانه ملی (صدا و سیما) در طراحی و پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت چگونه است؟

۵. روش تحقیق

۵. روش تحقیق

انتخاب روش پژوهش، بستگی به هدف ها و ماهیت پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. بنابراین، هنگامی می توان در مورد روش بررسی و انجام یک پژوهش تصمیم گرفت که ماهیت موضوع پژوهش، هدفها و نیز وسعت دامنه آن مشخص باشد. به سخن دیگر، هدف از انتخاب روش پژوهش آن است که پژوهشگر مشخص نماید، چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق تر و آسان تر، سریع تر و ارزان تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ هایی برای پرسش یا پرسش های پژوهشی مورد نظر کمک کند.

برای انجام این پژوهش از روش «کتابخانه ای» استفاده شده است. بررسی اطلاعات به دست آمده در این تالیف، از طریق اطلاعات و اسناد مختلف نظیر کتاب ها، فصلنامه های تخصصی، مطبوعات، نشریات علمی و...، صورت گرفته است. ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات و داده ها در این تحقیق، اسناد و مدارک مستند علمی و در بخشی نیز ابزار مصاحبه (با کارشناسان و محققان علوم دینی و رسانه) می باشد.

اطلاعات و مباحث مطرح شده در این تحقیق، با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه ای) (از طریق بررسی آثار و نوشته های اندیشمندان، صاحب نظران و پژوهشگران در رابطه با موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش رسانه در این خصوص)، جمع آوری شده است.

محقق در فصل اول این کتاب، پس از اشاره به اهمیت، ضرورت و اهداف این پژوهش به تعریف مفاهیم کلیدی الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت و بخش های مختلف آن با توجه به منابع موجود پرداخته است. در ادامه این فصل به نتایج مطالعات و تحقیقات پیشین و انجام گرفته مرتبط با موضوع که توسط پژوهشگران دیگر انجام گرفته است، به طور اجمال اشاره شده است. محقق در فصل دوم، مبانی و بنیان های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و تفاوت آن با سایر الگوهای توسعه را با توجه به بررسی منابع موجود در این زمینه مورد بررسی قرا داده است، همچنین در فصل سوم کتاب، لوازم، بسترها و عناصر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مورد بررسی قرار گرفته است. گفتنی است بخش زیادی از یافته های این فصل از کتاب که به بررسی مجموعه ای از لوازم و عناصر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت پرداخته است؛ ماحصل انجام مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران این حوزه می باشد.

پس از طرح و پرداختن به وسائل، ابزارها و ملزومات الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، در فصل چهارم با عنایت به مباحث مطرح شده قبلی، راهبردهای دستیابی به این الگو مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است.

در فصل پنجم و پایانی این اثر نیز، به طور خاص نقش و جایگاه رسانه و مهمترین پیشنهادات و راهبردهای رسانه ای در طراحی، پیشبرد و تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مورد بحث، بررسی و معرفی قرار گرفته است.

۶. تعریف مفاهیم تحقیق

اشاره

۶. تعریف مفاهیم تحقیق

زیر فصل ها

الف) توسعه

ب) الگو

ج) پیشرفت

د) الگوی پیشرفت

ه) الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت

و) هویت

ز) فرهنگ

ح) رسانه

ط) رسانه ملی

ی) نقش رسانه ملی و ارتباط آن با الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

الف) توسعه

الف) توسعه

اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد و واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه های

ص:۳۶

توسعه که با نگاهی غربی همراه است، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن، باید از این مرحله سنتی خارج شوند. واژه توسعه(۱) از نظر لغوی در زبان انگلیسی، به معنای بسط یافتن، درک کردن، تکامل و پیشرفت است. این واژه از قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) برای توضیح برخی پدیده های اجتماعی به کار رفته است، ولی بهره مندی گسترده از این واژه به عنوان چارچوبی تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به پس از جنگ جهانی دوم و در دهه های ۱۹۵۰ ـ ۱۹۶۰ مربوط می شود. در آن زمان، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، صنعتی شدن و برای تعبیرها و اصطلاح های مشابه به کار می رفت.(۲)

توسعه، مفهومی است که از آغاز دوران مدرنیته، از سوی نظریه پردازان برای کشورهایی مطرح شد که سطح پایینی در رشد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشتند. هدف نخست نظریه پردازان از مفهوم توسعه، ارائه الگو و مدلی برای حرکت جوامع گوناگون، به ویژه به سبک کشورهای غربی بود. با این حال، کم کم مفهوم توسعه دچار پیچیدگی و تعریف های متعدد و مبهمی شد؛ به گونه ای که ارائه یک تعریف جامع برای آن مشکل بود.

ب) الگو

اشاره

ب) الگو

الگو به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته می شود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر ساختاری از

۱- Development.

۲- گی روشه، تغییر اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، صص ۱۴ ـ ۱۷.

موجودات تکوینی، پدیده ها، روش ها، فرآیند ها، تئوری ها و نظریات ارائه می شود.

الگو وسیله، معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود(۱). به سخن دیگر، الگو، چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می گیرد. الگو، نقشه راه است.(۲)

انواع الگوها

انواع الگو ها

در یک تقسیم بندی کلی، الگوها به دو دسته توصیفی و هنجاری تقسیم می شوند. الگوهای توصیفی به توصیف یک امر موجود می پردازند و الگوهای هنجاری آنچه را که باید انجام شود، توضیح می دهند.

ج) پیشرفت

ج) پیشرفت

پیشرفت در تعریفی عام، عبارت از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب است. این تعریف در همه مکتب ها با بینش ها و ارزش های متفاوت درست است و اختلاف مکتب ها در چگونگی تحلیل وضعیت موجود یا تبیین وضعیت مطلوب یا راهبردهای تغییر ظاهر می شود.

پیشرفت، «فرآیندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی۷، ۱۳۸۱/۰۶/۳۰.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

مادی و معنوی و بنیان های اقتصادی ـ اجتماعی می باشد و انسان در این جریان می تواند به کمال برسد».(۱)

مقام معظم رهبری، پیشرفت را در برابر توسعه طرح فرموده است. ایشان درباره تفاوت این دو واژه بر این باور است:

امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می گوییم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می شود، وجوه مشترکی داشته باشد، اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نبایستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی (با همان مختصات و با همان شاخص ها) نیست.(۲)

در الگوی توسعه غربی بر اصالت ثروت و رفاه به هر قیمت تأکید می شود و صرفاً عدالت و اخلاق، ابزاری برای به دست آوردن سود بیشتر و رسیدن به رفاه است، اما الگوی پیشرفت موردنظر مقام معظم رهبری، بر عدالت مبتنی است و مانند الگوی غرب، هدف فقط افزایش تولید ناخالص داخلی نیست، بلکه توزیع عادلانه درآمد و در یک کلام، اقتصاد اخلاقی عدالت محور، هدف اصلی است.

د) الگوی پیشرفت

د) الگوی پیشرفت

الگوی پیشرفت، الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردهاست که در ساختاری منطقی وضعیت

۱- عبدالله جوادی آملی، امام مهدی موعود موجود، ص ۲۱۳.

۲- مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دانشگاهیان کردستان، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود، به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود نوعی الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است.

مقام معظم رهبری معتقد است که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد:

پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون (شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی) در ایجاد مدل های پیشرفت، اثر می گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما (با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما) الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جست وجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه های دیگر به درد ما نمی خورد؛ چه نسخه پیشرفت امریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی (کشورهای اسکاندیناوی که آنها یک نوع دیگری هستند) هیچ کدام از

اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم.(۱)

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، هنر ایرانی باید بتواند الگوی بومی پیشرفت را متناسب با شرایط کشور پیدا کند. ازاین رو، ایشان بر الگوی «توسعه بومی و غیرتقلیدی» تأکید دارد:

«ما دنبال چه نوع توسعه ای هستیم؟ این نکته اساسی، در بحث های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است. از هیچ جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست. هرجا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ.(۲)

ه) الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت

ه) الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت

اسلامی بودن الگو به معنای استخراج مبانی، چارچوب ها و الگوی پیشرفت از منابع و مبانی اسلامی است که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام مبتنی باشد و همه مراحل و فرآیند طراحی و اجرای الگو باید

۱- همان.

۲- همان.

برخاسته از اسلام باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری، این الگو، اسلامی است؛ به این دلیل که غایات، هدف ها، ارزش ها و شیوه های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است،(۱) اما جنبه ایرانی بودن الگو به معنای انطباق داشتن الگو با شاخصه هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی است.

مقام معظم رهبری تأکید می کند: «در یک الگوی ایرانی، طراحان آن متفکران ایرانی هستند. ما نمی خواهیم این الگو را از دیگران بگیریم، ما می خواهیم آنچه را که خودمان لازم می دانیم، مصلحت کشورمان می دانیم. آینده مان را می توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم و این را در یک قالبی بریزیم».(۲)

به طور کلی، الگوی اسلامی پیشرفت، بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی مبتنی است. این الگو، ثابت و جهان شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون است. الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها، گفته می شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی، به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می پردازد.

و) هویت

ص:۴۲

۱- سخنان مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

۲- همان.

و) هویت

هویت، عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روانی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آنها را در ظرف زمانی و مکانی معیّن، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از دیگر گروه ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد. هویت در اصطلاح جامعه شناختی، کوشش فرد برای تحقق یکتایی خویشتن است، در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است.(۱)

هویت، تلقی از خود یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آن گاه که در برابر دیگری و دیگران ترسیم می شود، ماهیت یا وجه تمایز ما از دیگران است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی هایی است که دیگران فاقد آن هستند و ما واجد آن می باشیم. در تکوین و شناخت هویت که در مسیر زمان قوام می گیرد، تاریخ نقشی کلیدی دارد و هویت مانند تکه سنگی که بر بستر رود می غلتد، در تاریخ شکل می یابد.(۲)

ز) فرهنگ

ز) فرهنگ

فرهنگ در ادبیات فارسی به معنای ادب، تربیت، دانش، معرفت، آداب و رسوم، مجموعه علوم و آموزه ها و هنرهای یک قوم است. فرهنگ، واژه ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» به معنای پیش و «هنگ» است که به مفهوم کشیدن و قصد و آهنگ می باشد و از فرهیختن اشتقاق یافته

۱- مصطفی ازکیا، جامعه شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران، ص ۱۲۱.
۲- جمعی از نویسندگان، شورای فرهنگ عمومی، ص ۱۲.

که در معنای گوناگونی، مانند دانش، دانایی، خرد، معرفت، حرفه و هنر و ادب به کار رفته است و در اصطلاح ماهیت، هویت و موجودیت یک ملت را فرهنگ می نامند. به عبارتی، «فرهنگ، کلیت درهم تافته ای است، شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد».(۱)

فرهنگ، ارتکازات یا پذیرفته شده های اجتماعی است که در قالب دانش، بینش و کنش اجتماعی ظهور می یابد.

ح) رسانه

ح) رسانه

در فرهنگ فارسی عمید، هر وسیله ای که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند، مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه را رسانه می گویند.

ط) رسانه ملی

ط) رسانه ملی

رسانه ملی، ابزاری حکومتی است که از راه امواج صوتی و تصویری، پیام هایش را در قالب برنامه های گوناگون برای مخاطبان پخش می کند و از راه فرهنگ و هنر، آنها را تثبیت می کند یا ارتقا می بخشد.

ی) نقش رسانه ملی و ارتباط آن با الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

ی) نقش رسانه ملی و ارتباط آن با الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

نقشی که رسانه ها عملا می توانند در توسعه ملی بر عهده گیرند، نقش بسیارخطیری است. در شرایطی که ایران اسلامی با اجرای برنامه های چهارم چهار ساله توسعه و سند چشم انداز بلند مدت کشور در تلاش است؛ تا گامهای بلندی به سمت توسعه بردارد و اگر قرار است، ملت

۱- داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، صص ۷ و ۸.

ایران تا دو دهه آینـده به پیشـرفت برنامه ریزی شـده برسـند لازم است که بنیادها و ساختارهای فکری آن تغییراتی پیـدا کند و نقش ابزارهای فرهنگی و از جمله رسانه ها در این فرایند با توجه به ویژگیهای منحصـر بفردی که این ابزار دارند، نقش مهم و حائز اهمیتی است.

بنـابراین نقش رسـانه و بویژه نقش رسانه ملی (به عنوان مهمترین شـریان و جریان ارتباطی و رسانه ای کشور) به عنوان یکی از ابزارهـای مهم فرهنگی در هر الگـو و مـدلی برای توسـعه و پیشـرفت کشور و همچنین در الگوی ایرانی ـ اسـلامی پیشـرفت و تحقق اهداف این الگو، نقش مهم و کلیدی است. اما بررسـی نقش و جایگاه رسانه در الگوی اسـلامی- ایرانی پیشرفت نه تنها کمک مهمی به تـدوین راهبردهای مهم نظام اسـلامی ایران و پیشبرد سـیاست گذاری های کلان نظام می نماید، بلکه از سوی دیگر راهبردهای مهمی نیز در اختیار برنامه سازان و تهیه کننـدگان و سیاسـتگذاران رسانه ملی بویژه در زمینه نقش و اهمیت و جایگاه رسانه ملی در تحقق اهـداف کلان نظام نموده و همچنین با ذکر مهمترین بایسـته ها و وظایف رسانه ملی در این زمینه، به نوعی تهیه کننـدگان و سـیاست گـذاران رسـانه ملی را با وظایف محوله در راسـتای تـدوین این الگو آشـنا ساخته و کمک شایانی نیز به تهیه کننـدگان و برنامه سازانی که قصـد تولیـد برنامه با محوریت «الگوی ایرانی ـ اسـلامی پیشـرفت» دارند، می نماید.

۷. پیشینه تحقیق

اشاره

۷. پیشینه تحقیق

مهم ترین تحقیقات مرتبط انجام گرفته درباره موضوع الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، عبارتند از:

ص:۴۵

الف) نگاهی به مفهوم، هدف ها و معیار های توسعه و پیشرفت در منابع معتبر اسلامی ـ ایرانی

الف) نگاهی به مفهوم، هدف ها و معیار های توسعه و پیشرفت در منابع معتبر اسلامی ـ ایرانی

این مقاله به کوشش دکتر علی رضا رضایی و دکتر بابک در مجموعه مقالات نخستین همایش الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نوشته شده است. پرسش اصلی نویسندگان این مقاله پژوهشی، عبارت است از اینکه مفهوم و هدف های توسعه و پیشرفت در منابع اسلامی ـ ایرانی چیست و چه شاخص هایی از توسعه و پیشرفت از منابع یاد شده قابل استخراج است؟ اما نویسندگان در نتیجه گیری مقاله شان، در پاسخ به این پرسش اساسی به این نتیجه رسیده اند: «به نظر می رسد هدف توسعه در منابع اسلامی ـ ایرانی، رسیدن به ارزش های متعالی انسان ـ که در هدف خلقت انسان منظور گردیده ـ می باشد، و رشد انسان، هدف فعالیت های مادی قرار گرفته است.» همچنین نویسندگان، ده معیار اصلی توسعه و پیشرفت را از منابع معتبر اسلامی ـ ایرانی، یعنی قرآن کریم، نهج البلاغه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه های بنیان گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران در صحیفه نور و بیانات مقام معظم رهبری، شناسایی کرده اند که عبارتند از: تقوا، علم محوری، قانون مداری، رفع فقر از جامعه، عقل گرایی، آزادی، مردم مداری، شایسته مداری و تخصص گرایی، نظم و عدالت اجتماعی.

ب) اقتراحی در چهره دهه چهارم انقلاب اسلامی و ارائه الزامات راهبردی (حوزه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، تقنینی و مدیریتی)

ب) اقتراحی در چهره دهه چهارم انقلاب اسلامی و ارائه الزامات راهبردی (حوزه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، تقنینی و مدیریتی)

وحید خاشعی این مقاله پژوهشی را برای نخستین همایش الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نوشته است. پژوهشگر در این نوشتار به دنبال

این هدف اصلی بوده است که با توصیف وضعیت حاکم بر حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، تقنینی، اداری و مدیریتی حاکم بر کشور و در آستانه دهه چهارم، به راهبردهای متناسب با هر حوزه، برای پیشرفت مبتنی بر عدالت دست یابد، اما به باور این نویسنده در سلسله مراتب سیاست گذاری راهبردی برنامه پیشرفت و عدالت، جایگاه الزامات راهبردی در تناظر با مسئله های اصلی حوزه‌های گوناگون نظام و در سطح پایین‌تر سیاست‌های کلی و فراتر از اقدامات عملیاتی جای می گیرد. در واقع، الزامات راهبردی به برنامه‌ریزان پیشرفت و عدالت، افق‌ها و چارچوب‌های اصلی مسائل حوزه‌های گوناگون را نشان می‌دهد. به باور این پژوهشگر، روش تدوین الزامات راهبردی، بر اساس مسائل و چالش های اصلی در هر حوزه است. گفتنی است، روش پژوهش در این مقاله، بر اساس مطالعه اسناد بالادستی و کتاب خانه‌ای و با ارجاع الزامات راهبردی هر حوزه به خبرگان، تأیید یا رد شده است. حوزه‌هایی که این مقاله در پی تدوین الزامات راهبردی برای آنها بوده است، عبارتند از: حوزه فرهنگی و اجتماعی، حوزه مالی و اقتصادی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، حوزه قضایی و تقنینی، حوزه اداری و مدیریتی.

ج) تحلیل الگوی پیشرفت و عدالت، رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران

ج) تحلیل الگوی پیشرفت و عدالت، رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران

جعفر عزیزی و عباس نیاوند، در این مقاله با بهره مندی از روش کتاب خانه ای به بررسی ضعف های الگوی توسعه و مقایسه آن با الگوی پیشرفت و عدالت، به عنوان الگوی پذیرفته‌شده در دهه چهارم انقلاب پرداخته اند. نتایج این پژوهش که در مجموعه مقالات نخستین همایش

ص:۴۷

الگوی اسلامی ـ ایرانی و به همت بنیاد پژوهش های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت منتشر شده است، نشان می‌دهد الگوی پیشرفت دارای دو جنبه مادی و معنوی است. مؤلفه توسعه که تحولی درون‌زا و همه‌جانبه بوده، می کوشد جنبه های مادی و بخشی از جنبه های معنوی الگو را تحقق بخشد. مؤلفه معنویت نیز با نگاه تعبد و اخلاق، سبب نامحدودگرایی و پویایی در روند توسعه و در نتیجه، رسیدن به پیشرفت می شود. مؤلفه عدالت نیز با توجه به تأکید بر عدالت الهی و عقلی، سبب برقراری عدالت مادی ـ که مورد نظر الگوی توسعه است ـ و عدالت معنوی می‌شود. به دلیل اهمیت عدالت در این الگو، هم‌تراز با پیشرفت نیز قرار می گیرد. مؤلفه عقلانیت نیز که از خود اسلامی سرچشمه می گیرد، سبب برقراری نظم اجتماعی و عقلانیت اسلامی در تحقق توسعه مادی و شکل گیری الگوی پیشرفت و عدالت می‌شود. به باور نویسندگان، الگوی پیشرفت و عدالت، با پوشش ضعف های الگوی توسعه، الگویی جامع و منطبق با شرایط مادی و معنوی ایران اسلامی است که هیچ گاه به بن‌بست نخواهد رسید و همواره پویا و کارآمد خواهد بود و از همه ظرفیت‌ها بهره خواهد برد.

د) مفهوم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

د) مفهوم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

مقاله دیگری با عنوان مفهوم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به کوشش سید حسین میرمعزی نگاشته شده است که در مجموعه مقالات نخستین همایش الگوی اسلامی ـ ایرانی آمده و به همت بنیاد پژوهش های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، چاپ شده است، با تبیین مفهوم دو واژه الگو و پیشرفت و با بیان وجه توصیف الگوی پیشرفت

ص:۴۸

به اسلامی و ایرانی بودن، به این نتیجه رسیده که الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت، نوعی الگوی نظریه‌ای با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی _ ایرانی پیشرفت می پردازد. پیشرفت عبارتند از: فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب.

به باور وی، الگوی پیشرفت مشتمل بر سه امر است:

الف) تحلیل وضعیت موجود؛

ب) تبیین وضعیت مطلوب؛

ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب.

نویسنده در بیان وجه توصیف این الگو به اسلامی بودن به صورت تفصیلی، به توضیح اختلاف مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی توسعه کلاسیک با اسلام می پردازد و نشان می دهد اختلاف در این مبانی، چگونه سبب اختلاف در الگوی پیشرفت می شود.

ه) تبیین الگوی مفهومی پیشرفت حقیقی اسلامی_ ایرانی مبتنی بر معرفت شناسی دینی با بهره مندی از رویکرد نظام‌مند

ه) تبیین الگوی مفهومی پیشرفت حقیقی اسلامی_ ایرانی مبتنی بر معرفت شناسی دینی با بهره مندی از رویکرد نظام‌مند

عباس چهاردولی در مقاله ای با نام تبیین الگوی مفهومی پیشرفت حقیقی اسلامی _ ایرانی مبتنی بر معرفت شناسی دینی، با بهره مندی از رویکرد نظام‌مند که در مجموعه مقالات نخستین همایش الگوی اسلامی _ ایرانی و به همت بنیاد پژوهش های الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت، چاپ شده، با بررسی هدف های ارزشی معنوی و مادی نظام اسلامی، با توجه به اینکه در اسلام تحقق رفاه مادی و توسعه، وسیله‌ای برای تحقق رفاه معنوی است، به گونه ای تحلیلی به بررسی نقش سرمایه انسانی و سرمایه

مذهبی در پیشرفت و توسعه، البته با به کارگیری الزامات دینی و آموزه‌های اسلامی ـ پرداخته تا مفاهیم مورد نیاز در ارائه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت را به شکل کاملاً ـ بومی و با استعانت از رویکرد نظام‌مند، استحصال و در پایان، الگوی مفهومی اقتضایی را برای ایران اسلامی ارائه کرده است.

و) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

و) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

کتاب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شامل فرمایش های مقام معظم رهبری درباره تحقق پیشرفت و عدالت در جامعه است.

این نوشتار شامل فرمایش های مقام معظم رهبری، با محوریت راهکارهای تحقق شعار دهه چهارم انقلاب، از جمله پیشرفت و عدالت و لوازم و پی آمدهای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از سال ۱۳۸۵ تاکنون می شود.

کتاب حاضر در ۹ فصل با سرفصل های تعاریف و مفاهیم، پیشرفت و عدالت؛ گفتمان دهه چهارم انقلاب، تبیین نمای کلی پیشرفت، الزامات پیشرفت، الگوهای نادرست پیشرفت، الگوی صحیح پیشرفت، جایگاه مهم علم و فن آوری در تحقق پیشرفت، وظیفه دانشگاهیان در دهه چهارم انقلاب و جایگاه عدالت در تحقق پیشرفت، تدوین شده است.

همه سخنان مقام معظم رهبری در این کتاب، در جمع دانشگاهیان، نخبگان و محققان، بیان شده است. کتاب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در ۱۸۰ صفحه به کوشش مؤسسه علمی ـ فرهنگی بصیرت، وابسته به دانشگاه صنعتی اصفهان، چاپ شده است.

ص:۵۰

ز) تأملی در جایگاه علوم انسانی در خلق فضای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ز) تأملی در جایگاه علوم انسانی در خلق فضای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مقاله تأملی در جایگاه علوم انسانی در خلق فضای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نوشته محمد تقی زاده در دومین کنگره ملی علوم انسانی ارائه شده است. مقاله حاضر کوشیده است جایگاه مبانی فکری اسلام را که بر شکل گیری الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت اثرگذارند، در تدوین مبانی نظری شهر اسلامی، به عنوان ظرف فعالیت های جامعه پیشرفته بر اساس الگوی اسلامی ــ ایرانی، بررسی و اثبات کند. و در نهایت، مبانی و اصول شهر و محیط زندگی اسلامی را که متناسب با نحوه زیستی که الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت برای ایرانیان تبیین می‌نماید، تدوین کند و در اختیار قرار دهد.

در چکیده این مقاله چنین آمده است: «از قدیم‌الایام، بی‌گمان شهر (و محیط زندگی) یکی از اصلی‌ترین آثار هر تمدن بوده است. شهرها جلوه عینی و فضای زیست اهل تمدنند؛ که می‌توانند به عنوان مقوم مبانی و تسریع‌کننده حرکت مردمان به سمت پیشرفت مورد نظرشان ایفای نقش کنند. شهرها نماد تمدن ها، ظرف زندگی مردمان هر تمدن، تجلی کالبدی و عینی باورهای جامعه و جلو ه الگویی اند که اهل مدینه برای پیشرفت انتخاب کرده‌اند. در واقع، مردمان و اهل یک تمدن، شهر خویش را چنان بنا می‌کنند که بتوانند آن گونه که الگوی ایدئال و مطلوبشان اقتضا می‌کند، در آن زندگی کنند. به عبارت دیگر، شهر را آن گونه سامان می‌دهند که در آن بتوانند آنگونه زندگی کنند که آرمان ها و ایدئال هایشان می‌گویند. بنابراین، رابطه شهر با الگوی آرمانی‌ای که جامعه برای خویش برمی گزینند، (برای نمونه الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت) غیر قابل انکار

ص:۵۱

است. امروزه نیز چنین است و در همه جوامع، سعی بر آن است (و امری طبیعی نیز محسوب می شود) که شهرها بر اساس مبانی الگویی که برای پیشرفت جامعه (اعم از برنامه‌های توسعه یا توسعه پایدار) تدوین شده و ملاک عمل قرار دارند، طراحی و برنامه‌ریزی شوند و بدین ترتیب، محیط مناسب و مطلوب زندگی مردمان را فراهم کنند تا در آن محیط و فضا و شهر، مردم بتوانند آنگونه که الگو و ایدئال هایشان تدوین و تبیین کرده است، زندگی کنند و به آرمان ها و اهداف الگوی مورد نظر خویش دست یابند. تأثیر علوم انسانی به معنای عام آن، که به جهان بینی، باورها، اعتقادات و فرهنگ مربوط می‌شود، بر تبیین الگوهای پیشرفت و بر تدوین برنامه‌های متناسب با آن امری مسلّم است. به این ترتیب، تأثیر علوم انسانی در تدوین برنامه‌های توسعه شهری نیز امری غیرقابل‌انکار است. علاوه بر آن، با عنایت به تأثیرپذیری الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت از مبانی نظری و فکری اسلام، تأثیر جهان بینی توحیدی اسلام بر تدوین مبانی نظری شهرسازی اسلامی امری لازم‌الرعایه است».

ح) مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت

ح) مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت

مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، عنوان مقاله ای است که به قلم علی حمزه پور نوشته شده است.

به باور نویسنده، تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت مبتنی بر بازتاب آرمان ها و هدف های نظام، با اتکا به پشتوانه های حقوقی و شرعی، تبیین کننده نگاهی سیستمی مشتمل بر تعیین اجزای مرتبط و ترسیم چگونگی ارتباط آنها، دارا بودن قابلیت تطبیق و دسترسی و بهره مندی از قابلیت پایداری و بقای تمدن اسلامی است. همچنین در این

مقاله تلاش شده است برای بازشناسی مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به عنوان مهم ترین رکن نرم افزاری در تداوم تمدن اسلامی، به صورت اجمالی، نخست مفاهیمی همچون نظریات توسعه و الگوهای مبتنی بر نظریات و استراتژی های توسعه مادی مورد احصا قرار گیرد، سپس تعامل فرهنگ و توسعه، تعریف پیشرفت و توسعه اسلامی و اهمیت دست یابی به الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و ویژگی ها و مبانی، شاخصه ها و راهبردهای دست یابی به آن، تبیین شود.

به باور نویسنده، حرکت به سوی دست یابی و تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، آغاز شده است، ولی بدیهی است، طراحی این الگو، سختی های خاص بنیان گذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور(با افق ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی و نیز همه جهانیان) را داراست و مشارکت فعال همه نخبگان حوزوی و دانشگاهی را می طلبد. بنابراین، در برنامه های پیشرفت و توسعه باید هماهنگی، سیاست گذاری متمرکز و ساماندهی ساختار اداری کشور با مهندسی، مدیریت و نظارت بر تحقق الگوی فرهنگ اسلامی ـ ایرانی پیشرفت با پیش بینی و اهتمام در رفع آسیب ها و موانع تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت نیز در دستور کار قرار گیرد.

ط) ضرورت ها و ویژگی های الگوی توسعه اسلامی ـ ایرانی

ط) ضرورت ها و ویژگی های الگوی توسعه اسلامی ـ ایرانی

ضرورت ها و ویژگی های الگوی توسعه اسلامی ـ ایرانی، عنوان مقاله ای دیگر به قلم علی حمزه پور است. در این مقاله به صورت اجمالی تلاش می شود، مفاهیمی همچون توسعه دین محور، الگوهای بومی توسعه و مؤلفه های توسعه اسلامی ـ ایرانی تبیین شود.

به باور نویسنده، با توجه به تحولات ارزشی برخاسته از انقلاب اسلامی و بیعت مجدد مردم با این آرمان ها، ضرورت افسون زدایی از ساخت افق های مادی گرایانه و فرآوری نگره های نو در عرصه پیشرفت و توسعه کشور بیش از پیش نمایان می شود. هنگامی اهمیت این موضوع دو چندان می شود که تجربه شیوه جدید حکومتی مبتنی بر دین در هزاره اخیر برای جهانیان بی سابقه بوده است. ازاین رو، با وجود نیرنگ و مانع تراشی سردمداران سلطه جهانی، همگان چشم انتظار کارآمدی و قابلیت توسعه هم زمان مادی و معنوی این الگو در دست یابی به سعادت ملت ها هستند.

ی) تبیین الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

ی) تبیین الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت از دیدگاه مقام معظم رهبری

کتاب تبیین الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، به کوشش افشین عادلی، در ۵۸ صفحه و به همت معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، چاپ شده است. به باور نگارنده، مجموعه حاضر برگی از دیدگاه های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ضرورت تبیین، هدف، تعاریف، تحول و پیشرفت، فرآیند تحقق، دیدگاه های علمی، اقتصادی، فرهنگی و همه ملاحظاتی است که با توجه به آموزه های آسمانی و پشتوانه تمدن این کشور، ایجاب می کند که از الگویی مستقل، کامل و پیشرو برای جامعه ای معنوی، همراه با قدرت بهره ببریم تا مبنای بهره مندی افراد مکلف به تبیین این الگو در کشور قرار گیرد.

در این کتاب، بیانات مقام معظم رهبری در بیش از چهل عنوان دسته بندی شده است. در بخشی از آن درباره هدف تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چنین می خوانیم: «پیشرفت کشور و تحولی که

به پیشرفت منتهی می شود، باید طوری برنامه ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه ای از انسان، حتی نه انسانِ ایرانی. پیشرفتی که ما می خواهیم، بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوییم برای طبقه ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است».

در بخش متولیان تنظیم نقشه پیشرفت کشور، چنین می خوانیم: «وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت این تحول است، نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسلیم هر تحولی شد».

فصل دوم: مبانی و بنیان های الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت و تفاوت آن با دیگر الگوهای توسعه

اشاره

ص:۵۵

فصل دوم: مبانی و بنیان های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت و تفاوت آن با دیگر الگوهای توسعه

ص:۵۷

زیر فصل ها

۱. بررسی مبانی و مفهوم توسعه

۲. بررسی مفهوم پیشرفت

۱. بررسی مبانی و مفهوم توسعه

اشاره

۱. بررسی مبانی و مفهوم توسعه

از جمله دشواری های همیشگی در بررسی ادبیات توسعه اقتصادی و دگرگونی اجتماعی، مشخص کردن مفهوم توسعه و رشد است؛ زیرا اصطلاح توسعه به همراه خود، مسائل ایدئولوژیکی و نظریه ای فراوانی دارد.

غالباً دو اصطلاح رشد و توسعه به یک معنا به کار می رود که این امر به باور بسیاری از کارشناسان توسعه، برداشتی نادرست است. رشد، مفهومی یک بُعدی دارد و منظور از آن افزایش کمّی ثروت در جامعه است و معمولاً ـ با شاخص هایی مانند درآمد سرانه اندازه گیری می شود، اما توسعه افزون بر افزایش کمّی ثروت جامعه، از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می کند.(۱)

«توسعه»، بازگردان فارسی واژه Development است که از فعل Develop گرفته می شود. این واژه در فرهنگ لغت وبستر به معنای رشد تدریجی، به شکل های گوناگون و به تدریج کامل تر شدن، بزرگ تر شدن، بهتر شدن و غیره آمده است.(۲)

۱- مصطفی ازکیا، جامعه شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران، صص ۲ و ۳.

۲- ابراهیم عباسی، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، ص ۲۵.

به بـاور کارشـناسان، توسـعه، مفهومی ارزشـی است؛ زیرا دربرگیرنـده همه کنش هایی است که برای کشانـدن جامعه به سوی تحقق مجموعه ای منظم از شـرایط زنـدگی جمعی و فردی (که در ارتبـاط با برخی از ارزش های مطلوب تشـخیص داده شـده اند)، صورت می گیرد.(۱) در دهه های گذشـته، چنین تلقی می شد که توسـعه چیزی جز افزایش پایدار سـرانه تولید ناخالص داخلی، همراه با دگرگونی ساختار اقتصادی و ارتقای کلی سـطح زندگی بخش های وسیعی از مردم نیست، اما اکنون همگان به این نتیجه رسـیده اند که توسـعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و افزون بر بهبود سـطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی های سیاسی و بزرگ داشت ارزش ها و سنت های بومی را هم در بر می گیرد.(۲)

اقتصاددانان توسـعه که در هر حال موضوع مطالعات خود را قلمروی اقتصاد در نظر می گیرند، بر این باورند که توسعه، پدیده ای صـرفاً اقتصـادی نیست و افزون بر بهبود وضع درآمـدها و تولیـد آشـکارا متضـمن تغییرهـای بنیـادی در ساختمـان نهادهای اجتمـاعی و اداری و نیز طرز تلقی عـامه و در بیشتر موارد باورهای فرهنگی و فکری است. آن گاه که از توسـعه سـخن به میان می آید، باید جمیع این وجوه را شامل شود.(۳)

توسـعه، فرآیندی است که زمینه شـکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می سازد و در این فرآیند، با بهره مندی بهینه از منـابع گونـاگون، بستر منـاسبی برای رشـد (همه جـانبه) فراهم می آیـد. در نتیجه، افراد جامعه در این فرآینـد، مسـیر تکاملی شایسته خود را می پیمایند. به

ص:۶۰

۱- عسگر دیرباز و حسن دادگر، نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، ص ۱۵.

۲- اخترشهر، اسلام و توسعه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص۱۳۷.

۳- همان، ص۱۶.

سخنی دیگر، توسعه، فرآیند تحول بلندمدت و همه جانبه (ساختاری و کیفی) درون یک نظام اجتماعی به نام جامعه است که تا حدی امکان دارد نیازهای رو به گسترش جامعه را با روش عقلانی برآورده کند.(۱)

الف) تعاریف توسعه

الف) تعاریف توسعه

تعریف هـای مربوط به توسـعه، متنوع و گونـاگون است و مبانی آن دربرگیرنـده چارچوب های اقتصادی، سیاسـی، فرهنگی و انسانی ارائه دهندگان آن است. در واقع، توسـعه، مجرای واقعی تحقق آرمان ها و خواست ها ی جوامع بشـری است. بی تردید در این میان، توسعه را می توان بهینه سازی در بهره مندی از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع بیان کرد. همچنین می توان آن را فراگردی تعبیر کرد که در چارچوب آن، جامعه از وضـعیتی نامطلوب به سوی وضعی مطلوب متحول می شود. این فراگرد به گونه ای است که همه نهادهـای جـامعه را در بر می گیرد و مـاهیت آن بـدین ترتیب است که توان و ظرفیت بـالقوه جـامعه به صورت بالفعل درمی آیـد. به سـخن دیگر، در فرآینـد توسـعه، اسـتعدادهای سازمانـدهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می شود؛ اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.(۲)

توسـعه به عبارت دیگر، سـیری برای اسـتوارسازی روابط اجتماعی و پرورانیدن اسـتعدادها، بهره مندی بهینه از مواهب طبیعی و امکان رشد همه قشرهای جامعه بیان کرد که به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد و

ص:۶۱

۱- همان، صص۱۰۴ و ۱۰۵.

۲- دنیس گولت، «توسعه آفریننده و مخرب ارزش ها»، نشریه برنامه و توسعه، ش ۱۰، بهار ۱۳۷۴، صص ۷۲ _ ۸۱.

میدان آزمایشی برای هر جامعه ای است که خواهان این پدیده است. در یک قالب کلی تر می توان آن را نیل به خودبسی(۱) و به دست آوردن مشارکت خلاقانه مردم، در بهره برداری کامل از نیروهای مولد ملی و ظرفیت های انسانی یک جامعه شمرد. در تعریفی دیگر، توسعه مجموعه ای از فعالیت ها برای هدایت در جهت برقراری شرایط مطلوب زندگی بر اساس نظام ارزشی مورد پذیرش جامعه است. برخی نیز توسعه را در مفهوم عام، گذر از سنت به تجدد بیان کرده اند. این امر ناظر بر کشورهایی است که هم اکنون توسعه یافته اند.(۲) در این دیدگاه، توسعه واقعیتی مادی و ذهنی است که در جنبه های گوناگون زندگی، اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، آثار مشخصی بر جای می گذارد.(۳)

به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی ـ اجتماعی را به همراه دارد. بی گمان، تعریف های مرتبط با توسعه تحت تأثیر نظام فکری و ارزشی حاکم بر ذهنیت افراد نظریه پرداز است که هریک بر مبنای چارجوب فکری خود توسعه را تعریف کرده است. با وجود تعریف های بسیار از توسعه، همه آنها در این محور مشترکند که جوامع برای رسیدن به مطلوبیت زندگی اجتماعی به ایجاد شرایط و امکانات مناسب در جنبه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیاز دارند. بر این اساس، توسعه افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در

۱- ادوارد برمن، کنترل فرهنگ: نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی امریکا، ترجمه: حمید الیاسی، ص ۱۷.

۲- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلام علی فرجادی، ص ۱۲۲.

۳- جرالد، ام. مایر و دادلی سیرز، پیشگامان توسعه، ترجمه: علی اصغر هدایتی و علی یاسری، ص۷۱.

ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین نگرش های عمومی مردم است. این امر تا آنجا پیش می رود که حتی توسعه در بسیاری موارد عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می گیرد.(۱)

ب) سیر تحول اندیشه های توسعه

ب) سیر تحول اندیشه های توسعه

برای درک درست، از مفاهیمی مانند توسعه، باید بر سیر تحول دیدگاه های رشد و توسعه و نحوه اتخاذ الگوهای توسعه، مروری داشت.

دست یابی به توسعه، امروز به طور مشخص، یکی از آرزوهای شیرین و دور از دسترس بسیاری از کشورهای جهان است، ولی اندیشه پیشرفت و راه های تحقق آن قدمتی طولانی دارد و در طی دوره های گوناگون حیات بشری، جوامع مختلف و به ویژه رقیب، همواره کوشیده اند برای گسترش قدرت و توانایی های خویش، به تازه ترین شیوه ها و ابزارهای چیرگی بر طبیعت و بهره مندی بهتر و کارآمدتر از امکانات آن دست یابند.(۲)

پس از جنگ جهانی دوم، مباحث توسعه اقتصادی به طور بی سابقه ای در کانون توجهات و مباحث اقتصادی قرارگرفت و در طی چندین سال، با تمرکز بر موضوعی خاص به رشته ای مستقل از دانش اقتصاد تبدیل گشت و در سال هایی چند، انبوهی عظیم از مباحث توسعه و ادبیات گسترده در آن مورد، تولید شد و نحله ها و رویکردهای متفاوتی را در دامان خود پرورش داد. چنین رشد و گسترش قابل توجهی در مباحث توسعه تنها مشتمل بر انتخاب استراتژی ها یا سفارش های عملی درباره

۱- توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص۱۲۵.

۲- سید هادی لشکری، توسعه در آینه تحولات، ص ۱۵.

نیل به توسعه نبوده است، بلکه مفهوم توسعه را نیز در بر می گیرد، به گونه ای که همراه با ارائه انبوه نظریات توسعه و اجرا و به کارگیری آن به طور عملی و شکست ها و تجدیدنظرهای به عمل آمده در هر دو عرصه نظریه و اجرا، مفهوم توسعه نیز دچار بازنگری و تحول شده است.(۱)

توسعه در ادبیات اقتصادی، از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۷۰ میلادی به عنوان رشد اقتصادی مطرح بوده است. البته پیش از رشد اقتصادی، واژه های دیگری از آغاز دانش اقتصاد، از سال ۱۷۷۶، تا جنگ جهانی، به ویژه واژه پیشرفت و ترقی به کار رفته که در ادبیات کلاسیک و حتی نئوکلاسیک، مطرح بوده است. البته تلقی آن دوره از پیشرفت و ترقی و الزامات هر یک، با مطالبی که در آینده مورد نظر قرار می گیرد، متفاوت بوده است. در دهه های چهل و پنجاه میلادی، به ویژه پس از جنگ جهانی رشد اقتصادی، به هدف اصلی و محوری توسعه تبدیل شد و جهت گیری آن، شتابی در افزایش کمّی و مقداری بود که توسعه سریع صنعتی را هدف اصلی و محوری مطرح کردند. ازاین رو، تأکید اصلی روی تغییرهای کمّی در تولیدات صنعتی مطرح شد.(۲)

این رشد اقتصادی، به دلیل اختلالاتی که در طول زمان برای آنها پیش آمد، سبب شد آنان به یکی از هدف های اصلی توسعه که همانا افزایش سطح رفاه و بهبود عمومی سطح زندگی بود، دست نیابند؛ زیرا با وجود تحقق رشد اقتصادی، هنوز هم بی سوادی، نداری و نابسامانی های اجتماعی، به ویژه بیماری، با وجود دست یابی به نرخ های رشد بالای

۱- ۲.همان، صص ۱۸ و ۱۹.

۲- محمدجواد زاهدی، توسعه و نابرابری، صص ۵۱ و ۵۲.

اقتصادی برای آنها، وجود داشت. ازاین رو، از آغاز دهه ۱۹۷۰، نسبت به توسعه تعریف مجددی مطرح شد و سازمان ملل واژه رشد اقتصادی را با واژه توسعه جای گزین کرد. ازاین رو، آغاز بحث توسعه و استراتژی های توسعه به پایان دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بر می گردد و مجموعه ای از شاخص ها نیز برای توسعه و اندازه گیری آن پیشنهاد شد.(۱)

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، فرآیند توسعه نیز با دو نگاه الگوهای سوسیالیستی و الگوهای سرمایه داری مطرح شد. در الگوهای سوسیالیستی بحث هایی مانند عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای پایه ای و اساسی، به عنوان بحث های محوری مطرح گشت. در این دوره، مفهوم توسعه را با توجه به هدف افزایش سطح رفاه از این جهت می دانستند که توسعه باید نیازهای پایه ای و اساسی جامعه را در مواردی مانند خوراک، پوشاک، سرپناه، فرصت های شغلی و نظایر آن ایجاد کند. برخی از الگوهای سرمایه داری نیز تأمین نیازهای پایه ای را پذیرفتند و به آن استناد کردند.

در این نگرش، آزادی در معیارها مطرح شد. برای نمونه، میردال، نخستین برنده جایزه نوبل در اقتصاد توسعه و سیلز، به عقلانیت و آزادی و دموکراسی و افزایش سطح زندگی، به عنوان معیارهای توسعه اشاره کرده اند. به هر حال این فرآیند و سیر تحول الگوها و گرفتن استراتژی ها، جریانی را پدید آورد و به مسائل جدید توسعه انجامید، یعنی در عمل دیده شد که الگوهای توسعه، اختلالاتی داشته است و هدف های نهایی و مطلوب را تأمین نکردند، بلکه عوارض و اختلالاتی نیز به دنبال داشت.

بعدها مباحثی در زمینه توسعه مطرح شد که در هند پژوهش های

ص:۶۵

۱- همان، ص ۵۴.

خوبی درباره آنها صورت گرفت و آمارتیاسن نیز با توجه به مقالاتی که در این موارد ارائه کرده، برنده جایزه صلح نوبل شد. این مباحث ناظر به این رویکرد است که هنگامی وضعیت مطلوب است که اخلاق در اقتصاد حاکم باشد. اگر اخلاق از اقتصاد، سیاست و برنامه ریزی فاصله بگیرد، اختلالاتی ایجاد می کند. برای نمونه، مشکلات محیط زیستی به دلیل رعایت نکردن اخلاق است که برای به حداکثر رساندن منافع، محیط زیست را به خطر می اندازند.

بنابراین، بحثی به عنوان توسعه اخلاق محور مطرح شد که البته بیشتر در سطح ادبیات توسعه است و هنوز وارد سیاست گذاری نشده است، کما اینکه توسعه پایدار هم نهادینه نشده و بسیاری از سیاست مداران، الزامی به آن ندارند. توسعه اخلاق محور، زمینه را برای مباحثی مانند توسعه دین محور باز می کند؛ توسعه ای که در غرب پدید آمد، امری ناگهانی و بدون مقدمه نبود و به بیان گلومن، آنچه غرب از عصر روشنگری و راسیونالیسم آموخته، آمیزه ای تصادفی و دفعی نبوده است، بلکه آموزاندن و آموختن آن در طول چند قرن و به طور تدریجی، پذیرفته شده است. گام های مدرنیسم در غرب و شکل گیری نهادهای لیبرالی، دموکراسی و خلق مفاهیمی مانند مساوات حقوقی و مدارهای مذهبی، بر بستری تاریخی حرکت کرده که با پدید آمدن طبقه متوسط جدید و متناسب با هدف ها و منافع بورژوازی، ارتباط نیرومندی داشته است.

بنابراین، ریشه تحولات صنعتی و علمی و اقتصادی غرب در تغییرهای همه جانبه و گسترده ای بود که فرهنگ، جهان بینی، اجتماع و سیاست، در قرن منتهی به رنسانس و پس از آن، تا قرن هجده میلادی را

عمیقاً دگرگون ساخته بود. چنین توسعه ای با چنین مقدمه ها و دست آوردهایی، مولود شرایطی خاص و مخصوص به همان شرایط است و پیمودن این مسیر و دست یابی به آن، برای فرهنگ هایی متفاوت و شرایطی گوناگون، با ارزش ها و علایق فرهنگی و اجتماعی گوناگون، عملی و قابل تجویز نیست. بنابراین، الگوبرداری از توسعه غرب، برای کشورهای دیگر روا نیست.

ازاین رو، هر گونه الگوبرداری کورکورانه و صوری، تقلیدی بی حاصل و به شهادت تجربه های تاریخی، منتهی به شکست است. بر این اساس، شناخت فرهنگ خودی، پیدایش آن و ایمان به ریشه های خود و شناخت بنیادین و موشکافانه فرهنگ غرب، برای گزینش و بهره مندی و درون زا نمودن دست آوردهای تمدن غرب ضروری و اساسی است.(۱)

پس از ارائه نظریه نوسازی در دهه پنجاه، در حدود دو دهه بعدی، تقریباً به طور مرتب از سوی نظریات رقیب و معارضان مکتب نوسازی، انتقاد شده است. البته رویدادهایی مانند فروپاشی شوروی سابق و شکست بلوک شرق، در این تجدید حیات بی تأثیر نبود، اما به هر حال، این نظریه در شکل تازه اش، اصلاحات و تغییرهایی یافته بود. در این مطالعات، برخلاف نظریات سابق، سنت و تجدد مفاهیمی ضد یکدیگر فرض نمی شوند. هر آنچه سنتی است، بد و منفی پنداشته نمی شود، بلکه حتی گاهی بر تأثیر مثبت و ارزشمند و ایجابی سنت نیز تأکید می شود. بنابراین، در این نظریات به جای طرح مباحث مجرد و انتزاعی و فرض قوانین عام، کوشش بر آن است که الگوهای توسعه بر اساس مطالعات موردی در کشورهای گوناگون تبیین شود. ازاین رو، راه های متعدد و

۱- همان، صص ۶۰ _ ۶۲.

مختلف به سمت توسعه، به رسمیت شناخته شده است. همچنین کاملاًـ تأثیر عوامل خارجی که در نظریه سابق از آن غفلت شده بود، تا حدودی به آن توجه می شود، اما با این حال، هنوز عوامل داخلی، متغیرهای عمده به شمار می آید.

تاریخ، اقوام، ملل، فرهنگ و ارزش ها باورها و عنصرهای هویت بخش ملت ها هستند. به هر حال، ملت هویت یافته احساس شخصیت می کند، دارای عزت نفس و کرامت انسانی است و وجه المصالحه اغراض شخصی دیگران قرار نمی گیرد و برای اثبات شخصیت عزت و کرامت خود می کوشد، و از ایثار و فداکاری دریغ نمی ورزد.

خودباوری، نیازمند تحرک و پویایی است. پس از شناخت شرایط و موقعیت ها، ایجاد تغییر و حرکت، نیازمند تصمیم منطقی و اقدام است. بدون خودباوری، شناخت شرایط و موقعیت ها، تصمیم منطقی و اقدام معقول افراد یا ملت هایی که خودباور نیستند، به درستی میسر نیست. در واقع، زمام امور خود را به دیگران سپرده اند تا دیگران برایشان تصمیم بگیرند؛ زیرا آنها شجاعت گرفتن تصمیم را ندارند. سرانجام امید به آینده، لازمه حرکت و پویایی است. ایجاد تغییر، متناسب سازی نهادهای اجتماعی برای رشد نظام اجتماعی، افزون بر پیچیدگی های شناختی، اجرایی و اداری، معمولاً دشوار است و برای افراد سختی هایی پدید می آورد. پذیرش دشواری ها بدون داشتن امید به آینده ای بهتر ممکن نیست و اگر هم در شرایطی خاصی تحقق یابد، موقتی است و استمرار نخواهد داشت. اگر عوامل یاد شده انگیزه کافی در افراد یک ملت ایجاد کند، آن گاه در گام بعدی باید افراد در فرآیند رشد نظام

اجتماعی مشارکت فعال و سازنده ای داشته باشند. در این فرآیند، عناصر مثبت و پیش برنده، هم در افراد و هم در نهادها و سازمان ها، سبب رشد مجموعه نظام اجتماعی می شود و این به شکل گیری ظرفیت های تازه می انجامد که به تعبیر اقتصادی، یعنی ایجاد رشد همراه با عدالت و رفع نابرابری، اشتغال آفرینی و رفع فقر که البته این رشد می تواند پایدار نیز باشد.(۱)

در این دیدگاه، نوسازی و توسعه، روندهای چند خطی یا چند مسیری هستند. تجربه تاریخی نشان می دهد که لزوماً همه جوامع مسیر یکسان و واحدی را به سوی نوسازی و توسعه ملی نمی پیمایند.

بنابراین، با ظهور پی آمدهای ناخوشایند طرح های توسعه و گذشت بیش از یک دهه تمرکز بر افزایش رشد اقتصادی، خوش بینی اولیه اقتصاددانان به ناامیدی گرایید. بر خلاف وعده های نخستین درباره کاهش تدریجی نابرابری اولیه، توزیع درآمدها، نه تنها عادلانه تر نشد، بلکه شکل ناعادلانه تری گرفت. یافته های آلبرت فیشلو که بر اساس سرشماری سال ۱۹۷۰ میلادی به دست آمده بود، نشان می داد با وجود رشد قابل ملاحظه برزیل، توزیع درآمد در آن کشور، نابرابر تر و موقعیت برخی گروه های کم درآمد، به نسبت گذشته، بدتر شده بود. رییس جمهور برزیل، در اشاره به چنین موردی یادآور شده که برزیل در حال پیشرفت است، اما برزیلی ها پیشرفت چندانی ندارند. این پدیده به برزیل اختصاص نداشت و بسیاری از کشورهای توسعه نیافته با چنین معضلی دست به گریبان بودند. این کشورها که در دهه ۱۹۶۰، در مقایسه با استانداردهای تاریخی، رشد اقتصادی بالایی داشتند،

۱- همان، صص ۳۵۲ _ ۳۵۷.

آرام آرام تشخیص دادند که چنین رشدی، برای مردم فقیرشان فواید بسیار کمی داشته است. همچنین آمارهای کشورهای گوناگون، عدم وجود رابطه یا همبستگی روشنی، بین سطح درآمد سرانه و درجه نابرابری را آشکار ساخت.

این وضعیت ناخواسته از وجود اشکال ها و کاستی های اساسی در تعریف توسعه و نگرشی حکایت می کرد که درباره آن وجود داشت. در همین دهه، برای کنار گذاشتن تولید ناخالص، با حمله به وجود فقر گسترده و توزیع ناعادلانه درآمدها و بیکاری اعتراض های بسیاری شد و خواستار توجه بیشتر به توزیع درآمدها و ارائه تعریف جدیدی از توسعه شدند.(۱) دادلی سیرز در این جهت، پرسش اساسی توسعه را مطرح می کند؛ پرسش هایی که درباره توسعه یک کشور می توان کرد، عبارتند از: فقر، بیکاری و نابرابری چه تغییری کرده است؟ چنانچه سه پدیده یاد شده در طی یک دوره کم شده باشد، بی گمان این دوره برای کشور مورد نظر، دوره توسعه بوده است. اگر یک یا دو مورد از این مسائل اساسی و به ویژه اگر هر سه مسئله بدتر شده باشد، بسیار عجیب خواهد بود که نتیجه را توسعه بنامیم، حتی اگر درآمد سرانه دو برابر شده باشد.

در پایان دهه ۱۹۶۰، الگوی نیازهای اساسی شکل گرفت که خاستگاهش همان دغدغه های ناشی از بی اعتنایی به توزیع درآمد و تأمین نکردن رفاه فقیرترین اقشار یک مجموعه چند صد میلیونی بود که در فقر مطلق و عمدتاً در کشورهای در حال توسعه به سر می بردند که بر اساس رویکردهایی در زمینه تعیین هدف ها و سیاست گذاری

۱- همان، صص ۶۵ و ۶۶.

توسعه، بر محور رفع نیازهای اساسی استوار شد، تحولی که این الگو به همراه آورد، از سوی سازمان ملل متحد و سازمان های وابسته به آن پذیرفته و دنبال شد. در سال ۱۹۷۶ نیز مدیرکل سازمان بین المللی کار، در گزارش به کنفرانس جهانی اشتغال، پیشنهاد کرد همه کشورها تا سال ۲۰۰۰ میلادی، برای تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه خود، اولویت قائل شوند که تأمین حداقل مصرفی که برای داشتن افرادی سالم ضروری است، تأمین استانداردهای حداقل برای دست یابی به خدمات عمومی، دسترسی تهی دستان به فرصت های شغلی تا قدرت بر کسب حداقل درآمد مطلوب، پیدا کنند و حق مشارکت در تصمیم گیری هایی که زندگی و معاش انسان ها را متأثر می سازد، از جمله این نیازهاست.

بدین ترتیب، نگرش جدیدی که همراه با رویکرد رفع فقر و نیازهای اساسی در روند توسعه پدید آمده بود، تأیید و تثبیت شد. اکنون این رویکرد، توسعه را از پیله رشد بیرون آورده است و در فضایی گسترده تر و انسانی تر می توان به آن نگریست.(۱)

بنابراین، مفهوم توسعه نیز به مرحله ای تازه از تحولات خویش گام گذاشت و تعبیرهایی مانند توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و توسعه انسانی، رفته رفته در کنار توسعه اقتصادی رواج یافت.

پس از آنکه تک بُعدی و خطی بودن توسعه نفی شد و توسعه فرآیندی چند بُعدی قلمداد شد، _ که نیازمند تغییرهای اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است _ توجه به

۱- توسعه در آینه تحولات، صص ۳۲ _ ۳۵.

انسان و جنبه های گوناگون حیات او نیز افزایش یافت. در همین زمینه، حتی سازمان بین المللی یونسکو نیز تصریح کرد که توسعه باید یکپارچه و فراگیر باشد: «فرآیندی تمام عیار و چند وجهی که تمام ابعاد زندگی یک جامعه، روابط آن با دنیای خارج و وجدان و آگاهی آن را فرا می گیرد».(۱)

در سال ۱۹۷۴، اعلامیه «کوکویوک»، هدف توسعه را انسان ها و نه اشیا اعلام کرد. در آن اعلامیه آمده بود، هر فرآیند رشدی که نیازهای اساسی را ارضا نکند یا حتی بدتر، ارضای آنها را مختل سازد، صرفاً کاریکاتوری از توسعه است.

همچنین در دهه ۸۰، مفاهیم جدیدی از فرهنگ و توسعه، که نقطه آغاز تغییر در جامعه و سنگ بنای توسعه بر مبنای هویت و ارزش های اخلاقی و معنوی بود، مطرح شد.(۲)

انکار جنبه فرهنگی توسعه، به بهای صرف نظر کردن از توسعه و افتادن در دام اشتباه های گذشته و به بیراهه رفتن انجامید و شکست الگوهای توسعه ای که به جنبه فرهنگی توسعه، نظر نداشتند، آشکار و تأکید شد که توسعه باید بر پاس داشت هویت فرهنگی ملت ها استوار باشد و با پذیرش نقش فرهنگ و توان بازسازی و پویایی آن درباره اش تجدیدنظر کرد؛ زیرا هیچگونه توسعه ای بدون داشتن دیدگاه و نگرش کلی نسبت به مسائل فرهنگی امکان پذیر نخواهد بود. همچنین تجربه کشورها نشان داد که مفهومی از توسعه که فقط بر عوامل اقتصادی تکیه کند، شرایط ساختاری خاصی را پدید می آورد که توسعه نیافتگی

۱- همان، ص ۳۶.

۲- همان، صص ۳۶ و ۳۷.

را تشدید می کند و تنها با وجود عوامل فرهنگی و راه حل های انتخاب شده برای توسعه، می توان نیازها و خواست ها ی گروه های اجتماعی را برآورد.

سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۰، گزارشی به عنوان گزارش توسعه انسانی منتشر و اعلام کرد هدف اساسی توسعه، ایجاد محیطی توان بخش برای مردم است تا از حیاتی طولانی، سالم و خلاق برخوردار شوند. سازمان ملل با شاخص های جامع مربوط به زندگی انسان، به ارزیابی کشورها می پردازد. همچنین در این گزارش، توسعه انسانی، فرآیندی از گسترش عرضه انتخاب های مردم معرفی شده است و سه گزینه اصلی در همه سطوح توسعه را بدین شرح بر می شمرد؛ امکان برخورداری از عمری طولانی، همراه با تندرستی، دانش اندوزی و دسترسی به منابع مورد نیاز برای سطح شایسته زندگی.

به موازات تحولاتی که در تفسیر و تبیین معنای توسعه اقتصادی پدید آمد، درباره نقش عوامل گوناگون بر توسعه و اولویت و میزان اهمیت هر یک، تغییرهایی شکل گرفت؛ به گونه ای که عوامل غیراقتصادی که در آغاز کاملاً ـ تحت تأثیر عوامل اقتصادی، دیده نشده بودند، در وهله نخست بر میزان اهمیتشان، افزوده شد و به مرور به عنوان عواملی مستقل مطرح شدند. در نتیجه، توسعه از امری اقتصادی به پدیده ای فرااقتصادی تبدیل شد. نخستین رگه های اهمیت جنبه های غیراقتصادی را می توان در نظریه های نوسازی دید.

در تحقیقاتی که از سوی نظریه پردازان این مکتب صورت گرفت، ادعا شد که نوعی تناسب میان جهت گیری های مربوط به نقش های

اساسی افراد و رشد اقتصادی وجود دارد و اگر این جهت گیری ها در جهان سوم، همانند جهت گیری های حاکم در جوامع غرب انجام شود، رشد اقتصادی روی خواهد داد. به سخنی دیگر، نظام ارزشی هر جامعه، پیش شرط رشد اقتصادی آن جامعه خواهد بود. بدین سان، این مکتب، توسعه را در برابر سنت ها و ارزش های جوامع توسعه نیافته قرار داده است و لزوم ترک آن سنت ها و ایجاد تحول در آنها را خواستار شد.(۱)

ازاین رو، همه تلاش ها و تکاپوهای فکری دهه ۱۹۷۰ که ناشی از شکست عملی نظریه های توسعه و اشتباه و ابهام در مفهوم توسعه بود، هر چند اعوجاج و تک بعدی بودن آن را نقد کرده است، اما ابهام مفهوم توسعه را برطرف نساخت و میان دانشمندان توسعه، وفاقی پدید آورد. یکی از اختلاف های به جا مانده در این باره، این مسئله بود که آیا توسعه امری عینی است که در روندی مشخص صورت گرفته و جوامع دیگر نیز حتی با وجود تفاوت در شرایط و احیاناً فرهنگ ها در نهایت باید به همان سو حرکت کنند یا اینکه توسعه با توجه به ارزش ها و فرهنگ جامعه تعریف می شود. بنابراین، آیا امری مستمر و متحول و در نتیجه، ارزش ذهنی است؟ در روش نخست، به طور عینی کشورهای جهان را در دو دسته کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته می یابیم. در نظر این عده، وجه اشتراک کشورهای توسعه یافته که عصاره و جوهره توسعه اقتصادی نیز است، اتکای تولید در این کشورها به مبانی علمی و فنی تازه بشری است. در این دیدگاه، جامعه توسعه نیافته، جامعه ای است که

۱- همان، صص ۳۷ و ۳۸.

اساساً برای تولید، به مبانی تازه می اندیشد و هنوز جامعه توسعه نیافته توان این کار را نیافته است. جالب است هنگامی از روش دوم، یعنی مطالعه تاریخی بهره می بریم، به همین نتیجه نیز می رسیم.(۱)

ازاین رو، اندیشمندان توسعه، رویکردهای توسعه را به چهار دسته اصلی تقسیم می کنند:

۱. رویکردهای مبتنی بر رشد، که به اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک وابسته است و طرفدار رشد اقتصادی بدون توجه به مسائل عدالت اجتماعی، کاهش فقر و یا کاهش فاصله های طبقاتی است؛

۲. رویکردهای مبتنی بر نوسازی (مدرنیسم) که به مکتب های جامعه شناختی تکامل گرا نظر دارد و طرفدار تغییرهای ساختاری در جهت تبدیل جوامع سنتی به جوامع تازه با همه استلزامات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این نوع گذارهاست؛

۳. رویکردهای مارکسیستی و چپ گرای (رادیکال) توسعه که طیفی از دیدگاه های مارکسیستی قدیم و جدید، از گذار انقلابی به جامعه سوسیالیستی تا راه رشد غیرسرمایه داری و نظریه وابستگی و قرائت های امروزین جامعه شناختی انتقادی را در برمی گیرد؛

۴. رویکردهای لیبرالیستی و نئولیبرالیستی که طرفدار توسعه ای انسان محور است و بر پاس داشت محیط زیست، پای می فشارد و عمدتاً در قالب طرفداری از توسعه انسانی و توسعه پایدار مطرح می شود.(۲)

در مروری اجمالی، سیر تحول اندیشه ها و سیاست های توسعه در نیم قرن گذشته، دو نوع الگوی مسلط توسعه، چه در ادبیات توسعه و چه در

ص:۷۵

۱- همان، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- توسعه و نابرابری، ص ۱۱۰

الگوها و استراتژی توسعه، به چشم می آید: الگوهایی که به عنوان سوسیالیستی، مطرح می گردند و الگوهایی که ذیل عنوان سرمایه داری، مطرح یا بررسی می شوند، غالباً هر دوی این الگوها در فضای جنگ سرد شکل گرفته اند و به درک سیستمی و شرایط زمانی حاکم در آن زمان مربوط می شوند.

پس از فروپاشی شوروی و تغییر و تحولاتی که در پایان دهه ۸۰ و آغاز دهه ۹۰ روی داد، جریان سازی هایی به وسیله نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و امثال آن به سمت سیاست هایی که متأثر از نگرش های برون نگر بود، انجام شد، به گونه ای که در پی هر الگو یا استراتژی ای که باشیم، عمدتاً نشانی نگرش های برون نگر را دریافت می کنیم. از دهه ۱۹۸۰، اقداماتی که به عنوان سیاست های تعدیل ساختاری یا سیاست های تعدیل اقتصادی مطرح شده اند یا بحث جهانی سازی که در دهه ۱۹۹۰ در این مسیر شکل گرفت، همگی الزاماتی تحمیلی به وسیله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، برای حرکت به سوی نگرش های برون نگرند.

به هر حال، اگر به بحث درباره مباحث مفهومی توسعه برگردیم، هنوز هم این مفهوم اجماع لازم را ندارد و باید گفت واژه توسعه، در زمینه مفهوم و روش، مناقشاتی دارد. بسیاری بر این باورند که اگر هر کشور دارای تعریف و درک درستی از توسعه ملی نباشد، بسیار محتمل است که سیاست های توصیه ای و الگوهای ارائه شده اش، با شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و حتی مقتضیات جغرافیایی، منطبق نباشد و چه بسا الگوی توسعه آن کشور، به نسخه هایی ناکارآمد و حتی جریانی ضد توسعه تبدیل شود.

ج) تعامل فرهنگ و توسعه

ص:۷۶

ج) تعامل فرهنگ و توسعه

واژه و مفهوم توسعه، پیچیده و چند بُعدی است که از نظر مفهومی با تغییرها و تحول های تاریخی فراوانی روبه رو بوده است. گاهی به مدرن شدن و گاه به غربی شدن، تعریف شده است. ازاین رو، برخی فرآیند توسعه را نوعی مهندسی اجتماعی دانسته اند، اما با آشکارشدن آثار و پی آمدهای ناخواسته، چنین برداشتی از فرآیند توسعه و مهندسی اجتماعی، تغییر در مفهوم توسعه متناسب با فرهنگ بومی ملت ها، با تأکید بر عناصر غنی و آموزنده های مساعد فرهنگ، ضرورتی انکارناپذیر بوده است.(۱)

یکی از مهم ترین ریشه های توسعه و توسعه نیافتگی، مباحث فرهنگی است. در فرآیند توسعه، الگوهای رفتاری مبتنی بر تقلید بی ضابطه و درک نکردن ویژگی ها و تأثیرهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، هرگز راه به جایی نمی برد و خروج از وضعیت موجود، راه حل خودی و بومی، مبتنی بر ماهیت فرهنگی و تکیه بر فرهنگ خودی را می طلبد. بنابراین، میزان سازگاری و پذیرش و رسیدن به مراحل توسعه، به عناصر فرهنگی جامعه بستگی دارد . توسعه فرهنگی سبب رشد فرهنگی، ایجاد محیط سالم و متناسب با رشد فضایل و تعالی انسان ها و مسئولیت پذیری آنها است.

در فرآیند توسعه، توجه به فرهنگ به عنوان عامل اثرگذار در همه شئونات زندگی، از اولویت های اساسی است. اگر فرهنگ و توسعه با یکدیگر تعامل پیدا کنند و بر هم اثر بگذارند، اهداف توسعه دست یافتنی

۱- توسعه در آینه تحولات، ص۱۱.

می شود و هرگاه فرهنگ و توسعه به دو سوی متفاوت حرکت کنند، توسعه نیز محکوم به انحطاط می شود. بنابراین، توسعه ای که شالوده و هدف آن گسترش کمّی و کیفی فرهنگ نباشد، دست آوردهای آن گذرا و بی دوام خواهد بود.

کم توجهی به جنبه فرهنگی توسعه و اتکا به الگوهای وارداتی، نوآوری فرهنگ ملی را از رشد باز می دارد و ظرفیت جامعه را برای رویارویی با فرهنگ و الگوهای ناخواسته خارجی، سست می کند و سبب شکاف و تعارض میان ارزش ها و هنجارهای اجتماعی می شود.

ملتی که گذشته فرهنگی اش را خوب بشناسد و با آن پیوندی استوار داشته باشد، در عین کنجکاوی و مطالعه دیگر فرهنگ ها، به فرهنگ جامعه خویش ارج می نهد. چنین ملتی می تواند خود را بازیابد و در پرتوی آگاهی ها، از نارسایی ها و اشتباه ها و کاستی هایی که انگیزش شد، بدون خودباختگی رهایی یابد.

ازاین رو، عامل فرهنگ از جایگاه ویژه ای در توسعه برخوردار است و بی توجهی و کم توجهی به آن، به ویژه در دوران سرنوشت ساز فعلی، مشکلاتی جدی پدید خواهد آورد.

۲. بررسی مفهوم پیشرفت

اشاره

۲. بررسی مفهوم پیشرفت

واژه پیشرفت مفهومی هنجاری ـ دستوری است که باید میان این واژه و اصطلاح های توصیفی دیگر مانند تغییر و توسعه، تمایز قائل شد؛ زیرا مفهوم پیشرفت، مدت هاست در سایه مفاهیم توسعه قرار داشته که در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، تکریم شده است، در حالی که مفهوم پیشرفت برای روشن کردن نقش فعال، بالقوه و خلاق ارزش های اجتماعی ـ

فرهنگی در مفـاهیم رشـد و توسـعه، مطرح می شود. در این تعریف از پیشـرفت، نیازهـای مـادی و معنوی انسان در رسـیدن به توسـعه بـا هم در نظر گرفته شـده است؛ توسـعه ای که افزون بر افزایش تولیـدات اقتصادی، انباشت سـرمایه، ملاحظات زیسـت محیطی و منـابع طبیعی بین نسـلی، تغییر ساختـار اجتمـاعی، سیاسـی و نهـادی، قرین بودن آن را بـا مقوله کرامت انسانی، مورد توجه و تأکید قرار می دهد. بنابراین، به این نکته اساسـی باید توجه داشت که سـخن از پیشـرفت بدون تلاش جدی برای یافتن ارزش های عمیق و قابل تحقق انسانی، گفته ای فریبنده و بی محتواست.

موضوع پیشـرفت، یکی از کهن ترین دغدغه های اندیشه بشـری در طول تاریخ بوده که البته بیشترین تأثیر و نفوذ را در سـبک زنـدگی و نحوه سـاخت نظام های اجتماعی داشـته است. در واقع، این شاخص ها و معیارهای پیشـرفت است که در هر برهه از تاریخ اندیشه و تمدن انسان، متغیر و متفاوت معرفی شده اند.

با این حال، در بررسی اولیه به آسانی مشخص می شود که برداشت انسان از مفهوم پیشرفت از آغاز تاریخ، ناشی از زاویه دید و مفروضات ارزشی و شناختی جهان بینی وی بوده است.

تحلیـل و بررسـی عمیق الگوهای پیشـرفت نشان می دهـد، مفاهیمی همچون رقابت، همکاری، آزمایش، اختیار، تسـلط، تعالی، تکلیف، آزادی، منفعت، عبـادت و از همه مهم تر، نقش و مفهوم خـدا و نحوه برداشت انسـان از این مفهوم و ارتبـاط انسـان با خدا، جوهر اصلی شکل دهنده نظام های اجتماعی، به ویژه الگوهای پیشرفت در طول تاریخ و حیات بشری، پنداشته می شوند.

ازاین رو، هر چند بر اساس پیچیدگی موضوع، عامل اصلی اختلاف

نظر در تلقی نظریه پردازان و طراحان الگوها از مفهوم پیشرفت، در خداشناسی آنان ریشه دارد و در هر برهه از تاریخ، شناخت انسان از خدا و گرایش های الهی وی، پررنگ تر بوده، پیشرفت و رشد انسان و جامعه نیز واقعی تر، جامع تر و هماهنگ با نظام آفرینش بوده است.

پیشرفت(۱) امری چند بُعدی(۲) است و همه شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. بنابراین، با توجه به تفاوت های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع گوناگون، الگو های پیشرفت، متناسب با کشورهای مختلف، با هم متفاوت است. از نیمه سده نوزده و هم گام با طرح نظریه های جدید علوم اجتماعی و طرح ضرورت گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، مقوله توسعه به یکی از مهم ترین مشغله های عمده در عرصه های نظری و فکری و اجرایی سیاست های عملی، در کشورهای گوناگون تبدیل شد.

در سال های پس از جنگ جهانی دوم و از دهه ۱۹۶۰ میلادی نیز مسئله توسعه، به بزرگ ترین و عالی ترین هدف کشورهای غیرغربی، در رسیدن به رشد اقتصادی و مدرنیزاسیون تبدیل گشت، اما پس از مدتی و با نمودار شدن پی آمدهای منفی حاصل از به کارگیری توسعه، با انتقادهایی در عرصه عمل و نظر روبه رو شد. در سال های پس از دهه ۱۹۹۰، منتقدان بسیاری در چارچوب مبانی انتقادی پساتوسعه که از آبشخور رویکرد معرفتی پسامدرن سیراب می شدند، اهداف و غایات توسعه را به دلیل ناکارآمدی مباحث آن نشانه رفتند. تا این زمان معنا و هدف توسعه واحد و یک سویه تلقی می شد، ولی از این پس و به تمسک

۱- Progress.
۲- Multidimentioual.

از نوع معرفت شناسی نسبی گرا و ناهمگون پست مدرن، مفهوم توسعه نیز از معنای تک گویانه خود تهی شد و شالوده فراروایت توسعه فروپاشیده شد.(۱) زیرا جایگاه و نقش انسان ها در جوامع غربی در لا‌به لای ارزش های مادی و اقتصادی، نادیده انگاشته و بالتبع در آنچه به تقلید از الگوهای رشد و توسعه در جوامع در حال توسعه اجرا شده بود، بیش از همه مردم و عدالت اجتماعی و تحول فرهنگی نادیده انگاشته شدند.

بنابراین، الگوی غرب، برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دست یابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته است. از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، در محافل نظری و مراکز برنامه ریزی کشورها، مسئله توسعه، یکی از مهم ترین مسائل مطرح بوده است، اما نکته اساسی در طراحی الگوی توسعه برای یک کشور، توجه به مباحث ارزشی، اعتقادی، جغرافیایی و بومی آن کشور است که کمتر در مباحث مربوط به نظریات توسعه به آنها اشاره شده است.

معمولاً بار ارزشی مفهوم توسعه به معنای یکی شدن با ارزش های غربی است. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیان الگوی ایرانی اسلامی، به جای مفهوم توسعه که دارای بار ارزشی منفی و غرب گرایانه است، از مفهوم پیشرفت برای بیان این الگو بهره بردند، که به نوعی ضرورت بهره مندی از الگوهای بومی را نشان می دهد.

در تعریفی که آیت الله جوادی آملی از پیشرفت ارائه داده است، «پیشرفت فرآیندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و

۱- توسعه اقتصادی در جهان سوم، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

معنوی و بنیان های اقتصادی _ اجتماعی می باشد و انسان در این جریان می تواند به کمال برسد.»(1) بنابراین، رشد در آموزه های اسلامی، جریانی پویا و مداوم و همه جانبه با هدف به کمال رسیدن انسان است.

«پیشرفت»، دغدغه اساسی انسان معاصر است. بنابراین، پرسش از شیوه ها، ابزارها و سازوکارهای رسیدن به پیشرفت و تعالی، پرسشی جدی فراروی گرایش ها، نگرش ها، بینش ها، دانش ها و دانشمندان گوناگون است. مفهوم پیشرفت، یکی از اساسی ترین انگیزه های جهان بشری برای حرکت بوده است و تمدن غالب عصر ما، آن را اصلی ترین ثمره خویش می داند.

درباره مفهوم پیشرفت، دیدگاه های گوناگونی وجود دارد که بازتابی از برداشت های گوناگون از مفهوم پیشرفت است که به چند مورد از این دیدگاه ها اشاره مختصری خواهیم داشت.

یکی از این دیدگاه ها، دیدگاه مربوط به نظام سرمایه داری درباره این مفهوم است. در نظام سرمایه داری، مفهوم سطح زندگی جای گزین زندگی سعادت آمیز شده است و بر مصرف به خاطر تولید تأکید می کنند تا اقتصاد را از رکود و اضمحلال برهاند و تولید را در خدمت برآوردن نیازهای واقعی مصرف کننده نمی دانند. این مفهوم پیشرفت فقط محدود به داشتن خودروی بیشتر، بزرگراه، شهرهای رؤیایی بیشتر، فروشگاه ها و مراکز داد و ستد بزرگ تر و زیباتر است، یعنی از نظر کمّی، بیشتر و از نظر کیفی، پایین تر. از آنجا که نظام سرمایه داری در حوزه خداشناسی به فلسفه «دئیسم» باور دارد و هر گونه دخالت تکوینی و تشریعی خداوند را در زندگی بشر نفی می کند و همچنین در زمینه انسان شناسی بر

۱- امام مهدی موعود موجود، صص ۲۱۳.

«اصالت فایده» تأکید می ورزد و خوش بختی انسان را در لذت های مادی خلاصه می کند.(۱) بنابراین، مفهوم پیشرفت از نظر نظام سرمایه داری باید بر جهان بینی مادی منطبق باشد، زیرا نظام سرمایه داری تنها جنبه مادی و معنوی انسان را به گونه ای که با دنیای مادی کنونی مرتبط است، در نظر می گیرد و جنبه زندگی اخروی انسان را در نظر نمی گیرد.

در نگرشی دیگر که برخاسته از اندیشه سوسیالیستی است؛ به جای آنکه هدف پیشرفت معطوف به زندگی سعادت آمیز شود، صرف تولید کالاهای مادی می شود. در این زمینه، مارکس و انگلس نیز مقصودشان را از پیشرفت، به روشنی و صراحت بیان کرده و اصطلاح اخلاقی «آزادی» را برای آن به کار برده اند.

انگلس، آزادی را بر حسب حرکت و نه بر حسب وضعیتی که انسان به آن دست یافته یا در آینده به آن خواهد رسید، تعریف می کند. بنابراین، تعریف آزادی، جهت یا هدف است و هر آن چه به انسان برای تحقق اهدافش کمک کند، مترقی و پیش رونده است و برعکس، هر آن چه وی را در جهت مخالف حرکت دهد، ارتجاعی است. انگلس می افزاید: «هر گامی به سوی تمدن برداشته شود، گامی به سوی آزادی (پیشرفت) است».

به سخنی دیگر، وقتی گرسنگی، نداری و بیماری از روی زمین محو شد، وقتی بی اعتمادی و دشمنی، تبعیض نژادی و جنسیتی که در میان مردم وجود دارد، با برادری و کمک و تعاون متقابل عوض شد و لذت را تنها در چیزهایی یافت که هرکس بتواند بی آنکه به دیگری آسیبی برساند، از آن برخوردار شود، آن وقت است که انسان ها خواهند توانست دریافتی

۱- علی اصغر هادوی نیا، معنویت و اقتصاد، صص۵۵ و ۵۶.

بی نهایت از آن چه به تصور آید، از توانایی ها و امکانات انسانی خود داشته باشند که نوعی برداشت مارکسیستی از پیشرفت است که در برگیرنده پیشرفت مادی است.(۱)

بر اساس دیدگاه مکتب سوسیالیسم، فقط منافع مادی محرک فعالیت های انسان است و محرک هایی مانند احساس وظیفه شناسی، محبت، مردم دوستی، هوس، مجد، شهرت و جاه طلبی ــ که نمی توان آنها را صرفاً انگیزه های غیرمادی نامید ــ بی تأثیر شمرده می شود.(۲) بنابراین، مفهوم پیشرفت از دیدگاه مکتب سوسیالیسم، با نادیده انگاشتن جنبه های غیر مادی انسان (جنبه های معنوی و اخروی) و محصور شدن در امور مادی و دنیوی، پی ریزی می شود و بر همین مبنا، مکتب سوسیالیسم بر این باور است که باید کالایی تولید شود که در نهایت به رشد ابزار تولید کمک کند. ازاین رو، هر قدر هم که ماشین آلات و ابزار تولید که فراهم کننده زمینه ای برای ارضای نیازمندی های مادی انسان است، تکامل بیشتری یابد و بهتر شوند، باز نمی توانند از پیشرفت تعریفی ارائه دهند؛ زیرا پیشرفت به معنای دانش بیشتر یا تکنیک بهتر نیست، مگر آنکه به وسیله هدف های با ارزش انسانی، هدایت و نظارت شوند. به همین دلیل، گاندی، در انقلاب صنعتی هیچ پیشرفتی نمی بیند، بلکه حتی آن را گامی به عقب می داند؛ زیرا وی در این انقلاب انسان را در خدمت ماشین می بیند، نه ماشین را در خدمت انسان.(۳) بدین سان باید انقلاب صنعتی را «هبوط» انسان بنامیم؛ زیرا روابط انسان ها را ابزار تولید تعیین

۱- پاول مارک هنری، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه: مسعود محمدی، صص ۱۴۵ ــ ۱۴۸.

۲- معنویت و اقتصاد، ص۱۴۳.

۳- فقر، پیشرفت و توسعه، ص ۱۲۷ .

می کند، نه روابط انسانی.

مسئله مهمی که مطرح می شود، این است که باید پیشرفت بر اساس کدام یک از ارزش های انسانی تعریف شود. برای نمونه، «بنتام» ارزش های انسانی را تنها بر اساس لذت، که حقیقت روانی فردی است، تفسیر می کند. به باور او، اگر عملی سبب افزایش مجموع کل لذت شود، عمل شایسته ای است که باید آن را انجام دهیم و اگر سبب کاهش مجموع کل لذت شود، ناشایست است و باید از آن دوری کنیم. بر این اساس، سعادت فرد مفهوم خود را می یابد. هر چه توان پاسخ گویی انسان به امیالش بیشتر باشد و از زندگی بیشتر لذت ببرد، سعادت مندتر است؛(۱) که بیانگر مفهوم مادی گرایی محض در نظریات پیشرفت غرب است و در مجموع می توان گفت بی توجهی به جنبه های معنوی و اخروی انسان و محدود ساختن انسان در امور مادی، عنصر مشترك مکتب های یادشده است.

به باور بسیاری از اندیشمندان مستقل، مفهوم پیشرفت باید نیازمند چیزی باشد و اگر اصولاً مفهومی اخلاقی باشد، ضروری است از نظر کمّی و کیفی دارای ویژگی هایی باشد. پیشرفت نمی تواند تنها در افزایش کمّی شاخص ها محدود شود (جمعیت یا رفاه بیشتر)، بلکه باید مطالبی اثرگذار و نافذ درباره هدف های زندگی بشر مطرح سازد. از نظر علامه محمدحسین طباطبایی، پیشرفت به مفهوم عام عبارتند از: تحولی مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دست یابی به اهداف انسانی.(۲) همچنین پیشرفت اساساً معنوی است؛ زیرا مرجع جنبه های دیگر هستی انسانی

ص:۸۵

۱- فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه از بنتام تا راسل، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، ج ۸، ص۲۴ و ۲۵.

۲- نعمت الله اکبری، مباحثی از توسعه در ایران، صص۱۱۹ _ ۱۲۱.

است. تکامل اجتماعی، حقوقی، علمی، اقتصادی، سطح و کیفیت زندگی، این مسیر صعودی پیشرفت متعالی را همراهی و بر آن تأکید کرده است یا آن را بازتاب می دهند. بر این اساس، می توان گفت پیشرفت بهبود در همه جنبه ها است. گسترش و بهبود در یک جنبه و پسرفت یا توقف در یک جنبه دیگر، با تعریف پیشرفت سازگاری ندارد و اصولاً مقوله پیشرفت برای انسان، زندگی بهتر و حرکت در مسیر کمال مطرح می شود.

بنابراین، در تعریف های سرمایه داری و سوسیالیستی، از مفهوم پیشرفت، نگاه یک بعدی و مادی حاکم شده است و در تعریف های گوناگونی که از این واژه وجود دارد، به طور معمول وجه مادی دنیا و نیاز و رفاه انسان و جامعه مورد نظر قرار گرفته است، در حالی که جایگاه مفهوم پیشرفت، در اسلام فراتر از نیاز و جنبه های مادی انسان است؛ زیرا از دیدگاه مکتب اسلام، انسان ترکیبی از جسم و روح است. همچنین خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و (ای پیامبر به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت، من از گِلی خشکیده، که از گِل بدبویی گرفته شده، بشری می آفرینم. هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و از روح خود در او دمیدم، همگی برایش سجده کنید». (حجر: ۲۸ و ۲۹)

بنابراین، انسان، افزون بر نیازهای مادی، خواسته های معنوی نیز دارد. ازاین رو، نگاه دو بُعدی اسلام به انسان، تعیین کننده مختصات مفهوم پیشرفت در جوامع اسلامی خواهد بود.

پیشرفت مورد نظر و تأیید اسلام، وجوه مشترکی با مفهوم پیشرفت در مکاتب یاد شده دارد، ولی از جهت انگیزه و هدف نهایی بر یکدیگر منطبق نیستند؛ زیرا پیشرفت از نظر اسلام، فرآیندی جهت دار است و هدف نهایی آن، رساندن انسان به کمال نهایی شایسته اش که در جهان بینی اسلامی، کمال

نهـایی انسـان، قرب الی الله به عنوان هستی بخش همه موجودات و سرچشـمه تمـام کمالاـت است و تأمین رفاه مادی انسان در حـد معقول، در مقایسه با هـدف نهایی (قرب الی الله)، به عنوان هـدفی متوسط و به منزله ابزاری برای رسـیدن به هـدف نهایی است. بنـابراین، مفهوم پیشـرفت از دیـدگاه اسـلام، گسترده تر از آن است که فقـط در جنبه هـای مـادی هستی بگنجـد. بـدین ترتیب، مفهوم پیشـرفت از دیدگاه اسلام، به دلیل نگاه دو بُعدی به انسان و جهان بینی الهی، متفاوت از مکاتب سرمایه داری و سوسـیالیسم است، اهمیت مفهوم پیشـرفت که بیانگر لزوم درونی کردن برداشت بومی و اسلامی از توسعه برای جوامع اسلامی دو چندان می کند.

الف) پیشرفت و توسعه اسلامی

اشاره

الف) پیشرفت و توسعه اسلامی

«توسـعه»، لغت یـا مفهوم جدیـدی از تکامـل بشـری است. بشـر به طور فطری به تکامـل و بهبود علاقه منـد است و در این راه، پیوسـته می کوشـد. بشـر به طور ذاتی، در پی این است که از موقعیت فعلی به موقعیت مطلوب و مورد تصورش دست یابـد. از روز نخست آفرینش هم، بشـر در پی این تکامل بوده است. در چنـد قرن اخیر، مفهوم قدیمی تکامل به مفهوم جدید توسـعه و توسعه یافتگی تبـدیل شده است. گردونه ای را که غرب در چند قرن اخیر پدید آورده، این بوده که برای همان فرآیند تکامل بشـری که از پیش وجود داشته و بشر به آن علاقه مند بوده، یک قالب علمی و کاربردی و روشی، ایجاد کرده است، اما دست یـابی به آن رفـاه مطلق مـادی که هـدف توسـعه در غرب است؛ برای انسـان کمـال مطلوب نبوده و هـدف از آفرینش و خلقت انسان نیز آن نبوده، بلکه آنها به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی جلوه گر می شوند که دین

مبین اسلام، تعیین کرده است.

قرآن کریم در موارد گوناگون به این نکته اشاره نموده است که کوشش انسان باید برای کسب و افزایش ایمان باشد تا بدین ترتیب شایستگی لازم را برای رسیدن به حضور خداوند متعال به دست آورد(۱) که این کمال جز در سایه پرستش خداوند به دست نمی آید.(۲) در برخی آیات، هدف از آفرینش، پرستش خدا شمرده شده است(۳) و از سوی دیگر، پرستش خدا نیز باید بر اساس اختیار و داشتن آزادی در انتخاب(۴) باشد تا سبب کمال آدمی شود و لازمه آن وجود زمینه برای آزمایش انسان است تا در رویارویی با عوامل مخالف و موافق و بر سر چند راهی ها از روی اختیار و به انتخاب خویش سرنوشت خود را رقم زند. از این رو، در آیات دیگر، هدف از آفرینش انسان آزمایش او شمرده شده است و هدف نهایی، چیزی جز رسیدن به نزد خدا و برخورداری از لذت وصل او نیست.(۵)

اسلام مکتبی است که بر جنبه های مادی انسان نیز تأکید کرده، ولی آنها را ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی انسان در نظر گرفته است. بدین سان، اگر ما رسیدن به اهداف متعالی را که از خلقت انسان مورد نظر بوده است، هدف توسعه در اسلام بینداریم، بی گمان، رسیدن به این اهداف نیازمند در دست داشتن ابزار مادی و معنوی است؛ یعنی توسعه در اسلام

۱- مرتضی مطهّری، انسان و ایمان، ص ۹۱.

۲- یس: ۶۱.

۳- ذاریات: ۵۶.

۴- سیدعبّاس نبوی، «انسان مطلوب توسعه یافته از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، ص۴.

۵- ۵.هود: ۱۱۸و ۱۱۹.

(رسیدن به اهداف متعالی انسان) دارای جنبه های مادی و معنوی است. درباره جنبه های مادی توسعه، در قرآن کریم چنین آمده است:

هُوَ أَنشَأَكُم مِنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او (خدا) شما را از زمین ایجاد کرد و به آبادانی در آن گماشت. (هود: ۶۱)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه چنین می فرماید: «عمارت، تغییر دادن زمین به محصولی است که بدان گونه بتوان از فواید مورد انتظار از آن استفاده کرد.»(۱) با توجه به این آیه، خدا انسان را مأمور آبادانی زمین قرار داده و طبعاً این مأموریت نیازمند در اختیار قرار دادن امکانات و ابزارهای لازم برای عمران و آبادی زمین است که ظاهراً اعطای منصب خلافت الهی به انسان در زمین به همین منظور است:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَهِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرْضِ خَلِيفَةً؛ به یاد آر هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: من در روی زمین خلیفه قرار می دهم. (بقره: ۳۰)

و با توجه به اینکه انسانْ، خلیفه خدا بر روی زمین است، پس خداوند زمین و آنچه را در آن است، برای زندگی او آفریده است:

هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَّا فِی الْاَرضِ جَمِیعاً؛ خداوند برای شما، همه آنچه در زمین وجود دارد، آفریده است. (بقره: ۲۹)

خداوند در جایی دیگر می فرماید:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا؛ او [خدا]ست که برای شما زمین را رام قرار داد. (ملک: ۱۵)

بر اساس آیات قرآن، عمران و توسعه مورد نظر اسلام، تنها دارای جنبه مادی و اقتصادی نیست، بلکه برای عمران و توسعه جنبه های

۱- محمّدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۱ .

انسانی، اخلاقی، روانی و معنوی نیز در نظر گرفته شده است. بر این اساس، آن گاه زمین آباد (توسعه یافته) است که رشد و افزایش ثروت انسان ها، همراه با آرامش و آسایش آنان باشد. به همین دلیل، برخی آیات قرآن رابطه ای معنوی میان ایمان به خدا، عبادت او و آبادی زمین و رفاه مادی انسان ها را مطرح می سازد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ؛ و چنانچه اهل آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، به یقین (درهای) برکات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می گشودیم. (اعراف: ۹۶)

امام علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه چنین می فرماید:

فَأَحبَطَه بَعدَ التَّوبَةِ لِيَعمُرَ أرضَه بِنَسلِه؛ خداوند پس از توبه، آدم را به زمین فرود آورد تا زمین را با نسل او آباد کند.

همچنین ایشان در نامه اش به مالک می فرماید:

باید نگریستن به آبادانی بیشتر از گرفتن خراج باشد که گرفتن خراج جز با آبادانی میسر نشود و آنکه خراج گیرد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد.(۱)

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است:

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصادْ خود هدف است و بدین جهت، در مراحل رشد اقتصاد، عامل تخریب و فساد و تباهی می شود، ولی در اسلام

ص:۹۰

۱- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، خ ۵۳.

اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت.(۱)

همـان گونه که دین برای توسـعه فردی و اجتمـاعی بشـر حرف نو دارد دین نیز صـرفاً پاسـخگوی نیازهـای فردی آحاد بشـر یا نیازهـای معنوی انسان ها نیست، بلکه دین برنامه تکامل همه جانبه فرد و جامعه را در طول تاریـخ به همراه خود داشـته و دارد. هیـچ گاه اسـلام حیات بشـر را به دنیای مادی محدود نمی کند تا کمال او را به آنچه در این دنیا اندوخته و در اینجا توان بهره برداری از او را دارد، محدود سازد. ازاین رو، ابزارها و امکانات مادی را برای ایجاد تعالی فکری و روحی بشـر قرار می دهد و استفاده از آنها را لازم می داند. این امر در سطح گسترده تری در جامعه و تعریف الگوی توسعه آن تجلی می یابد.(۲)

در اسـلام نیز توسـعه بر اسـاس مـوقعیت و جایگـاه انسـان و نقش وی در توسـعه تعیین می شود. در این نظـام، اصـل و اسـاس، افزایش نسبت تأثیر اجزای مجموعه، در جریان رشد، یعنی هر چه اثرگذار بودن در هدایت جامعه است(۳).

مرحوم علامـه طباطبـایی، توسعه را این گونه تعریف می کنـد: «توسـعه عبـارت است از تحول مـداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دست یابی به اهداف انسانی».(۴)

در بیان تعریف توسعه از دیدگاه اسلام، تلاش های اندیشمندان

۱- مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲- علی رضا پیروزمند، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، صص ۲۵ ـ ۲۷.

۳- ۱۰.سید جعفر مرعشی، درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی، ص ۵۹.

۴- سید محمد حسین طباطبایی، «توسعه در اسلام»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۵۷، ۱۳۷۴.

مسلمان، طیف قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. برخی توسعه را رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی معرفی کرده و توسعه را رشد اقتصادی با قید عدالت دانسته و برخی دیگر، توسعه را توسعه اخلاق و مذهب بر شمرده اند، به گونه ای که اقتصاد را شکوفا سازد.

در تعاریفی همچون رشد مستمر اقتصادی همراه با تحکیم پایه های معنوی و مادی یا رشد مستمر اقتصادی، در حالی که به ویرانی محیط زیست مادی و معنوی نینجامد و جامعه از دست آوردهای آن بهره مند شوند یا تحولات کمّی و کیفی در جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، به گونه ای که رشد و کمال انسان در آن، تضمین یا وضعیتی که انسان به گونه ای تربیت شود که با چیرگی بر فن آوری و بهره مندی بهینه از منابع، توان برنامه ریزی جامع برای تأمین رفاه جامعه را داشته باشد و زمینه رسیدن به کمالات را برای همه فراهم کند، تلاش بر جهت دهی و معنابخشی به توسعه و رعایت ویژگی های توسعه از نظرگاه اسلام است، ولی همه ملاحظات و ویژگی های توسعه اسلامی را در بر ندارد.(۱)

اسلام در بطن خود، فرهنگی پویا و زمینه ساز توسعه و مشوق مسلمانان در رسیدن به توسعه است.

الگوی اسلامی توسعه، مبین این است که می توان بدون پذیرش جهان بینی، ایدئولوژی و تمدن غرب، به توسعه دست یافت و بنیان توسعه مبتنی بر فرهنگ و ارزش های سازگار و استحکام گر هویت ملی و مذهبی را بنا نهاد.

آن دسته از اندیشمندان مسلمان که رویکردی دینی به مفهوم توسعه

۱- هاشم ندایی، توسعه اسلامی، مؤلفه ها و شاخص های آن، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

داشته اند، مبانی و محورها و ویژگی هایی را برای آن برشمرده اند که در آغاز این بخش، مروری بر آنها سودمند به نظر می رسد. به باور یکی از صاحب نظران، سه اصل مورد اتفاق دانشمندان مسلمان در زمینه توسعه چنین است:

الف) توسعه باید به رشد اقتصادی و سرمایه و ثروت بینجامد؛

ب) در توزیع درآمد و ثروت باید عدالت رعایت شود؛

ج) جامعه در نتیجه اجرای توسعه باید به سمت ارزش های اخلاقی مورد نظر اسلام سوق پیدا کند.

همچنین محورهای توسعه از نظر امام خمینی رحمه الله این گونه بیان شده است: معنویت، استقلال فکری و عملی، مردمی یا اتحاد همه مردم در امر توسعه، عدالت، تغییر وضع محرومین و مستضعفان.(۱) نویسنده ای دیگر، پنج ویژگی توسعه از دیدگاه امام خمینی رحمه الله را این گونه برشمرده است: جامعیت مفهوم توسعه که همه جنبه های وجودی انسان را فرا گیرد، مبتنی بر فرهنگ بودن، استقلال فرهنگی عامل اصلی توسعه و وابستگی فرهنگی عامل اصلی توسعه نیافتگی بودن، فرهنگ اسلامی اساس و هدف اصلی توسعه فرهنگی بودن، تربیت و رشد انسان شرط توسعه و غایت آن بودن. همچنین شاخص های توسعه از دیدگاه امام خمینی، عبارتند از: قانون گرایی، رعایت حقوق مردم و مصلحت عمومی، تساهل حکومت نسبت به دیگران و عدالت اجتماعی.(۲)

از نظر اسلام، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی که دو رکن اصلی

۱- ۱۳.همان، ص۱۱۷.

۲- ۱۴.محمدتقی رضایی، گذری بر توسعه از دیدگاه امام خمینی=، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۳، صص ۸۱ و ۸۲.

توسعه اقتصادی اند، ابزاری برای رشد و تعالی اخلاق و کمالات انسانی و آزادی از تعلقات نفسانی هستند. در اندیشه اسلامی، انگیزه هـای سودطلبی و به حـداکثر رسانـدن مطلوبیت و لذایـذ مادی، به خودی خود نمی تواننـد هـدف اصلی و نهایی تلاش انسان قلمداد شود، بلکه اسـلام با پذیرش کسب سود و لذت های مادی از راه های مشـروع و معقول، انسان را محور توسعه، و رشـد مـادی و معنوی هـدف قرار می دهـد. ازاین رو، فرهنـگ اسـلامی بـا تأکیـد بر عناصـری همچون اهتمـام نسـبت به دانش اندوزی، کار و تلاش، نظم و انضـباط، انجام درست و اسـتوار کارها و به دست آوردن عزت و سـربلندی جامعه اسلامی، زمینه های لازم و مناسب را برای پیمودن مسیر توسعه مورد نظر خود، پدید آورده است.

توسـعه و پیشرفت در مفهوم دینی، مترادف با معنای تکامل است و مبنای پیشرفت دینی، توأمان بودن توجه به ماده و معنی و به تعبیر دیگر، دنیا و آخرت است.(۱) در اسلام، توسعه تنها فرآیند تولید نیست، بلکه فرآیند خودکفایی در تولید همراه با عدالت در توزیع است و این فرآینـدی مادی نیست، بلکه فرآینـدی انسانی است که هـدف آن، توسـعه و پیشـرفت فرد در هر دو زمینه مـادی و معنوی است. به سـخنی دیگر، آنچه اسـلام در بـاب پیشـرفت و توسـعه در نظر دارد، بار مکتبی و اخلاقی و انسانی آن است. پیشـرفت، عواملی را تقویت می کنـد که به افزایش حجم معنوی، اخلاقی، تربیتی و حیات طیبه انسانی کمک می کنـد و به زمینه رشد معنوی، الهی و تقرب انسان ها و جامعه، یاری می رساند و موانع و آفت ها را می زداید.

بیشتر دانشمندان، توسعه را فرآیند حرکت جوامع از وضع موجود به

۱- اسلام و توسعه، ص ۱۳.

سمت وضع مطلوب و آن را معادل رشد اقتصادی دانسته اند، اما حضرت امام خمینی در مقام اندیشمند جهان اسلام، به طور صریح در دیدگاه های خود جنبه های پیشرفت را فراتر از جنبه های صرفاً اقتصادی آن می داند. ایشان به صراحت بیان می دارد که به توسعه باور دارد و همیشه خواهان توسعه کشور بوده است. از جمله در پاسخ خبرنگاری که درباره دیدگاه حضرت امام رحمه الله نسبت به توسعه و مظاهر آن پرسش می کند، می فرماید: «مدت پانزده سال است که من در اعلامیه ها و بیانیه هایم خطاب به مردم ایران، مصرانه خواستار رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکتم بوده ام».(۱)

از این سخن می توان نتیجه گرفت که ایشان به مفهوم پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در زمینه توسعه نظر دارد، اما درباره رشد و پیشرفت صرفاً مادی، با پذیرش اصل پیشرفت، آن را هدف منحصر به فرد نمی پندارد. از نظر ایشان، این هدف، مقصد نهایی نیست. در این زمینه، حضرت امام می فرماید: «اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد».(۲)

برخی دیدگاه های جدید، توسعه را مترادف با صنعتی شدن و برخی دیگر توسعه را معادل پیشرفت اقتصادی به شمار می آورد، اما حضرت امام رحمه الله این گونه به مفهوم توسعه نمی نگرد، بلکه مفهوم توسعه را ورای اینها می داند. همچنین تأکید دارد که «ما برای صنعتی شدن کشور می کوشیم» ما در کشاورزی و صادرات باید پیشرفت کنیم همچنین جهات مختلف اجتماعی جامعه را در پیشرفت دنبال می کند و ابعاد معنوی پیشرفت را مورد نظر دارد.

از جمله حضرت امام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «همه آرمان و آرزوی

۱- ۱۶صحیفه نور، ج۳، ص ۳۶۸.
۲- ۱۷همان، ج ۷، ص ۵۳۳.

ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.»(۱)

از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله ، پیشرفت اقتصادی و جنبه های انسانی و شأن و منزلت والای انسانیت در مفهوم توسعه، نهفته است. حضرت امام این مفهوم را چنین بیان می فرماید: «اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد».(۲)

حضرت امام رحمه الله ، هدف اصلی پیشرفت را دست یابی به سعادت معنوی بشر می داند، اما در این راه، اقتصاد و پیشرفت های اقتصادی، به عنوان بخشی از اهداف جامعه اسلامی در سیر تکاملی خود، توجه کافی دارند و پیشرفت اقتصادی را نیز از اهداف توسعه اسلامی می داند.

حضرت امام رحمه الله ، با وجود اهمیتی که اهداف اقتصادی در جریان توسعه دارند، بر این باور است که اینها اهداف اصلی نیست، بلکه اهداف عمده و اصلی تر اهداف اجتماعی _ انسانی است. از جمله اهداف اجتماعی _ انسانی که حضرت امام خمینی رحمه الله دست یابی به آنها را از اهداف پیشرفت می داند، عبارتند از: شرافت، استقلال و عزت انسانی، آزادی، سعادت و سلامت عمومی، استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی.(۳)

حضرت امام رحمه الله تأکید می کند که اهداف اجتماعی و انسانی توسعه بر

۱- همان، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

۲- همان، ج ۴، ص ۲۴۳.

۳- مرتضی عزتی، توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی=، صص ۶۳ _ ۶۶.

اهـداف اقتصادی آن اولویت دارنـد. ایشان درباره اهمیت این هـدف ها می فرماید: «من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی کند».(۱)

افزون بر این دو دسته اهداف، حضرت امام رحمه الله برای توسعه، اهداف معنوی نیز در نظر می گیرد. در این زمینه، هم هدف بودن معنویات را مطرح می کنـد و هم تقـدم هـدف اعتلای معنوی جامعه بر دیگر هـدف های اجتماعی و اقتصادی را بیان می دارد. در این باره، حضرت امام رحمه الله ، تفاوت اصلی توسعه با مفهوم اسلامی را با توسعه از دیدگاه مکاتب غیر دینی، جنبه ها و هدف های معنوی توسـعه می داند. ایشان در این زمینه می فرماید: «هیچ یک از رژیم های دنیا، غیر از این رژیم توحیدی انبیا، توجهش به معنویات انسان نبوده است و در نظر نداشته است که معنویات را ترقی بدهد».(۲)

همچنین ایشان درباره اهمیت این هدف چنین می فرماید:

این مسلّم است که از نظر اسـلامی، حل تمامی مشـکلات و پیچیـدگی ها در زنـدگی انسان ها تنها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل اخص، حل نمی شود و نخواهد شد، بلکه مشـکلات را در کل یک نظام اسـلامی باید حل کرد و از معنویات نباید غافل بود که کلید دردهاست.(۳)

حضـرت امام رحمه الله به جدّ تأکید می فرماید که هدف اصـلی پیشـرفت و توسعه، تحقق معنویات است و اقتصاد وسیله تحقق اهداف اجتماعی و

۱- همان، ج ۲۱، ص۲۰۱.
۲- ۲۲همان، ج ۸، ص ۲۵۵.
۳- صحیفه نور، ج ۸ ، ص ۲۵۹.

معنوی است.(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله ، در برخی موارد به جای توسعه از مفهوم جامع پیشرفت، بهره برده که تقریباً مفهوم مترادف توسعه امروزین است. با توجه به تعریفی که از توسعه و اهداف توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله ارائه شد، می توان گفت این مفهوم در سه سطح مورد نظر است:

۱. توسعه اقتصادی؛

۲. توسعه اجتماعی؛

۳. توسعه معنوی.

در نظام اسلامی، توسعه معنوی اساس و بنیان هر حرکت و هدف نهایی همه فعالیت هاست. در این توسعه، هدف ایجاد زمینه لازم برای حرکت تکاملی انسان است. حضرت امام رحمه الله در این زمینه بیانات گوناگونی دارد. از جمله می فرماید:

اسلام در همه چیزش، اصلش، آن مقصد اعلی را خواسته ...اگر نظر به انسان بکند، به عنوان این است که یک موجودی است که از او می شود یک موجود الهی درست کرده است.(۲)

ایشان بر اساس این دیدگاه می فرماید: «اسلام مادیت را در پناه معنویت قبول دارد.»،(۳) یعنی اهداف معنوی توسعه، مقدم بر هدف های دیگرند. توسعه اجتماعی نیز شامل اهدافی می شود که بیشتر جنبه مقدماتی برای رشد معنوی از دیدگاه دینی دارند؛ همچون کرامت، آزادی، شرافت انسانی، بهداشت عمومی، سلامت اجتماعی، رفع محرومیت ها، ایجاد عدالت

۱- توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی=، ص ۶۱.
۲- سخنرانی در جمع اساتید دانشگاه تهران، ۱۳ تیر ۱۳۵۸/ ۹ شعبان ۱۳۹۹.
۳- صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۱.

اجتماعی و نظیر اینها. بر این اساس، هدف های معنوی، مقدم بر این اهداف هستند. چنانکه حضرت امام در این باره می فرماید: «انگیزه انبیا در انقلابشان و در قیامشان، دنیا نبوده است. اگر دنیا را اصلاح کردند، تبع بوده است، انگیزه الهی بوده است».(۱)

«جمهوری اسلامی ایران، نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان های مقدس الهی خود دست بردارد».(۲)

اهداف اقتصادی توسعه نیز فقط به عنوان وسیله ای برای تحقق اهداف اجتماعی و اهداف معنوی قابل قبول است، چنان که حضرت امام می فرماید: «شکم و نان و آب میزان نیست، عمده، شرافت انسانی است.»(۳) «من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز ونعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی کند».(۴)

بر این اساس، از دیدگاه حضرت امام، هدف نظام اسلامی فراهم کردن زمینه لازم برای خداگونه شدن انسان است؛ یعنی هدف اصلی و نهایی، الهی شدن است.(۵)

امام خمینی رحمه الله ، توسعه را به معنای کاملاًـ متفاوت از مفهوم رایج توسعه غربی می پندارد و آن را در گروی تحقق احکام حیات بخش اسلام می داند و می فرماید:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است... برخلاف مکتب های

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۳۳.
۲- همان، ج ۲۰، ص ۲۰۳.
۳- همان، ج ۸ ،ص ۱۳۲.
۴- ۳۰ همان، ج۱۱، ص ۲۰۱.
۵- توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی =، ص ۷۳.

غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.(۱)

ایشان شرط تحقق توسعه را در توأم بودن تعهد با تخصص می داند:

یک عالم، عالم نور می شود. و اگر تخصص ها و علم ها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، این همه مصیبت هایی که در دنیا پیدا شده است، از همان متفکرین و متخصصین دانشگاه ها بوده. این دو مرکز (که مرکز علم است) هم می تواند مرکز تمام گرفتاری های بشر باشد و هم می تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی باشد.

علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند. امام رحمه الله راه رسیدن آن را در توکل و ایمان به خدا می داند: «امید است با تأیید خداوند متعال و اعتماد به قدرت ایمان و عنایت حضرت بقیه اللّه (روحی لمقدمه الفدا) طرق غیبی به روی همه باز و راه سعادت و ترقی روحی و جسمی بر همگان گشاده گردد».(۲)

در نسخه الهی امام رحمه الله ، تحقق کامل توسعه، نه تنها برای یک کشور، بلکه در صورت وحدت و یگانگی برای کل عالم اسلام قابلیت اجرا دارد:

درست در این صورت است که همه ملت های اسلامی با

۱- غلام رضا صدیق اورعی، تغییر اجتماعی از دیدگاه امام خمینی=، ص ۵۴.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۰۹.

یکـدیگر دست برادری داده، و به زنـدگی شـرافتمندانه ای که لذتش صدبار از این زندگانی پرتشویش و متزلزل بالاتر است، به سوی تعـالی و ترقی در دین و دنیـا، پیشـرفت می نماینـد و آن دسـته از مردمی که فریب تبلیغـات شـرق و یـا غرب را خورده و شـرق و یا غرب زده شـده انـد، از فرهنگ اسـلام آگاهی کامل نـدارد؛ و الا همه با روی گشاده به آغوش اسـلام می آیند.(۱)

با بررسی دیدگاه حضرت امام رحمه الله می توان دریافت که عامل اصلی و حیاتی برای تحقق توسعه مطلوب، بیان تحقق اصل خودباوری و استقلال است. ایشان در این باره معتقد است:

روح اسـتقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید، مبادا اساتید و معلمینی که به وسـیله معاشرت ها و مسافرت به جهان به اصـطلاح متمـدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و اسـتعمار رهیده اند، تحقیر و سـرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشـرفت و استعداد خارجی ها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجـا رفتنـد و مـا کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کننـد و روح توانایی و راه و رسم اسـتقلال را زنـده نگه دارنـد. مـا در شـرایط جنگ و محاصـره توانسـته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشـرفت ها داشـته باشـیم. ان شاءاللّه در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد

۱- همان، ج ۱۸، ص ۳۴۳.

استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم.(۱)

حضرت امام در جای دیگری می فرماید:

بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه، پس از تحریم اقتصادی، همان ها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می دیدند و از راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس می نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را خود رفع نمودند و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم.(۲)

امام راحل رحمه الله با قاطعیت معتقد بود که برای رسیدن به توسعه، باید خودباور بود و به غیر از خدا اتکایی نداشت:

بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند، شما هم خواهید رسید، به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمیل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب، و بر دولت ها و دست اندرکاران

۱- همان، ج ۲۱، ص ۹۶.

۲- همان، ج ۲۱، ص ۱۹۴.

است، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده، که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا حضرت امام، توسعه را به معنای مفهوم رایج آن پذیرفته یا اینکه در پی تعریف دیگری برای توسعه بوده است. در پاسخ می توان گفت که با بررسی سیره ایشان، می توان دریافت ایشان در عین حال که پیشرفت های فن آورانه غرب را انکار و رد نمی کند، ولی شرط تحقق توسعه مطلوب اسلامی را نیز صرف اینها نمی داند: «ما با همه علوم و با همه ترقیات موافقیم، الا آنهایی که با اسم ترقی آوردند اینجا، به اسم آزادی آوردند اینجا، برای تباه کردن ما، ما آن را مخالف هستیم».(1)

امام بر این باور بود که توسعه مطلوب، می باید بر پایه آبادانی دنیا و آخرت افراد باشد و در اصطلاح برآورده کننده نیازهای مادی و معنوی افراد باشد. ایشان توسعه مادی محور در عصر حاضر را توسعه ای شیطانی می دانند:

امروز که به اصطلاح عصر تمدن و ترقی و عصر پیشرفت است، عصر شیطان هاست. شما در سرتاسر دنیا اگر چنانچه ملاحظه کنید، دنیا در دست شیاطین است، استثنایش بسیار کم است. اینها با آن حیله های شیطانی و با آن ابزار شیطانی که دارند، همه جا را قبضه کرده اند و در مقام پیشرفت هم هستند و هر روز یک توطئه هایی انجام می دهند. در مقابل یک همچه توطئه عظیم و یک

۱- همان، ج ۱۰، ص ۴۶.

همچه شیطان های تعلیم دیـده و شـیطان های عصـر تمدن، بایـد انسان ها قیام کنند. بایـد انسان ها همان گونه که انبیای عظام و اولیای خدا قیام کردند و جانفشانی کردند، باید در این عصر هم همه شما، همه ما، همه روحانیون، همه ملت ها، همه ستمدیده های تاریخ باید قد علم کنند و جلوی این شیاطین بایستند. اگر سستی بشود، شیاطین همه عالم را می بلعد(۱).

ایشان بر این باور بودند که توسعه از نوع غربی و مادی آن وسیله ای برای استثمار هرچه بیشتر است:

شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه ای می آورند. شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می آورند که ما را مترقی کنند، ترقی به ما بدهند. غرب تا ما را در سطح پایین نگه ندارد، نمی تواند از ما استفاده کند. کوشش آنها این است که ماها، این ممالک اسلامی، این ممالک مستضعف در یک سطح پایینی از همه امور باشیم. هر امری را که آنها برای ما بیاورند، یـک امر اسـتعماری اسـت؛ یعنی اگر طب را برای مـا بیاورنـد، طـب اسـتعماری اسـت. اگر دارو برای مـا صـادر کننـد، آن هم اسـتعماری است. اگر دانشـگاه برای ما بخواهند درست کنند، آن هم دانشـگاه استعماری است. همه چیز را آنها می خواهند به طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم.(۲)

از این رو، توسعه در دیدگاه حضرت امام رحمه الله تفاوتی بنیادی با توسعه

۱- همان، ج ۱۹، ص ۲۳۵.

۲- همان، ج ۱۳، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

غربی دارد؛ زیرا توسعه غربی قائل به ایجاد رفاه و آسایش مادی انسان به هر قیمتی است، در حالی که امام به عنوان مروّج اسلام ناب، توسعه را در قالب مادی و در شکل معنوی، با در نظر گرفتن جهات اسلامی و دینی آن در نظر داشته اند.

به طور کلی، مفهوم اسلامی توسعه، خصوصیات جامعی دارد و شامل جنبه های اخلاقی، روحی و مادی می شود. از نظر اسلام، توسعه برداشتی صرفاً مادی نیست. بنابراین، می توان گفت که در چارچوب اسلامی، هر فعالیت مبتنی بر هدف ها و ارزش ها، متضمن اطمینان و مشارکت همه جانبه انسان است و برای به حداکثر رساندن سعادت در همه جنبه های آن و ایجاد قدرت مذهبی انسان، هدایت شده است.(۱)

در دیدگاه الهی، روند توسعه انسانی بر دیگر شئون توسعه حاکمیت دارد و دیگر جنبه های توسعه، تابعی از این محور خواهد بود. در این نگرش، توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جوامع، بازتابی از توسعه نیروهای انسانی است و هدف توسعه، قرب بیشتر به خداوند، تقویت ارزش های اخلاقی، رشد هماهنگ نیازهای مادی و معنوی، پرهیز از دنیاپرستی و حب دنیا، گسترش عدالت اجتماعی و به طور کلی، تعقیب توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر محور دین و ارزش های الهی است.(۲)

ازاین رو، در تعریف توسعه از نظر دین، توجه به ویژگی های توسعه در دین، به شرح ذیل ضروری است:

۱. هدف از توسعه در اسلام، هدف زندگی انسان؛ یعنی عبودیت و

ص:۱۰۵

۱- همان، صص ۱۸ و ۱۹.

۲- عزت الله فرشادفر، امامت در نهج البلاغه، ص ۱۵.

بندگی خداست: «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنّ وَ ٱلْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ.» هدف، تعالی، تکامل و اعتلای انسان هاست.

۲. توسعه و تحولات اجتماعی همراه با تحولات درونی و خلاقیت فردی است و آغاز تحولات انسانی است؛

۳. توسعه تکلیف و وظیفه الهی و دینی است؛

۴. توسعه جامع و همه جانبه و در همه ابعاد حیات بشری است و به عرصه اقتصاد، سیاست یا فرهنگ محدود نیست؛

۵. توسعه تنها به رابطه انسان با طبیعت محدود نمی شود، بلکه توسعه در رابطه انسان با خدا، هم نوعان و با خویشتن است؛

۶. در کنار هدایت ها و آموزه های دینی در توسعه، از عقل و تجربه و یافته های بشری نیز بهره گرفته می شود؛

۷. شرایط و مقتضیات منطقه ای و زمانی، در تعریف توسعه لحاظ می شود؛(۱)

۸. قرب بیشتر نسبت به خداوند؛

۹. ایجاد نظام ملکات و حساسیت ها و تمایلات صحیح برای پرستش خداوند و ایجاد انگیزه در جهت انقیاد و تسلیم هر چه بیشتر نسبت به قوانین الهی؛

۱۰. رویارویی با نظام پرورش مادی و رشد هماهنگ حساسیت های مادی در جهت دنیاپرستی و مخالفت با تسلیم در برابر انگیزه های منتهی به پرستش هواهای نفسانی؛

۱۱. ایجاد تمدنی نو بر محور آموزه های الهی و تعقیب توسعه

۱- علی اکبر علی خانی، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی۷، صص ۱۵ _ ۷۵.

سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر محور دین.(۱)

معیارهای توسعه و پیشرفت در اسلام

اشاره

معیارهای توسعه و پیشرفت در اسلام

در نگرش اسـلامی، هنگامی معیارهای رشد و توسـعه می تواند گویای توسعه نظام رفتاریِ انسان و جامعه باشد که بتواند برای حفظ تعادل و توازن معنوی و مادی، اخروی و دنیوی در عرصه های گوناگون اجتماعی، توضیحی ارائه و در عمل، شاخص ها و معیارهایی را معرفی کنـد که گویای جنبه های کیفی و کمّی باشـد. در این بخش، اساسـی ترین معیارهای فرهنگی توسـعه و پیشـرفت از دیدگاه اسـلام، که از منابع اسلامی و منابع اصلی منبعث از اسلام در ایران استخراج شده است، در جنبه های مادی و معنوی بررسی می شود. کوشش بر آن است تا در توضیح هر یک از این معیارها، به برخی منابع معتبر نیز اشاره شود.

یک _ تقوا

یک _ تقوا

«تقوا مزیتی حقیقی است که آدمی را بالا می برد و به سـعادت حقیقی اش (زنـدگی طیبه و ابـدی در جوار رحمت پروردگار) می رساند؛ از خدا پروا کردن و پاس حرمتش داشتن. آری، تنها و تنها وسیله برای رسیدن به سعادت آخرت همان تقواست که به طفیل سعادت آخرت، سعادت دنیا را هم تأمین می کند».(۲)

در آیه ۹۶ سوره اعراف، داشتن تقوا و ایمان، عملی مهم برای توسعه

۱- سید جعفر مرعشی، درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی، صص ۳۷ و ۳۸.

۲- المیزان، ج ۴، صص ۹۹ _ ۱۰۴.

پایـدار معنوی و مـادی معرفی می شود. همچنین تقوا در کردار و رفتـار اقتصـادی یـک مسـلمان، نقش هـدایت کننـده و جهت دهنده را دارد؛ زیرا خدا متقین را دوست دارد و مشـکلات آنها را زودتر و آسان تر حل می کند و به آنها وعده های نیکو می دهـد: «وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ یُسْـرًا؛(۱) هرکس متقی و خـداترس باشـد، خدا مشـکلات کار او را (در دو عالم) آسان گرداند».

در برخی آیات قرآن کریم، پرهیزکاری رمز شکوفایی و برکت معرفی شده است.(۲)

امام علی علیه السلام در این باره چنین می فرماید:

پس هر که پرهیزکـاری پیشه گیرد، لطف و کرامت (خداونـد متعـال) پس از نایابی برای او بسـیار، و رحمت و مهربانی پس از دور شـدن به او بازگشت کنـد و نعمت ها پس از کم شـدن بر او فراوان گردد و برکت مانند باران بزرگ قطره، پس از اندک باریدن به او برسد.(۳)

در اصول ۵، ۱۰۹ و ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری ایران، یکی از شرایط رهبری و حاکم اسلامی و همچنین رئیس جمهوری که به عنوان انتخاب کنندگان و تصمیم گیرندگان امر توسعه مطرحند، تقوا معرفی شده است.

دو _ علم محوری

ص:۱۰۸

۱- طلاق: ۴.

۲- مائده: ۶۵، ۶۸، ۸۷ و ۱۰۵؛ اعراف: ۳۵، ۵۸ و ۹۶؛ یونس: ۶۲ و ۶۴ و محمّد: ۳۶.

۳- نهج البلاغه، ص ۶۱۱.

نهادی شدن علم در یک جامعه، استدلال، مطالعه، تحقیق، بحث و گفت وگو و اندیشه و روحیه علمی را به دنبال می آورد. دانش به انسان کمک می کند تا از ذهن گرایی و تصحیح ناپذیری به سوی عینیات، محاسبه، بهبود و تصحیح و انتقادپذیری گام بردارد. ذاتاً توسعه به دنیای عینی بیشتر توجه دارد و دانش هم ابزار این توجه را در اختیار انسان قرار می دهد و توجه او را به نظام و کارآیی مجهز می کند. به طور کلی، توسعه شامل شناخت، بهینه سازی، سازمان دهی برنامه ریزی و عینیات می شود و علم به مفهوم استدلالی کردن اندیشه ها و اعمال، زمینه ساز، تسهیل کننده و عامل تکامل توسعه است.(۱) دانش و ایمان، دو بال پروازند و به گفته استاد مطهری، «علم ابزار می سازد و ایمان مقصد. علم سرعت می دهد و ایمان جهت».(۲)

قرآن کریم در موارد گوناگون، تعمیم و تعمیق دانش و بینش را فلسفه بعثت پیامبران معرفی کرده است(۳) و عالمان و ژرف اندیشان، مخاطبان آشنای قرآن معرفی شده اند.(۴)

قرآن با معرفی دانش و بینش، به عنوان امتیاز پیامبران،(۵) ارزش دانش و بینش را در مقایسه با زور و زر مشخص کرده است.(۶)

۱- سریع القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، ص ۵۷.

۲- انسان و ایمان، ص ۲۰۶.

۳- بقره: ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۱۹ و ۲۸۲؛ آل عمران: ۱۶۴؛ انعام: ۹۱؛ اعراف: ۶۲؛ کهف: ۲۱؛ احزاب: ۳۴ یا جمعه: ۲.

۴- بقره: ۲۳۰ و ۲۶۹؛ آل عمران: ۷؛ انعام: ۹۷، ۱۰۵ و ۱۱۴؛ اعراف: ۳۲؛ اسراء: ۱۰۷ و ۱۰۹؛ نمل: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۳؛ سباء: ۶؛ زمر: ۹؛ فصلت: ۳.

۵- بقره: ۳۱؛ یوسف: ۲۱؛ انبیاء: ۷۴ و ۷۹؛ قصص: ۱۴.

۶- بقره: ۲۶۹؛ آل عمران: ۹۰ و ۹۱.

امـام علی علیـه السـلام در این زمینه می فرمایـد: «خیر آن نیست که مـال و فرزنـدت بسـیار شـود، بلکه خیر آن است که علمت فراوان گردد».(۱)

امـام خمینی رحمـه الله بـا سـفارش بـه جـدیت در علم آمـوزی چنین می فرمایـد: «بایـد کوشـش در راه علم و به دست آوردن تخصـص در رشـته هـای مختلفه، اسـاس فعـالیت جوانـان دانشـجوی عزیز مـا باشـد که نیازمنـدی های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود».(۲)

در اصل دوم قانون اساسـی جمهوری اسلامی ایران، بهره مندی از علوم پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، تأیید و در اصل سوم، بر تقویت روح بررسـی و تتبع و ابتکار در زمینه های علمی، تأکید شده است. همچنین در اصل ۴۳، بهره مندی از علوم و فنون و تربیت افراد مـاهر به نسـبت نیـاز برای توسـعه و پیشـرفت اقتصـاد کشور، مطرح، و همچنین آنکه در اصل ۱۰۹، یکی از شرایط و صفات رهبر، صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب گوناگون فقه، دانسته شده است.

سه _ قانون مداری

سه _ قانون مداری

برای آنکه محاسـبه های مادی و برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه توسعه از سوی مردم و دولت، قابل اجرا و پیشرفت، و از کارآیی لازم برخوردار باشـد، بایـد ثبات قانونی و حاکمیت قانون جدی گرفته شود. زمانی محاسـبه ها نسـبت به آینده قابل تدوین خواهد بود که با پشتوانه قانونی بتوان به طور نسبی وضعیت آینده را پیش بینی کرد.

۱- نهج البلاغه، قصار ۳۶۶.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۸۶.

بارها قرآن کریم از قانونمندی جامعه و تحولات آن سخن به میان آورده است.(۱)

امام خمینی رحمه الله حکومتی را قابل قبول می داند که تابع قانون باشد: «ما می خواهیم یک حکومتی باشد که لااقل تابع قانون باشد و تبع قانون اسلام باشد».(۲)

بارها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به رجوع و عمل به قانون تأکید کرده است.(۳)

چهار ــ رفع فقر از جامعه (رفع نیازهای مادی)

چهار ــ رفع فقر از جامعه (رفع نیازهای مادی)

رسیدن به هدف های متعالی که خداوند متعال از زمان آفرینش انسان در نظر داشته است، هنگامی بهتر میسر خواهد شد که انسان از نظر نیازهای جسمانی و مادی، احساس کمبود نداشته باشد. خداوند متعال در قرآن کریم، فقر را سبب گرایش انسان ها به زشتی ها و انحراف از راه راست معرفی می کند و می فرماید:

الشّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشاءِ وَ اللّهُ یَعِدُکُمْ مَغْفِرَهً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللّهُ واسِعٌ عَلیمٌ ؛ شیطان به وعده فقر و ترس و بی چیزی شما را به کارهای زشت و بخیلی وادار کند و خداوند (برای رغبت و احسان) به شما وعده آمرزش و احسان دهد و

۱- انعام: ۶۱، ۶۶، ۸۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۹ و ۱۶۵؛ هود: ۱۱۷ و ۱۱۹؛ رعد: ۳۸؛ اسراء: ۱۶، ۱۷، ۵۸، ۷۶ و ۷۷؛ کهف: ۵۹؛ طه: ۱۲۸ و ۱۲۹؛ انبیاء: ۹۶ و ۱۰۳؛ قصص: ۳، ۲۹، ۵۹ و ۷۰؛ تکویر: ۲۵.

۲- کشف الاسرار، ص ۲۵۱.

۳- اصول ۸،۱۳،۲۲،۲۴،۲۵،۳۲،۳۳،۳۴، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۷۱، ۷۳، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲.

خدا را فضل و رحمت بی منتهاست و به امور جهان داناست. (بقره: ۲۶۸)

قرآن کریم در موارد گوناگون، به فقرزدایی در سیاست و فرهنگ اسلامی تأکید کرده است.(۱)

امام علی علیه السلام با برشمردن آثار و خطرات فقر، به فرزند خود، محمد بن حنفیه می فرماید: «پسرکم، از فقر بر تو ترسانم. پس، از آن به خدا پناه بر، که فقر دین را نقصان می رساند و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آرد».(۲)

امام خمینی رحمه الله ، هدف خود را رفع فقر معرفی می کند و می گوید: «ما آمده ایم این محروم ها را از محرومیت دربیاوریم.»(۳) «همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولان کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.»(۴) «[نظام جمهوری اسلامی] هدفش قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم است که از همه جهت مورد ظلم واقع شده اند».(۵)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول گوناگون بر رفع نیازهای مادی انسان تأکید شده است.(۶)

پنج _ عقل گرایی

۱- بقره: ۱۷۷ و ۲۱۵؛ نسا: ۸ و ۳۶؛ مائده: ۸۹؛ انفال: ۴۱؛ توبه: ۶۰؛ حج: ۲۸ و ۳۶؛ حشر: ۷ و ۸؛ حاقه: ۳۳ و ۳۴؛ بلد: ۱۱ و ۱۷.

۲- نهج البلاغه، قصار، ۳۱۹ .

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۲۹.

۴- همان، ج ۲۰، ص ۱۲۹.

۵- همان، ج ۴، ص ۶ .

۶- بند ۱۲، اصل ۳، اصول ۲۹ _ ۳۱ _ ۴۳ _ ۱۰۰.

پنج ـ عقل گرایی

در اسلام بر عقلانیت تأکید بسیاری شده است، ولی عقلانی بودن یک فعل است و عطف آن فعل صرفاً به سود مادی قابل احراز نیست و نمی توان عقلانیت را تنها در نوع نسبت میان هدف و وسیله دنبال کرد، بی آنکه از عقلانیت هدف که سرّ اصلی این نسبت است، پرسشی به میان آورد. به همین دلیل، چه بسا رفتاری که در دستگاه «هزینه ـ سود» در یک انسان شناسی غیرالهی، «عقلانی» پنداشته می شود، در دستگاه «هزینه ـ سود» جامع تر که انسان شناسی اسلامی مدعی آن است، غیرمقرون به صرفه و کاملاً غیرعقلانی از آب درآید و برعکس.(۱)

قرآن کریم درباره ارزش خرد و خردمندی، با معرفی حکمت آموزی و شکوفایی خرد در فلسفه بعثت و نزول قرآن،(۲) ایجاد انگیزه تعقل در فلسفه پیام های خداوند در تکوین و تشریع معرفی می کند.(۳) و از قبح آشکار پیروی از بی خردان،(۴) سخن به میان می آورد. همچنین، با معرفی خرد و اندیشه به عنوان راز تحلیل درست مسائل،(۵) بهره گیری از برهان عقلی را در سیره پیامبران مطرح می کند.(۶)

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «گران مایه ترین بی نیازی، خرد است و بزرگ ترین درویشی، بی خردی است.»(۷) همچنین می فرماید: «هیچ

۱- حسن رحیم پور ازغدی، «عقلانیت اسلامی و عقلانیت غربی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، ص ۲۷۰.

۲- بقره: ۱۵۱؛ انعام: ۱۵۱؛ یوسف: ۲؛ نحل: ۱۲۵؛ زخرف: ۳.

۳- بقره: ۷۳ ـ ۱۶۴ و ۲۴۲.

۴- بقره: ۱۷۰؛ زمر: ۴۳.

۵- یونس: ۱۶؛ هود: .۵۱.

۶- ۶.بقره: ۲۵۸؛ یونس: ۱۶ ـ ۳۵؛ نور: ۵۰ و شعراء: ۲۸.

۷- نهج البلاغه، قصار ۳۸.

مالی از خرد سودمندتر نیست.»(۱) و در تعریف خردمندی می فرماید: «خردمند آن بود که هر چیزی را به جای خود نهد».(۲)

شش ــ مردم مداری

شش ــ مردم مداری

اسلام مردم را یکی از پایه های مهم توسعه می داند و برای آنان نقش مهمی قائل است. این نقش به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می پذیرد. نقش مستقیم مردم در روند توسعه این است که آنان در جنبه های عملی پدیدآورندگان و تحقق بخشندگان اهداف توسعه تلقی می شوند. به سخنی دیگر، مردم جهت دهندگی نخبگان و برنامه ریزی های نظام سیاسی در مسیر توسعه و تکامل را تحقق می بخشند و به نتیجه می رسانند. بنابراین، از سوی، مردم مجریان توسعه و تکامل، و از سوی دیگر، هدف توسعه و کمالند؛ زیرا همه جهت دهی ها به سمت رشد، توسعه و کمال، و تمام برنامه ریزی ها در این روند برای آنان بوده است و خودشان نیز در تحقق آن سهم بزرگی دارند. نقش غیرمستقیم مردم در روند رشد و توسعه کشور این است که بر عملکرد نخبگان و نظام سیاسی نظارت می کنند. آنان از راه مشارکت در تصمیم گیری ها، کیفیت برنامه ریزی ها و بازدهی، آن را افزایش می دهند و در صورت وجود کوچک ترین تعلل و تخلف در میان نخبگان یا نظام سیاسی، از آنان سؤال می کنند و آنان را به پاسخ گویی فرامی خوانند.(۳)

قرآن کریم، مردم دوستی و مردم داری را اصلی در سیاست و فرهنگ

۱- همان، قصار ۱۱۳.

۲- همان، قصار ۲۳۵.

۳- توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی۷، ص ۲۹۷.

اسلام و ادیان الهی می داند.(۱) و بر ارزش آگاهی مردم و قضاوت افکار عمومی نیز تأکیـد می کند.(۲) امام علی علیه السلام با اینکه یکی از ارکان حکومت و اداره جامعه را مشورت می داند،(۳) مردم را برای مشورت معرفی می کند.(۴)

امـام خمینی رحمه الله در این باره می فرمایـد: «سـیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، اسـتقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنیم».(۵)

ایشان در جای دیگری می فرمایـد: «ما بنای بر این نـداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسـلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسـلام به ما حق نداده است که به ملتمان چیزی را تحمیل بکنیم».(۶)

ایشـان بـا اینکه می فرمایـد: «مـا تـابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آن تبعیت می کنیم»،(۷) میزان را رأی ملت معرفی می کند(۸) و بر این باور است که بدون پشتیبانی مردم نمی شود کار کرد.(۹)

۱- بقره: ۸۳؛ آل عمران: ۱۳۴؛ رعد: ۶؛ نمل: ۷۳ و روم: ۵۸.

۲- یوسف: ۴، ۵۰ و ۵۲.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۸_۳۳۲؛ قصار ۱۱۳، ۱۷۳ و ۲۱۱.

۴- همان، قصار ۱۶۱.

۵- ۶.صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۹.

۶- همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

۷- ۸.همان، ج ۲، ص ۲۶۰.

۸- همان، ج ۵، ص ۳۴.

۹- ۱۰.همان، ج ۱۹، صص ۳۶ و ۳۷.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول گوناگون بر مردم و مشارکت مردمی تأکید شده است.(۱)

هفت _ آزادی

هفت _ آزادی

اسلام با باور به اینکه انسان آزاد آفریده شده است، آزادی را عامل ایجاد تحولات، پیشرفت ها، انقلاب ها و تمدن ها می داند و آزادی را سبب پیشرفت جامعه در جهت سازندگی و ترقی معرفی می کند.(۲)

قرآن کریم با تأکید بر آزادی عقیده (بقره: ۲۵۶) آزادی و اختیار را شرط تکلیف دانسته(۳) و آزادی از نوع اسارت ها را در فلسفه بعثت، معرفی کرده است.(۴)

امام علی علیه السلام با تأکید بر آزادی انتقاد از حاکمان، (۵) بر آزادی بیان تأکید می کند(۶) و درباره آزادی افراد و احزاب مخالف چنین می فرماید: «کسی که از روی اطاعت با من بیعت کرد، پذیرفتم و کسی که از بیعت کردن با من امتناع ورزید، او را وادار به بیعت نکرده و رهایش کردم».(۷)

امام خمینی رحمه الله پایه سیاست داخلی و خارجی کشور را حفظ آزادی

۱- اصول ۳، ۶، ۲۹، ۵۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۷ و ۱۷۷.

۲- ۱.توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی۷، ص ۲۰۶.

۳- بقره: ۱۷۳؛ انعام: ۱۴۵.

۴- اعراف: ۱۵۷؛ نحل: ۷۵؛ طه: ۴۷ و ۷۱؛ فرقان: ۶۵ و شعراء: ۱۱۷.

۵- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۲۸.

۶- همان، نامه ۲۱۷، ص ۲۵۰.

۷- ابواسحاق ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی اصفهانی، الغارات، ترجمه: محمدباقر کمره ای، ج ۲، ص ۳۱۰.

مردم و مسلمانان معرفی می کند.(۱) ایشان با معرفی آزادی به عنوان نعمت بزرگ الهی،(۲) آزادی را حقوق بشر معرفی می کند،(۳) اما تأکید می کند که «آزادی باید طبق قانون باشد».(۴)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی بر جنبه های گوناگون آزادی تأکید کرده است.(۵)

هشت _ شایسته مداری و تخصص

هشت _ شایسته مداری و تخصص

توسعه که به یک معنا به کارگیری درست نیروهاست، در نظامی مفهوم می یابد که تخصص به صورت اصیل در آن مطرح باشد و نظر تخصصی بر اظهار نظر سلیقه ای مقدم باشد. بحث توسعه که به معنای پیشرفت و تکامل و کمال مادی و معنوی یک جامعه است، در گردونه فعلی بین المللی، فقط از راه شایسته مداری امکان پذیر است و منظور از آن، اصلاح حوزه نخبگی است که بتواند با تخصص، تعهد، مهارت، تفکر و نظارت، نه تنها پیشرفت جامعه را به دست گیرد، بلکه الگویی برای آن باشد.(۶)

قرآن کریم با معرفی دانش و توانمندی به عنوان شرط رهبری،(۷) صالح و نیکوکار بودن را به عنوان ملاک شایستگی آورده است.(۸)

۱- ۷.صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۳۹_۲۴۹.

۲- ۸.همان، ج ۷، ص ۴۲.

۳- همان، ج ۲، ص ۱۳۰، ۱۳۶ و ۱۷۶؛ ج ۳، ص ۵۸ و ۱۹۰؛ ج ۴، ص ۶۶، ۷۴ و ۱۹۹.

۴- همان، ج ۷، ص ۲۰۲.

۵- اصول ۳، ۹، ۱۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۶۷، ۸۶، ۱۲۱، ۱۵۴، ۱۷۵.

۶- توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، ص ۱۱۴ .

۷- بقره: ۲۴۷ و ۲۵۱؛ یوسف: ۵۵ و مریم: ۴۳ _ ۵۰.

۸- جن: ۱۱

امام علی علیه السلام در خطبه شقشقیه با بیان شایستگی خود برای حکم رانی، لزوم توجه به این معیار را یادآور می شود(۱) و می فرماید: «کار مردم جز به شایستگی زمام داران سامان نمی یابد.»(۲) ایشان بر این باورند که: «کارها به وسیله کارکنان و کارگزاران راست و درست می شود و آفت کارها ناتوانی کارکنان است»(۳) و به صراحت می فرماید: «کارها را به دست افراد متخصص و خبره بسپارید».(۴)

امام خمینی رحمه الله درباره تخصص و شایستگی چنین می فرماید: «تا آنجا اسلام کوشش دارد، برای متخصص که در احکام عادی و احکام شرعی متخصص تر را میزان قرار داده است، رأی تخصصی تر را میزان قرار داده است».(۵)

ایشان با اشاره به این مطلب که دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های گوناگون موفق نخواهد شد،(۶) می فرماید: «شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفتیم که ما متخصص می خواهیم، ولی متخصص متعهد، ولی دشمنان ما فریاد زدند که اینها با تخصص مخالفند. البته که متخصص منحرف از هرکس خطرناک تر است».(۷)

۱- نهج البلاغه، خ ۳، ص ۹.
۲- همان، خ ۲۱۶،ص ۲۴۸.
۳- عبدالکریم بن محمد بن یحیی قزوینی، بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین، به کوشش: رسول جعفریان، ص ۷۰ _ ۸۴.
۴- جمال الدین خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۸.
۵- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۲.
۶- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸.
۷- همان، ج ۵، ص ۱۹۲.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول گوناگون، بر شایسته مداری و تخصص گرایی تأکید شده است.(۱)

نه _ نظم

نه _ نظم

اصولاً توسعه با ترتیب و مراحل کار امکان پذیر است. از این رو، برای رعایت ترتیب زمانی و ترتیب عملی، تصمیم گیری ها و اقدامات توسعه، جامعه به شدت به نظم و ترتیب در همه شئون زندگی وابسته است. به طور بدیهی، نظم از ویژگی های برجسته جوامعی بوده است که توسعه اقتصادی به مفهوم بهینه سازی نیروهای مادی انسانی را اساس قرار داده اند.

بارها قرآن کریم از انضباط حاکم بر نظام هستی سخن به میان آورده(۲) و فرمان پذیری و انضباط را شرط اصلی سیر و سلوک معرفی کرده است.(۳) همچنین ضمن توضیح نظم در سیره پیامبران،(۴) نظم و زیبایی را در پیوندی تنگاتنگ قرار داده(۵) و از «نظم» به عنوان زمان بندی نیز یاد کرده است.(۶)

در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر برقراری نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری اشاره شده است.

ده _ عدالت اجتماعی

۱- اصول ۴۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲- ۱.اعراف: ۵۴؛ ابراهیم: ۳۲ و ۳۳؛ حج: ۶۵ و یس: ۴۰.

۳- کهف: ۷۲ و ۷۳.

۴- ۳.آل عمران: ۱۲۱؛ نسا: ۱۰۲؛ نمل: ۲۰ و ۲۱.

۵- طور: ۲۰.

۶- توبه: ۳۶؛ یونس: ۳ و ۵؛ حجر: ۵.

ده ـ عدالت اجتماعی

شاید درباره هیچ امری به اندازه عدالت در اسلام، تأکید و سفارش نشده باشد. قرآن کریم ضمن تأکید بر عدالت در فرهنگ ادیان،(۱) بر پای بندی به عدالت در داوری(۲) تأکید می کند و از حقوق اقلیت(۳) و قرار گرفتن عدالت به عنوان اصل حاکم بر سیاست و سیره پیامبران سخن به میان می آورد.(۴) در بسیاری از سوره های قرآن کریم بر عدالت اجتماعی تأکید شده است.(۵) قرآن کریم هدف پیامبران را برقراری عدالت معرفی می کند.(۶)

امام علی علیه السلام نیز عدل را رستگاری و کرامت، برترین فضیلت، بهترین خصلت و بالاترین موهبت الهی می داند(۷) و مأنوس خلایق و رعایت آن را سبب افزایش برکات ذکر می کند.(۸) به نظر امام علی علیه السلام ، جوهره و هسته اصلی ایمان، عدالت است و همه نیکویی ها از آن سرچشمه می گیرند.(۹) از نظر ایشان، ملاک حکم رانی عدل است(۱۰) و عدالت، محکم ترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد.(۱۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «تحقیقاً بهترین چیز برای حاکمان، اقامه

۱- بقره: ۸۴، ۸۶ و ۱۳۴؛ انعام: ۱۱۵ و ۱۲۵؛ اعراف: ۲۹ و نحل: ۷۶ و ۹۰.

۲- نسا: ۵۸ و مائده: ۴۵.

۳- مائده: ۵.

۴- شوری: ۱۵ و ممتحنه: ۸ ـ ۱۰.

۵- بقره: ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۶۱ و ۲۸۱؛ آل عمران: ۱۳۰ و ۱۳۲؛ نسا: ۲ و ۴؛ مائده: ۴۵؛ اعراف: ۲۹.

۶- حدید: ۳۵.

۷- بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین، صص ۹۷ ـ ۱۱۲.

۸- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۱؛ ج ۳، ص ۲۰۵.

۹- همان، ج ۲، ص ۳۰.

۱۰- همان، ج ۶، ص ۱۱۶.

۱۱- همان، ج ۱، ص ۲۱۶.

عدالت است و ظهور محبت مردم [را به دنبال دارد] و به درستی که محبت مردم ظاهر نمی شود، مگر به سلامت سینه هایشان، (به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان)».(۱)

امام خمینی رحمه الله هدف را عدالت اجتماعی معرفی می کند و می فرماید: «غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند. عدالت اجتماعی در بین مردم باشد.»(۲) ایشان در جایی دیگر می فرماید: «پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ، تشکیل حکومت داد، مثل سایر حکومت های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی.»(۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲، ۳، ۱۴، ۶۱ و ۱۰۹، روی عدالت تأکید کرده است.

ب) تفاوت الگوی توسعه غربی و اسلامی

ب) تفاوت الگوی توسعه غربی و اسلامی

توسعه اسلامی را باید فرآیند تحول بلندمدت، همه جانبه و نه صرفاً اقتصادی، ساختاری و کیفی نامید، که نیازهای واقعی جامعه اسلامی را با روشی عقلانی و در چارچوب اهداف و احکام اسلام تا حدی که امکان دارد، برآورده می کند. در این فرآیند، خرده نظام های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مذکور ارتقا می یابد و برای هدف غایی جامعه که سعادت است، می کوشد. ازاین رو، یکی از تفاوت های اساسی دو مکتب غرب و اسلام در باب توسعه در سعادت است.

سعادت در نظام اسلامی، ناشی از جهان بینی اسلام است و متناسب با این بینش برای انسان، سعادتی جاودانه و برتر از سطح زندگی مادی

۱- بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین۷، ص ۱۲۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۶.

۳- همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

متصور است و برعکس، در جهان بینی مادی و نظام های سکولار غرب، انسان عمر محدودی دارد و زندگی اش به همین دنیا منحصر می شود و به تناسب این بینش، سعادت آدمی را نیز در لذت های دنیوی می دانند و در ورای آن، سعادت و لذت دیگری قابل شناسایی نیست.

دومین تفاوت در اهداف توسعه اسلامی با غربی، در نوع هدف است؛ زیرا اهدافی که غرب برای توسعه به شمار می آورد و آن را جزو اهداف غایی می داند، اسلام آنها را هدف فرعی می شمارد، نه غایی. برای نمونه، رسیدن به توسعه اقتصادی در غرب، اهداف غایی لحاظ می شود، ولی این امر در مقایسه با هدف نهایی، هدفی متوسط و به منزله وسیله و ابزاری برای رسیدن به مقصود نهایی، یعنی سعادت معنوی در توسعه اسلامی در نظر گرفته می شود.

شاید مکتب اسلام و غرب در برخی هدف های کلی و جزئی شاید از نظر ظاهر یکی باشند؛ مانند برابری، رشد اقتصادی، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، خودکفایی و اقتدار اقتصادی؛ اما از نظر محتوا بین اهداف توسعه جوامع سکولار با اسلام فرق هست.

هدف توسعه در اسلام، هدف نهایی نظام اجتماعی اسلام است و همانا توسعه معنویت و سعادت اخروی است، حال آنکه هدف توسعه در غرب، سعادت دنیوی و لذت مادی.(۱)

در دیدگاه الهی، هدف توسعه، قرب بیشتر به خداوند، تقویت ارزش های اخلاقی، رشد هماهنگ نیازهای مادی، پرهیز از دنیاپرستی و حب دنیا، گسترش عدالت اجتماعی و به طور کلی، دنبال کردن توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر محور دین و ارزش های الهی است. در

ص:۱۲۲

۱- اسلام و توسعه، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

دیدگاه الهی، محور توسعه، ابعاد ادراکی، عاطفی و عملی انسان است.

از نظر اسلام، توسعه ای ارزشمند است که در آن همه امکانات جامعه برای احیای ارزش های پذیرفته و به کار گرفته شود، به گونه ای که افراد بتوانند با اراده و اختیار خود و بهره گیری از نیروهای درونی و امکانات موجود، در جهت تکامل و اعتلای مادی و معنوی جامعه حرکت کنند. نویسندگان مسلمانی که دغدغه توجه به آموزه های دینی برای توسعه را داشته اند، از واژگانی مانند عمران، رشد، فلاح انسانی، توسعه بومی، توسعه دینی و حتی تعلیم و تزکیه که تقریباً همگی از واژگان مذکور در قرآن و سنت است، برای بیان ایدئال خود بهره برده اند. گاه نیز توسعه را در پیوند با جامعه آرمانی در نظر گرفته و از تعابیری دینی، مانند جامعه موعود، جامعه امام زمانی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، جامعه برخوردار از حیات طیبه، به عنوان جامعه ای توسعه یافته دینی، یاد کرده اند.(۱)

در پرتوی چنین نگاهی به مفهوم توسعه است که اکنون انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تحول عظیم معنوی در جهان، جامعیت اسلام را به عنوان مکتبی که پاسخگوی نیازهای امروز جامعه است، به منصه ظهور رسانده است. این نظام به واسطه ماهیت اسلامی و برخاسته از مکتب الهی، اکنون در حال عرضه الگویی برای سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان، بلکه برای بشریت است. بی گمان، سعادتی که با نگاهی به زندگی جاودان در آخرت، دنیایی آباد، سالم و همراه با عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد، مبنایی برای تحول در جهان خواهد شد و سهم حقیقی جهان اسلام را جلوه گر خواهد ساخت. زمانی این سهم حقیقی به تحقق می پیوندد که در برابر

۱- ۲همان، ص ۲۰۷.

اندیشه های مادی مسلط فعلی، الگویی متناسب با جنبه های مادی، معنوی و فطری انسان ها به جامعه بشری ارائه شود. بنابراین، در برنامه توسعه باید راهبردهای مناسب، اتخاذ و دنبال گردد تا توسعه فرهنگ دینی محقق شود.

تفاوت های توسعه غربی و اسلامی را می توان در ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلام و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان بررسی کرد. در دیدگاه غرب، پیشرفت، مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می تواند قربانی پیشرفت شود، ولی در دیدگاه اسلام پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله ای برای رشد انسان است. در جهان بینی اسلام، ثروت، قدرت و دانش، وسیله رشد انسان و زمینه ساز عبودیت، برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند. اسلام از زاویه اجتماعی، وظیفه انسان را مدیریت دنیا و بهره مندی از استعدادهای فراوان طبیعی برای آبادانی دنیا می داند. در اسلام تعاملی دوجانبه میان رفع نیازهای معنوی و مادی برای رسیدن به هدف توسعه (رسیدن به اهداف متعالی که در آفرینش انسان مورد نظر بوده است) وجود دارد. در باره این رابطه، می توان به آیات و روایات بسیاری در اسلام مراجعه کرد. برای نمونه، در آیات بسیاری، داشتن تقوا عامل رفع نیازهای مادی انسان معرفی شده است.

قرآن کریم به صراحت، در آیه ۹۶ سوره اعراف چنین می فرماید: «چنانچه اهل آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، به یقین [درهای] برکات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می گشودیم.»

ازاین رو، الگوی مطلوب در دیدگاه اسلام، الگوی پیشرفت مبتنی بر

معنویت و ارزش های اسلامی است که با تحقق آن، به الگوی مورد استفاده کشورهای دیگر نیز تبدیل خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب در این باره بر این باور است که الگوهای غربی با شرایط و با مبانی ذهنی و با اصول خودشان شکل یافته و ناموفق بوده است. پیشرفت تمدن غربی در طول قرن های متمادی، این کشورها را از نظر اخلاقی دچار مشکل کرده، و به انحطاط کشانده و از نظر وضع زندگی هم به آنها خدمتی نکرده، یعنی فقر در آنجا بر نیفتاده و کار و تلاش بسیار است، اما دستاورد و محصول برای فرد و برای خانواده کم است. بنابراین، پیشرفت غربی، ناموفق است.

نگاه غیر مادی به اقتصاد، یکی از تفاوت های برجسته الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت و الگوهای غربی توسعه وپیشرفت است؛ به گونه ای که مقام معظم رهبری در بیان ویژگی های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، به این تفاوت ها اشارات مستقیمی داشته است:

مسئله دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و ثروت است. همه این چیزهایی که دوستان از انحراف های غرب و مشکلات فراوان و مسئله استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده گرایانه وجود داشته. می توان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمیت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛

از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد.(۱)

آنچه رهبر انقلاب از آن تعبیر نگاه مادی به اقتصاد کرده اند، در واقع از نوع نگرش خاصی سرچشمه گرفته است که در الگوی توسعه ای غربی به انسان وجود دارد. در این نگرش از میان انگیزه ها و محرکه های انسان، جست وجوی سود شخصی، کسب سود و ثروت، عامل مهمی برای حرکت جامعه به سوی ثروتمندتر شدن و نیل به رفاه بالاتر، تشخیص داده شده است.

در نظریه اقتصادی ــ که محصول چنین نگرشی به انسان و خواسته های اوست ــ لزومی ندارد رفتارها بر اساس ارزش های انسانی باشد، بلکه کافی است از رفتار عقلایی پیروی کند.

رفتار عقلایی مطلوب، انسان را به این سمت می کشاند که تلاش خود را به کار ببندد تا با کمترین هزینه و زحمت، به بیشترین سطح از بهره مندی دست یابد. تبلور و چکیده این نگرش و تأثیر آن را بر پایه های ارزش های اخلاقی جامعه، می توان در سخنان جان مینارد کینز یافت، وقتی که تأکید می کند:

زمانی که انباشت ثروت دیگر از اهمیت اجتماعی فوق العاده ای برخوردار نباشد، تغییرات بزرگی در قوانین اخلاقی به وجود خواهد آمد. آن وقت است که می توانیم خود را از بسیاری از اصول کاذب اخلاقی که سال ها است بختک وار بر ما سنگینی کرده، رها کنیم.(۲)

عدالت و فرصت های برابر برای همگان، یکی دیگر از اصول تأکید

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نشست راهبردی جمهوری اسلامی درباره موضوع الگوی پیشرفت اسلامی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

۲- جان مینارد کینز، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، صص ۶۰ و ۶۱.

شـده در زمینه پیشـرفت، در دیـدگاه اسـلامی است، که با مفهوم توسـعه غربی، تعارض دارد. از آنجا که عدالت، ظهور و بروز تمام و کمالی در عرصه حیات اجتماعی بشر دارد، برای رسیدن به پیشرفت مورد نظر اسـلام، باید در کنار توجه به جنبه های فردی وجودی انسان، به مسائل اجتماعی نیز توجه ویژه ای شود؛ زیرا کمال انسان تنها در بستر حیات اجتماعی او محقق خواهد شـد. مسائـل اجتمـاعی، به واسـطه تـأثیر و تـأثری که بر دیگر خرده نظـام های یک جامعه، اعم از فرهنگی، سیاسـی و اقتصادی دارد، اهمیـت ویژه ای دارد. ازاین رو، برای حرکت در مسـیر پیشـرفت، بایـد به فرصت هـا و تهدیـدهای اجتمـاعی تـوجه ویژه داشت.

دیگر تفاوت اصـلی توسـعه اسـلامی و توسعه غربی، بار ارزشی واژه توسعه در دنیای غرب است. مقام معظم رهبری در نشست راهبردی جمهوری اسـلامی، دربـاره موضوع الگوی پیشـرفت اسـلامی و علل گزینش واژه «پیشـرفت» به جای «توسـعه» فرموده است:

کلمه توسـعه، یـک اصـطلاح متعـارف جهـانی، بـا بار معنایی و ارزشـی و الزامات خاص خود است که ما با آنها موافق نیستیم. بنـابراین، از کلمه «پیشـرفت» اسـتفاده شـد، ضـمن اینکه وام نگرفتن از مفـاهیم دیگران، در طول انقلاب اسـلامی سابقه داشـته است.(۱)

پرهیز از بهره مندی از واژه توسـعه در مبحث الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، در حقیقت به دلیل بار معنایی و الزامات خاص این واژه است.«سازمان ملل»، توسـعه «Development» را فرآینـدی که کوشـش هـای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ص:۱۲۷

۱- بیانـات رهـبر معظـم انقلاب اسـلامی در نشـست راهـبردی جمهـوری اسـلامی دربـاره موضـوع الگـوی پیشـرفت اسـلامی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

هر منطقه، متحد و مردم این مناطق را در زندگی یک ملت ترکیب می کند و آنها را به طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می سازد. «مایکل تودارو»، اندیشمند و نظریه پرداز توسعه، توسعه را جریانی چند بعدی می داند که نیازمند تغییرهای اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است و «پروفسور گولت»، توسعه را واقعیتی مادی و ذهنی می داند و می گوید: بر حسب توسعه، جامعه از طریق ترکیب فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی، وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تأمین می کند. در تعریفی دیگر، «توسعه» را به مثابه درختی دانسته اند که ریشه آن را «فرهنگ» و غذای آن را «آموزش» و «سرمایه» تخصیص یافته به فعالیت های توسعه ای تشکیل می دهد. بر اساس این تعریف، تنه و شاخ و برگ درخت، «نظام مناسب اقتصادی» و میوه شیرین آن برطرف شدن فقر و محرومیت، حفظ استقلال و خودکفایی و تأمین اقتصادی ـ اجتماعی مردم است و در یک جمله، توسعه، یعنی بهبود در وضعیت زندگی انسان ها در جنبه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی، که اگر فرآیند بهبود در زندگی انسان ها، بدون ویران شدن محیط زیست و همراه با عدالت اجتماعی باشد و در نتیجه با کمترین نوسان ادامه یابد، به آن «توسعه پایدار» گفته می شود.

با وجود ظاهر بسیار عدالت محورانه و محرومیت زدای مفهوم توسعه باید گفت که «Development»، همراه با خود گفتمانی را نیز به همراه دارد که همه هدف های اقتصادی و توسعه ای در ذیل آن تحقق می یابد. نگاهی به سابقه تاریخی ایجاد مفهوم توسعه غربی، به خوبی فرآیند و اجزای این روند را هویدا می سازد. در غرب و پس از ایجاد جنبش های پروتستانیسم

بر ضد کلیسا، آرام آرام راه برای ایجاد تغییرهای اساسی در فلسفه و علوم اجتماعی گشوده شد؛ به گونه ای که انسانی که تا چندی پیش برای دست یابی به بهشت باید به کلیسا باج می داد، رفته رفته خود را محور کائنات دید. با ایجاد چنین تغییر عمده ای در جهان بینی غرب، راه برای تحکیم بنیان های نظام سرمایه داری که بر لذت محوری مبتنی بود، هموار شد و در نهایت، لیبرالیسم توانست زمام هدایت جوامع را در غرب به دست گیرد. با آغاز قدرت یابی اندیشه های سکولار اومانیستی بر شدت و تمایلات اقتصادی در جوامع نیز افزوده شد و در نهایت، روند توسعه غربی با تکیه بر آزاد بودن بی قید و شرط انسان و تقدیس تولید ثروت به هر طریق آغاز گشت و در آغاز هزاره سوم، تمدنی به نام تمدن غرب شکل گرفت.

در حقیقت، توسعه غربی که نکته ها و هدف های بسیار قابل پذیرشی مانند رفع محرومیت و فقرزدایی دارد، در مبنا دچار مشکلات جدی است که در نهایت به ایجاد انحراف های اقتصادی، اخلاقی و توسعه نیافتن ارزش های انسانی در یک جامعه می انجامد. برای نمونه، در توسعه غربی، رفع محرومیت از جامعه، هدف بسیار مهمی است و همگان این هدف را می پذیرند. با این حال، در نظام توسعه محور غربی برای دست یابی به شاخص های بالای کمّی و کیفی توسعه مانند رفع محرومیت، می توان به استعمار دیگر جوامع پرداخت و جنگ هایی را به راه انداخت تا در خلال آن اقتصاد یک کشور رو به پیشرفت نهد و در نهایت، محرومیت از جامعه رخت بربندد.

شکل گیری الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت بر اساس اصول و ارزش های اسلامی، یکی از مهم ترین شاخصه های این الگو به شمار می آید. آشکار است که توسعه در دین اسلام، محور اساسی حرکت

جوامع انسانی نیست که پس از آن به دلیل اصل بودن افزایش سطح توسعه افراد، اجازه اشتغال به هر امری را داشته باشند، بلکه در جهان بینی اسلامی، هدف، کمال و رسیدن انسان به سعادت اخروی است که این سعادت در گروی نحوه عملکرد مادی هم است. شاید در برخی اهداف، مانند زدودن محرومیت از جامعه اسلام و دنیای غرب آرمانی مشترک داشته باشند، اما در دین اسلام چنین هدفی، خود بهانه ای برای دست یابی به هدف والاتر و اصلی است و اگر در این مسیر، انحرافی رخ بدهد، حتی در صورتی که هدفِ نزدیک تر نیز به دست آمده باشد، این روند، مطلوب ارزیابی نمی شود. ازاین رو، می توان گفت بهره گیری از واژه پیشرفت، می تواند بیانگر چنین تفاوت های اساسی بین روند رشد در جامعه ای اسلامی با آرمان شهرهای تمدن غرب باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در نشست راهبردی جمهوری اسلامی درباره موضوع الگوی پیشرفت اسلامی،(۱) به خوبی به این تفاوت اشاره کرده است. ایشان به صراحت دست یابی به معنویت را یکی از شاخص های بنیادین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، معرفی می کند که کاملاً این امر تفاوت دو نسخه توسعه اسلامی و غربی را مشخص می سازد.

اما معنویت، دیگر کلیدواژه مهم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و یکی از تمایزهای اساسی الگوی پیشرفت اسلامی و توسعه غربی است؛ زیرا در اسلام منظور از پیشرفت، بیش از هر حوزه ای به معنویت و تجلی معنویت در زندگانی انسان ها اختصاص یافته است. معنویت از دیدگاه اسلام، روح پیشرفت واقعی در همه زمینه ها و مسائل است.

مقام معظم رهبری، معنویت را مهم ترین عرصه ای دانسته است که در

۱- در تاریخ ۱۰/۹/۱۳۸۹.

کـار پیچیـده، دقیق و بلندمـدت تـدوین الگوی اسـلامی ایرانی پیشـرفت، بایـد به آن توجه شود. همچنین ایشان توجه به مسـئله توحید را در این الگو دارای ضـرورت کامل دانسته است: «اگر توحید، اعتقاد به خدا و التزام به این اعتقاد، به بدنه زندگی بشر بسط داده شود، مشکلات جامعه بشری حل و راه پیشرفت حقیقی گشوده خواهد شد».(۱)

رهـبر انقلاـب اسـلامی، توجه به معـاد و محاسـبه اخروی در الگوی پیشـرفت را سـبب منطقی شـدن تحمـل همه دشواری هـا و گسترش از خودگذشـتگی برمی شـمارد و یـادآور می شود: «این مفهوم اساسـی و سـرنوشت سـاز، بایـد در الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشرفت، معنا یابد».

پیوسـتگی و تفکیـک نکردن دنیا و آخرت و محور بودن انسان در نگاه اسـلام، یکی از نکته های برجسـته دیگر در تفاوت دو الگـوی اسـلامی پیشـرفت و غربی توسـعه است. این مسـئله جزو نکته هـایی است که رهـبر انقلاـب اسـلامی در زمینه محتـوای اسـلامی الگوی پیشـرفت، به آن توجه داشـته است. ایشـان، محور بودن انسان در اسـلام و در فلسـفه های مادی غرب را کاملاً متفاوت از یکدیگر می داند و یادآور می شود: «هدف نهایی اسـلام، رسـتگاری انسان است و در این نگاه همه مسائل از جمله عدالت، رفاه، امنیت و عبادت مقدمه یا اهداف میانی هستند و هدف اصلی این است که انسان سعادتمند شود».

حضـرت آیت الله خامنه ای، انسان در نگاه اسـلام را موجودی مختار، مکلف و در معرض هـدایت الهی می دانـد و با تأکید بر تجلی این نگاه در الگوی پیشرفت می گوید: «در این نگاه، مردم سالاری علاوه بر اینکه حق

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نشست راهبردی جمهوری اسلامی در موضوع الگوی پیشرفت اسلامی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

مردم است، تکلیف آنها نیز می شود و کسی نمی تواند بگوید صلاح یا فساد جامعه به من مربوط نیست. لذا در نهایت باید گفت تبری از واژه توسعه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک اقدام پسندیده و منطقی محسوب می گردد که به خوبی می تواند مانع از تداخل راهکارهای دو نسخه توسعه ای شود. با این حال باید به این نکته نیز توجه داشت که استفاده از تجارب غرب در زمینه توسعه نیز ضروری به نظر می رسد. البته استفاده از این تجارب، در نهایت باید در راستای تدوین الگوی پیشرفت باشد و نه الگوی توسعه».(۱)

مقام معظم رهبری درباره بیان تفاوت های دیگر الگوهای غربی و اسلامی از پیشرفت، معتقد است که پیشرفت برای همه کشورها و جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد و می فرماید: «پیشرفت یک معنای مطلق ندارد. شرایط گوناگون (شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی) در ایجاد مدل های پیشرفت، اثر می گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم، چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما (با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیائی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما) الگوی ویژه خود را دارد. باید جست وجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه های دیگر به

۱- همان.

درد ما نمی خورد؛ چه نسخه پیشرفت امریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی (کشورهای اسکاندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند) هیچ کدام از این ها، برای پیشرفت کشور ما نمی تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم».(۱)

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، باید هنر ایرانی الگوی بومی پیشرفت را متناسب با شرایط کشور بیابد. ازاین رو، ایشان بر الگوی توسعه بومی و غیرتقلیدی تأکید دارد:

ما دنبال چه نوع توسعه ای هستیم؟ این نکته اساسی، در بحث های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرجا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ.(۲)

به طور کلی، الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و

۱- همان.

۲- همان.

ارزش های اسلامی است. این الگو با استواری بر اصولی ثابت و جهان شمول که قابل تطبیق بر شرایط گوناگون زمانی و مکانی است، به ویژگی های خاص فرهنگی، اجتماعی و حتی اقلیمی کشور توجه دارد. بنابراین، الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها گفته می شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی، به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می پردازد.

فصل سوم: الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت؛ لوازم، بسترها و عناصر

اشاره

ص:۱۳۴

فصل سوم: الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت؛ لوازم، بسترها و عناصر

ص:۱۳۵

زیر فصل ها

مقدمه

مقدمه

ایران اسلامی از نخستین پیش گامان جنبش فکری و رقم زننده تحول های تازه در عرصه های جهانی است؛ کشوری که با پاس داشت و گسترش و تعمیق هویت و مواریث اسلامی ــ ایرانی، مناسبات جهانی را متأثر و به بشریت خدمت کرده است؛ کشوری که در دهه چهارم عمر خود و پس از چندین سند توسعه، در قالب برنامه های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه، اکنون بنا بر ضرورت های خویش در جهت اتخاذ الگوی واحدی به عنوان «الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت» قرار گرفته تا مسیر فعالیت و حرکتش را در افق چشم انداز این الگو، به صورتی هدفمند و عقلانی بپیماید. بی گمان، دست یابی به چنین

الگویی نیازمند فراهم شدن مجموعه ای از بسترها، عناصر و لوازم است که تجهیز شدن به این تجهیزات و عناصر، تضمین کننده حرکتی سالم بر اساس افق این الگو و سند راهبردی است.

در این فصل از کتاب، به بررسی مجموعه ای از عناصر، لوازم و بسترهای مورد نیاز الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت می پردازیم. گفتنی است، بخش بسیاری از یافته های این فصل که به بررسی مجموعه ای از لوازم و عناصر الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت پرداخته، محصول گفت و گو با برخی کارشناسان و صاحب نظران این حوزه است.

۱. عدالت

ص:۱۳۷

۱. عدالت

قرار گرفتن الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، بر پایه عدالت، یکی از مهم ترین ویژگی های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت است. همواره مبحث عدالت در نظام اسلامی، اهمیت بسیاری دارد. چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

چنانچه پیشرفت به تنهایی در صورتی که در جهت استقرار عدالت نباشد فاقد ارزش بوده و آبادانی و اعتقاد به نجات حقیقی منوط به تحقق عدالت اجتماعی می باشد.(۱) پیشرفت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی، فاقد تأثیر در رفع فقر و محرومیت ها خواهد بود و از طرفی، عدالت اجتماعی بدون پیشرفت نیز فاقد کارآیی خواهد بود.(۲)

در بیش از سه دهه از حیاتِ ارزشمند انقلاب اسلامی، حرکت ها و تلاش های بسیاری معطوف به پیشبرد مسئله عدالت در جامعه صورت گرفته است و در مقایسه با گذشته باید گفت، چهره زشت و نفرت انگیز تبعیض و بی عدالتی های گسترده و عمیقِ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، تا حدود زیادی، از سیمای جامعه زدوده شده است، اما در مقایسه وضع موجود با وضع مطلوبِ مورد نظر اسلام و انقلاب، در آغاز راه هستیم.

انتخاب «پیشرفت و عدالتِ توأمان»، به عنوان گفتمان دهه چهارم و آغاز حرکتِ شوق انگیز تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱- مقام معظم رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۷/۰۸/۱۳۸۵.
۲- مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر و سالگرد شهادت استاد مطهری، ۱۴/۰۲/۱۳۷۹.

ـ که عـدالت روح حـاکم بر آن است ـ با جایگاه فراتری که نسـبت به همه اسـناد بالادستی کشور دارد، محوری بودن مسـئله عـدالت در مطالبات عمومی جامعه و مردم و ظرفیت سازی ای که رهبر معظم انقلاب اسـلامی در ایجاد گفتمان عدالت داشـته است و دارد، همگی بسترهـای یک حرکت توأم با جهش را به سود پیشبرد عـدالت در نظرورزی و تحقق عملی نویـد می دهد که باید قدر این فرصت تاریخی را دانست و به آن پاسخ شایسته و بایسته ای داد.

با توجه به اهمیت بنیادین عنصر عـدالت در نظام جمهوری اسـلامی ایران و مطرح شـدن این شـعار به عنوان یکی از مهم ترین رسـالت های نظام اسـلامی، به جرئت می توان گفت، تحقق جامعه عـدالت محور، یکی از بایسـته های مهم الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشرفت است.

جـامعه ای که در آن مردم از انواع حق و حقوق بهره مندنـد و این بهره منـدی به لحـاظ نظری و عملی به رسـمیت شـناخته می شود، جامعه ای است که تکلیف در قبال حق، عملیاتی شده و به اصـطلاح صاحب حق، از راه خودش یا از راه دیگران، اعم از دیگر افراد یا دولت، حق خود را به اندازه ظرفیت و اسـتعدادش گرفته که این دسـتآورد بسیار بزرگی است که در جامعه الگو، به طور قهری باید اتفاق بیفتد.

به سـخنی دیگر، وقتی افراد صاحب حق، همان طور و به همان انـدازه که صاحب حقنـد، موفق می شونـد حق شان را بگیرند و خودشـان را هم مکلف می بیننـد که حقوقی را که دیگران به عهـده آنـان دارنـد، رعایت کننـد، در واقع پدیـده «دادن حق هر موجودی به خودش» روی داده که این «عـدالت» نامیده می شود. عدالت به این مفهوم، به تعادل رساننده همه عدم تعادل هایی است که به دلیل سر جای خود قرار نگرفتن

ص:۱۳۹

موجودات در نظام هستی واقع شده و موجبات انواع و اقسام عدم تعادل های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را فراهم آورده است. در این نگرش، انجام ضروری تکالیف تعریف شده برای اشخاص حقیقی و حقوقی و از جمله دولت، سبب ساز شکوفایی استعدادها و قابلیت های موجودات، در مقیاسی می شود که قابلیت آن را دارند. در عین حال هیچ موجودی نمی تواند در معرض برخورداری از امکاناتی قرار گیرد که قوای ذهنی و جسمی وی، برای آن برخورداری قابلیت لازم را ندارند. ازاین رو، حقوق گوناگون انسان ها و دیگر موجودات، متناسب با همان ضوابطی که آنها را محق کرده است، رعایت می شود و کسی احساس نمی کند که حقی از او ضایع گشته یا واجد توانمندی هایی بوده که به دلیل فقر یا گرفتاری های دیگر، امکان نضج و نمود بالندگی آن، از وی گرفته شده است.

در واقع در این جامعه، مبتنی بر اصل اعطای حق هر کسی به خودش، برای انسان ها فرصت های یکسانی تدارک دیده می شود و آنها در صورتی که به دلایلی نتوانسته باشند به پرورش استعدادهای خودشان اهتمام کنند، می توانند با بهره مندی از زمینه های برابری فرصت ها، در تراز کسانی قرار گیرند که با امکانات و بهره مندی های شان، فرصت برابر با دیگران را برای خویش کسب کنند. این فرصت ها به ویژه در زمینه های آموزش، بهداشت، درمان، تغذیه، اشتغال و مسکن، بیش از موارد دیگر به چشم می آید. بدیهی است، انسان های بهره مند از فرصت های یکسان، مطابق استعداد و کوشش هایشان، پس از بهره مندی، لزوماً با هم یکسان و مشابه به لحاظ برخورداری های مکتسبه نیستند، یعنی در جامعه ای که فرصت یکسان وضع می گردد، در عین حال تفاوت هم لحاظ می شود.

ص: ۱۴۰

چنانچه این تفاوت ها، مستظهر به تلاش و قابلیت های موجودات باشد، بی گمان می تواند حاکی از عدالت هم باشد. جامعه ای که در آن افراد حق خود را به شیوه های متناسب و با فنون و سازوکارهای مبتنی بر دانش و عقل بشری، دریافت می کنند ــ و این حق می تواند حتی در نیاز گروهی ریشه داشته باشد ــ جامعه ای عدالت محور است؛ یعنی مردم خودشان حق شان را به دست می آورند یا اگر نیازمندند، نیازشان هم حقی است که اعطای آن به عهده مکلفان به ادای آن است. عدالت در چنین جامعه ای، قاعده ای برای دینی بودن امور هم به شمار می رود، یعنی چنین نیست که هرچه دین گفت، عدالت باشد، بلکه هر آنچه عدالت است، دین بیان می کند.

یکی از ویژگی های مهم جامعه در الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت در بحث عدالت، برخوردار بودن افراد آن جامعه، از فرصت های یکسانی است که دسترسی و اکتساب آنها می تواند زمینه ساز عدالت در جنبه های گوناگون آن شود. به این معنا که بر مبنای استدلال برابری همه انسان ها در برابر قوانین و به منزله دانه های شانه بودن آنان در بهره مندی از مواهب طبیعی، باید نظام حقوقی و اقتصادی چنان شکل بگیرند که امکان بهره مند شدن همگان از فرصت های یکسان فراهم آید. چه افراد با امکانات خویش این امکان را تدارک ببینند یا دولت ناگزیر باشد برای کسانی که به هر دلیل موجهی نمی توانند زمینه ساز تساوی فرصت ها برای خویش شوند، این مهم را عملیاتی کند، یعنی مهم این است که استعدادی نباشد که به دلیل فقر و ضعف، شکوفا و فرصتی نماند که به دلیل نبودن امکانات، از آن استفاده نشود یا احتمالاً به تهدید مبدل شود.

۲. احیای حقوق عامه

ص:۱۴۱

۲. احیای حقوق عامه

احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع، از ضروریات جامعه الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت است. اصولاً هدف از تأسیس جامعه ای مبتنی بر آرمان های دینی و موازین قرآنی، برپایی قسط است و فلسفه فرستادن پیامبران نیز به همین دلیل بوده است؛(۱) به گونه ای که اگر مردم شاهد گسترش عدالت و آزادی های مشروع معطوف به حقوق به رسمیت شناخته شده در متون و اسناد معتبر و مورد وفاق الهی نباشند و احساس احیای حقوق خود را نکنند، قطعاً به همان نسبتی که از این ویژگی ها به دور باشند، به همان نسبت هم از محقق شدن جامعه الگو، فاصله دارند.

همچنین این مقوله شرط کافی است؛ زیرا تحقق آن، نیازمند کارکرد سیستم اقتصادی تأمین کننده نیازهای اساسی انسان و اشتغالی برای اوست که مبتنی بر آن، می تواند با کار متعارفی در تعداد ساعاتی متناسب، از چنان درآمدی برخوردار باشد که زندگی اش را تأمین کند و او بتواند با فراغ بال به دیگر وجوه زندگی سیاسی، اجتماعی و دینی اش بپردازد.

بدیهی است، با حضور چنین سیستمی و کارکرد متصور آن، افراد فرصت بهره مندی از حقوق بدیهی خود را می یابند و با هر تهدیدی که این حقوق را تحدید سازد، برخورد می کنند؛ زیرا آن قدر رشد فکری یافته اند که اجازه ندهند از مجاری وقوف و آگاهی بر حقوق خویش به استضعاف کشیده شوند.

۱- حدید: ۲۵.

به طور قهری چنین شرایطی، تضمین کننده آن نکته محوری احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع می شود. نظام قضایی جامعه الگو، منطقاً باید با چنان شرایطی ساماندهی شده باشد که جز دادگستری هیچ نهاد دیگری، مرجع رسمی تظلمات و شکایات نباشد. همین نظام قضایی با کشف جرم و اعمال مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، مانع می شود که به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص تعرض شود.

بر پیشانی جامعه الگو، این معنا می درخشد که اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که دادگاه صالح به اتهامات او رسیدگی و جرم او در دادگاه ثابت شود. نه تنها حکم به مجازات باید منحصراً از راه دادگاه صالح و آن هم مبتنی بر قانون باشد که حکم به اجرای مجازات هم باید بر اساس قانون و از راه دادگاه ذی صلاح عملیاتی شود. گذشته از این، جامعه الگو به این ویژگی شناخته و متمایز می شود که حتی پس از آن که فردی به حکم قانون دستگیر و بازداشت و زندانی یا تبعید شد، هیچ کس حق هتك حرمت و حیثیت او را ندارد. او صرفاً مجازات عمل خود را مبتنی بر قانون می بیند و بیش از آن نمی توان به او حتی با الفاظ و گزاره های ناخوشایند توهین کرد.

عدالت قضایی در جامعه، معیار و ملاکی برای درجه و میزان دوری و نزدیکی آن جامعه به ویژگی های جامعه الگو (جامعه اسوه) است و صرفاً مردم زمانی تحقق آن را درك خواهند کرد که جاری شدن عدالت، یعنی اعطای حق هر کسی به خودش را ببینند.

۳. انطباق با مقتضیات بومی

۳. انطباق با مقتضیات بومی

نوع برداشت و تلقی از مفهوم توسعه، یکی از بایسته های ضروری و حساس در طراحی هدفمند الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت است. از آنجا که توسعه یکی از آرمان ها و مطلوب های جوامع است که وانمود می شود شماری از کشورهای جهان به آن دسترسی پیدا کرده اند و شمار بسیاری هم در انتظار دست یابی به آن به سر می برند و در حال برنامه ریزی و تلاش برای حصول به آن هستند و عمدتاً برای کشورهای در حال توسعه و به تبع آن برای دست اندرکاران مسائل اقتصادی، اعم از کارگزاران و نخبگان، توسعه به معنای همچون کشورهای توسعه یافته شدن، قلمداد شده، مساله اصلی این کشورها آن است که همچون کشورهای توسعه یافته امروزین شوند. در نتیجه، همه کوشش ها و تخصیص منابع و به کارگیری روش ها در حول و حوش گام برداشتن در طریقی شکل می گیرد که کشور در حال توسعه را به تدریج به وضعیت فعلی کشور توسعه یافته نزدیک کند، یا در حال شکل گیری و قالب بندی است و این یکی از اشتباه های بزرگ در تلقی و ادراک از مفهوم توسعه است.

کشورهای در حال توسعه تا زمانی که این خطای مفهومی و این شیوه نادرست و این تلقی انحرافی از توسعه را اصلاح نکنند، منابع خود را در سمت و سویی تخصیص داده اند که لزوماً پی آمدها و برآیند آنها در جهت شکل گیری آرمان ها و ایدئال های مردم نبوده است و این خسارت اندکی نیست که جامعه ای هم منابع کمیابش را تخصیص بدهد و هم تخصیص را در سمت و سویی ناسازگار با خواسته ها و هدف های اصلی جامعه اش ساماندهی کند.

ص:۱۴۴

نکته اساسی آن است که توسعه مانند دیگران شدن نیست. کشورهای توسعه یافته امروزی هم که مراحل طولانی رسیدن به توسعه یافتگی را تجربه کرده اند، همچون دیگران نشده اند. آنان با پاس داشت اصالت ها و هویت هایشان و طی طریقی که مبتنی بر تلاش و زحمت و احتمالاً شانس یا مدیریت و برنامه بوده است، شرایط تاریخی خود را در دویست سال گذشته، به گونه ای ساماندهی کرده اند که نتیجه آن شرایط پیشرفته امروزین آنها در برخی عرصه های زندگی و مشکلات و نابسامانی های عمدتاً غیرمادی در برخی دیگر از امور زندگی است. این به معنای آن است که می توان توسعه یافتگی را تجربه کرد و در عین حال، «خود» باقی ماند و هویت و اصالت و تمامی آنچه مشخص کننده تاریخ و مواریث یک جامعه یا یک ملت است را پاس داشت و آنها را توسعه داد.

به نظر می رسد، این تلقی از توسعه یافتگی از نظر روش، تا حدود زیادی در میان کسانی که پیگیری پروژه توسعه یافتگی را می کنند، غریب است؛ به گونه ای که آنها به طور ناخودآگاه گرفتار ظواهر و جنبه های مادی مفهوم توسعه هستند که برایشان مانند غربی ها شدن، توسعه به شمار می آید. این انفعال، یکی از بزرگ ترین موانع و ضخیم ترین حجاب ها در یافتن معرفت درست از حرکت است که تا اصلاح نشود، اصولاً طراحی و معماری الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت نیز زمینه لازم را در اجتماع و در ذهن تجربه نخواهد کرد.

بنابراین، منطبق بودن الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت با مقتضیات بومی و فرهنگی کشور، از جمله ویژگی های لازم و بایسته های مهم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت قلمداد می شود. در این زمینه، رهبر

معظم بر این باور است که «الگو باید منطبق بر خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور و متناسب با اقتصاد، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق با محاسبه امکانات، توانایی ها و زمینه های کشور بوده»(۱) و «ضرورت [دارد] الگوی بومی پیشرفت با توجه به فقدان یک مدل واحد برای پیشرفت و مبتنی بودن الگوی ویژه برای هر کشور متناسب با شرایط بومی،(۲) با پرهیز از مدل های وارداتی و تقلیدی، طراحی مدل توسعه بومی در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان مردم طراحی شود».(۳) همچنین تأکیدات مؤکد معظم له درباره مغایر بودن پیشرفت ملی با توسعه غربی با القای فرآیند توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته با ایدئال توسعه غربی،(۴) پرهیز از بیراهه های پیشرفت، همچون وابستگی در دوره قاجار با نام پیشرفت،(۵) انحراف و سرنگونی به واسطه پیشرفت های دوره پهلوی با معیار و ملاک قرار دادن غربی ها و دنبال آنها حرکت کردن و نیز ناامیدی از تحرک و پیشرفت در مقابل غرب با روحیه خودباختگی و توجیه مبتنی بر واقع بینی،(۶) همگی نشانه لزوم انطباق الگوی پیشرفت و توسعه کشور با موازین و شرایط بومی و فرهنگی کشور است.

باید در این جهت، به شرایط جامعه ایرانی و هویت آن توجه کرد. همچنین باید مقتضیات بومی و ارزش ها و مبانی ایرانی و اسلامی را نیز

۱- مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۵/۰۵/۱۳۸۲.

۲- همان.

۳- مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

۴- همان.

۵- مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد،۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

۶- مقام معظم رهبری در دیداربا دانشجویان، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

شناسایی کرد. در عین حال باید توجه به مقتضیات بومی، گسترده باشد و همه زوایا مانند مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین المللی را در بر بگیرد. به طور کلی، فهرست جامعی از مسائل کشور را پیش رو قرار دهد؛ چرا که تنوع در زبان، آداب و رسوم، آیین و باورها، قواعد و قوانین رفتاری، موقعیت سیاسی و جغرافیایی و حتی الگوهای اصیل در تغذیه و ازدواج، از ویژگی های جامعه ایرانی است که طی تاریخ خود حفظ شده است و حتی موج تجددخواهی یک سده اخیر نیز نتوانسته همچنان در آن تغییری اساسی بدهد. این ویژگی ها باید در ترسیم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت مورد نظر باشد.

۴. تضمین کننده استقلال کشور

۴. تضمین کننده استقلال کشور

باید الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت ضامن استقلال کشور باشد. حفظ قدرت تصمیم گیری، بدون اتکا به نیروهای خارجی، در الگوی پیشرفت کشور، شاخص مهمی است. تأکید مقام معظم رهبری درباره غفلت نورزیدن در دست یابی به پیشرفت ظاهری و سراب پیشرفت (با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد) و ناچاری در دنباله روی از غرب، نشانه اهمیت استقلال،(۱) و دوری از وابستگی به نظام های خارجی است.

جامعه ایران به ویژه در دوره مبارزه مردم برای رسیدن به آزادی و شکل گیری جمهوری اسلامی، هدف ها و آرمان های روشن و صریحی داشته که رهبران انقلاب، مطرح کردند و با حمایت مردم از آن پشتیبانی شده است. بر این اساس، شعار کلیدی «استقلال، آزادی، جمهوری

۱- مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

اسلامی»، چکیده منویات و اصول فکری و غایات ملت بزرگ ایران را در خود متبلور کرده که بارها از زبان رهبران انقلاب و توده های مردم، شنیده و در ۳۴ سال گذشته، تکرار شده است. با این اوصاف، میل به زندگی در جامعه ای که با آرای اکثریت مردم اداره شود و جوهره چنین نظامی، موازین اسلامی باشد و بتواند برای کشور و مردمش، استقلال و آزادی را به ارمغان بیاورد، تنها انگیزه اکثریت قریب به اتفاق حامیان و پشتیبانان انقلاب ایران بوده است.

۵. توجه به ساختار قانون اساسی

۵. توجه به ساختار قانون اساسی

بی گمان طراحی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت که یکی از راهبردی ترین سندهای اجرایی و اسناد بالادستی کشور است، نمی تواند بدون توجه به ساختار و روح کلی قانون اساسی، به عنوان زیربنایی ترین قانون کشور، شکل بگیرد و ماهیت اجرایی بیابد. بنابراین، در طراحی ساختار الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، نباید توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نادیده گرفته شود.

قانون اساسی، نرم افزاری است که شیوه زندگی و حقوق مردم را در حوزه های سیاست، اقتصاد، استقلال و پیشرفت و آینده نگری، ترسیم و با جهت دادن به همه رویکردها، در حقیقت الگوی جامعه مورد نظر برای ایران اسلامی را اجرا می کند. این الگو به تبع تحول ها، انعطاف پذیر است، ولی چنین انعطافی، حول محورهای ثابتی صورت می گیرد که هویت جامعه ما را فریاد می کنند.

۶. نظام جامع تزکیه و تعلیم

ص:۱۴۸

۶. نظام جامع تزکیه و تعلیم

تزکیه و تعلیم، شیوه زندگی انسان در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و منشأ بسیاری از تحول های فرهنگی را معیّن می سازد. به دلیل آنکه بسیاری از کارشناسان، فرهنگ را به معنای «شیوه زندگانی» تعریف کرده اند، منشأ فرهنگ نیز تعلیم و تزکیه است. چنانچه انسان ها از راه تزکیه منطبق بر آموزه های دینی، تزکیه شوند، در آن صورت تعلیم آنان نیز متناسب با تزکیه در عرصه های گوناگون زندگانی شان شکل می گیرد و شیوه زندگی آنان را با وضعیتی عالمانه و در عین حال متقیانه می آمیزد، یعنی فرهنگ آنان را تحول خواه و به دور از عقب ماندگی و نادانی و به شدت وامدار قلمروی سنن و نوامیس دینی، بار می آورد.

بر این اساس، در صحبت از تزکیه و تعلیم، لزوماً منظور محدوده نظام آموزش رسمی _ که عمدتاً در آموزش و پرورش خلاصه می شود _ نیست، بلکه قلمرویی است که در آن، تحول های بنیادی در راستای آزاد، عابد، مختار و مکلف بار آمدن انسان ها تجربه می شود و دربرگیرنده نظام رسانه ای، نظام خانواده، نظام آموزش مدرسه و مسجد است. البته این قلمرو تا مرزهای آموزش در مقاطع بالاتر نیز گسترش می یابد. به این ترتیب، آنچه به عنوان کتاب، فیلم، تئاتر، موسیقی، انواع هنرها، جهانگردی و گردشگری، میراث فرهنگی و زیارت مطرحند، زیر پوشش قلمروی موضوع بحث، قرار می گیرند. البته چنین بیان و انحصاری به این معنا نیست که شیوه های زندگی در عرصه سیاست و اقتصاد، دربردارنده تحولات عمده در روح و روان انسان، اثرگذار نیستند، بلکه به این معناست که بخش بسیار گسترده و عمده ای از مناسبات انسانی درباره این موضوع ها، بر مدار تزکیه و تعلیم، مبتنی و

معطوف به آن می چرخند و مختصات خود را وامدار آن هستند. ازاین رو، چنانچه این تزکیه و تعلیم به شرحی که پیشتر اشاره شـده، محقق شود، به تدریـج آثـار و کارکردهـایش در نگرش هـا، رفتارهـا و بینش های مردم متجلی می شود و زمینه را برای شناخت شناسی معطوف به جامعه دینی آماده می سازد.

قلمرویی با چنین ویژگی و با این عناصر و اجزا که چرخش هدفمندش را بر محور تزکیه و تعلیم مربوط به آن تجربه می کند، بایـد در مراحـل ساخت و طی دوران مرارت بار و به شـدت حساس سازنـدگی جامعه الگو، نقش پیشـتازی نسـبت به هر قلمرو دیگری داشته باشد.

بنابراین، آموزش و پرورش یکی از مهم ترین بایسته ها و ضـروریات در طراحی الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشرفت است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر اهمیت این مسئله در تبیین الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، تأکید کرده است.

رسـیدن به کمال ویژگی های مطروحه برای جامعه الگو، کاری دشوار و مسـیری پردست انـداز و هدفی دست نیافتنی است؛ به گونه ای که به برنامه ریزی جامع و مستمر و بردباری و حوصله ای فراوان برای اجرایی کردن برنامه ها و عزمی جزم و اراده ای استوار و توکلی بایسته از جنس آموزه های قرآنی در باب متوکلان، نیازمند است.

این به معنـای آن است که جـامعه ایرانی، برای تجربه کردن شـرایط جـامعه اسـوه و الگـوی خـویش، بایـد تعلیم و تعلم را جزو اولویت های نخست خود بگنجاند و برای پرداختن به آن، همه امور دیگر را تحت تأثیر این مقوله قرار دهد.

باید انسان در جامعه الگو، محور تلاش ها، خواسته ها، آرمان ها و

هـدف هـا باشـد و این عملی نمی شـود، مگر اینکه آمـوزش و پرورش در معنـای اعم خود، یعنی تزکیه و تعلیم، سـرلوحه همه کارها و اقـدامات صورت گرفته در کشور باشد. باید انسان ها چنان آموزش ببینند که موجبات رهایی شان را فراهم آورد و از اسارت جهل و خرافه و همه وابستگی ها آزاد شوند؛ زیرا می تواند آنها را از پیروز شدن در آزمون های الهی بازدارد و به این وسـیله، آزادگی شـان را سـلب کنـد. رهایی از عناصـر پنهان و آشـکاری که اجازه شـکوفایی اسـتعدادهای انسان را از وی می گیرنـد، رمز و راز پدیـد آمدن انسان آزاد و مکلف و مسـئولی است که عدالت را مانند جان جانان می جوید و زندگی اش را بر قاعده عدالت، تنظیم و سازگار می کند.

بر این مبنـا بایـد برنـامه ریزان آموزشـی و تربیتیِ معتقـد به جوهره این بـاور، دربـاره محتوای آموزشـی، آموزشـگران نهادهای آموزشی، از مدرسه، خانواده و رسانه های صوتی و تصویری گرفته تا محیط کار و روابط انسانی را با همدیگر و از پایین ترین سنین تا دوره سالمندی، در دوره های قابل تعریف، معیّن کنند که چه باید کرد تا محصول آن تربیت نسـلی مسلمان و آموزش او برای آماده شـدن برای ورود به زنـدگانی بایسـته در جامعه ای باشـد که از اسـتمرار این گونه حیات در آن، به تدریـج الگو چهره بنمایاند و شکل بگیرد.

افزون بر اینکه محتـوای آمـوزش مهم است، شـیوه هـای آمـوزش و تربیت از محتوای آنهـا هم بـا اهمیت تر و خطیرتر است. به سخن دیگر، آموزش بایـد به لحاظ ضـرورت های محیطی، روان شناسـی انسان ها و جامعه و متناسب با آنچه در پی نائل شدن به آن هستیم، سر و سامان داده شود و این مطلب ناظر بر انقلابی در مضامین، مقاطع، سن و سال

ص:۱۵۱

، ضرورت های فنی و حرفه ای، نوع آموزش دانشگاهی، ضروری و لازم و جایگاه بخش های گوناگون در ارائه آموزش و صدها متغیر دیگر است که برنامه ریزان آموزشی، تفصیل آن را برای مراحل گوناگون رشد جامعه، تدارک دیده است و جامعه باید اجرای آنها را عملیاتی کند.

وقتی اولویت نظام آموزشی برای تعلیم و تربیت انسانی هایی که باید الگوی مورد نظر اسلام از یک جامعه مطلوب و قابل دفاع را بسازند، در نظر می گیریم، به این معنا است که امکانات فیزیکی و انسانی جامعه باید به اولویت نظام آموزش و پرورش تخصیص پیدا کند و در این مسیر، با رعایت نکات و دقایق ظریف کار، نباید اجازه کمترین مماشات و ساده انگاری در این امر مهم را بر خود و جامعه، روا داشت.

با این رویکرد، مقوله ای که رخ می نماید آن است که باید فرزندان جامعه را با این محاسبه و ارزیابی که فردای جامعه را شکل می دهند و رقم می زنند، مشمول آموزش و پرورش قرار داد تا آموزشی که به تدریج و پا به پای این تزکیه بر روح و روان جامعه هدف می نشیند، امکان تغییر رفتار را با عنایت به روان تزکیه شده انسان ها، حاصل کند. در این زمینه، نقش سازمان هایی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه ها و حوزه های علمیه را به بهترین شکل ممکن می نمایاند. به سخنی دیگر، ما اکنون در برابر این پرسش قرار داریم، که چه کسانی باید فرزندان جامعه را ــ از کودکی تا نوجوانی و جوانی و در هر لحظه ای که در معرض مبادله یادگرفتنی ها با محیط و دیگران هستند ــ تربیت کنند و باید در این مسیر با چه محتوا و مضامینی تربیت شوند؟

چگونه و با چه ساز و کاری باید این مضامین ریشه دار در تعلیمات اسلامی را استنباط، استخراج و ترویج کرد و گسترش و آموزش داد تا

اطمینـان حاصـل شود که مطـالب درست و متناسب با سن مخاطب است و با برنامه ریزی تربیتی و آموزشـیِ درست و منطبق بر ملاحظـات روان شناسـی، صورت می گیرد. همچنین نونهالا‌نی که در اختیـار خـانواده و ورودی های به آن،ماننـد رسانه های مکتوب و غیرمکتوب هسـتند و بعـدها به آموزش های رسـمی سپرده می شوند و در معرض آنها و آموزگارانی قرار می گیرند که گفته هـا، کردارهـا و حتی نگاهشـان بر لوح ذهن آنـان، اثر می گـذارد، بایـد بر اساس کـدام برنامه تجربه شـده، به دور از خطاهـای متعـارف، امواج پرقـدرت تربیت و آموزش را ارزانی داشت تـا این اطمینـان حاصل شود که جامعه نسـلی را مطابق با آموزه ها و باورهای اسلامی به بار آورد.

بایـد در این زمینه دانشـمندان و عالمـان دین، برای ایفـای نقش و تکالیف بایسـته شان، مجموعه امکانات آموزشـی و ترویجی کشور را در اختیـار داشـته باشـند تـا شـفاف ترین و خـالص ترین انـدیشه متقارب با کلام وحیانی، در فضای علمی، فرهنگی و مذهبی جامعه منتشـر شود و نسلی که مشمول این فضا قرار می گیرد، این فرصت را یافته باشد که کنجکاوی ها، صفا، سادگی هـا و ضـمیر همچون آینه پاک خود را واقع نمای وقایعی کنـد که تأثیرات آنها را در جهت تزکیه روح و روان خود به کار می گیرد و این از نقـاط عطف در فهم مبانی ساختاری در الگویی است که جامعه می خواهـد به نام اسـلام، تجلی آن را در آینـده حیات فکری خویش رقم بزند و تماشا کند.

۷. نظام اقتصادی

۷. نظام اقتصادی

برخورداری از نظـامی اقتصادی مبتنی بر الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشـرفت، در کنار نظام آموزشـی و سامانه تهـذیب و تزکیه، جزو

اولویت هایی است که در آغاز شکل گیری الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، باید به آن پرداخته شود. این نظام اقتصادی باید منطبق بر آموزه های دینی و تجربه بشری طراحی شود و اجرایی شدن آن جزو اولویت های جامعه قرار گیرد که عملاً اقتصاد را شکوفا و پررونق سازد.

نظام اقتصادی باید به گونه ای باشد که ضمن مستظهر بودن به کار و کوشش یدی و فکری آنان، نیازهای اساسی آنها را تأمین کند تا از راه رفع این نیازها، به تحکیم بنیادهای اقتصادی اهتمام شود. رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او، اصل است و در قبال رفع این گونه نیازهاست که زمینه رسیدن به هدف، به نحوی کارآمد فراهم می شود. مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد همراه با حفظ آزادگی و کرامت انسانی وی، همچنین تأمین شرایط و امکانات کار برای همه، جزو اصلی ترین و فوری ترین نیازهای انسانی است که اقتصاد در جمهوری اسلامی ایران، بر آنها استوار می شود. اینکه چگونه نظام اقتصادی ساماندهی شود، تا این امر مهمِ عملیاتی گردد و اقتصاد که وسیله ای بسیار مهم، و تعیین کننده و نه به عنوان هدف است، در الگوی مورد نظر متجلی شود، مقوله ای است که جوهر و روح آن از الگو گرفته شده و مظاهر و روبناهای آن، مشمول تغییرات و تحولات عصری است.

نظام اقتصادی در این الگو باید برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی، زمینه مناسب را فراهم آورد و اهمیت دست یازیدن به این هدف تا آنجاست که تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه

افراد و رفع نیازهای ضروری برای استمرار حرکت تکاملی انسان، برعهده حکومت گذاشته شود.

منظور آن نیست که دولت متعهد به تأمین همه امور مربوط به تأمین نیازهای اساسی باشد، بلکه مراد آن است که دولت باید نسبت به این مهم، عنایت داشته و مترصد اجرایی شدن آن باشد. اگر بخش های غیردولتی، چنین مقوله ای را به سامان رسانند، مقصود حاصل شده است و اگر در این زمینه نقصان هایی وجود دارد، دولت باید به نحو مقتضی و متناسب با مراحل توسعه یافتگی جامعه، اقدامات لازم را انجام دهد.

اگر نظام اقتصادی جامعه الگو موفق شود، نیازهای اساسی انسان ها را برطرف سازد، این امکان را هم می یابد که از راه انسان های تأمین نیاز اساسی شده، کارآیی، بهره وری، اشتغال، دستمزد و عرضه را ساماندهی کند و آنها را ارتقا دهد و در عین حال که وابستگی کشور به واردات کالاهای استراتژیک و مهم را کم می کند، آن قدر خود را ارتقا دهد که از راه وابستگی متقابل، جلوی سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور را بگیرد.

شکوفایی تولید در نظامی اقتصادی که در آن دولت وظیفه و مسئولیت «عدالت گستری» را دارد و اولویت دار بودن آن، زمینه های رشد و توسعه آموزش و بهره مندی از تهذیب و پرورش را فراهم می سازد. کمک می کند تا حتی اگر امکانات اقتصادی کم باشد، اما همین مختصر هم، اولویت دارترین نیازهای انسانی را برطرف سازند و با گذشت زمان و تراکم این نقش ها، بایدهای الگو، محکم و باقوام تر شوند.

بی گمان در الگوی اسلامی ـ ایرانی، مانند همه الگوهای موجود، مسائل اقتصادی و نگرش به خواسته ها، هدف ها و وسایل تحقق آنها،

جزو مهم ترین و اساسی ترین مؤلفه هایی است که در شکل گیری و جهت گیری های الگوی مورد نظر نقش دارد.

ازاین رو، در تحلیل الگوهای رایج توسعه در جهان و هم در تدوین الگوی اسلامی ـ ایرانی، بررسی دیدگاه ها و اصول پایه اقتصادی و تدوین آنها، از تعیین کننده ترین مسائلی است که باید به آن توجه شود.

۸. تأمین اجتماعی همگانی

۸. تأمین اجتماعی همگانی

رفع فقر، هدفی اصولی و مهم و مرتفع کردن آن، جزو ویژگی های اساسی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت است. مبتنی بر آیات و روایاتی که مستقیم و غیرمستقیم به آثار ویرانگر فقر بر زندگی افراد و جامعه اشاره دارد، فقر سبب سلب شخصیت فقیر می شود و از مرگ، بدتر است. فقر می تواند به کفر بینجامد. ازاین رو، تصور وجود جامعه ای که الگو دانسته شود و همزمان در آن فقر وجود داشته باشد، ممکن نیست.

باید با پرداختن به ساماندهی نظام اقتصادی معطوف به رفع نیازهای اساسی مردم، زمینه فقر را از بین برد و از این راه، امکان عملیاتی شدن داشتن انسان های برخوردار از حقوق برابر در قبال قوانین و آزاد بودن آنان از نظر ضرورت آزادی و امکان اعمال آن را تدارک دید.

به این منظور، برای دوران فعالیت های انسان، در سنینی که می توانند کار کنند و برای دوران بازنشستگی و ازکارافتادگی، باید به گونه ای عمل شود که افراد، فقیر توصیف نشوند و فقر به ویژه زندگی دوره ناتوانی و ازکارافتادگی آنان را تحت تأثیر قرار ندهد. این حق همگانی است. بدیهی است دامنه تسری این حق به دوره فعال بودن انسان هم معطوف می شود؛ زیرا شرایطی پیش می آید که در آن امکان بیکار شدن

ص:۱۵۶

و از دست رفتن دائمی یا موقت اشتغال یا بی سرپرست ماندن (همچون زنانی که به هر دلیلی شوهران خود را از دست می دهند و ناگزیرند زندگی خود و فرزندانشان را سرپرستی کنند) یا متأثر شدن از حوادث و سوانح غیرمترقبه یا مترقبه یا نیازمندی به بهره مند شدن از خدمات و مراقبت های پزشکی و از این قبیل امور که هر کدام به نوعی در تأمین دوران مشخصی از عمر انسان ها موضوعیت می یابند، به صورت یکی از مشکلات و مسائل زندگی انسان ها، خودنمایی می کند و برای افراد مزاحمت پدید می آورد. ازاین رو، اهمیت دارد جامعه با طراحی سازوکاری مناسب، برای تأمین اجتماع در قبال مسائلی از انواع یاد شده، نسبت به کاهش و رفع آلام آنان بکوشد، به گونه ای که افراد پس از یک دوره معیّن کار و فعالیت، اطمینان یابند که زندگی آنان از نظر فقیر شدن و به تبع آن مورد آسیب اجتماعی یا حیثیتی قرار گرفتن، تهدید نمی شود.

جامعه الگو، باید برای تحقق این حق همگانی زمینه سازی کند و درباره اینکه در این زمینه سازی چه مواردی باید مورد نظر قرار بگیرد و شیوه های آن چگونه باشد، می توان اتخاذ مورد را به شرایط زمانی و مکانی مربوط دانست و راه هایی را جست که بیشترین بازدهی یا کمترین مشکل فردی و جمعی را داشته باشد. البته مهم این است که تأمین اجتماعی، همراه با گرامی داشت ارزش های انسانی و کرامت های ذاتی انسان ها عملیاتی شود. به سخنی دیگر، برای جلوگیری از سلب شخصیت تهی دستان و کسانی که در معرض فقر قرار دارند، سیاست هایی اتخاذ نشود که نیاز آنان را مرتفع می سازد، ولی از نظر اجرایی، همان آسیب ها و مشکلات را بر زندگی آنان تحمیل می کند.

ص:۱۵۷

در تجربه و واقعیت های مربوط به حکومت امام علی علیه السلام مواردی را شاهدیم که حضرت نسبت به فقیر شدن فردی غیرمسلمان در دوره پیری برمی آشوبد و دستور رسیدگی به زندگی او را با این استدلال می دهد که وقتی جوان بود، از او خواستید که کار کند و اکنون که پیر شده است، او را رها کرده اید؟

۹. انعطاف پذیری الگو

۹. انعطاف پذیری الگو

تغییرهای الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و اسناد بالادستی، باید تابع الگویی باشد، وگرنه به پراکندگی، دوباره کاری و بی نظمی کشیده می شود. تغییرهای سریع در جوامع امروزی و تحولات جوامع به دلیل پیشرفت های بشری، یکی از ضرورت هایی است که به همراه خود، قوانین و الگوهای بالادستی جوامع را نیز مشمول تغییر و تجدید نظر می سازد. بنابراین، با فرض ضرورت تغییر و تحولاتی که برای هر الگوی طراحی شده در گذر زمان پدید می آید، تجدیدنظر در الگوها، امری مقبول و منطقی می نماید.

بنابراین، چنانچه در یک دوره زمانی، با عنایت یا بدون عنایت به چگونگی وضع موجود و نوع امکانات، کمبودها، کارکردها و تمایلات جامعه، در قالب تصویب قانون اساسی (که الگوی طراحی شده برای رسیدن به اهداف آرمانی هر اجتماعی است)، اقداماتی صورت گرفت، به گونه ای که تلقی از امکانات و کارکردها در گذر زمان، تغییرهای قابل ملاحظه ای را تجربه کردند، به ناگزیر باید در الگوی طراحی شده، ردپای این تغییر و تحولات دیده شود تا ناچار نشویم جامعه را با الگویی اداره کنیم که نماینده خواسته های مردم نیست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه پیش و در

شرایط نابسامان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مشکلات، به عنوان الگوی جامعه ای که با یک انقلاب پیروز پشتیبانی می شد و هنوز هم در نوع خود مترقی به نظر می رسد، باید دغدغه تغییر و تحولاتی را داشته باشد که وضع موجود را متفاوت ساخته است. ازاین رو، نکاتی که قبلاً ذکر شد، همچون آگاهی از تلقی های فعلی مردم از توسعه، دین، ایرانی بودن و سرمایه اجتماعی الگوی تجدیدنظر شده تئوریک جامعه ایران اسلامی را در قالب قانونی دیگر، مطرح و آرمان های آن را پیگیری کند. منطق حکم می کند که همواره الگوی طراحی شده، از شرایط موجود، نمایندگی و به نحو مقتضی، به جانب اهداف مطلوب، جهت گیری کند.

در تجدیدنظرهای این چنینی، هیچ گاه ماهیت و ساختار بنیادین الگو مشمول تغییر قرار نمی گیرد؛ زیرا آنها از اهدافی حکایت می کنند که گذر زمان آنها را عوض نمی کند، ولی به کارگیری هر آنچه معماران جامعه اسلامی را در کارآمدتر ساختن نهادهای جامعه و کارکردهای آنها مجهز کند، از ضروریاتی است که نمی توان نسبت به عملیاتی کردن آنها بی اعتنا بود. چنین اقدامی به طور طبیعی، بیانگر وجود الگوهای متفاوت برای جامعه که هم عرض هم هستند و همچنین الگوهای تکامل یافته طولی است. ازاین رو، رافع تصلب های احتمالی و پذیرنده انعطاف های سازنده در الگوهای طراحی شده یا در حال اجراست. به این صورت، الگو در عین واحد بودن از کثرت بهره مند است.

۱۰. سیاست گذاری های منعطف

۱۰. سیاست گذاری های منعطف

در مجموعه ویژگی های الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، مقوله انعطاف پذیری سیاست گذاری ها، جزو ویژگی هایی است که چون قابلیت

و توان رویارویی جامعه با رویـدادها و حادثه ها و پدیـده های تازه یا پیش بینی ناپـذیر را افزایش می دهد و آن را در مطابقت یافتن و سازگار شدن با ضرورت ها و الزامات، مددرسان می شود، می تواند جزو ویژگی های بسیار متمایز جامعه پنداشت.

نظامات حاکم بر یک جامعه، بایـد با انسـجام و بهره منـد بودن از سازگاری درونی و پشتیبانی شـدن با مبانی نظری معطوف به خود، امکـان پـذیرش وضـعیتی را داشـته باشـند که طی آن، منعطف بودن برای سیاست گـذاری هـا عملیـاتی گردد. البته این انعطاف چیزی از ذات و ماهیت انـدیشه حاکم بر مدیریت جامعه کم نکند تا ضـمن اینکه هویت جامعه محفوظ می ماند، روند آن به سمت رشد و تکامل و ارتقا کند یا منحرف نشود.

جـامعه الگـو بر اسـاس آمـوزه هـای دینی از آن بـابت کـه امـور خـود را بر اجرای احکـام و ضوابـط اسـلام نهـاده است، منطقاً کارکردهایش را با احکام اولیه، در عرصه های گوناگون خواهـد داشت، ولی اگر به ضـرورت هایی که پیش می آید، اجرای احکام اولیه، مانع یا مشکلی را بنماید، آن گاه این امکان را دارد که به عنوان «ضرورت»، به تعطیلی موقت احکام اولیه بپردازد و احکام ثانویه ای را که با ضـرورت پشتیبانی می شونـد، برای مدت معینی، بر نظامات خود حاکم و آنها را جای گزین احکام اولیه سازد. به این ترتیب، شـرایطی رقم نمی خورد که به دلیل اجرای حکم اولیه، مشکلاتی برای بخش هایی از نظام اجتماعی حاصل شود. نکته مهم دیگر آن است که مواردی پیش می آید که در اداره امور جامعه، لحاظ احکام ثانویه نیز راه گشا نبوده است، بلکه نیازمند آن هستیم تا برای مواجهه اصولی و در عین حال

دینی با پدیده یا پدیده های مستحدثه، از احکام ثانویه نیز عدول، و فکر دیگری کنیم.

خوش بختانه نظامات جامعه الگو، به گونه ای طراحی شده اند که امکان توجه به این مقوله اخیر را هم دارند و مشکلات موجود را با تمسک به احکام حکومتی، حل و فصل می کنند. بنابراین، اگر اجرای احکام اولیه، سبب سازگاری امور یا منافع و مصالح عموم را فراهم نکنند و اجرای احکام ثانویه هم به هر دلیلی میسر نشود، در آن صورت یک نهاد معین شده (برای نمونه، مجلس شورای اسلامی) به بررسی و چگونگی مصالح ناشی از دست زدن به اقدامی، حتی خلاف احکام اولیه اسلام مبادرت می کند و چنانچه اکثریت نمایندگان، به این نکته رسیدند و رأی دادند که انجام کاری یا ترک فعلی، به مصلحت جامعه است و آن گاه این مصلحت سنجی را در عرصه افکار و در معرض نهاد دیگری هم، مورد تأیید یافتند، بدون تردید و نگرانی، برای دوره ای که مصلحت ایجاب کند، از طریق رأی حاکم، که پشتیبان به مشاوره نهادی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام است، تصمیم خود را عملیاتی می کنند.

این در حالی است که می دانند احکام اولیه اسلام از نظر منطبق بودن با این احکام، از آن تصمیم حمایت نمی کند. ولی مطمئن هستند که این تصمیم بر اساس ضوابط دینی گرفته شده است. به سخنی دیگر، دست زدن به اقدامی غیرمنطبق با احکام اولیه دین هم، چنانچه مسیر تعریف شده مربوط به خود را بدون انحراف از موازین ذی ربط پیموده باشد، امری منطبق با دین و مقوله ای دینی است. ملاحظه می شود که منعطف بودن سیاست گذاری ها، به گونه ای که مطرح شد، بن بست های

نظری بر سر راه نظریه یا نظریات پشتیبان جامعه الگو را می گشاید و با پاسداری از ماهیت اسلامی الگو، سکون و توقف را نیز، از جامعه می گیرد.

۱۱. استقلال فرهنگی

۱۱. استقلال فرهنگی

فراز و نشیب های تاریخ، بشر را به این حقیقت رهنمون میکند که پدیده های خوب و بد جوامع انسانی، چیزی جز بازتاب فرهنگ ها نیست. به سخنی دیگر، فرهنگ، خاستگاه پیشرفت ها، نوآوری ها یا عقب ماندگی هاست، اما هدف انقلاب اسلامی که احیای فرهنگ قرآنی و ارزش های متعالی اسلامی بوده است و با دغدغه ها و شعارهای مبتنی بر شریعت اسلام به پیروزی رسید، تمرکز و فرصتی نیافت تا به تثبیت هنجارها و ارزش های اسلامی و ارائه برنامه ها و استراتژی های کارآمد فرهنگی بپردازد. فشارهای سیاسی و جهانی، تحمیل جنگ هشت ساله و آن گاه نیاز کشور به سازندگی و ایجاد رفاه اجتماعی نسبی برای مردم و هجمه فرهنگی غرب از راه فن آوری های جدید ارتباطی و رسانه ای، از جمله شبکه های رادیو و تلویزیونی، ماهواره، اینترنت و نظایر آن، وضعیت دشواری را برای برنامه های فرهنگی کشور، پدید آورد. یکی از مهم ترین اهرم هایی که همواره از آغاز شکل گیری جنبش انقلاب اسلامی در ایران مورد نظر ابرقدرت ها قرار گرفت، فرهنگ و از بین بردن استقلال و هویت فرهنگی جامعه بوده است.

مستندات تاریخی و روند شکل گیری استعمار غرب، نشانه آن است که همواره استعمار، به عنوان مهم ترین روش تحقق اهداف خود، به ایجاد تغییرهای ارزشی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای اسلامی و

تحت سلطه پرداخته است و توسعه غربی با دامن زدن به تضادها و ایجاد و تحکیم ارتباطات عمودی، الفت درونی جوامع انسانی را عملاً سست می کند.(۱)

رهبرکبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله ، فرآیند اصلاح یک مملکت را اصلاح فرهنگ آن کشور می دانست و با تأکیدات فراوان، همواره تلاش وافری در جهت گیری، سیاست گذاری و اجرایی کردن این امور داشت و بر این باور بود که: «تا فرهنگ یک مملکت اصلاح نشود و ملت ها از نظر فرهنگی به باور قلبی برای رشد و توسعه نرسند، گام بیهوده برمی دارند».(۲)

به گفته مقام معظم رهبری، «فرهنگ عمومی، علاوه بر رفتارهای فردی و اجتماعی در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های حکومتی نیز کاملاً مؤثر است و به همین علت باید آن را به شکلی صحیح، تبیین و پیگیری کرد».(۳)

در اندیشه منتج از انقلاب اسلامی، فرهنگ مقوله ای صرفاً ذهنی و جدا از دیگر شقوق زندگی بشر نیست، بلکه فرهنگ، ظرفی است که مظروف آن همه زوایای زندگی انسان را اعم از اقتصاد و سیاست را در برمی گیرد.(۴)

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری در سال های اخیر بر اهمیت،

۱- سید علی اصغر کاظمی، بحران جامعه مدرن، ص ۱۴.
۲- کبرا اسدی مقدم، دیدگاه های فرهنگی امام خمینی، ص ۱۱۷.
۳- ۳ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۶/۹/۱۳۸۱.
۴- محمدهادی همایون، برداشتی از اندیشه های تبلیغی و ارتباطی امام خمینی=، فصل نامه رسانه، ش ۶۹، صص ۴۴ _ ۴۶.

ضرورت و امکان پذیری مهندسی فرهنگی کشور، رویارویی با تهاجم و شبیخون فرهنگی، هشدار جدی ایشان درباره مظلومیت فرهنگ و الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، همگی بر این امر دلالت دارد که اصلی ترین و محوری ترین عنصر جامعه کنونی ایران اسلامی، عنصر فرهنگ و ارزش های والای فرهنگی است و بی گمان در دفاع از آرمان های متعالی فرهنگ اصیل اسلامی و انقلابی، همگان، از مردم تا مسئولان، صاحب نظران و کارشناسان مسئولند.

به گفته مقام معظم رهبری، «امروز باندهای بین المللی زر و زور که برای تسلط بر منافع ملت ها، سازمان های نظامی ناتو را تشکیل داده بودند، اکنون برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و تحقق بیشتر اهدافشان در پی تشکیل «ناتوی فرهنگی» هستند تا با استفاده از امکانات زنجیره ای متنوع و بسیار گسترده رسانه ای، سررشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و ملت ها را به دست بگیرند، که باید هوشیارانه این مسئله را زیر نظر داشت».(۱)

همواره در دیدگاه مقام معظم رهبری، نقش و جایگاه متغیرهای فرهنگی در طراحی الگوی پیشرفت کشور نیز از اهمیت والایی برخوردار بوده است. ایشان در سال های گذشته به برخی از بایسته های کلیدی الگوی پیشرفت، اشارات مهمی داشته است که بسیاری از این رهنمودها، رنگ و بویی فرهنگی دارد.

«هر الگوی پیشرفتی باید تضمین کننده استقلال کشور باشد. این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی

۱- ۵ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان استان سمنان، ۱۸/۸/۱۳۸۵.

شونـده برای پیشـرفت که کشور را وابسـته کنـد، ذلیل کنـد و دنباله روی کشورهای مقتـدر و دارای قدرت سیاسـی و نظامی و اقتصـادی بکنـد، مردود است، یعنی اسـتقلال، یکی از الزامات حتمی مـدل پیشـرفت در دهه پیشـرفت و توسـعه است. پیشـرفت ظـاهری (بـا وابسـته شـدن در سـیاست و اقتصاد و غیره) پیشـرفت محسوب نمی شود. امروز هسـتند کشورهایی، به خصوص در آسـیا که از لحـاظ فن آوری، از لحـاظ دانش، از لحـاظ مصـنوعات، پیشـرفت هـای ظاهری دارنـد، خیلی از جاهای دنیا را هم تصـرف کرده انـد، اما وابسـته انـد. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشـی ندارند؛ نه در سـیاست های جهانی، نه در سیـاست هـای اقتصادی عالم و نه در طراحی های مهمی که در عرصه بین المللی مورد توجه است. دنباله رونـد، غالباً هم دنباله رو امریکا. این پیشـرفت نیست و ارزشـی ندارد. یکی دیگر از الزامات پیشرفت هم، مسئله مبارزه است؛ مبارزه. اگر می خواهید پیشـرفت کنید، باید مبارزه کنید. عافیت طلبی، یک گوشه ای نشستن، دست ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میـدان های بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشـرفت به بار نمی آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهم تر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است».(۱)

تأکیدات مقام معظم رهبری درباره تشـریح جنبه های گوناگون الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشرفت، گواهی بر این مدعاست که فرهنگ، نقش عمده ای در سیاست گذاری های کلان و طراحی اسناد بالادستی نظام دارد.

۱- ۶ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

تأکیـدات ایشان بر تلفیق دو فرهنگ اسـلامی و ایرانی، انتخاب کلمه پیشـرفت به جای مفهوم توسـعه، تأکید بر اهمیت ابزارهای فرهنگی، از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها، توجه به مسائل و خطوط اصـلی زنـدگی ماننـد امنیت، عـدالت، رفاه، آزادی، حکـومت، اسـتقلال و عزت ملی در بحـث الگـوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت و تأکیـد بر اهمیـت علـم و معنـویت، از جمله رویکردهای فرهنگی مورد نظر و مؤکد معظم له در تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت است.

یادآوری بخشـی از سـخنان مقام معظم رهبری در تشـریح جنبه ها و بایسـته های الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، نشان دهنده اهمیت اسـتقلال فرهنگی، به ویژه برای دست انـدرکاران مسائل فرهنگی جامعه و نظام و راه گشای مطلوبی جهت بهره برداری مطلوب تر و مناسب تر از ابزارهای فرهنگی در طراحی و تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت است:

«جـامعه و حکومت مـا، اسـلامی است و مـا مفتخریم که می توانیم بـا اسـتفاده از منابع اسـلام، الگوی پیشـرفت خود را تـدوین کنیم... علاوه بر این مسائـل، طراحـان این الگـو نیز متفکران ایرانی هسـتند و این الگـو در واقـع تجلی تلاش اندیشـمندان این سرزمین برای ترسـیم آینده کشور است... اسـتفاده از دو مفهوم اسـلامی و ایرانی به هیچ وجه به معنای استفاده نکردن از دست آوردهـای دیگران و تجـارب صـحیح آنـان نیست و مـا در این راه، بـا چشـمان بـاز و انتخـاب گر، از هر علم و معرفت درسـت استفاده می کنیم».(۱)

۱- بیانـات مقـام معظم رهـبری در نخسـتین نشـست انـدیشه هـای راهبردی در جمهوری اسـلامی ایران در میـان اندیشـمندان و صاحبنظران،۱۰/۹/۸۹.

بی گمان این انتظارات به حق مقام معظم رهبری در زمینه الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، در سایه توجه به استقلال فرهنگی و همت و تلاش مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی کشور مهیا می شود؛ فرهنگی که ویژگی ها و جنبه های مطلوب فرهنگ اسلامی و ایرانی را پوشش دهد و عناصر فرهنگ اسلامی و ایرانی را دارا باشد؛ زیرا پیوند ملت ایران با دین اسلام و تشیع، ارزش های الهی، مبانی انقلاب اسلامی و آرمان های امام رحمه الله و رهبری معظم، پیوندی ناگسستنی است.

۱۲. آزادی

۱۲. آزادی

الگوی آرمانی پیشرفتی که در قانون اساسی متجلی شده، جامعه ای را پدید آورده که در آن، انسان کرامت و ارزش والایی دارد. همچنین دارای «آزادی» است. البته در برابر خداوند مسئولیت هایی هم همراه با آزادی نیز دارد.

ایمان به آزادی همراه با مسئولیت انسان و برخورداری او از کرامت و ارزش، در حقیقت از تبعات اعتقاد و ایمان داشتن به خداوند و لزوم تسلیم در قبال اوامر و مناهی اوست که مضمون این اوامر و مناهی، تأمین سازوکارها و ملاحظات همان آزادی تعبیه یا پیشنهاد شده است. بنابراین، در الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، باید جامعه موحدانی را در نظر داشت که در قبال کلام وحیانی خداوند، متعهد و در عملیاتی کردن آن، مسئولیت دارند. ازاین رو، موحدان با نظامی از قراردادها و قوانین و مقررات و تدابیر و تمهیداتی که همگی آمیخته به موازین اسلامی هستند، امورشان را سر و سامان می دهند و روابط خود را با یکدیگر و با اموالشان سازماندهی می کنند. تنها محدودیت موجود برای جامعه

موحـدان، لحاظ کردن موازین اسـلامی است و آنها با آزادی کامل و با آزاد شدن ناشـی از تمکین به موازین اسـلامی، خود و جـامعه خویش را بـا عنصـر آزادی، اداره می کننـد. این آزادی نه تنها برای مسـلمانان که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را تشـکیل می دهند، موضوعیت دارد که برای اقلیت های دینی شـناخته شده در ایران نیز معتبر است. این آزاد بودن از آن جهت اهمیت دارد که انسان و اسـتعدادهایش در پرتوی حضور «آزادی» شـکوفا می شونـد و توانمنـدی انسان که جلوه ای از قـدرت الهی و در طول آن است، با کمترین اتلاف، در خدمت رونق آرمان های بشریت قرار می گیرد. ازاین رو، در جامعه الگو، باید امکان بهره مندی از آزادی، همراه با به رسمیت شناخته شدن «آزادی» فراهم باشد.

موازین اسـلامی یا کتاب های آسـمانی موحدان، آزادی بی حد و حصـر آنان را و صرفاً قانون آزادی غیرمسلمان ها را محدود می سازد.

۱۳. نماد سازی بر اساس آموزه های دینی

۱۳. نماد سازی بر اساس آموزه های دینی

تلقی از دیـن در هر جـامعه ای و از جملـه جـامعه ایران، یکی دیگر از عناصـری اسـت که در شـناخت وضـعیت موجـود بسـیار مـددرسان بـوده و به طـور قهری، عنـایت به این تلقی، برای پیمودن مراحـل بعـدی الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت نیز تعیین کننده است.

اهمیت این مقوله از آن جهت است که مـا درصـدد ایجـاد جـامعه ای هستیم که هم از لحاظ پیشـرفت و توسـعه و هم به لحاظ دینی، الگو باشد. ازاین رو، بسـیار مهم است که مشـخص شود چه تلقی ای از دین در ساختار «وضـعیت موجود» حیات دارد و چه ساختاری از «دین»، مطلوب جامعه ای است که به لحاظ دینی، الگو تلقی می شود.

جامعه ما، دارای فرهنگی است که دین مبین اسلام اکثر اجزای آن را تشکیل می دهد و در عین حال، عناصری از ملیت هم که در فرهنگ ایرانی وجود دارد، سمت و سوی تأیید ارزش های مذهبی را دارد. ازاین رو، ورود دین به فرهنگ ایران، ورودی تصنعی و غیرمبتنی بر باورهای عمیق آزادمنشی نیست. از این بابت، جامعه امروز ایران، جامعه ای مذهبی است، اما فراتر از این استنباط واقع بینانه، پرسش اساسی قابل طرح پیش روی ما این است که از دین و وجوه گوناگون آن در جامعه، چه دریافتی وجود دارد و وجوه دین کدام ها هستند و سطوح و برش های گوناگون از این وجوه، تا کجا و تا چه اندازه می تواند در ساختار الگوی جامعه ای مشارکت کند که صفت و ویژگی دینی بودن را به خود بگیرد؟ آیا این وجوه دینی، حداکثری یا حداقلی است یا شق ثالثی را ایجاب می کند؟ تا چه میزان احکام اولیه و ثابت دین در ساختار جامعه وارد می شود و قلمروی تشریع برای مردم، به گونه ای که روندهای عادی زندگی اجتماعی آنان سر و سامان یابد، چه محدوده هایی دارد؟

این پرسش ها در کنار صدها پرسش مهم دیگر، به معنای آن است که در وضعیت موجود با وجود حضور دین در روندهای کلی جامعه، ما همچنان از ویژگی های عمل به دین و ارکان آن، از نظر فردی و اجتماعی فاصله داریم.

این فاصله تا اندازه زیادی به نوع تلقی ما از دین و احکام فردی و اجتماعی آن مربوط است. بنابراین، در طراحی هدفمند الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت باید هم در میزان حضور دین در جنبه های اجتماعی و هم در میزان دینی بودن این حضور از نظر اینکه آنچه به نام دین

عملیاتی می شود، تا چه انـدازه همان است که نظر شارع مقـدس بوده است و هم در آزمون مواجهه با آموزه های دینی از نظر کارآمـدی آموزه هایی که متأسـفانه بایـد کارآمـدی خود را از تلقی انسان ها از اسـلام بگیرند، تأمل و آنها را آسـیب شناسـی کنیـم. ازایـن رو، شـناخت جنبـه هـای ایـن تلقی هـا از دین، از ضـروریات جـامعه ای است که به الگـوی اسـلامی ــ ایرانی در پیشرفت می اندیشد.

جامعه ای که بخواهـد الگوی دینی را نماینـدگی کنـد، باید در روابط فردی و اجتماعی موحدان تشـکیل دهنده خود، شاهد و ناظر کارکرد موازین اسلامی باشد. به اصطلاح، نهادهای خود را معطوف به آموزه های دینی و مبتنی بر پشتیبانی آنها از ناحیه احکام و موازین اسـلامی، بنیادگـذاری کنـد. این بـدان معنا است که جامعه الگوی دینی، نمی توانـد جامعه ای اقتباس شـده یا حـداکثر جـامعه ای التقـاطی باشـد که در آن، مظـاهری از دین مطرح یـا نهادهایی از اسـلام تحت تأثیر نهادهایی از غیر اسـلام ساختـار اجتماعی، اقتصادی و سیاسـی آن را تشـکیل داده باشـند. متأسـفانه به دلیل آنکه از زمان ظهور اسـلام، فاصـله بسـیاری داریم و در قرن های متوالی، نهادهای کافی به نام دین شکل نگرفته است، اگر هم نهادی به وجود آمده باشد، عمدتاً جلوه آن در رفتار فردی و نه در کنش های اجتماعی مسلمانان بوده و در غیبت نهادهای معطوف به دین و در خلأ حاصل از این پدیده، ذهنیت هـای دیگری که آمیخته بـا احکـام دین نبوده و حتی مـدعی عـدم ضـرورت آن، دست کم در نهادهای اجتماعی، بوده است و در عرصه های عملی زندگی مسـلمانان، پیشروی و محیط را متأثر از دوگانگی های نهادی و عمدتاً التقاط نهادی کرده اند.

ص:۱۷۰

ازاین رو در وضعیت فعلی، از این ناحیه دچار مشکلات عدیده ای هستیم که نه ما را از نظر سنت، به گذشته اسلامی مربوط می کند و نه ما را از نظر تجدد، به دنیای عاری از دین یا برخوردار از دین فردی، رهنمون می شود. همواره این فضای دوگانه، می تواند حجابی باشد که در ایجاد جامعه الگو و استوار کردن پایه های آن، دچار خطا در تشخیص و در نتیجه، دچار انحطاط و ارتجاع شویم؛ مقوله ای که باید به شدت از آن مواظبت کرد تا ما را در گردابی هولناک، گرفتار نسازد.

آنچه به عنوان یکی از پایه های اصلی جامعه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، مورد نظر باید عملیاتی و ملحوظ شود، این است که جامعه ای با انواع نهادها و تأسیسات آمیخته با روح و جوهره دین پدید آید که در آن قوانین و مقررات، در عرصه های گوناگون مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی، بر اساس موازین اسلامی باشد، به گونه ای که عملکرد چنین جامعه ای، عملکرد احکام و موازین دینی تلقی شود و بتوان در کارآیی و رونق آن، قابلیت های احکام و موازین اسلامی را به نظاره و محاسبه و سنجش نشست؛ به طور قهری چنین جامعه ای متمایز از جوامعی خواهد بود که در آنها مضامین دیگری، جوهره کارکرد جامعه را تشکیل می دهد و اصولاً ـ تفاوت میان جامعه دینی با جوامع غیردینی از نظر پای بندی عملی به همین موازین، مطرح و مشخص می شود.

در جامعه الگو، به همان اندازه، اقتصاد و بانکداری و تولید، بر موازین دینی متکی است که قضاوت، سیاست، فرهنگ و خانواده، از منشأ موازین اسلامی بهره مند می شوند. ازاین رو، با یکدیگر هم گرا هستند و در ساختار جامعه اسلامی به گونه ای سازگار، عمل می کنند

ص:۱۷۱

. تمایز چنین جامعه ای با جوامع غیردینی، نه صرفاً در شعائر و ظواهر، که در شعور و حال ناشی از تمسک و متکی بودن به احکام دینی است.

جامعه الگو، مملو از نهادهای ویژه با کارکردهای دینی است؛ نهادهایی که منعطف، کارآمد، بهینه و کم هزینه و به شرف خدمت گزاری به موحدان خود، رسیده اند.

فصل چهارم: راهبردهای دست یابی به الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

اشاره

ص:۱۷۲

فصل چهارم: راهبردهای دست یابی به الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

ص:۱۷۳

زیر فصل ها

مقدمه

۱. شناسایی وضع موجود

۲. طراحی و تهیه نقشه راه برای رسیدن به الگو

۳. طراحی الگوی اسلامی ــ ایرانی با توجه به شرایط بومی کشور و نظام

۴. دیگر راهبردها

مقدمه

مقدمه

پس از اینکه نظام اومانیستی در جهان غرب حاکم شد و انسان را از لاهوت به ناسوت و از افلاک به خاک آورد، تصور بر این بود که این نظام با انسان محوری و عقل مداری می تواند در کشورهای غربی استقرار یابد و به عنوان الگویی در سراسر جهان مطرح شود و تلاش وافری صورت گرفت تا به استقرار اومانیسم و مدرنیته کمک شود، اما دیری نپایید که دو جنگ خانمان سوز اول و دوم جهانی، با حدود ۶۵ میلیون کشته و ۱۱۰ میلیون زخمی از ده ها کشور، محصول دوره استقرار نظام اومانیستی و به اصطلاح عقل مداری بود و نشان داد جنون انسان هم رشد قابل توجهی داشته است. این حوادث و ده ها حادثه دیگر که در عصر ما نیز با جنگ های پی در پی ادامه دارد، سبب شد پسامدرنیته الگوی مدرنیته و فراروایت آن را زیر سؤال ببرد و به تعبیر برخی پایان یافته تلقی کند و بکوشد جای گزینی برای آن بیابد.

بنابراین، قطعاً الگویی که در غرب نتیجه چنان مطلوبی نداشته و با چالش های فراوانی روبه رو شده و در حال بازنگری است، نمی تواند برای دیگر کشورها و کشور اسلامی ما سودمند و کارساز باشد.

در چنین شرایطی، مقام معظم رهبری الگوی راهبردی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت را مطرح و چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت را

ص:۱۷۵

برای آن برشمردند. در حال حاضر نیز اگر چه حرکت به سوی دست یابی و تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت آغاز شده است، اما بی گمان، طراحی این الگو، سختی های خاص بنیانگذاری یک تئوری جدید کاربردی در اداره کشور (با افق ایجاد الگویی کارآمد برای همه کشورهای اسلامی و نیز همه جهانیان) را داراست و مشارکت فعال بخش های گسترده ای از صاحبان اندیشه، مسئولان و افکار عمومی جامعه ایران را می طلبد؛ زیرا باید در برنامه های پیشرفت و توسعه، هماهنگی، سیاست گذاری متمرکز و ساماندهی ساختار اداری کشور با مهندسی، مدیریت و نظارت بر تحقق الگوی فرهنگ اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، با پیش بینی و اهتمام در رفع آسیب ها و موانع تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت نیز در دستور کار قرار گیرد.

پس از طرح و پرداختن به وسایل، ابزارها و ملزومات الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت در فصل های گذشته، در این فصل با توجه به مباحث مطرح شده در این کتاب به بررسی راهبردهای دست یابی به الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت می پردازیم.

۱. شناسایی وضع موجود

۱. شناسایی وضع موجود

توجه به ضرورت های حاکم بر مراحل گذر برای رسیدن به نظریه عمومی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، ایجاب می کند که شرایط و امکانات و مقتضیات و کارکردها و سیاست ها و کمبودها و آرمان های جامعه، به دقت بررسی و محاسبه شود و از آنچه در آن هستیم، همراه با روندهایی که وضعیت موجود ما به خود خواهند گرفت، تصویری واقع بینانه به دست آید.

ص:۱۷۶

این بررسی باید تصویری حقیقی از واقعیت در اختیار بگذارد که از اهمیت تعیین کننده و محوری برخوردار است. شاید بتوان گفت، به عنوان ریلی برای حرکت قطارِ الگوست. ازاین رو، منطقی است در ترسیم وضعیتی که وجود دارد، معرفتی حقیقی در اختیار برنامه ریزان و کسانی قرار گیرد که به نوعی باید در طراحی یا معماری جامعه الگو نقش آفرینی کنند.

شناخت وضع موجود مشتمل بر آشنایی و تدقیق در جنبه های مادی و فیزیکی و همچنین ذهنی و نرم افزاری برای جامعه می شود. منظور این است که با توجه به اینکه جامعه نمی خواهد از ابتدا همه آنچه لازم دارد، ایجاد کند، با توجه به کمبود منابع، که ویژگی همه اقتصادها و جوامع است، باید از داشته های فیزیکی و امکانات انسانی خود اطلاعات دقیق و درستی داشته باشد تا بداند چه کمبودهایی برایش مطرح است و چه نوعی امکانات و مقدورات فیزیکی و انسانی، در اختیار دارد. همچنین بر نوع امکانات و سرمایه های متراکم شده در بخش های گوناگون وقوف پیدا کند. بدیهی است، این اشاره به لزوم معرفت یافتن به امکانات فیزیکی و انسانی موجود، ضرورت تحقیقات اولیه یا ثانویه بسیاری را در همه عرصه ها و در همه بخش ها مطرح می سازد و صرفاً از پس جست وجو و سنجش و بررسی های همه جانبه است که می توان به دانستنی های این قسمت از کار پی برد. از سویی دیگر، از آنجا که جامعه به وسیله نظامات گوناگونی اداره می شود، ضرورت شناخت مجموعه نظام های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و آموزشی، قضایی و ده ها نظام دیگر، در ردیف بایسته های عمده و اساسی این مرحله از کار است.

در شناخت وضع موجود، بسیار مهم است که افزون بر امکانات

ص:۱۷۷

فیزیکی و انسانی، نرم افزارهای اداره جامعه را در کنار بوروکراسی یا نظام اداری موجود مورد تدقیق قرار دهد و بر واقعیات حاکم بر آنها اشراف یابد.

شناسایی وضع موجود، در اجرای الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت مرحله مهمی است؛ زیرا جامعه ما در این سه دهه، بر حسب شرایط و مقتضیات گوناگون، مجموعه ای از مقررات و قوانین و سیاست ها و حتی رویه های نه چندان منطبق با قوانین مادر را به نیت اصلاح امور و سرعت در پیشرفت پدید آورده و در خود نهادینه کرده که معلوم است برخی از آنها در جهت تحقق آرمان ها و آمال متصور برای جامعه، عمل نمی کنند. همچنین عمدتاً از آن حیث که اقتباس از شرایط گوناگون کشورهای صنعتی هستند و بدون عنایت به تفاوت مبانی معطوف به جهان بینی ها، انتخاب و در مجموعه ارکان اقتصادی و اجتماعی کشور جا خوش کرده اند، به تحقیق در موارد بسیاری، خلاف منویات اندیشمندان کشورند. ازاین رو، جزو عوامل مخل و ناسازگار با دیدگاه ها، خواسته ها و مطلوب ها پنداشته می شوند.

حتی می توان گفت، این سیاست ها و رویه ها از آن جهت که با کارکرد خودشان، به تولید شرایطی که نتیجه قهری کارکردهای نهادی است، مددرسان هستند، اخلال ایجاد می کنند و با امواج اخلال های بعدی، که از راه تأثیر در دیگر نهادهای جامعه پدید می آورند، امید به پا گرفتن صحیح و مبنایی نهادهایی بر اساس اندیشه های دینی و ملی را از جامعه می گیرند. ازاین رو، شناسایی آنها و رفع مزاحمات ناشی از آنها، از اولویت بالایی برخوردار است.

بنابراین، در شناسایی وضع موجود، صرفاً توجه به داشته هایی با

کارکرد مثبت جامعه مطرح نیست، بلکه عنایت به کارکردهای تأسیسی و اثرگذار نهادهای فعال در جامعه ــ که برآیند منفی کنش هایشان کتمان ناپذیر است ــ نیز مطرح است. نمی توان نهاد اقتصادی مولد ناهنجاری فرهنگی را تأسیس کرد و آن گاه بدون عنایت به منشأ ناهنجاری، درصدد تقویت و پایه گذاری الگویی برای جهانیان بود.

۲. طراحی و تهیه نقشه راه برای رسیدن به الگو

۲. طراحی و تهیه نقشه راه برای رسیدن به الگو

بی گمان تهیه و طراحی نقشه راه و طراحی جامع برای اجرای الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، مهم ترین بخش از حرکت به سمت این الگوست. در این راه، با توجه به ضرورت تدوین نقشه پیشرفت اسلامی ــ ایرانی و روشن شدن جنبه های آن، برخلاف مسیر پیشرفت غربی و شرقی،(۱) برای تداوم و تکامل رویکرد عدالت و پیشرفت توأمان، آن هم مبتنی بر پیشرفت چشم گیر و عدالت محسوس در کشور و طراحی و تهیه نقشه راه در این جهت،(۲) مهم ترین وظیفه نخبگان دانشگاهی و حوزوی، تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور بر اساس مبانی اسلام(۳) خواهد بود. ازاین رو، انجام اقدامات اساسی درتدوین الگوی توسعه اسلامی ــ ایرانی، بر رشد و بالندگی انسان ها بر مدار حق و عدالت و دست یابی به جامعه ای متکی بر ارزش های اسلامی و انقلابی با تحقق شاخص های عدالت اجتماعی و اقتصادی به وسیله قوای سه گانه کشور در دوره

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۴/۲/۸۷.

۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/۰۶/۱۳۸۷، ۰۴/۰۶/۱۳۸۷ و ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

پنج ساله آینده(۱)مورد انتظار، مبتنی است.

۳. طراحی الگوی اسلامی ـ ایرانی با توجه به شرایط بومی کشور و نظام

اشاره

۳. طراحی الگوی اسلامی ـ ایرانی با توجه به شرایط بومی کشور و نظام

در نظر داشتن شرایط و ویژگی های بومی نظام جمهوری اسلامی ایران در طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی، یکی از استراتژی ها و راهبردهای مهم در طراحی این الگوست. در این راه توجه به همه جنبه ها و ویژگی های نظام اسلامی و مقتضیات بومی کشور، ضروری است که این امر ضرورت بهره مندی از الگوی بومی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت را دو چندان می سازد.

به طور مشخص، اساسی ترین هدف در جمهوری اسلامی ایران، حفظ اسلام و گسترش و تحکیم هنجارها و ارزش های اسلامی است. بنابراین، تحقق بهینه این مهم، عملاً نیازمند طراحی و اجرای یک الگوی همه جانبه و عملیاتی است. جمهوری اسلامی به عنوان الگوی حاکمیتی تعریف شده در نظام های سیاسی ـ اداری جهان معاصر، باید الگوی مشخص و جامع مورد نظرش را در زمینه های اداره بهینه امور جامعه، به گونه ای ارائه کند که مبین مبانی نظری و عملی مستدل آن در جنبه های داخلی و خارجی باشد. باید این الگو با هویتی واحد و بر اساس مجموعه ای از نمادهای مشترک اسلامی و ایرانی تهیه و تنظیم شود.

یکی دیگر از نکته های مهم در زمینه این الگو، باید لزوم توجه جدی در طراحی، تدوین و اجرای الگوی توسعه و پیشرفت اسلامی ـ ایرانی، با جهت گیری های استراتژیک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی ـ

۱- بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه کشور، ۲۱/۱۰/۱۳۸۷.

امنیتی، باشد

این الگو باید شامل همه اسناد توسعه ای و تعاملی داخلی و خارجی و محوری مشترک برای اجرای مطلوب همه تصمیمات و اقدامات راهبردی باشد. الگوی اسلامی ــ ایرانی باید متضمن بسترسازی لازم برای گسترش عملی رویه ها و رویکردهای متعدد نظام جمهوری اسلامی در دیگر ممالک و به ویژه در سرزمین های اسلامی و در برگیرنده و محقق کننده هدف های دهه پیشرفت و عدالت در دهه چهارم از انقلاب اسلامی باشد.

ضرورت تأکید بر ایجاد ارتباطات تنگاتنگ طولی و عرضی میان این الگو با دیگر اسناد توسعه ای کشور، دربرگیرندگی نقشه راه توسعه جامع و پیشرفت در کشور، لزوم توجه به ضرورت انعطاف هماهنگ با نیازهای جاری و فرآیند تحولات حاکم بر روندهای تکنولوژیک، از دیگر نکته های مهم قابل طرح درباره بحث توجه به شرایط بومی نظام و کشور، در طراحی الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت است.

الف) بهره مندی از تجمیع ذخایر علمی موجود

الف) بهره مندی از تجمیع ذخایر علمی موجود

بیش از ۳۴ سال از عمر انقلاب شکوه مند اسلامی ایران می گذرد. در این مدت، فعالیت برنامه ریزی شده و گسترده ای برای اسلامی سازی علوم انسانی، به وسیله نظام انجام نشده، ولی اقدامات شایسته ای به کوشش برخی مراجع و شخصیت های علمی حوزه، انجام شده است. برخی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی راه اندازی شده اند که بیش از دو دهه، به آموزش و پژوهش درباره موضوع های علوم انسانی ــ اسلامی پرداخته اند. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دانشگاه امام صادق علیه السلام ، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه، نمونه های برجسته این حرکت آگاهانه است.

حاصل این تلاش، تربیت نیروهای دارای فضل حوزوی و تحصیلات دانشگاهی در علوم انسانی است که توانایی پژوهش در جهت اسلامی سازی این علوم را دارند. همچنین در این مراکز، تحقیقات متعددی درباره فلسفه علوم انسانی و راه های اسلامی سازی علوم انسانی و موضوعات علوم انسانی اسلامی صورت گرفته است. در دو دهه اخیر، فقط در رشته اقتصاد اسلامی در قم، بیش از صد کتاب و بیش از ۲۵۰ مقاله علمی درباره موضوعات نظام های مالی اسلامی، توسعه اسلامی، نظام اقتصادی اسلام، سیاست های اقتصادی با نگرش اسلامی، اقتصاد خُرد اسلامی، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی و فلسفه و روش شناسی اقتصاد اسلامی، چاپ شده است.

در کوتاه مدت می توان از ذخایر علمی که تاکنون در کشور فراهم شده بهره برد و به تجمیع پژوهشگران و پژوهش های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی پرداخت. تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس ظرفیت علمی موجود در کوتاه مدت، تنها اقدام عملی ممکن و لازم است، اما بسنده کردن به این الگو و نداشتن برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت برای دست یابی روشمند به الگوی کامل و خالص اسلامی ایرانی پیشرفت، اشتباه است.

ب) بهره مندی از تجربه دیگران

ب) بهره مندی از تجربه دیگران

باور به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به این معنا نیست که چشم بر تجربه دیگر ملت ها ببندیم، حتی اگر در جهان بینی و فرهنگ با آنها اختلاف داشته باشیم و از راه حل های عقلایی و دست آوردهای علمی و

ص:۱۸۲

فن آوری های تازه و تجربه های مدیریتی دیگران در حل مشکلات خود بهره مند نشویم. استقلال در گزینش الگو، به معنای ستیزه با عقل و منطق و فطرت مشترک انسانی نیست. ما به همان اندازه که باید به ضعف ها و کج روی ها و ناکامی های دیگران توجه داشته باشیم، باید به موفقیت های آنها نیز توجه کنیم. البته در همه حال، معیار و ملاک ما تشخیص قوت و ضعف دیگران، باید معیار و ملاک خودمان باشد. طبیعتاً در ارائه این الگو، نه تنها مبانی اسلامی و شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران لحاظ می شود، بلکه از تجربه های درست دیگر ملل و نحل نیز می توان بهره برد و آنها را بومی سازی کرد.

ج) توجه به مقتضیات عدالت

ج) توجه به مقتضیات عدالت

بارها انقلاب اسلامی ایران، مفروضات بدیهی انگاشته شده دنیای مدرن را در صحنه عمل و نظر، بی اعتبار ساخته و شکل گیری نظام مردم سالاری دینی در قالب جمهوری اسلامی و ابتنای نظامی سیاسی بر اساس اسلام و نیز تداوم عملی همراه با پیشرفت و بالندگی آن در بیش از سه دهه چالش و تهدید، یکی از عرصه های بی اعتباری این مفروضات است. اینک این مفروضات در برابر عرصه مهم دیگری در حوزه نظر و عمل به چالش کشیده شده، که آن تحقق توأمان پیشرفت با عدالت و فدا نکردن یکی به خاطر دیگری است. عرصه و کارزاری که موفقیت و پیروزی در آن، در گروی به میدان آوردن همه ظرفیت ها و استعدادهای نخبگی و اندیشگی حوزه و دانشگاه، بالفعل کردن همه ظرفیت های نظری و تجربی و از همه مهم تر، به صحنه آمدن با روحیه ای جهادی است.

با وجود این، باید دانست عدالت، برعکس تصویر رایجی که از آن ارائه

داده می شود، دادن ارزشی محدود به جنبه های اقتصادی نیست و حتی بالاتر از این، اقتصاد مهم ترین عرصه تحقق عدالت نیز نیست. ازاین رو، در برخورد با مسئله عدالت در ساحت نظر و عمل باید به جامعیت ارزش عدالت توجه کرد و همه حوزه های زندگی اجتماعی، در جنبه های سیاسی، فرهنگی، آموزشی، حقوقی، قانونی، جغرافیایی و غیره را در نظر گرفت. در حقیقت، نگاه یک بعدی و یک جانبه درباره مسئله عدالت، به ویژه تقلیل آن به مسئله اقتصاد، به شکل گیری تصویری کاریکاتوری از عدالت در حوزه نظریه و نامتوازن شدن جامعه در حوزه واقعیت می انجامد که خود، ضد عدالت و به نوعی نقض غرض است. با تأکید بر تنظیم جهت گیری امور در راه تحقق عدالت اجتماعی و نفی فقر، محرومیت و شکاف طبقاتی در برابر تعبیرهای جاهلانه سال های اخیر که در تقابل و نداشتن اعتقاد راسخ به راهبرد عدالت محوری و در تخریب رویکرد عدالت محوری با نام گذاری غیر واقعی مبتنی بر توزیع فقر(1) و لحاظ کردن رویکرد پیشرفت عادلانه در همه سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های اجرایی و بخشی مبتنی بر کمک به طبقات محروم جامعه، کاهش فاصله و پر شدن شکاف بین فقیر و غنی(2) و رفع محرومیت به سود ایجاد عدالت و ضرورت محاسبه اولیه در تأثیر برنامه ریزی در همه اقدامات در ایجاد عدالت اجتماعی برای مردم به عنوان محور توسعه،(3) دست یابی به الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت میسر می گردد.

د) گفتمان ملی پیشرفت و عدالت

ص:۱۸۴

۱- بیانات رهبر انقلاب در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، ۱۲/۰۵/۱۳۷۶

۲- مقام معظم رهبری، در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸/۰۲/۱۳۸۴.

۳- مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۰۵/۰۶/۱۳۸۰.

د) گفتمان ملی پیشرفت و عدالت

تبدیل پیشرفت و عدالت به گفتمان ملی، یکی از مهم ترین بایسته های تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت است. بنابراین، تأکید بر تبیین مسئله پیشرفت و عدالت، به منظور راسخ کردن عزم ها و تبدیل آن به گفتمانی ملی و مطالبه همگانی و تحقق آن،(۱) فرآیند دست یابی به الگوی توسعه اسلامی ـ ایرانی را تسهیل می سازد.

ه) بهره گیری از اشتراک های پیشرفت اسلامی با توسعه غربی

ه) بهره گیری از اشتراک های پیشرفت اسلامی با توسعه غربی

غفلت نورزیدن از اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه غربی، فارغ از افتراق های پیشرفت، با منطق اسلامی و توسعه غربی، همچون روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط و الزام در به کارگیری آنها(۲) و بهره گیری از آنها به عنوان تجربه های بشری در توانمند سازی الگوهای بومی، تأکید شده است.

و) تولید علم

و) تولید علم

تولید علم و گذر از مرزهای دانش، یکی از مهم ترین الزامات دست یابی به الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی است. به فرموده مقام معظم رهبری، ضرورت تولید دانش با توجه به لزوم جبران عقب ماندگی های گذشته و بهره مندی از راه های میان بر، در زمینه دانش های گوناگون، به عنوان الزام حتمی پیشرفت کشور،(۳) تصور می شود.

ز) نظارت

۱- مقام معظم رهبری، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

۲- همان.

۳- همان.

ز) نظارت

همواره زمینه های معطوف به تولید فساد و انحراف در ارکان زندگی فرد و جامعه، وجود دارد و افراد یا جوامع انسانی، در معرض لغزش هایی قرار می گیرند که اگر نهادهای نظارتی حکومت یا آنچه به انسان ها مربوط می شود، وظایف شان را به خوبی سامان دهی نکنند، امکان اثر گذار بودن زمینه ها از واقعیت سر در می آورد و برای فرد و جامعه مشکلات فراوانی را تدارک می بیند.

از نظر جامعه شناسان، اگر زمینه های انحرافات اجتماعی فراهم شود، اما نظارت هایی همچون حاکمیت دین بر قلوب مردم و اعمال قانون از راه عوامل و نهادهای مرتبط، مانند پلیس وجود نداشته باشد، در آن صورت، قطعاً آن انحراف رخ می دهد. وقتی مردم از درون، به وسیله دین و از بیرون، به وسیله عوامل قانون، امکان کنترل یافتند، لزوماً شرایط لازم فراهم شده برای انحراف های اجتماعی، محقق نمی شود. (تئوری انحرافات دورکهایم ـ مرتون) این به معنای آن است که نظارت همگانی مردم بر خودشان و بر دیگران و بر حاکمیت از یک سو و نظارت های متنوع حاکمیت از سوی دیگر، سبب می شود همگان از دعوت کنندگان به خیر و آمرین به معروف و ناهیان از منکر تلقی شوند و مطابق ضوابطی که درباره اعمال این نظارت های همگانی وجود دارد، فضایی را پدید آورند که انحرافات نضج و نمو نکنند و منکرات نهی شده، کمرنگ و در نهایت، مرتفع شوند.

باید در این زمینه توجه داشت که ضرورت دارد امور خیر و معروف، در عرصه زندگی های فردی و جمعی، بر اساس مقتضیات جامعه، شناسایی و معرفی شوند و در عین حال، منکرات در اقتصاد و سیاست و

فرهنگ، همان طور که در زندگی فردی، شناسایی و مشمول نهی قرار می گیرند، بررسی و تشخیص داده شده، از آنها نهی گردد. اینکه چه کسانی و چگونه این مهم را سامان دهند، می تواند از سازوکار معیّنی برخوردار شود.

اهمیت موضوع به دلیل آنکه صیانت کننده از روندهای سالم و درست در زندگی فرد و جمع است، آن قدر زیاد است که پرداختن به آن در ردیف پرداختن به امور پایه ای و بنیادین مربوط به سعادت و آرامش دنیا و آخرت مردم، تلقی و به عنوان یکی از پایه های جامعه الگو دانسته شده است و در طراحی آن جامعه، مورد عنایت قرار گیرد.

به نظر می رسد، جامعه ای که الگوست، باید در بنای رفیع خود، پایه نظارت همگانی را به عنوان یکی از پایه های مهم لحاظ کند؛ مقوله ای که به عنوان امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین است و پرداختن به آن، از وجوب لازم برخوردار است. همین وجوب سبب می شود افراد نه تنها در مسئولیت خود ببینند که عامل به این نظارت باشند که هم زمان احساس کنند پذیرش نظارت نیز امری ضروری و لازم و از واجبات دینی است. ازاین رو، از توجه به آن استقبال کنند.

۴. دیگر راهبردها

۴. دیگر راهبردها

دیگر راهبردهای مهم برای تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، عبارتند از:

ــ ضرورت ورود نخبگان کشور برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی ــ ایرانی و زمینه سازی برای به کارگیری ظرفیت نخبگان در تحلیل مسائل راهبردی وکلان کشور؛

ـ ایجاد گفتمان در میان نخبگان و عموم مردم به سمت نفی وابستگی به الگوهای غربی؛

ـ ضرورت تنظیم اسناد چشم اندازی، سیاست گذاری و برنامه ریزی بر مبنای الگوی پیشرفت اسلامی؛

ـ ضرورت انعطاف پذیر بودن الگوی پیشرفت اسلامی؛

ـ مبتنی بودن الگوی پیشرفت مورد نظر جمهوری اسلامی؛ بر غایات، هدف ها، ارزش ها و شیوه های اسلامی؛

ـ نفی استفاده نکردن بخشی از دستآوردهای دیگران برای اداره کشور؛

ـ توجه به عرصه های زندگی، اندیشه، دانش و معنویت عرصه پیشرفت مورد نظر نظام اسلامی؛

ـ نفی تعریف های مادی از ثروت و نفی بهره مندی منفی از ثروت؛

ـ ضرورت تشکیل مرکز فکری برای هدایت غیر متمرکز تلاش های علمی در کشور در موضوع الگوی پیشرفت اسلامی؛

ـ تحول در علوم اجتماعی و علوم انسانی مبتنی بر آموزه های وحیانی؛

ـ حفظ وحدت و استحکام اجتماعی اقشار مختلف و تمامی مسلمانان؛

ـ مبارزه همه جانبه با نظام سلطه و افشای ماهیت آن؛

ـ تقویت فرهنگ کار، تلاش و جهاد اقتصادی؛

ـ حفظ و تحکیم بنیان خانواده و پایه ریزی نظام تعلیم و تربیت اسلامی؛

ـ راه اندازی حلقه های فکری و کرسی های نظریه پردازی و توسعه همه جانبه دانش، فن آوری و اندیشه؛

ـ الزام پرهیز افرادی که در مراکز برنـامه ریزی و علمی کشور درباره مسائل اصـلی همچون مسائل اقتصادی و سیاسـی متمرکز هستند، از الگوها و دستورالعمل های غربی؛

ـ تعریف شـفاف و ضابطه مند از الگوی پیشـرفت برای ایجاد باوری همگانی، در میان نخبگان و عامه مردم در زمینه ضرورت تعیین الگوی صحیح توسعه؛

ـ وجود باور عمیق در مجموعه مدیریت اجرایی، نسبت به اجرا و تحقق اهداف این الگو.

ص:۱۸۹

فصل پنجم: نقش و جایگاه رسانه ملی در الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

اشاره

فصل پنجم: نقش و جایگاه رسانه ملی در الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

ص:۱۹۱

زیر فصل ها

مقدمه

۱. نقش ها و کارکردهای رسانه در عصر حاضر

۲. اهمیت نقش رسانه ملی در طراحی الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت

۳. به سوی الگوی رسانه دینی (اسلامی)

مقدمه

مقدمه

بی گمان تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت که بالاترین سند و مرجع بالادستی در سیاست گذاری های نظام است، نیازمند مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت، به ویژه در زمینه های فکری و فرهنگی است. مسائل و رویکردهای فرهنگی، از مهم ترین الزاماتی است که توجه به آن می تواند در طراحی و تحقق هدفمند الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت اثرگذار باشد و در این راه توجه به نقش و جایگاه مؤثر رسانه ها، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای فرهنگی در عصر حاضر می تواند در پیشبرد و تحقق این الگو نقش مهمی ایفا کند.

تأکیدات مقام معظم رهبری درباره تشریح جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت نیز گواهی بر این مدعاست که فرهنگ و مسائل فرهنگی در سیاست گذاری های کلان و طراحی اسناد بالادستی نظام نقش عمده ای را دارد. تأکیدات ایشان بر تلفیق دو فرهنگ اسلامی و ایرانی، انتخاب کلمه پیشرفت به جای مفهوم توسعه، تأکید بر اهمیت ابزارهای فرهنگی، از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها، توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال و عزت ملی در بحث الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت و تأکید بر اهمیت علم و معنویت، از جمله رویکردهای

فرهنگی مورد نظر و مؤکد معظم له در تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت به شمار می رود.

بی تردید، انتظارات به حق معظم رهبری درباره مبحث مهم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، در سایه توجه به عنصر اساسی فرهنگ و همت و تلاش مسئولان و دست اندرکاران فرهنگی کشور مهیا می شود؛ فرهنگی که ویژگی ها و جنبه های مطلوب فرهنگی اسلامی و ایرانی را پوشش دهد و عناصر فرهنگ اسلامی و ایرانی را داشته باشد؛ زیرا پیوند ملت ایران با دین اسلام و تشیع، ارزش های الهی، مبانی انقلاب اسلامی و آرمان های امام رحمه الله و رهبری معظم، پیوندی ناگسستنی است، اما اهمیت مسئله فرهنگ و نقش کلیدی رسانه، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای فرهنگی را می توان در سخنان مقام معظم رهبری در تشریح راهبردها و الزامات الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت دریافت کرد. آنجایی که مقام معظم رهبری، مشخص شدن راهبردها و الزامات پیشرفت در عرصه اندیشه و توجه به ابزارهای آن از جمله آموزش و پرورش و رسانه ها را در تدوین الگوی پیشرفت مهم دانست و فرمود: «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، پروسه ای است که دولت یا حاکمیت نمی تواند مدل را به صورت آمرانه به پیش ببرد، بلکه باید تمام بخش های مؤثر مانند مردم، افکار عمومی، رسانه، نخبگان با توانایی خود وارد چرخ الگو شده و به صورت مشارکت هم افزایی مدل را به پیش ببرند».

بنابراین، نقش ابزار رسانه، به عنوان یکی از ابزارهای مهم فرهنگی در طراحی و پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، جایگاه بسیار حساسی دارد و باید این نقش ها و وظایف، به درستی بررسی شود؛ زیرا

نقشی که رسانه ها عملاً می توانند در روند پیشرفت و توسعه ملی کشور بر عهده گیرند، نقش بسیار خطیری است.

در شرایطی که ایران اسلامی در دهه موسوم به پیشرفت و عدالت و با اجرای برنامه های چهارم چهار ساله توسعه و سند چشم انداز بلندمدت کشور در تلاش است، تا گام های بلندی به سمت توسعه بردارد و اگر قرار است ملت تا دو دهه آینده به پیشرفت برنامه ریزی شده برسند، باید بنیادها و ساختارهای فکری آن تغییر کند و نقش ابزارهای فرهنگی و از جمله رسانه ها در این فرآیند، با توجه به ویژگی های منحصر به فردی که این ابزار دارند، نقش مهمی دارد.

در دوره حاضر که سخن از تعریف الگوی واحدی، به عنوان «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت»، مهم ترین برنامه اداره جامعه مطرح شده، نقش رسانه در مقام حامی و پیش برنده برنامه های ملی و رویکردهای اخلاقی، معنوی و سیاسی جامعه در برهه کنونی، بیش از پیش بااهمیت است.

کارکرد رسانه چنان که از نامش پیداست، برقراری پیوند میان بخش های گوناگون جامعه انسانی است. به همین سبب، می تواند در درون واحد سیاسی ـ اجتماعی، نه تنها موجبات هم گرایی ملی را فراهم آورد، بلکه می تواند با نقد کاستی ها و گسترش اصول اخلاقی و معنوی، موجبات رشد مادی و معنوی یک کشور را مهیا سازد. در عین حال، اگر رسانه ها به جای آنکه در خدمت رشد مادی، معنوی، اخلاقی و فرهنگی جامعه باشند، در خدمت دشمنان آن جامعه باشند، موجبات واگرایی و عقب ماندگی فرهنگی جوامع را فراهم می سازند.(۱)

ص:۱۹۵

۱- مهری بهار، تلویزیون، «ابژه های دینی و سکولاریسم»، مجموعه مقالات دین و رسانه، ۱۳۸۶.

بنابراین، رسانه ملی می توانـد در جایگاه یکی از عوامل پیشبرد رویکردهای الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت، که متمرکز بر رویکردهـا و رویـه هـای فرهنگی است، قرار گیرد. ازاین رو، رسـانه ملی به عنـوان یکی از ابزارهـای مهم در طراحی و پیشـبرد الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت، جایگاه بسیار حساسی دارد. نظر به اهمیت این بحث، فصل جداگانه ای را در تألیف حاضر به بررسی نقش و جایگاه رسانه ملی در الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت اختصاص داده ایم و مهم ترین کارویژه های فرهنگ و رسانه را در پیشبرد این الگو و تحقق آن بررسی و تحلیل می کنیم.

۱. نقش ها و کارکردهای رسانه در عصر حاضر

۱. نقش ها و کارکردهای رسانه در عصر حاضر

به طور کلی، رسانه(۱) یـا وسـیله ارتبـاطی، به جریان انتقال پیام از راه وسایل ارتباطی اشاره دارد.(۲) و ابزارهـایی را در بر می گیرد که کارکرد ارتباطی دارنـد.(۳) دنیای امروز به ارتباط مسـتمر یا کنش متقابل میان مردمی وابسـته است که بسـیار جـدا و دور از یکدیگرند. امروزه از اوضاع و رویدادهای هزاران کیلومتر دورتر، آگاهیم و ارتباطات همگانی، بر بسـیاری از جنبه های فعالیت های اجتماعی ما اثر می گـذارد. حتی وسایل سـرگرمی ماننـد روزنامه ها یا تلویزیون، تأثیر فراگیری بر تجربه ما دارنـد. این امر تنها به این دلیل نیست که آنها بر اندیشه های ما به شیوه هایی خاص اثر می گذارند، بلکه از آن روست که آنها وسیله دسترسی به اطلاعاتی هستند که بسیاری از فعالیت های اجتماعی به آنها بستگی دارد.(۴)

۱- Medium (pl. media)

۲- کازنو، ۱۳۷۰.

۳- Communicative function

۴- ۴آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ص ۱۵.

رسانه ها، امکانات ارتباطی گوناگونی فراروی ارتباط گران می گسترانند. این امکانات را می توان در قالب سه دسته اصلی قرار داد:

۱. معمولاً تا حدی امکان نگه داری و تثبیت شکل های نمادین را فراهم می کند؛

۲. امکان تولید دوباره و تکثیر را به وجود می آورد؛

۳. تا اندازه ای امکان بهره مندی از فواصل مکانی ــ زمانی را میسر می سازد.(۱)

پیشرفت های تکنولوژیک در ارتباطات راه دور،(۲) پیوند میان زمان و مکان را از هم گسست. تیررس مکانی پیام ها به شدت افزایش یافت و در عین حال، عملاً تأخیرهای زمانی حذف شد. دیگر تجربه های هم زمان که نیازمند جایی خاص و مشترک بود، با گسیختن پیوند مکان و زمان از شرط هم مکانی جدا گشت. اینک هم زمانی در مکان گسترش یافته و از نظر دیدگاه و تیررس، جهانی شده است.(۳)

امروزه، رسانه ها آن گونه که مارشال مک لوهان بر این باور است، جهان را به دهکده ای جهانی مبدل ساخته و درباره بیان ارزش و اهمیت مقوله خبر و خبررسانی، همین بس که عصر حاضر را عصر اطلاعات نامیده اند. ما در جهانی به سر می بریم که هر لحظه و به هر طرف بچرخیم، خبری، رویدادی، تفسیری، ذهن ما را به خود مشغول می سازد. رسانه ها از همه طرف ما را محاصره کرده اند و هنوز پیچ رادیو را نبسته، روزنامه را می گشاییم و درحال خواندن روزنامه، چشمی هم به تلویزیون

۱- جان تامپسون، رسانه ها و مدرنیته، ترجمه: مسعود اوحدی، صص۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- Telecommunication

۳- رسانه ها و مدرنیته، صص۱۲۴ و ۱۲۵.

داریم. امروز حتی تصور دنیای بدون رسانه برای ما ناممکن است. بسیاری از ما فکر می کنیم واقعیت های اجتماعی همان چیزهایی هستند که از رسانه ها به ما می رسند، اما حقیقت این است که جهان بینی رسانه ای، جهان بینی دقیق و قابل اعتمادی نیست. با وجود تصور ما که گمان می کنیم رسانه ها با بی طرفی کامل، صرفاً برای آگاه ساختن مخاطب، در تلاش و تکاپو هستند، امروزه رسانه ها بیش از هر زمان دیگر، تحت تأثیر غرض ها و هدف های سیاسی و اقتصادی و منافع خاص گروهی، جاه طلبی ها و قدرت طلبی ها قرار دارند.

هارولد لاسول، جامعه شناس و نظریه پرداز ارتباطی امریکایی بر این باور است، رسانه ها در حکم انتقال دهنده فرهنگ، برای انتقال اطلاعات، ارزش ها و هنجارها، از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه واردها، کاربرد دارند. آنها از این راه با گسترش بنیان تجربه مشترک، انسجام اجتماعی را افزایش می دهند. رسانه ها با استمرار اجتماعی شدن پس از پایان آموزش رسمی و نیز با آغاز آن درطول سالیان پیش از مدرسه، به جذب افراد در جامعه کمک می کنند.(۱)

از نظر مک کوئیل، مخاطبان از رسانه ها برای کسب تأیید ارزش های شخصی، جذب الگوهای رفتاری، هم ذات پنداری با دیگران و یافتن بینش درباره خودشان، بهره می برند.(۲) در این زمینه، نقش رسانه ها در دگرگونی ارزش های فردی و اجتماعی جوامع، با توجه به پارادایم های مسلط در حوزه ارتباطات و توسعه، به عنوان موتور دگرگونی و تغییر ارزش های جوامع سنتی و ورود به جامعه مدرن تأکید می شود.

ص:۱۹۸

۱- دنیس مک کوئیل، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلالی، ص ۱۱۲.

۲- همان، صص ۱۱۲ _ ۱۱۳.

مرتن و لازارسفلد، نقش های وسایل ارتباط جمعی را عبارت می دانند از: «وظیفه اخلاقی (حمایت از هنجارهای اجتماعی)، امکان اعطای پایگاه اجتماعی به اشخاص و گروه ها (آشکار کردن یا ارتقای پایگاه های آنها از طریق معروفیت دادن به آنان) و همچنین برخی کارکردهای نامطلوب (دژکارکرد مانند تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت)».(۱)

دادگران، درباره نقش وسایل ارتباط جمعی چنین می گوید: «امروزه عمده ترین نقشی که وسایل ارتباط جمعی بر عهده دارند عبارت است از فرهنگ سازی، آموزشی، اطلاع رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی».(۲)

حمید مولانا بر این باور است که «کارکرد اصلی رسانه های جمعی برخلاف آنچه معروف شده، در اطلاع رسانی و آموزش و پرورش نیست، بلکه در سه محور مهم که اهرم های اطلاعاتی و ارتباطی را تشکیل می دهند، پنهان است و عبارتند از:

۱. سازماندهی افراد و توده های مردم در اجتماع؛

۲. مشروعیت دادن به افراد، احزاب و توده های مردم در اجتماع؛

۳. تعیین دستور روز جامعه و مطالب مورد گفت وگوی مردم».(۳)

رسانه در دنیای امروز، پدیده ای اجتماعی است که با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و باورهای عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را بر عهده گرفته است. در جوامع پیشرفته کنونی، افراد می کوشند همیشه در جریان همه امور و مسائل

۱- باقر ساروخانی، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۲۰.

۲- سیدمحمد دادگران، مبانی ارتباط جمعی، ص۱۰۶.

۳- سید حمید مولانا، «جهانی سازی فرهنگ»، روزنامه کیهان. تاریخ: ۱۷/۱/۱۳۷۹، ص۱۸.

اجتماعی قرار داشته باشند تا بتوانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم، نقش خاص خویش را در زندگی گروهی ایفا کنند. به همین دلیل، آگاهی اجتماعی، از مهم ترین ویژگی های زمان معاصر به شمار می رود.(۱)

همواره نقش کارکردی رسانه ها در جوامع بشری، نقشی مهم و اثرگذار بوده است؛ زیرا آنها سبب پدید آمدن انقلاب های بزرگ اروپا بودند و این نقش تعیین کننده موجب شد تا جریان های جدید و آرمان ها و ایده ها و طرح های نو، به راحتی در دنیا گسترش یابند. باورها و مرام ها، اگر در قرون قبل، ماه ها و سال ها از دهی به دهی دیگر می رفت و گسترش می یافت، اما با وجود رسانه ها در جوامع امروز، سرعت حرکت آرا و باورها، شاید به ثانیه ها هم نرسد و چه بسا که ذهن های جست وجوگر در تکاپوی آن باشند و خود نیز سبب اشاعه و پیشرفت عقیده ای شوند. رسانه، مکانی است که در آن باورها و آرای گوناگون جامعه با هم تلاقی می کنند و از برخورد و تعامل آنها، اندیشه های تازه ای خلق می شود، راه حل هایی نو برای مسائل و معضلات اجتماعی پدید می آید و انگیزه های جدیدی برای حرکت ایجاد می شود. رسانه های زنده و فعال، فضای فکری جامعه را به پویایی و حرکت و آفرینندگی و مشارکت بر می انگیزند و سستی و بی رمقی آنها، برعکس جامعه را به بی حرکتی و فقر فکری و معنوی و زوال می کشاند. در تاریخ رسانه های جمعی با چهار عنصر اصلی روبه رو می شویم. یک نوع تکنولوژی، وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، مجموعه ای از فعالیت ها، وظایف یا نیازها و بالاخره مردم،(۲) رسانه ها با سیلاب اطلاعات

ص:۲۰۰

۱- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص۱۱۲.

۲- درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ص ۱۱۵.

و اخباری که به جامعه سرازیر می کنند، مغزها را برای اندیشیدن تشویق می کنند و آنها را از حالت انفعال بیرون می آورند.

بنابراین، رسانه های جمعی یکی از منابع قدرتند، یعنی ابزاری برای کنترل، مدیریت و نوآوری در جامعه هستند که می توانند جانشینی برای زور یا دیگر منابع باشند.(۱) از آنجا که رسانه ها در جامعه فعالیت می کنند که در آنها قدرت به شکل نامتوازنی میان افراد، گروه ها و طبقات توزیع شده است و چون رسانه ها به طریقی با ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی مربوطند، پرسش هایی درباره ماهیت این رابطه مطرح می شود. نخست اینکه معلوم است هر رسانه ای هزینه و ارزش اقتصادی دارد و موضوع رقابت برای کنترل و دسترسی است و تحت نظارت نظام های سیاسی، اقتصادی و حقوقی عمل می کند و دوم، عادتاً رسانه ها را ابزار بسیار سودمندی برای به دست آوردن و حفظ قدرت می شناسند. علت این امر، قابلیت های رسانه ای برای جلب و هدایت توجه، تشویق در زمینه باورها، اثرگذاری بر رفتار، فراهم آوردن حیثیت و مشروعیت، تعریف کردن و ساخت دادن به ادراک از واقعیت است.(۲)

۲. اهمیت نقش رسانه ملی در طراحی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

اشاره

۲. اهمیت نقش رسانه ملی در طراحی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

گذشته ملت های ستم کشیده، حکایت از آن دارد که قدرت های مستکبر بر اموال این گونه کشورها و بر فرهنگ آنها، تسلط داشتند. در گذشته مرسوم بود که قدرت های بزرگ برای تسلط بر دیگر کشورها، به لشکرکشی و تحکم نظامی روی آوردند، ولی امروزه به جای صرف

۱- همان، صص ۱۱۶ _ ۱۱۸.

۲- همان، صص ۱۱۹ و ۱۲۰.

وقت و هزینه های سنگین، برای رسیدن به هدف های شوم خود، از راه کنترل اهرم های فرهنگی اقدام می کنند.

در دنیـای پرهیاهوی امروز، فعالیت فرهنگی، تبلیغاتی، اطلاع رسانی، سـمعی و بصـری، مکمل فعالیت های نظامی است. بر این اسـاس، می بینیم حتی برخی ارتش هـای جهـان، از جمله ارتش امریکـا و ناتو، از جنگ روانی و رسانه ای، به عنوان زمینه ساز تهاجم های نظامی و عملیات روانی حین جنگ و پس از پایان جنگ نظامی برای افزایش دستآوردها بهره می برند.(۱)

در دنیایی که بنگاه های بزرگ رسانه ای، از جمله خبرگزاری های کلان دنیای اسـتعمار، در شـبانه روز با همه توان اقتصادی، سیاسـی و فرهنگی، برای در اختیـار گرفتن چشم هـا، گوش هـا و زبان ها می کوشـند تا دنیا را آن گونه که می خواهنـد نشان دهند، بی توجهی به اهمیت آن، قصوری است که جبران آن به سادگی امکان پذیر نیست.

امروزه به جرئت می تـوان گفت، رسـانه هـای جمعی از میـان ابزارهـا و فنـون جدیـد، بیشـترین تـأثیر فرهنگی را دارنـد.(۲) در عصـری که رسـانه هـا احـاطه خود را بر سراسـر عـالم گسترده انـد، نقش شـگفت انگیز آنهـا در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی، انکارناپـذیر است. این تکنولوژی هـا ابزارهایی هسـتند که از توانایی فراوانی در قالب سازی و جهت دهی تصورات و اندیشه انسان ها برخوردارند.(۳) گوناگونی رسانه ها و گسترش انتشار رسانه های متنوع و به طور کلی، جایگاه شایسـته رسانه ها در تنویر

ص:۲۰۲

۱- «جهانی سازی فرهنگ»، صص ۱۱ ــ ۱۲.

۲- ۲همان، ص ۱۸.

۳- رسانه ها و مدرنیته، ص ۹۶.

افکار عمومی، از جمله ایجاد فضای مناسب برای گفت و گو، برخورد سالم و سازنده نظریات و همچنین اهمیتی که رسانه های گروهی در ارتقـای سـطح آگاهی و رشـد فرهنگ و دانش عمومی دارنـد، بی گمان آن ها را یکی از مهم ترین عوامل پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت ساخته است. رشد و توسعه فرهنگی، عامل اصلی رشد خودآگاهی جمعی و زمینه ساز توسعه سیاسی، اقتصادی و پیشرفت علوم و نخستین پیش شرط حل بنیادی مسائل و رفع مشکلات فراگیر جامعه است.

کارکرد رسانه ملی نیز به عنوان رسانه ای همه گیر در کشور ما، برقراری پیونـد بین بخش های گوناگون جامعه است. به همین سبب، می توانـد در درون واحـد سیاسـی ـ اجتمـاعی، نه تنها موجبات همگرایی ملی را داشـته باشـد، بلکه با نقـد کاستی ها و ترویج اصول اخلاقی و معنوی، موجبات تعالی و رشد مادی و معنوی کشور را فراهم کند. در عین حال اگر رسانه ملی به جای آنکه در خـدمت رشد و تعالی مادی، معنوی، اخلاقی و فرهنگی جامعه قرار بگیرد، در خدمت دشـمنان آن جامعه قرار گیرند، موجبات واگرایی و عقب ماندگی فرهنگی جوامع را فراهم می سازد.(۱)

بنـابراین رسـانه ملی می توانـد در جایگـاه یکی از عوامل پیشبرد رویکردهای الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشـرفت که متمرکز بر رویکردها و رویه های فرهنگی است، قرار گیرد.

برخی اندیشمندان مسائل ارتباطات، بر این باورند که صاحبان مراکز اطلاع رسانی بین المللی، از چنان قدرتی برخوردارند، که هیچ یک از سرداران نظامی تاریخ، صاحب چنین قدرتی نبوده اند؛ زیرا مالکان وسایل ارتباط جمعی جهان، بدون آنکه سپاه و لشکری داشته باشند، با

ص:۲۰۳

۱- ۴دین و ارتباطات، صص ۸۲ ـ ۸۰..

بهره مندی از شیوه های پیچیده و پنهان، در شیوه تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم، تأثیر بی نظیری دارند و عملاً تحولات گوناگون جهانی را رهبری می کنند.(۱)

رسانه یکی از ابزارهای مهم تغییر در جوامع است. رسانه ها با توجه به نقش های متعدد و کارکردهای ویژه ای که دارند، دارای نقش مهمی در تغییر الگوهای فرهنگی جامعه یا ساختن الگوهای جدید در جامعه هستند.

دنیس مک کوئیل، نظریه پرداز ارتباطی امریکایی، با برشمردن نقش های رسانه ها در جامعه، ایجاد وفاق اجتماعی، بیان فرهنگ مسلط و به رسمیت شناختن خرده فرهنگ ها و تحولات جدید فرهنگی، تحکیم و حفظ ارزش های مشترک را از مهم ترین نقش های رسانه در تغییر الگوهای مسلط یا ساختن الگوهای جدید می داند.(۲) همچنین مک کوئیل کارکرد رسانه را برای فرد در جامعه، شامل کسب تأیید برای ارزش های شخصی، جذب الگوهای رفتار، هم ذات پنداری با دیگران ارزشمند و یافتن بینش درباره خود می داند.(۳)

در دوره حاضر، اهمیت رسانه ها درایجاد وتقویت الگوی رفتاری، انگاره های ذهنی و زیستی مخاطبان برکسی پوشیده نیست. اندیشمندان حوزه علوم ارتباطات، به این نکته اشاره دارند که رسانه در عصر حاضر توانسته بر اعمال و به تدریج بر ساختار فکری بشر سلطه یابد و آن را در چنبره خود بگیرد، به گونه ای که رسانه ها به مردم می گویند که در مورد

ص:۲۰۴

۱- «تلویزیون، ابژه های دینی و سکولاریسم»، صص ۳۱ _ ۳۴.
۲- دنیس مک کوئل، نظریه های ارتباط جمعی، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۳- همان، ص ۱۱۲.

چه چیز و چگونه فکر کنند(۱) و شاید بتوان گفت، بالاترین میزان نفوذ در دنیای امروز، متعلق به رسانه هاست.

رسانه ها در دوران کنونی، بخشی جدایی ناپذیر از زندگی مخاطبان شده اند. این مخاطبان در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، بخش عظیم فرهنگ، ارزش ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه ها دریافت می کنند. به عبارتی، در دوره معاصر که به «عصر اطلاعات» و «جامعه اطلاعاتی و ارتباطی» معروف است، بخش عظیمی از جامعه پذیری مخاطبان از راه رسانه ها انجام می شود. رسانه ها در عصر حاضر، از مهم ترین ابزارهای فرهنگی و اثرگذار بر عادت ها، شیوه های زندگی و چگونه نگریستن به محیط اجتماعی به شمار می آیند. برخی نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما نیاموزند، اینکه به چه چیزی فکرکنیم را به ما می آموزند».(۲) بر همین اساس، رسانه ها با توجه به انتقال محتوای فرهنگی و انتقال ارزش ها و هنجارها، می توانند در شکل گیری یا شکل نگرفتن الگوهای مطلوب در نگرش ها و هنجارهای رفتاری مخاطبان، تأثیر به سزایی داشته باشند.

در عصر کنونی، با توجه به نقش برجسته آنها در جامعه و اطلاع رسانی درباره موضوع های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، می کوشند الگوهای تازه ای را وارد کنند تا جای گزین فرهنگ ها و ارزش ها و الگوهای سنتی شوند. در این رهگذر، رسانه ها به عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش ها و هنجارها مطرح هستند، به گونه ای که سنت ها را به

۱- ۸سورین و تانکارد، نظریه های ارتباطات، ص ۲۵.

۲- همان، ص۱۹۴.

چالش می کشند و به صورت عاملی اثرگذار در دگرگونی نگرش ها و رفتارهای مخاطبان عمل می کنند. از همین رو، مخاطب کنونی هر آنچه از رسانه می خواند، می شنود و می بیند، ملاک نگرش، عمل و رفتار خود قرار می دهد.

هارولد لاسول، جامعه شناس و نظریه پرداز ارتباطی امریکایی، بر این باور است که رسانه ها درحکم انتقال دهنده فرهنگ، برای انتقال اطلاعات، ارزش ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه واردها، کاربرد دارند. آنها از این راه با گسترش بنیان تجربه مشترک، انسجام اجتماعی را افزایش می دهند. رسانه ها با استمرار اجتماعی شدن، پس از پایان آموزش رسمی و نیز با آغاز آن در طول سالیان پیش از مدرسه، به جذب افراد در جامعه کمک می کنند.(۱)

از نظر مک کوئیل، مخاطبان از رسانه ها برای کسب تأیید ارزش های شخصی، جذب الگوهای رفتاری، هم ذات پنداری با دیگران و پیدا کردن بینش درباره خود، بهره می برند.(۲)

در این زمینه، نقش رسانه ها در دگرگونی ارزش های فردی و اجتماعی جوامع، نقشی مهم و اثرگذار است. با توجه به چنین نقش های اثرگذار و بااهمیتی است که می توان گفت، رسانه در ارائه و گسترش الگوی های جدید و حاکمیت آن مبتنی بر جهت دهی معقول و منطقی، تأثیرات فراوان و مهمی دارد.

بنابراین، رسانه های جمعی در اصلاح و تغییر الگوی های گذشته و خلق الگوهای جدید، پیش گام هستند و به دلیل کارکرد و رسالت

ص:۲۰۶

۱- همان، ص ۱۲۶.

۲- دنیس مک کوئل، نظریه های ارتباط جمعی، صص ۱۸۸ _ ۱۹۲.

فرهنگ سازی، در فرآیند الگوسازی نقش تعیین کننده ای دارند و می توانند بیش از نهادها و مؤسسه های دولتی و تحقیقاتی در تحقق این امر اثرگذار باشند.

مک کورمک استدلال می کند که نقش رسانه ها در کشورهای امروزی، وحدت بخشیدن و اجتماعی کردن است و کارکرد خاص رسانه های جمعی، ارائه یک جمع بندی یا سنتز از تجربه ها و نوعی آگاهی به جامعه است که به جنبه های خاص واقعیت هم توجه داشته باشند.(۱)

بسیاری از نظریه پردازان ارتباطات اجتماعی و جامعه شناسی بر این باورند که رسانه ها از ارزش های مسلط در جامعه پیروی می کنند و برای پاس داشت وضع موجود می کوشند، اما گروهی دیگر بر نقش تحول انگیزی و نوسازی رسانه ها به عنوان موتور تغییر جامعه تأکید کرده اند.

ژان کازنو، جامعه شناس فرانسوی، بر این باور است که کار رسانه ها حفظ وضع موجود است، در حالی که نظریه پردازان مکتب توسعه، مانند دانیل لرنر و راجزر، رسانه را موتور دگرگونی ارزش ها و باورها و فرهنگ افراد جامعه می دانند.

موضوع وحدت و انسجام اجتماعی در مطالعات محتوای ارتباطات، اهمیت بسیاری دارد. یافته مشترک این مطالعات این بوده است که پرمخاطب ترین محتواها، به هم نوایی و پیروی گرایش دارند و بیشتر از ارزش های مسلط پشتیبانی می کنند.(۲)

بنابراین، رسانه ها بخشی از فرهنگ هر جامعه هستند،که کارکرد

۱- همان، ۱۳۴.

۲- همان، ص ۱۳۹.

اصلی آنها، انتقال مفاهیم و میراث و سنن و ارزش های فرهنگی و به عبارتی، انتقال نمادهای هویت ملی است.

آلن به، در مقاله ای به عنوان «یکپارچگی اجتماعی به عنوان یک اصل سازمانی»، از دو اصطلاح «وحدت کارکردی» و «وحدت هنجاری» نام برده که منظور از وحدت کارکردی روابط متقابل و همبستگی فعالیت ها و روابط برای تحقق وظایف عملی گوناگون است، اما وحدت هنجاری به ظهور و رشد ارزش ها و باورهای مشترک درون یک واحد اجتماعی بازمی گردد. به نظر مک کوئیل، ارتباطات جمعی می تواند به هر دوی این مفاهیم یاری رساند؛ زیرا مردم را در شبکه هایی که به برخی پروژه های مشترک اختصاص یافته، به هم پیوند می دهد و همچنین به پخش وتقویت نظام های ارزشی گرایش دارد.(۱)

مسعود چلبی، جامعه شناس ایرانی، بر این باور است که ارزش ها و نمادها و معانی هسته ای فرهنگ، به ویژه در سطح وجودی باید به گونه ای برگزیده شود که ارزش ها و نمادها و معانی مورد نظر اکثریت گروه ها و اجتماعات طبیعی جامعه را فراگیرد، به شکلی که اجتماعات طبیعی و هم اقشار و کنش گران اجتماع، سود مشترک شناختی و عاطفی خود را کم و بیش درآن ببینند.(۲)

والتر لیپمن بر این باور است که قدرت رسانه های نو در شکل دادن تصویرهای ذهنی است.(۳) دریافت و شناخت ما از واقعیت های محیط زندگی، به شکل غیرمستقیم و از راه داستان ها و نمادهای رسانه ای صورت می گیرد.

۱- همان، ص ۱۳۳.

۲- مسعود چلبی، وفاق اجتماعی، ص ۲۴.

۳- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۰.

وارن برید، گزارشگر و روزنامه نگار و عضو باسابقه دانشگاه تولن، بر این باور است که رسانه ها در محتوای خود، ارزش هایی مانند مذهب، خانواده و میهن دوستی، موفقیت ها، قانون و عدالت را گسترش می دهند.(۱) بیشتر رسانه ها و دیگر مؤسسه های فرهنگی، نقشی اساسی در پیوند موضوعات تاریخی، خاستگاه پیوستگی ها و سرنوشت ها ایفا می کنند. رسانه های جمعی افزون بر مؤسسه های آموزشی و مذهبی و خانواده، در تعیین هویت ملی، حفظ و تقویت آن در تصور مردم نقش مرکزی دارند.

هویت ملی نیز بیش از آنکه در واقعیت دیده شود، انگاره ای ذهنی است که پایه و اساس پای بندی و تعلقات مشترک، احساسات مشترک، سنت و رسوم و ارزش های یک ملت را تشکیل می دهد. از این نظر می توان رسانه ها را در ایجاد و تقویت هویت ملی، عامل مهمی دانست. رسانه ها در جهان امروز، با شکل های مدرن و مخاطب پسند خود، بزرگ ترین و اثرگذارترین ابزار تولید مفاهیم، تناسبات اجتماعی و به طور کلی، پیام رسانان فرهنگ در جوامع هستند. تحولات عظیمی که از راه رسانه ها در اجتماعات به اصطلاح توسعه یافته و در حال توسعه روی داده است، نشان از قدرت بی رقیب رسانه ها در این عرصه ها دارد. پیدایش کارتل های عظیم سرمایه داری، مکاتب گوناگون سیاسی و اجتماعی، ظهور و سقوط ابرقدرت ها، ایجاد مفاهیم جدیدی مانند دموکراسی و تعریف معیارهای جدید فرهنگی، حاصل تبلیغات و هجمه اطلاعاتی رسانه هاست. در این میان، رسانه های ملی برخی کشورها می کوشند با تولید برنامه های گوناگون در جهت حفظ و اعتلای فرهنگ

۱- سورین و تانکارد، نظریه های ارتباطات، صص ۴۷۴ _ ۴۹۱.

و در جهت تقویت سیاسی ـ ملی خود گام بردارند و خود را از گزند تأثیرات ویرانگر جریانات رسانه ای غرب در امان نگاه دارند. در کشور ما نیز در دوره حاضر که سخن از تعریف الگوی واحدی به عنوان الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، به عنوان کلیدی ترین برنامه اداره جامعه مطرح شده، نقش رسانه به عنوان حامی و پیش برنده برنامه های ملی و رویکردهای اخلاقی، معنوی و سیاسی جامعه، در برهه کنونی بیش از پیش بااهمیت است.

اهمیت رسانه در برابر تهاجم فرهنگی و ویرانگر دنیای غرب که امروزه بیش از هر دوره دیگری در پی تهی کردن جامعه از دو عنصر هویت فرهنگی و مذهبی، به عنوان دو نیروی اصلی محرکه جامعه ایرانی است، کاملاً در عصر حاضر ملموس و محسوس است.

در چند دهه اخیر، رسانه ها در تغییر مناسبات سیاسی و اجتماعی جوامع، نقشی بسیار مهم و انکارناپذیر دارند. پوشش گسترده، نفوذ بسیار و جذابیت های سمعی و بصری بی حد و حصر، جایگاه ویژه ای را برای رسانه ها در جوامع حاضر ایجاد کرده است؛ جایگاهی که دست یابی به آن با دیگر ابزارهای موجود، بسیار بعید به نظر می رسد. امروزه پروژه هایی همچون فرهنگ سازی، هویت بخشی و همچنین تغییرات در مناسبات سیاسی جوامع به بخشی اصلی و جدایی ناپذیر از فعالیت کاری رسانه ها تبدیل شده است. برای نمونه، اغتشاشات اخیر پس از انتخابات در ایران و انقلاب های مخملین در کشورهایی همچون اوکراین، گرجستان و قرقیزستان نشان داد که چگونه رسانه ها می توانند در تحولات سیاسی و کم رنگ کردن هویت های ملی و مذهبی جامعه نقش ایفا کنند. حضور پررنگ و معنادار شبکه های تلویزیونی همچون

بی بی سی فارسی و ابزارهای ارتباطی تازه تأسیسی همچون facebook در تحریک و تشویق افکار عمومی و به ویژه حرکت در ایجاد شبهه نسبت به نظام اسلامی و بی توجهی به هویت ملی، مدعی بر طراحی هدفمند سیاست گذاری های این رسانه ها در چرخه نظام مند جنگ نرم و ناتوی فرهنگی است.

فعالیت های بنیاد امریکایی ـ صهیونیستی سوروس در گرجستان و حضور جدی شبکه بی بی سی فارسی در هدایت و تشجیع فرقه سبز، گواهی تام بر این مدعاست. همچنین در همین زمینه می توان به رشد قارچ گونه شبکه های فارسی زبان ماهواره ای اشاره کرد که اساس و هدف آنها تخریب هویت ملی ـ اسلامی ایرانیان است. رشد و نمو شبکه های مختلف فارسی زبان، در دنیای عظیم رسانه ها که از سوی غرب، هدایت و راهبری می شود، نشان از آن دارد که صهیونیسم به دنبال استحاله فرهنگی و ارزشی جامعه ایران از طریق قابلیت های رسانه ای است. راه اندازی شبکه های فارسی زبانی که عمدتاً در حوزه سرگرمی های نازل و خواست های زودگذر انسانی فعالیت می کنند، مانند شبکه ماهواره ای تازه تأسیس «فارسی وان»، گواهی تام در این زمینه است.

ـ نقش و جایگاه رسانه ملی در تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

ـ نقش و جایگاه رسانه ملی در تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت

امروزه رویکرد و هدف اصلی استعمار نوین، در سلطه فرهنگی و تبلیغ ارزش های غربی در جهان سوم و تمامی جوامع در حال توسعه با بهره مندی از ابزار رسانه، متمرکز شده و در حال حاضر با توجه به تغییر و تحولات عصر جدید و جهانی شدن رسانه ها، جامعه ایران در برابر

چالشــی جدیـد قرار گرفتـه اسـت. ایـن مسـئله می توانـد شخصـیت، هـویت ملی، فرهنگی و دینی ایران اسـلامی را بـه آزمـون بگذارد.(۱)

بنـابراین، بایـد نقش و جایگـاه رسـانه ملی، در تحکیم ارزش های دینی و فرهنگ ملی، به عنوان یکی از هـدف های راهبردی الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت، در نظر گرفته شود؛ زیرا تنها در صورت آگاهی از نقش و جایگاه رسانه است که می توان از تـأثیرات منفی رسـانه هـای مهـاجم بیگـانه، جلوگیری و از فنـآوری هـای تـازه ارتبـاطی در جهت فرهنگ سازی مثبت، بهره برداری کرد. بنابراین، رصـد کردن رسانه های غربی و فعالیت های ویرانگر آنان در جهت خنثی کردن ترفندهای پیچیده آنها، یکی از راهبردهای رسانه ای مهم در تحقق این الگوست.

بـا توجه به نقش پررنـگ رسانه ملی در عصـر حاضـر و اثرگـذاری این نهاد فرهنگی بر دو جنبه مهم جامعه امروز ایران، ارزش های دینی، مکتبی و اسـلامی و همچنین هویت تاریخی و تمدنی ایران و اکنون که شـعار الگوی اسـلامی ــ ایرانی پیشـرفت از سوی بالاترین مقام رسـمی کشور به مطالبه ای عمومی تبـدیل شـده است، باید با شـناخت عوامل، فرصت ها و تهدیدها کمک کرد تا با تدوین هدف های کلان، در جهت پیشرفت و ارتقای شاخصه های فرهنگی، اخلاقی، هویتی و مذهبی جامعه حرکت کرد.

در راسـتای چنین حرکتی، رسـانه در نظـام جمهوری اسـلامی ایران بایـد در حوزه نظام فرهنگ اسـلامی و هویتی تعریف شود. «این نظام، نظامی بر مبنای جهان بینی توحیدی و متکی بر باورها، ارزش ها و اعمال فردی

۱- ناصـر باهنر، «سیاست گذاری رسانه های دینی در ایران؛ سامانه متعامل، پویا و هم گرایی ارتباطات دینی»، مجموعه مقالات دین و رسانه، ص ۸۹.

و اجتماعی و همچنین هویت فرهنگی است که اسلام و ارزش های فرهنگی جامعه آنها را مشخص می کند. از آنجا که حکومت در اسلام، متعلق به خداست و حکام جامعه مکلف به رعایت قانون اسلام در خدمت گزاری به مردم هستند، هم گرایی ارتباطی ـ رسانه ای نه تنها یک مسئولیت حکومتی بلکه وظیفه ای بر دوش آحاد مسلمان تلقی می شود».(۱)

حضور توأمان دو طیف رسانه های سنتی و مدرن و هم گرایی این دو گونه مهم رسانه در جامعه، یکی از قوت های نظام رسانه ای ایران اسلامی است. جایگاه رسانه های سنتی مانند مسجد، منبر، وعظ و خطابه، با توجه به سابقه معرفتی و جایگاه مهم این نهادها در معرفت سازی، بیداری و روشنگری در کنار رسانه های نو در عصر اطلاعات محور، می تواند موجبات هم افزایی تأثیرات مطلوب رسانه را در جامعه فراهم سازد؛ زیرا «با هم گرایی رسانه های مدرن و سنتی است که می توان محتوای غنی ارتباطات اسلامی و معارف ارزشی، اسلامی و تمدنی را در شکل پیام های مختلف رسانه ای و از طریق رسانه های مختلف مدرن و سنتی به مخاطبان عرضه نمود و امیدوار بود که گامی مهم در گسترش بنیان های اسلامی و تمدنی ایران اسلامی برداشته می شود».(۲)

همچنین جنبه دیگر هم گرایی یا تعامل میان رسانه ها را می توان هم گرایی میان فرهنگی یا فراملیتی یا فراجغرافیایی رسانه های اسلامی نامید. در الگوی رسانه ایران اسلامی، نخست همه ساز و کارهای جاری و ساری باید بر اساس هدف های مورد نظر دین و با توجه به احکام و عقاید و اخلاق اسلامی باشد. برای نمونه، در تولید محتوا یا پیام های

۱- ناصر باهنر، رسانه ها و دین: از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون، صص ۲۰۴ ـ ۲۰۶.

۲- همان، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

رسـانه ای، بایـد به غایات دین با رعایت احکام و عقایـد و اخلاق، توجه کرد و نه لزوماً مناسک ظاهری دینی را مورد نظر قرار داد و همین طور دربـاره مـالکیت رسـانه، به اقتصـاد رسـانه، نیروی انسـانی سازمـان رسـانه، فرهنـگ سازمانی حاکم بر سازمان رسانه، نحوه تعامل با مخاطبان رسانه توجه داشت.

در تحقـق و پیشـبرد الگـوی اســلامی ــ ایرانی پیشـرفت، ایـدئولوژی اسـلامی می توانـد تعییـن کننـده کارکردهـای عمـومی و اختصاصـی رسانه، سـبک ها، ابزارها و شـیوه های نمایش برنامه ها و اخلاق و ضوابط حاکم بر آن باشد. فلسفه رسانه اسلامی، چارچوب عقلانی کلی و رهنمودهای ضـروری را برای کارکنان و دست انـدرکاران رسانه ملی فراهم می کند. نگرش اصـیل، رسانه اسلامی را نظامی جامع و کلی در نظر می گیرد و از این منظر، به تعیین هدف ها و انگیزه های آن می پردازد. در پیشبرد این الگو، رسانه ملی بایـد بر مبنای آموزه های مذهبی و موازین اخلاقی شـکل بگیرد و نمایش برنامه های قوی و با کیفیت که تأمین کننده نیازهای معنوی، فرهنگی و اجتماعی مخاطبان باشد، از هدف های اصلی رسانه باشد.

در این جهت، تبـدیل شـدن برخی زمینه های ضـعف، به ویژه در سـیاست گـذاری های رسانه ملی می تواند رویکرد مهمی در جهت رشد فرهنگی جامعه باشد. مشـخص نبودن نوع رابطه و برخورد با مبانی نظری رسانه ای، به ویژه رسانه دینی، ضـعف در بهره منـدی از تکنیـک هـای رسـانه ای، رصـد نکردن کامل تبلیغات رسانه ای علیه فرهنگ شـیعی ــ اسـلامی و هویتی جامعه، حرکت های پراکنده و جزیره ای، از جمله موانع پیش روی نظام رسانه ای در کشور به شـمار می رود که باید این ضعف ها به قوت تبدیل شود.

۳. به سوی الگوی رسانه دینی (اسلامی)

اشاره

ص:۲۱۴

۳. به سوی الگوی رسانه دینی (اسلامی)

نگاه متقابل و تأثیر دو سویه دین (اسلام) و رسانه نسبت به یکدیگر، از جمله موضوع هایی است که پژوهشگران رسانه های جمعی از دیدگاه های گوناگون به آن توجه کرده اند.

درباره ماهیت دین، کارکردهای آن، قلمرو و انتظاری که از آن می رود، دیدگاه های گوناگون و فراوانی مطرح شده است. خلاصه کردن دین در پالایش درون، تهذیب نفس و پاسخ به نیازهای فردی و معنوی، یک سوی این دیدگاه های متعدد است. در سوی دیگر، افزون بر اینها، تنظیم روابط انسان ها با یکدیگر، تحقق هدف ها و آرمان های والای اجتماعی مانند عدالت، حاکمیت فضیلت و سرانجام حضور در همه عرصه های فردی و اجتماعی را رسالت دین دانسته اند.

با وجود این، دین به رسانه از دو زاویه می نگرد؛ یکی آنکه ابزاری برای انتقال و گسترش پیام آن است و دیگر آنکه، به عنوان واقعیتی از زندگی بشر، چه بایدها و نبایدهایی را رعایت کند. به سخنی دیگر، دین با احکام خود بر کارکرد و محتوای رسانه ها نیز اثر می گذارد.(۱)

به طور کلی، دین مجموعه ای از معارف نظری و عملی، شامل باورها، اخلاقیات، رهنمودهای معطوف به سلوک عبادی و عرفانی و احکام ناظر به رفتارهای فردی و اجتماعی است که در جهت رسیدن به هدف های متعالی تدوین و تنظیم شده است. برجسته ترین ویژگی و وجه تمایز این مجموعه معارف از دیگر معارف، «قدسی بودن» آنهاست،(۲) اما دین با هر

۱- «تلویزیون، ابژه های دینی و سکولاریسم»، ص ۹۱.

۲- دین و ارتباطات، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

تعریفی که از آن داشته باشیم، از جنس پیام است. ریشه دین، بینش هاست و نتیجه آن در گرایش ها و عملکردها آشکار می شود. ازاین رو، گسترش طلبی، خصیصه ذاتی آن است. دین می خواهد بگوید انسان ها چگونه بیندیشند و چگونه عمل کنند و این جز با یافتن مخاطب معنا ندارد. ماهیت و حیات اندیشه و باور، با نشر و گسترش آن رابطه تنگاتنگی دارد. اندیشه ای که به دنبال یافتن مخاطب و گسترش پیام خویش نباشد یا به درستیِ خویش بی اعتماد یا به تداوم خود بی علاقه است. به همین دلیل است که مفهوم دین با مفهوم پیامبری و تبلیغ، گره خورده است. دین اسلام نیز خود را پیامی می داند که بر دل های آماده مخاطبان مستعد، ارسال می شود و آنان نیز به نوبه خود باید نبی و پیامبر برای همه آدمیان باشند و همه را دعوت به شنیدن این پیام، پذیرش و در نهایت، بسط بیشتر آن کنند. بنابراین، دین به رسانه به عنوان ابزاری برای ادامه حیات و گسترش پیام خویش نگاه می کند. اما در سوی دیگر، رسانه نیز مانند بلندگویی است که صدای دین را به دیگران می رساند و از این باب است که دین برای آن احترام قائل است. اهتمام همه ادیان بشری و الهی به تشریع آیین ها و عبادت های جمعی، گفتن و شنیدن پندها و درس های مورد نظر، ترویج ساخت، توسعه و آبادانی مکان های مذهبی، تشویق به قرائت کتاب مقدس و آموزش آن، نمونه هایی از علاقه دین به بهره مندی از توانایی رسانه هاست.(۱)

۱- استوارت ام. هور، «از رسانه تا معنا»، ترجمه: اسماعیل بشری، فصل نامه رسانه، ش ۶۹، بهار ۱۳۸۶، ص ۴۶۵.

در ترکیب رسانه دینی، سخن از دو نهاد است که دارای وجوه اشتراک و افتراق زیادی هستند. اینکه هر دو به عنوان نهادی اجتماعی و اثرگذار بر فرهنگ مطرح می شوند، دیدگاه درستی است، اما تجربه ثابت کرده است که دین می تواند خود را در قالب رسانه مطرح کند و به هدف و غایت خود (کم یا زیاد) دست یابد. ازاین رو، نسبت دین به رسانه همانند نسبت وجود به ماهیت است و همان طور که وجود برای هست شدن در خارج به ماهیت نیاز دارد، دین نیز برای بقای خویش و گسترش بیشتر، به رسانه نیاز دارد تا در قالب آن به جهانیان معرفی شود.(1)

حال باید دید، رسانه ها با چه رویکردی می توانند به مقوله دین وارد شوند تا برای مخاطبان خویش اثرگذار باشد. دین آبی است که قرار است در ظرف رسانه برای تشنگان واقعی جهان عرضه شود و روح آنها را صیقل دهد. زمانی متولیان رسانه در این امر مهم موفق می شوند که آن را خالص و گوارا و در ظرفی زیبا نشان دهند.

امام خمینی رحمه الله درباره حکم فقهی بهره مندی از رادیو، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی جدید، چنین نوشته است:

این وسایل نوپیدا، هم کارکرد حلال عقلایی و هم کارکرد حرام غیر مشروع دارند. هر کدام از این کارکردها، حکم خاص خود را دارد. بنابراین، انتفاعاتی نظیر اطلاع رسانی، ارشاد و مانند آن از رادیو و نشان دادن تصویرهای مجاز برای آموزش حرفه های حلال یا نمایش کالاهای حلال یا نشان دادن شگفتی های

۱- همان، ص ۴۶۶.

آفرینش در خشکی ها و دریاها، مانعی نـدارد، اما انتفاعاتی نظیر شـنیدن غنا و پخش آن یا چیزهای دیگری که مغایر شـریعت مطهره است، جـایز نیست ؛ مثـل آنکه احکـام صـادره از منـابع بی صـلاحیت که مغـایر احکام دین است، از آنها پخش شود یا چیزهای دیگری که مخالف دین و موجب فساد عقیده و اخلاق مردم گردد».(۱)

بنابراین بهره مندی از رسانه به مثابه ابزاری برای انتقال پیام از سوی دین، طبیعی است و از این جهت، منع اصولی وجود ندارد؛ زیرا رسـانه هـا، در مـادی گرایـانه تریـن تفسـیر، خـود را ابزار بی طرفی برای انتقـال هر پیـامی می داننـد کـه دیـن هم از جمله آنهاست.

مشـخص است که رسانه، تکنولوژی مباحی است که می توان آن را در مسیر رشد و تکامل انسان به کار برد و همچنین امکان به کارگیری آن در مسیر اغوا و گمراهی افراد وجود دارد.

الف) ضرورت های ورود دین (اسلام) به عنوان محور فعالیت رسانه ملی

اشاره

الف) ضرورت های ورود دین (اسلام) به عنوان محور فعالیت رسانه ملی

گسترش ارزش های تأییـد شده دین، یکی از مهم ترین ضـرورت های ورود دین به عنوان محور فعالیت های رسانه ملی است. دین، از رسـانه برای گسترش ارزش هـای تأییـد شـده خود بهره می برد و بر دیگر کارکردهـای رسانه و شـیوه رفتار آن اثر می گذارد. میزان این اثرگذاری به قلمروی نفوذ دین و حوزه ای بستگی دارد که دین برای مداخله و صدور حکم، خود را صالح می داند. بنابراین، اسلام دینی است که خود را مسئول تنظیم همه

۱- تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی، صص ۳۵۴ _ ۳۵۶.

بخش هـای زنـدگی فردی و اجتمـاعی بشـر می دانـد و به خود حق می دهـد یـا برای خود این وظیفه را قائل است که در همه عرصه های کار رسانه ای، دارای قواعد ارشادی یا الزامی باشد.(۱) برای نمونه، پر کردن اوقات فراغت، سرگرمی، ایجاد نشاط و ارائه برنامه های شاد و تفریحی، از اصلی ترین وظایف رسانه ملی است.

این وظیفه در مبـاحث ویژه علوم ارتباطـات و حتی تـدوین قوانین رسـانه ای، مورد تأییـد و تأکیـد قرار گرفته است، امـا میزان و کیفیت ایفای این وظیفه یکسان نیست و از جهان بینی حاکم بر صاحبان و مـدیران رسانه ملی و نیز تولیدکننـدگان برنامه ها اثر می پذیرد. طبیعی است، اگر آنها به چیزی جز اصالت عیش و شادی باور نداشـته باشـند، به گونه ای عمل می کنند که حرمت انسـان و قواعـد اخلاقی و هنجارهـای دینی نادیـده گرفته می شود. در بسـیاری از برنـامه های صـدا و سـیما، با وجود قوانین و ضوابط برنامه سازی، شاهـد برخی رفتارهای نامتعارف و مغایر با ارزش ها و هنجارهای دینی بوده ایم و گسترش این رفتارها و نمودهـا از طریق رسـانه، که دارای تـأثیرات گسترده ای در جـامعه است، می توانـد آثار زیان باری را در جامعه اسـلامی بر جا بگذارد.

«قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران» که در تاریخ ۱۷ تیر ماه سال ۱۳۶۱، به تصویب مجلس شورای اسـلامی رسیده است، مثال گویایی برای تأکید و جایگاه دین و فضایل دینی در رسانه است. این قانون پس از اشاره به رسالتی که

۱- محمـد سـلیمی، «فرهنـگ، رسـانه و فرآینـد سکولاریزاسـیون»، مجمـوعه مقالاـت همـایش سراسـری رسـانه، تلویزیـون و سکولاریسم، ص ۲۴۹.

برای رسانه ها در مقدمه قانون اساسی در نظر گرفته شده است، نتیجه می گیرد که «صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران می باید... زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و باروری خلاقیت های انسان تا مرز خلیفه اللهی آماده نماید».(۱)

همین قانون پس از بیان هدف های بلند معنوی، تأکید می کند که «رسالت دیگر این رسانه پاسخ گویی به نیازهای تفریحی جامعه و بارور ساختن اوقات فراغت عمومی از طریق اجرای برنامه های سالم و تفریحی است تا در سایه شادابی تن و روان، سلامت و آرامش فکری جامعه تأمین گردد.»(۲) به همین منظور، اجرای برنامه های تفریحی سالم و شادی آفرین را از خط مشی های کلی و اصول برنامه های این سازمان می پندارد.

ناگفته پیداست که دنبال کردن این هدف ها، سبب می شود برنامه های طنز و سرگرمی به دو نوع سالم و ناسالم یا به تعبیر علمای اخلاق ممدوح و مذموم، تقسیم شود. این تقسیم بندی، نتیجه بینش دینی است که می گوید انسان موجودی هدفمند است، همان گونه که جامعه نیز از نظر قرآن باید به سوی هدف خاصی حرکت کند.

بی گمان، دین با عنایت به ظرفیت درونی، شرایط و موقعیت اجتماعی و امکان یابی مشارکت در فرآیند ارتباطات جمعی، می تواند در روند کلی فعالیت های رسانه و جنبه های مدیریتی، شکلی و محتوایی برنامه ها و سیاست های حاکم، نقش تعیین کننده ای ایفا کند.

۱- محسن اسماعیلی، «جایگاه حقوقی رسالت رسانه ها»، فصل نامه پژوهش و سنجش، زمستان ۱۳۸۴، ص ۲۵.

۲- همان، ص۲۶.

با توجه به مطالب گفته شده، برخی از مهم ترین مزایای ورود دین در حوزه رسانه را می توان شامل این حوزه ها دانست.

یک _ اعطای جهان بینی و نظام ارزشی متناسب به سیاست گذاران، مالکان، مدیران، گردانندگان و برنامه سازان رسانه ملی

یک _ اعطای جهان بینی و نظام ارزشی متناسب به سیاست گذاران، مالکان، مدیران، گردانندگان و برنامه سازان رسانه ملی

در این مورد، سامان دهی هنجاری به فعالیت رسانه ملی از راه تعیین بایدها و نبایدهای مشخص و ارائه معیارهای هدایتگر، تنظیم رژیم حقوقی و نظام نامه اخلاق حرفه ای متناسب با ضرورت ها، نیازها و اقتضائات رسانه ملی، از مهم ترین مزایای ورود دین به عرصه رسانه است. به بیان دیگر، دین می تواند از موضعی هدایتگرایانه و ارشادی و با تکیه بر اصول و معیارهای معین، رسانه را به انجام برخی فعالیت ها، تشویق و از انجام برخی اقدامات، به دلیل آثار و پی آمدهای خاص، برحذر دارد. اقداماتی همچون اقناع سازی منفی، ذهن شویی و تلقین، اغوا و فریب، دروغ پردازی و شایعه پراکنی، تحریف و سانسور ناموجه، ورود به حریم خصوصی افراد، تبلیغات مصرف گرایانه، جنگ روانی، تخریب ارزش ها، ترویج منکرات، دامن زدن به انحرافات و کج روی ها، سرگرم سازی غفلت انگیز، کلیشه سازی، تقویت فردگرایی افراطی، مسئولیت زدایی از توده ها، اخلال در نظم اجتماعی و امنیت عمومی، مخفی کاری و توجیه مظالم ارباب قدرت، دین ستیزی و دین گریزی، از شایع ترین آسیب های رسانه ای است که دین نسبت به آن مواضع قاطع و صریحی گرفته است.(1) اینک برخی از این آسیب ها به رویه معمول و سیره جاری رسانه های فعال، در برخی جوامع سکولار تبدیل شده اند.

دو _ کمک به ارتقاء و رشد فضایل انسانی و اخلاقیات در جامعه

۱- دین و ارتباطات، ص ۵۴.

دو ـ کمک به ارتقاء و رشد فضایل انسانی و اخلاقیات در جامعه

رسانه دینی و اسلامی، در صورت تحقق با بهره مندی از برخی کارکردهای دین مانند هدایت، ارشاد، ابلاغ، تعلیم، انذار، تبشیر، دعوت، اصلاح، امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت و مانند آن، می تواند بخش قابل توجهی از نیازهای اساسی و بنیادی مخاطبان را پاسخگو و در جهت تأمین مصالح و منافع عمومی و معنوی جامعه مخاطب و در خدمت به رشد و اعتلای آنان، اثر گذار باشد.

همچنین دین از راه سفارش های اخلاقی و الزامات حقوقی، رسانه را در راه رسیدن به هدف ها و آرمان های متعالی، کمک می کند و میزان تعهدمندی و مسئولیت پذیری آن در برابر ارزش ها و ایدئال های عام بشری را افزایش می دهد.(۱)

سه ـ غنی سازی و ارتقای کیفی محصولات رسانه ای

سه ـ غنی سازی و ارتقای کیفی محصولات رسانه ای

از دین می توان به عنوان ذخیره ای فرهنگی، در غنی سازی و رشد کیفی محصولات رسانه ای بهره برد. دین، افزون بر این تأثیرات تعیین کننده و ارائه رهنمودهای هدایتگر، در برخی موارد نیز با اعمال سیاست های نظارتی و کنترلی و تعیین خطوط عبورناپذیر، روند عادی فعالیت رسانه را تا حدی محدود می سازد.(۲) از جمله مصادیق این سیاست بازدارنده، شیوه برخورد دین (همچون اسلام) با مقوله سرگرمی، یعنی مهم ترین کارکرد رسانه های نو در زمینه تأمین برخی نیازهای عاجل انسان معاصر است.

۱- همان، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- «رسانه ها و دین: از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون»، ص ۸۰

رسانه ملی به دلیل برخی ضرورت ها و الزامات جامعه نوین، کارکرد سرگرمی و تفریح را در زمره کانونی ترین فعالیت های خدماتی خود جای داده است و از همه امکانات لازم برای بسط کمّی و کیفی آن، متناسب با انتظارات بهره می گیرند، اما شدت اهتمام رسانه به این مقوله، آن را در بسیاری موارد به ورطه زیاده روی کشانده است. واقعیت این است که اگر خوش طبعی و بذله گویی بخواهد صرفاً برای گذران بیهوده عمر پر بها به کار آید و نتیجه ای جز غفلت و سبک مغزی، بدگویی، کینه انگیزی، آبروریزی و خواری نداشته باشد، چنین لودگی هایی نه تنها سبب آرامش خاطر و آمادگی برای رسیدن به کرامت انسانی نیست، که بذر دشمنی ها و آغاز سقوط از مقام والای خردمندی است. همین نوع از مزاح است که در شماری از روایات، نکوهیده و ممنوع شده است. آنچه گفته شد، نمونه ای از تأثیر دین بر یکی از کارکردهای اصلی رسانه است. به این ترتیب، تأثیر دین بر کارکردهای دیگر رسانه نیز، مانند اطلاع رسانی، ارشاد و آموزش، بااهمیت و ضروری است.

ب) بررسی جایگاه الگوی رسانه دینی در ایران اسلامی

اشاره

ب) بررسی جایگاه الگوی رسانه دینی در ایران اسلامی

روند دینی شدن همه نهادها به تبع انقلاب اسلامی، ایده رسانه دینی یا دینی کردن رسانه ها را نه در حرف، که در عمل نیز مورد تأکید قرار داده است. به بیان دیگر، دینی کردن یا دینی شدن رسانه ها و امکان تحقق آن از پیش فرض های مسلم و خدشه ناپذیر قانون گذاران و بیشتر مدیران و دست اندرکاران رسانه ها بوده، امری که از دیدگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران نیز به آن توجه شده است.

امام خمینی رحمه الله در تشریح نقش و رسالت اجتماعی رسانه ها در بیانی هنجاری می فرماید:

اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه است. این دستگاه ها، دستگاه های تربیتی است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد... آنکه از همه خدمت ها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله هاست، رادیو و تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست. اینها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد.(۱)

مقام معظم رهبری نیز در مقام سکاندار هدایت جامعه اسلامی، بارها به نقش پراهمیت دین و جایگاه متعالی آن در فعالیت های رسانه، اشارات مهمی داشته است. ایشان در این زمینه می فرماید:

هدف ما این است که صدا و سیما را به آن اوجی برسانیم که کلیه برنامه های آن با بهترین کیفیت، در جهت رسوخ دادن اسلام ناب و همه ملحقاتش (از اخلاق و عمل) در زندگی مخاطبانش باشد... از اول صبح تا آخر شب... تک تک برنامه ها،

۱- ۱تعلیم و تربیت از نگاه امام خمینی رحمه الله ، صص ۳۵۴ _ ۳۵۶.

حتی آرم برنـامه هـا، موزیک متن فیلم ها و برنامه های کارتون، حتی چهره گوینـدگان و مجریانی که دیـده می شونـد و لحن کلام گویندگانی که صدایشان شـنیده می شود باید وسـیله سوق دادن مردم به فرهنگ اسـلامی و انسانی باشد. (صدا و سـیما) جز این وظیفه ای ندارد و اگر مواردی بود که بر خلاف این هدف وارد صداوسیما شد، نباید پخش شود.

نظام اسـلامی ایران نیز با نگاه تربیتی خود، بسیاری از جنبه های فعالیت رسانه ای، از جمله سرگرمی صرف را به عنوان رسالت رسانه اسـلامی تأییـد نمی کنـد و از این منظر، رسانه را دانشـگاهی عمومی می دانـد که هدفش تهذیب آحاد جامعه و تسـهیل زمینه های فرهنگی و تعالی روحی آنهاست، از سویی نیز، نقطه اوجی که برای فعالیت صـدا و سـیما در سـپهر رسانه ای متصور است، انطبـاق کامـل آن با رسالت ارزش گستری و نیز رسوخ و نفوذ دادن اسـلام ناب و همه ملحقاتش در زنـدگانی مخاطبان است.

قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران در عرصه فعالیت وسایل ارتباط جمعی، با صـراحت کامل بر لزوم و بر وجوب حاکمیت ارزش هـای اسـلامی تأکیـد کرده و در مقـدمه آن، بر لزوم حرکت وسایـل ارتبـاط جمعی (رادیـو و تلویزیون)، در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی و جلوگیری از گسترش خصلت های تخریبی و ضد اسلامی تأکید شده است.

اساس نامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۷ مهر ۱۳۶۲، در ماده ۹ خود تأکید می کند:

هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی، نشر

فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضایل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان می باشد. این هدف ها در چارچوب برنامه های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تأمین می گردد. نکته جالب توجه اینکه بر رسالت گرا بودن رسانه ها هم از جنبه اثبات و هم از جنبه نفی تأکید گردیده است، و بی شک به لحاظ قانونی، این رسانه نمونه ای تمام عیار از حاکمیت نگاه ارزشی و تعقیب رسالت های دینی است.(۱)

همچنین این اساس نامه در بخش اصول کلی نیز موادی را به ترویج مبانی معرفتی، اخلاقی و دینی در جامعه اختصاص داده است. برخی از این مواد عبارتند از:

ماده ۵: صداوسیما باید به عنوان یک دانشگاه عمومی، به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک نماید؛

ماده ۲۱: بالا بردن سطح بینش اسلامی مردم و آشنا ساختن اقشار گوناگون جامعه با اصول، مبانی و احکام اسلام به شیوه های رسا و بدون ابهام؛

ماده ۲۲: تبلیغ و اشاعه فرهنگ اصیل اسلامی با بهره گیری از دیدگاه های روحانیت آگاه، دانشمندان حوزه های علمیه و اسلام شناسان وارسته؛

۱- «جایگاه حقوقی رسالت رسانه ها»، صص ۱۸ _ ۱۷.

ماده ۲۷: تلاش برای جای گزینی نظام ارزشی اسلام به جای نظام ارزشی شرق و غرب و مبارزه با عوارض و آثار باقی مانده فرهنگ طاغوتی؛

ماده ۲۹: کوشش در ایجاد محیط مساعد برای تعالی انسان و رشد فضایل اخلاقی، تزکیه نفس و بسط معنویت در جامعه.

دینی سازی رسانه ها نیز به تبع سیاست کلی جامعه سازی، از جمله آرمان ها و هدف های بلندی است که نظام و جامعه اسلامی باید زمینه های تحقق آن را فراهم سازد و از آثار وجودی آن در زمینه تحقق آمال و منویات خویش بهره برداری کند. انتظار تحقق این امر مهم نیز موضع ابزاری بودن رسانه را تداعی و تقویت می کند.

یک ــ مروری بر تاریخچه و گونهشناسی الگوهای رسانه ای، به دنبال الگوی مطلوب رسانه اسلامی

اشاره

یک ــ مروری بر تاریخچه و گونهشناسی الگوهای رسانه ای، به دنبال الگوی مطلوب رسانه اسلامی

سابقه وضع قوانین و پیدایش آداب انتشار عقاید و آرا در رسانههای سنتی، طولانی است، اما توجه تئوریک و تحلیلی به اهداف اجتماعی، نقش فرهنگی و ضوابط تولید و ارائه پیام در رسانههای جدید و ارتباط آن با محیط اجتماعی و نظام حاکم سیاسی، پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت.(۱) نخستین و پابرجاترین تلاش ها برای بررسی مقایسهای تئوری های هنجاری حاکم بر رسانهها، در سال ۱۹۵۶ میلادی به کوشش سیبرت، پترسون و شرام، در چارچوب یک طرح مطالعاتی، مربوط به شورای ملی کلیساها در امریکا انجام شد.

۱- وسائل ارتباط جمعی، ص ۳۱.

این سه نفر، چهار تئوری اصلی استبدادی، لیبرالی، مسئولیت اجتماعی و کمونیسم روسی را به عنوان معیارهای ساخت و عملکرد رسانهها بازشناسی کردند.(۱)

این مطالعه تفصیلی، به نوعی مراحل تاریخی تحول رسانهها، از استبدادی تا لیبرالی را نشان میدهد و با ترفند خاصی، برتری الگوهای آزادی گرایانه غربی را بر الگوهای استبدادی و روسی مینمایاند.(۲)

آنها چهار تئوری هنجاری رسانهها را از هشت جنبه زمان و مکان پیدایش، اندیشه و ایدئولوژی حاکم بر تئوری، اهداف و وظایف رسانهها، پیام دهندگان، ابزار و شیوههای کنترل، نبایدها، مالکیت و رابطه با دولت، به شرح جدول شماره ۱ بررسی کرده اند:

«مقایسه چهار تئوری هنجاری رسانه ها؛ معیارهای ساخت و عملکرد رسانه ها»

مولفه: زمان و مکان پیدایش

توتالیتاری ـ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

در شوروی پذیرفته شده و برخی اصول آن به وسیله نازی ها و فاشیست ها به کار گرفته شد.

در امریکا در قرن بیستم

پس از سال ۱۶۸۸، در انگلستان و امریکا پذیرفته شد و در دیگر کشورها، گسترش یافت.

در قرن ۱۶ و ۱۷ در انگلستان پدید آمد و در کشورهای متعددی پذیرفته شد.

ص:۲۲۸

۱- Four Theories of the press .p۶۱, F.peterson and W. Schramm.

۲- Social for structure and performance,p۲۱.

مولفه: اندیشه و ایدئولوژی حاکم بر تئوری

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

اندیشه مارکسیست، لنینیست و استالینیست، همراه با تفکرات هگل و قرن ۱۹ در روسیه

نوشته های هاکینک کمیسیون آزادی مطبوعات و شاغلان حرفه های مطبوعاتی

نوشته های میلتون،

فلسفه قدرت مطلقه پادشاه دولت یا هر دو

مولفه: اهداف و ظوابط رسانه ها

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

شرکت در توفیق و تداوم نظام سوسیالیسم روسی و دیکتاتوری حزبی

آگاه کردن، سرگرم کردن و فروش. ایجاد فضای بحث و گفت وگو در جامعه

آگاه کردن، سرگرم کردن، کمک به کشف حقیقت و نظارت بر دولت

حراست و توسعه قدرت و سیاست های دولت و ارائه خدمت به حکومت

مولفه: پیام دهندگان

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

اعضای وفادار و پاک اندیش حزب

هرکس که چیزی برای گفتن دارد.

هر کس که توان و ابزار اقتصادیان را دارد.

دارندگان مجوزهای حکومتی یا اجازه نامه ای مشابه

مولفه: ابزارها و شیوه های کنترل

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

نظارت و اقدامات سیاسی و اقتصادی دولت

افکار عمومی، رفتار مصرف کنندگان، اخلاق حرفه ای

فرآیند حق جویی و بازار آزاد و اندیشه ها و دادگاه ها

مجوزهای دولتی، اصناف، انحصار و سانسور

مولفه: نبایدها

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

انتقاد از اهداف حزب که متمایز از تاکتی ها است

تعرض جدی به حقوق شناخته شده فردی و منافع حیاتی _ اجتماعی

افترا، وقاحت، بی شرمی و فتنه جویی در زمان جنگ

انتقاد از نظام حاکم و سران قدرت

ص:۲۳۰

مولفه: مالکیت

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

دولتی

خصوصی مگرآنکه دولت برای تضمین خدمات عمومی لازم بداند

عمدتاً خصوصی

خصوصی یا دولتی

مولفه: رابطه با دولت

توتالیتاری ــ روسی

مسئولیت اجتماعی

لیبرالی

استبدادی

بازوی دولت

باید رسانه ها مسئولیت اجتماعی خود را بر عهده بگیرند، وگرنه کسی باید آنها را الزام کند.

ابزار نظارت بر دولت و برآوردن نیازهای جامعه

ابزار مؤثرسازی سیاست های دولت

جدول شماره ۱ ــ مقایسه چهار تئوری هنجاری رسانهای همگانی ــ مأخذ: (Sibert/۱۹۶۳

ص:۲۳۱

اندیشـمندان دیگری نیز پس از سـیبرت، پترسون و شـرام، طبقه بنـدی هـای دیگر و جدیـدتری را به الگوی اولیه آنهـا از گونه شناسی نظام های رسانه ای، افزودند. برای نمونه، مریل بر این باور است که در روابط دولت _ رسانه، تنها دو تئوری استبدادی و لیبرالی وجود دارد و دیگر تئوری ها در طیفی مابین این دو قرار میگیرند. هاچتن نیز مقولات توسـعه بخش و غربی و انقلابی را به دو تئوری اولیه اسـتبدادی و کمونیسم روسـی افزوده است. آلتشول نیز دسـته بندی سه گانه بازار، مارکسـیسم و پیشـرو را مطرح کرده است. از نظر آلتشول، مفهوم بازار، حاصل جمع دو تئوری لیبرالی و مسـئولیت اجتماعی است و مختص جهان اول، یعنی کشورهـای سـرمایهداری است. به بـاور آلتشول، مفهوم مارکسـیسم نیز همـان تئوری هنجـاری شوروی سابق و اقمار آن، یعنی جهـان دوم است و مفهوم پیشـرو نیز، مربوط به جهـان سوم و معطوف به یکسان سازی جامعه به جای ایجاد تنوع و بسـیج افراد برای اهداف خاص توسعه است.

مـک کویل نیز با توجه به تحولات اخیر روابط رسانهها و دولت دو تئوری رسانههای توسـعه بخش و مشارکت دموکراتیک را به تئوری های پیشـین افزوده است. تئوری رسانههای توسـعه بخشماننـد تئوری پیشـرو در دیدگاه آلتشول به کشورهای جهان سوم و در حال توسـعه مربوط است، حال آنکه تئوری مشارکت _ دموکراتیک به کشورهای بسـیار پیشـرفته مربوط بوده و در برابر انحصارگرایی، تخصص گرایی و تجاری

کردن رسانهها شکل گرفته است.(۱)

مبانی و روش های مقایسه تئوری های هنجاری رسانهها

ص:۲۳۳

۱- . Mass communicationand the publice Interest: Towards Social for structure and performance, pp.۱۰۱ _ ۹۸

مبانی و روش های مقایسه تئوری های هنجاری رسانهها

با توجه به مباحث گفته شده، میتوان با بهره مندی از جدول شماره ۲ و شاخص های ده گانه آن، تئوری های هنجاری رسانهها در نظام های سیاسی _ اقتصادی گوناگون را با هم مقایسه کرد.

«شاخصه های شش تئوری هنجاری رسانه ای»

شاخصه ها تئوری ها

دولت مدار

سرمایه مدار

جامعه مدار

حزب مدار

توسعه مدار

مخاطب مدار

جهت ارتباط

کاملاً عمودی

تا حدی عمودی

تا حدی افقی

کاملاً عمودی

تا حدی افقی

کاملاً افقی

تقابل ها

دولت _ آزادی

سودآوری، آزادی جامعه و فرد

مسئولیت اجتماعی، آزادی جامعه و فرد

منافع حزبی _ آزادی تخصص _ تعهد

اولویت های توسعه _ آزادی جامعه _ فرد

خواستههای مخاطب، آزادی مخاطب عام و مخاطب خاص

نبایدها

حمله به دولت

حمله به افراد و تعرض به حریم خصوصی

حمله به اقلیت های اجتماعی، تشویق به خشونت و بی نظمی

حمله به حزب

پذیرش استبداد داخلی، پذیرش سلطه خارجی

تمرکز و تخصص گرایی در رسانهها

ملاک انتخاب

مصالح دولت

مصالح مالکان

مصالح اجتماعی

مصالح حزبی

مصالح توسعه

خواستههای مخاطب

ص:۲۳۴

محتوا

وحدت گرا

کثرت گرا

کثرت گرا

وحدت گرا

وحدت گرا

گفت و گو گرا

استقلال حرفه ای

هیچ

کامل

کامل

تاحدی

کامل

کامل

کنترل بر رسانههای خارجی

کامل

هیچ

هیچ

کامل

تاحدی

هیچ

نظارت

پیش از انتشار

پس از انتشار

پس از انتشار

پیش از انتشار

پیش از انتشار

پس از انتشار

روش تأمین هزینه

دولتی خصوصی

تجارت سودآوری

خودگردانی

دولتی

کمک دولت

خودگردانی

مالکیت

دولتی خصوصی

خصوصی

خصوصی سهامی

دولتی

دولتی سهامی

خصوصی تعاونی

جدول ۲ _ مقایسه شش تئوری هنجاری رسانه ای

با توجه به مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر، در زمینه الگوهای گوناگون از نظام های رسانه ای، رضـی و باهنر با توجه به بررسی نظام ها و الگوهای مختلف رسانه ای و دادههای مبتنی بر منابع مذهبی،

ص:۲۳۵

الگویی ابتدایی با یازده شاخص برای مقایسه هنجارهای حاکم بر انواع رسانهها در نظام های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت، به شرح جدول شماره ۳ ارائه کرده اند.

دقت نظر و تأمل در جنبه های گوناگون این الگو، می تواند برای طراحی و تبیین الگوی رسانه اسلامی، کارساز و مهم تلقی شود.

«الگوهای هنجاری رسانه ای بر اساس نظام عقیدتی»

مکاتب

متغیرهای مورد بررسی

الهی ــ جامعهگرا

مادی ــ فردگرا

مادی ــ جامعهگرا

نظام سیاسی حاکم بر رسانه

ولایت

دموکراسی ــ چند حزبی

استبداد دولتی ــ تک حزبی

نظام اقتصادی حاکم بر رسانه

تعاونی ــ دولتی ــ خصوصی

سرمایهداری

دولتی

نظام فرهنگی حاکم بر رسانه

خدامدار

فردمدار

دولت مدار

نقش اجتماعی رسانه

دانشگاه

بازار

کارخانه _ اداره

نقش پیام آفرینان

مربی _ معلم

تاجر

کارگر _ مهندس

نقش وسیله پیام رسانی

ابزار امر به معروف و نهی از منکر

ابزار کسب و تجارت

ابزار مهندسی اجتماعی

ص:۲۳۶

واحد اجتماعی مورد خطاب

امت

توده

توده

جهت ارتباط

عمودی و افقی

افقی و عمودی

عمودی

دسترسی به رسانه

کلیه اقشار جامعه به جز مخربان بنیادهای فرهنگی جامعه

اقشار مختلف به میزان توان مشارکت در قدرت سیاسی و اقتصادی

فقط اقشار حاکم

اولویت بندی معیارهای کارکرد رسانه

کیفیت اطلاعرسانی و انسجام فرهنگی و اجتماعی

آزادی، تکثر

انسجام اجتماعی، مساوات

انسان ایدئال و طراز رسانه

رشید و مختار _ مسئول

مصرف کننده _ مختار

مطیع _ مجبور

اولویت نوع ارتباط

رودررو

ارتباط توده گیر

ارتباط توده گیر

فرهنگ تولید شده توسط رسانه

اجتماعی و الهی

تودهای

تودهای

جدول ۳. الگوهای هنجاری رسانهها بر اساس نظام عقیدتی حاکم بر آنها (رضی و باهنر، ۱۳۸۵)

درباره این جدول، در جهت تدوین نظام مطلوب رسانه اسلامی،

ص:۲۳۷

نکات مهمی قابل توجه است و توجه به برخی مؤلفه های آن می توانـد بسترساز مفاهیم مهمی برای طراحی یک نظام مطلوب از رسانه اسلامی، تلقی شود.

در این بخش، به مهم ترین لوازم و مؤلفه های مطلوب طراحی نظام رسانه اسلامی با الهام گرفتن از این جدول می پردازیم:

در جدول پیشـین، نظام سیاسـی ولایت، یکی از مهم ترین کلیدواژه های طراحی نظام رسانه ای اسـلامی است. در نظام سیاسی ولایت، بالاترین سـطوح هرم قدرت باید دارای شـرایط ویژهای، از جمله تخصص کامل در مبانی و هنجارهای مکتبی، اولویت دادن به مصالح دینی در مقابل خواسـتههای شخصـی و گروهی و قدرت تدبیر و تشـخیص شرایط و مصالح اجتماعی باشد.(۱) در این نظام، نظارت بر قدرت در مراحل گوناگون به وسیله ارگان های قضایی و تقنینی منتخب اعمال میشود.

نظام فرهنگی خدامـدار، دیگر کلیـدواژه مهم اسـتخراج شده از جدول یاد شده است که برای طراحی نظام رسانه اسـلامی، می تواند سودمند باشد. در واقع نظام فرهنگی خدامدار به معنای پذیرش خالقیت خداوند غایت مند بودن خلقت و انسان،(۲) عدم جـواز تخریب طبیعت، فرد و جـامعه به وسـیله افراد و گروه هـا،(۳) عـدم جواز حکومت واسـطه اسـتقلالی انسان بر انسان،(۴) برخورداری انسان از فطرت کمال جویی،(۵) جاودانی

۱- یونس :۳۵.

۲- ملک: ۲؛ ذاریات: ۵۶ ؛ انبیا: ۱۶.

۳- بقره: ۲۳۹.

۴- انعام: ۵۷ ؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۵۶.

۵- روم: ۳۰.

بودن حیات و پیوند دنیا و آخرت،(۱) تربیت و اثرپذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و مختار و مسئول بودن فرد، جامعه و تمدن است.(۲)

در نظام رسانه ای اسلامی، پیام آفرینان رسانهها کار در رسانهها را وسیله ارتزاق و کسب درآمد انتخاب نمیکنند، بلکه احساس تعهد، دانایی و توانایی نسبت به انجام وظایف الهی ـ اجتماعی است که آنها را به صحنه عمل رسانهای میکشاند. آنان در نقش مربیان اجتماعی ظاهر میشوند، نه در نقش تاجرانی که وظیفه فروش مخاطبان به آگهی دهندگان را بر عهده دارند و نه کارگرانی که در کارخانه قالب سازی فکری کار میکنند.

دیدگاه الهی ـ اجتماعی، بخش مهم دیگری در تدوین رسانه ای اسلامی است. در این دیدگاه، رسانه وسیله امر به معروف و نهی از منکر است. اهمیت محوری این اصطلاح در ارتباطات فرهنگی و سیاسی در درون جامعه متدین انکارناپذیر است. در چنین جامعهای دین به فرهنگ تبدیل شده و هنجارهای دینی (بدون جبر) در درون جامعه پذیرفته شده است. در این صورت، کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، تداوم ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه است. این نوع ارتباط، هم افقی است و هم عمودی و چند سویه؛ از یک طرف اقشار و افراد جامعه نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند و از سوی دیگر، آحاد مردم نسبت به اعمال حکومت حساس بوده و حکومت نیز نسبت به

۱- رعد: ۲۶؛ اسرا: ۷۲.

۲- نحل: ۹۳؛ صافات: ۲۴.

وظـایف فرهنگی خود آگاه خواهـد بود.(۱) در جـامعه متـدین، رسانههـای کوچك و بزرگ، نقش تسـهیل ارتباطات دینی در جامعه را به معنای مذکور به عهده دارند.

نظـام الهی ــ اجتمـاعی، مفهوم بنیـادین دیگری در طراحی الگوی مطلوب نظام رسانه اسـلامی است. در این دیـدگاه، مخاطب ایـدئال و هـدف غایی تربیت انسان مختار، رشـید و مسـئول است. این دیـدگاه با طرد هر گونه جبرگرایی (با جـدول شـماره ۳ مقـایسه شـود) اختیـار فردی و اجتمـاعی انسـان را می پـذیرد و در راه تـداوم آن میکوشـد. در مرحلـه بعـد، رشـد هـدف رسانههاست.(۲)

مفهوم عمیق رشـد، به قـدرت تشـخیص خیر و شـر ارجاع دارد. پس رسانه باید چنان اطلاعاتی در اختیار مخاطب قرار دهد که قدرت تشخیص و خودآگاهی مخاطب را افزایش دهد. در نهایت، انسان جدا از رسانه، فرد مسئولی است که با اختیار و قدرت تشخیص، مسئولیت تصمیم هایش را میپذیرد و از هر گونه غفلت، اهمال و اباحی گری به دور است.

فصل ششم: راهبردهای رسانه ملی در ترویج الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت

اشاره

۱- توبه: ۷۹ ؛ آل عمران: ۱۰۴.

۲- بقره: ۱۸۶؛ کهف: ۱۰.

فصل ششم: راهبردهای رسانه ملی در ترویج الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت

ص:۲۴۱

پس از بیـان ضـرورت های طرح الگوی اسـلامی رسانه و مقتضـیات آن، در این بخش به بیان مهم ترین راهبردهای نظام رسانه ای کشور در طراحی، پیشبرد و تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت می پردازیم.

۱. گفتمان سازی موضوع «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت» به وسیله رسانه ملی

۱. گفتمان سازی موضوع «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت» به وسیله رسانه ملی

تجربه نشـان داده است که هیـچ امر تـازه ای، بـدون گفتمان سازی در جامعه، فراگیری و نفوذ نمی یابـد. گفتمان سازی بـدین معناست که موضوع با مؤلفه های معینی، شناخته و سرانجام به بحث و دغدغه ذهنی نخبگان، تبدیل شود.

هنگامی الگوی اسـلامی ـ ایرانی پیشـرفت، می تواند به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود که دغدغه توسـعه و پرستیژ ملی در عموم جامعه شـکل گیرد و متفکران و نخبگان و صاحب نظران، در این باره اندیشه ورزی و قلم فرسایی کنند. بی گمان رسانه ها باید پرچم دار این جنبش فکری و فرهنگی باشند، اما متأسفانه رسانه ها در مدت زمانی که از طرح الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشـرفت می گذرد، غیر از بازتاب اظهار نظر و دیدگاه مقامات و مسئولان کشور در این باره، کارنامه چندان درخشانی نداشته و نتوانسته اند، گفتمان الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت را در کشور تثبیت کنند.

ص:۲۴۳

مسئولان و دست اندرکاران رسانه ملی، در گام نخست باید درباره مبانی و اهمیت الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، توجیه شوند تا بتوانند نسبت به توجیه افکار عمومی رفتار اثرگذاری داشته باشند. به نظر می رسد، همین اقدام هنوز به اندازه کافی صورت نگرفته است.

یکی از شیوه های اثرگذار تثبیت گفتمان الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت در کشور، مطرح کردن الگو و الزامات آن به عنوان شاخص ارزیابی و سنجش عملکردها در بخش های گوناگون کشور است. اگر رسانه ملی در ارزیابی عملکرد مسئولان و نهادها و دستگاه های کشور با اتخاذ رویکردی توسعه گرا و برنامه محور، معیار و ملاک موفقیت یا عدم موفقیت و کامیابی و ناکامی را میزان پای بندی و التزام به این الگوی بالادستی بداند و با این سنجه، کارنامه ها را در کشور بررسی کنند، نوعی حس مسئولیت و وجدان و تعهد در قبال این سند مادر و فرابخشی در کشور ایجاد می شود.

همچنین الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، چندان موضوع بازخواست و مطالبه نهادهای نظارتی و ارزیابی، اعم از حکومتی و مدنی نبوده است. هنوز مدیرانی و مسئولانی در کشور تصور می کنند که این الگو، الگویی تشریفاتی و آرمانی است و می توان بی اعتنا به آن، به روزمرگی ها سرگرم بود و در میان مدیران، این حس عمومی شیوع نیافته که کم توجهی به این سند بالادستی مورد اهتمام رهبری معظم، نوعی مخالفت و عناد با سیاست های کلی نظام و کشور است و نشان دهنده بی صلاحیتی در تصدی مسئولیت های کشوری است.

رسانه ملی در این باره نیز مسئولیت سنگینی دارد که ایجاد حساسیت و تعصب ملی نسبت به جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ـ ایرانی

ص:۲۴۴

پیشرفت است. بدین معنا که رسانه ملی باید در خط مقدم جبهه پرسشگری از مسئولان، درباره سند چشم انداز باشند.

به هر حال امید است برای نقش بهتر و اثرگذار رسانه ملی در تحقق الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، برنامه معیّن و مشخصی تدوین شود تا شاهد عبور کشور از گردنه های تنگ و تاریک و موانع توسعه و سربلندی ایران عزیز در همه عرصه ها باشیم و با دست یابی به جایگاه نخست در منطقه، مقدمات دست یابی به افق های بالاتردر سال های نه چندان دور فراهم شود.

۲. توجه به نقش ها و تأثیرات رسانه ملی در بحث الگوسازی و توسعه و ترویج الگوهای جدید

اشاره

۲. توجه به نقش ها و تأثیرات رسانه ملی در بحث الگوسازی و توسعه و ترویج الگوهای جدید

رسانه ملی یکی از مهم ترین بسترها و عرصه های اصلاح یا جا انداختن الگوهای جدید یا تقویت الگوهای گذشته است. درباره بحث مهم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، این نهاد، بنا بر نقش ها و وظایف خود، وظیفه دارد با تبیین و تشریح ضرورت ها و نیازهای استراتژیک کشور، بستر مناسب را برای تدوین الگویی جامع فراهم سازد. برخی از مهم ترین نقش ها و تأثیرات رسانه ملی در توسعه و ترویج الگوهای جدید که توجه به آنها می تواند در پیشبرد و توسعه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت مؤثر واقع شود عبارتند از:

یک ـ تغییر گرایش ها

یک ـ تغییر گرایش ها

تحقیقات نشان می دهند که مخاطبان رسانه های جمعی، به ویژه تلویزیون، خیلی زود به تقلید و تکرار برخی برنامه های کنترل ناپذیر

وسایـل ارتبـاط جمعی می پردازنـد. به عبـارتی این نوع تـأثیرات، نوعی انفعـال در گیرنـدگان پیام ایجاد می کنـد و زمینه های پذیرش رفتارهای مطلوب یا نامطلوب را در مخاطبان فراهم می آورد. عامل دیگر اثرگذاری رسانه های تصویری، بهره بردن از جایگاه شخصیت های ذی نفوذ در ارسال پیام است. تحقیقات نشان داده است که فرستادن پیام به وسیله متخصصان در مقایسه با افراد عادی، بر روی مخاطبان تأثیر به سزایی دارد.

برخی تحقیقات نیز نشان می دهد، انسان ها غالباً متفکرانی تنبلند و همواره قادر نیستند، ذهنیت خود را به اندازه کافی به تحلیل اطلاعات اختصاص دهنـد و پس از اندک مدتی، تسـلیم پیام های ارسالی، به ویژه پیام های بصـری می شوند. در همین جهت، تحقیقـات مربوط به ارزیـابی و تبلیغـات نیز نشـان داده انـد که رسانه ها، به ویژه تصاویر تلویزیونی، با فراهم آوردن برنامه های گوناگون قادرند از این ویژگی انسان ها، بیشترین بهره برداری را در جهت منافع خود ببرند.(۱)

به طور کلی، رسانه ملی دارای دو نقش اساسی در زمینه تغییر گرایش در مخاطبان است: نخست؛ آموزش وآگاه سازی و دوم؛ نقش فرهنگ سازی.

دو _ اطلاع رسانی

دو _ اطلاع رسانی

اطلاـع رسـانی یکی از نقش های مهم رسانه ملی است. هارولـد لاسول، محقق ارتباطات، از نقش های اطلاع رسانی، آموزش، عقیدتی و تفریح و سرگرمی، به عنوان نقش های چهارگانه رسانه نام می برد، اما نقش

۱- مسعود کوثری، فرهنگ و توسعه رهیافت مردم شناختی توسعه، ص۲۹.

اطلاع رسانی، یکی از مهم ترین و فراگیرترین نقش های وسایل ارتباط جمعی و به ویژه رسانه ملی است.

توجه به این نقش مهم رسانه ملی، در گسترش و تبلیغ جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت می تواند در زمینه های زیر اثرگذار باشد:

ــ آگاهی بخشی در زمینه جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ اطلاع رسانی و معرفی الزامات الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ ارائه اطلاعات دقیق درباره نتایج و دست آوردهای بهره مندی بخش های گوناگون جامعه از اجرای این الگو در سطوح مختلف؛

ــ اطلاع رسانی درباره بازه های زمانی اجرای این الگو برای جامعه هدف؛

ــ اطلاع رسانی دقیق و به موقع از سیاست ها و برنامه های دولت و دیگر نهادهای ذیربط در رابطه با الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت؛

ــ بررسی و مقایسه الگوی های بومی توسعه ای و پیشرفت در جامعه ما و برخی کشورهای توسعه یافته.

سه ــ آموزش۱

سه ــ آموزش(۱)

اگر از وسایل ارتباط جمعی، به ویژه رسانه ملی، به گونه ای صحیح و با بهره مندی از نظریات کارشناسی متخصصان علوم رفتاری و اجتماعی بهره برداری شود، می تواند در اصلاح نگرش ها و ایجاد انگیزه در جهت

ص:۲۴۷

۱- همان.

رفتار مخاطبان تأثیر به سزایی داشته باشد. متخصصان ارتباط جمعی بر این باورند که از نظر کارکرد تبلیغاتی، هیچ رسانه ای به پای تلویزیون نمی رسد و این به دلیل جذابیت تصویری، قدرت نفوذ و جنبه همگانی بودن این وسیله است.(۱)

امروزه حتی در روستاهای کشور، کمتر خانه ای هست که تلویزیون یا رادیو نداشته باشد. بدین ترتیب، رسانه ملی قادر است برای رشد سطح فرهنگ عمومی، اصلاح گرایش های نادرست و رسالت انسانی خود به خوبی عمل کند.

امروزه بسیاری از نکته های آموزشی را می توان در قالب تبلیغات رادیویی و تلویزیونی تعلیم داد؛ زیرا تبلیغات عاملی روانی برای تحریک و تهییج مخاطبان است و در سایه این تبلیغات، زمینه پذیرش گرایش های احساسی و رفتاری خاص در بینندگان پدید می آید، به ویژه اگر تبلیغات مداوم و در تهیه آن، نظریات کارشناسان ارتباطات، جامعه شناسی و روان شناسی، لحاظ شده باشد.

چهار ـ نظارت

چهار ـ نظارت

همان طور که گفته شد، نقش نظارتی نیز یکی از نقش های مهم و چهارگانه رسانه هاست. وقتی رسانه ها می توانند برای اصلاح جامعه و مخاطبان خود گام بردارند، که محتوای آنها، اسلامی و موافق با فرهنگ و اعتقادات و ارزش های اسلامی باشد و دستگاه های ذی نفوذ یک کشور، روی برنامه ها و محتوای آن نظارت داشته باشند.

۱- صفاری نیا، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰.

درباره این نقش مهم، رسانه ملی با تأکید بر موارد زیر می تواند درباره موضوع الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت اثرگذار واقع شود:

ـ فراهم آوردن زمینه حضور نهادهای نظارتی در رسانه ملی برای ارائه گزارش به افکار عمومی؛

ـ نقد و بررسی سیاست های دولت و بخش های مختلف درگیر در الگو؛

ـ بررسی نقاط قوت و ضعف سیاست های دولت و بخش خصوصی در حوزه های مختلف؛

ـ بررسی کارشناسی سیاست ها، برنامه ها و عملکرد سازمان ها و نهادهای گوناگون درگیر در این الگو با حضور صاحب نظران و متخصصان؛

ـ الزام نهادهای مسئول برای پاسخ گویی به افکار عمومی در این زمینه؛

ـ دریافت و بازتاب بازخوردها و دیدگاه های مردم درباره سیاست ها و عملکرد نهادهای مسئول از راه نظرسنجی ها.

پنج ـ تلاش برای خو گرفتن با الگوهای جدید

پنج ـ تلاش برای خو گرفتن با الگوهای جدید

تنها فعالیت رسانه در معرفی الگوهای جدید جامعه نمی تواند سودمند باشد، بلکه آنچه سبب می شود این الگوها نهادینه شوند، خو گرفتن مخاطبان با این الگوهاست.

پارسونز، جامعه شناس معروف می گوید که مهار اجتماعی مطلوب و موفق در درجه اول، مبتنی بر شیوه های جامعه پذیری و درونی کردن الگوها و ارزش های فرهنگی جامعه است.

ص:۲۴۹

تبدیل الگوهای جدید به عادت های رفتاری مخاطبان، یکی از مراحلی است که برای همه نظام های تنظیم و هدایت کننده رفتار اجتماعی بسیار حساس و مشکل است. درونی سازی این رفتارها کار آسانی نیست و نیازمند تلاش و اهتمام بسیاری است.(۱)

رسانه ها، گسترده ترین دستگاه های تبلیغی هستند که برای اصلاح فرهنگ عمومی، خو گرفتن و عادت افراد با الگوهای جدید نیازمند یک نقشه راه هستند؛ نقشه ای که در آن هدف گذاری های کوتاه و بلندمدت وجود داشته باشد.

شش ــ تأکید بر تبلیغ غیر مستقیم

شش ــ تأکید بر تبلیغ غیر مستقیم

امروزه تبلیغات غیرمستقیم، از اثرگذارترین شیوه های تبلیغی است و صاحبان بنگاه های تبلیغاتی و دارندگان شبکه های عریض و طویل رسانه ای به این حقیقت پی برده اند که انسان ها در برابر تبلیغ مستقیم، واکنش منفی از خود نشان می دهند. به همین دلیل شاهدیم که پیام های تبلیغاتی به گونه ای بسته بندی می شوند که مخاطبان حتی پس از مصرف هم از محتوای آنچه مصرف کرده اند، آگاه نمی شوند، ولی پس از مدتی، آثار بسته های دریافتی در اعمال و رفتار آنها نمایان می شود. شاید به همین دلیل باشد که امروزه بحث تبلیغ و انتشار پیام، یکی از پیچیده ترین مباحث به شمار می رود. بنابراین، باید در بحث ترویج و تبلیغ، جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت نیز شیوه های قدیمی و منسوخ شده را کنار گذاشت و از پیام های غیر مستقیم در قالب های هنری جذاب، متنوع و اثرگذار با بهره مندی از ابزار رسانه بهره برد.

۳. بهره مندی بهینه از تعدد شبکه های موجود

۱- مسعود کوثری، فرهنگ و توسعه رهیافت مردم شناختی توسعه، ص ۳۰.

۳. بهره مندی بهینه از تعدد شبکه های موجود

ــ تعدد رِسانه ای در ایران اسلامی از نقاط قوی و ظرفیت های مناسب در راه کمک به تدوین و تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت است. فراگیری شبکه های متعدد رادیویی، تلویزیونی و چند رسانه ای رسانه ملی، از جمله شبکه های استانی، برون مرزی و سراسری در کنار دیگر ابزارهای متعدد و فراگیر فرهنگی می توانند در جهت تقویت باورهای مردم و اطلاع رسانی مطلوب در این زمینه ایفای نقش کنند. این هر یک با توجه به قابلیت ها و کارکردهای خاص خود، می توانند به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تحقق الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، کاربرد داشته باشند.

بهره مندی از ظرفیت بیش از یک صد شبکه رادیویی و تلویزیونی بین المللی، ملی و استانی رسانه ملی در جهت اهداف الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت، می تواند زمینه مطلوبی برای رسیدن به هدف ها و چشم اندازهای مورد نظر در الگوی اسلامی ــ ایران پیشرفت را فراهم سازد. ساخت برنامه های بومی مفید و سازنده و مطابق با فرهنگ و اعتقادات مردم مسلمان و متدین کشور، تولید آثار فاخر و ارزشمند در حوزه های گوناگون تولیدی مانند برنامه های اثرگذاری همچون فیلم و سریال می تواند از جمله برنامه های مطلوب رسانه ملی برای دست یابی به این هدف ها باشد.

۴. تئوریزه کردن الگوهای رسانه ای بومی در فضای رسانه ملی

۴. تئوریزه کردن الگوهای رسانه ای بومی در فضای رسانه ملی

ــ رسانه ملی باید، بیش از آنکه در اندیشه الهام پذیری از رسانه های غربی به عناوین حرفه ای گری باشند، الگوهای رسانه ای خود را تئوریزه کند. در

ص:۲۵۱

واقع، رسانه ملی در این جهت باید با مراجعه به ارزش های بومی و مفاهیم اصیل اسلامی مانند عدالت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت هایی مانند تعمیق اتحاد و انسجام اسلامی و تطبیق دادن الگوهای حرفه ای رسانه ای با این مفاهیم، در خدمت رشد مادی و معنوی جهان اسلام و نیز کشورهای خود باشند.

ـ رسانه ملی باید از گفتار شعارگونه و اظهار این سخن که نمی توانند خیلی از سخنان را مطرح کنند، دوری نمایند؛ زیرا بسیاری از رسانه ها با این رویکرد به فضای دو پهلو دامن می زنند. اگر رسانه ملی فضا را ارزیابی کند، می تواند در گفتمان سازی مفاهیم الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت نقش ایفا کند. این مسئله نیازمند آزادی برای طرح نظریات و عقاید است تا هیچ گاه به دوگونه گویی و دو پهلوگویی رو نیاورند.

۵. شناخت دقیق و همه جانبه تهاجم فرهنگی از سوی رسانه ملی، به عنوان پیش قراول عرصه جنگ نرم و پیش بینی شیوه های مواجهه

۵. شناخت دقیق و همه جانبه تهاجم فرهنگی از سوی رسانه ملی، به عنوان پیش قراول عرصه جنگ نرم و پیش بینی شیوه های مواجهه

در عصر حاضر، شناخت تهاجم نرم دشمنان و اتخاذ تدابیر لازم برای رویارویی با آن از سوی رسانه ملی موجود کشور، که از هر سو با توطئه های گوناگون فرهنگی و جنگ نرم روبه رو هستیم، یکی از بایسته های مهم رسانه در پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت است.

از موارد مهم و اساسی در مبارزه با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، شناخت جنبه ها و ریشه های آن است؛ زیرا هنگامی می توانیم در برابر این پدیده برنامه ریزی کنیم که از دشمن مهاجم و برنامه های او، اطلاع کافی داشته باشیم و متناسب با آن، سلاح تدافعی خود را به کار گیریم.

برای رویارویی با جنگ نرم، نخست باید ویژگی های این نوع جنگ

ص:۲۵۲

را آنالیز کنیم و خوب بشناسیم و بدانیم، جنگ نرم با جنگ سخت، چه تفاوت هایی دارد. هدف در جنگ سخت، جان انسان ها، تجهیزات، امکانات و بناهاست که معمولاً در این مواقع با افکار عمومی علیه دشمن فعال می شود. این در حالی است که هدف در جنگ نرم، افکار عمومی است. برای دست یابی به این هدف، باید بیش از گذشته به رسانه ها توجه کنیم و افکار عمومی داخلی و جهانی را نسبت به دروغ پردازی رسانه های خارجی، آگاه سازیم.

هر ملتی و کشوری دارای منابع قدرت نرم است که شناسایی و تقویت و سازماندهی آنها می تواند بر اساس طرحی جامع به فرصت و هجوم بر ضد دشمنان طراح جنگ نرم، تبدیل شود.

برخی از مهم ترین شیوه های رویارویی با جنگ نرم دشمنان با بهره مندی از ظرفیت های رسانه ملی، عبارتند از:

ـ شناخت تکنیک های پروپاگاندا (تبلیغات سیاسی) و فنون پیچیده جنگ نرم؛

ـ داشتن سرعت عمل لازم در زمینه بازتاب رویدادها خبری و تحلیل های مهم؛

ـ تقویت بنیه اطلاعاتی و خبری کشور؛

ـ پرورش و به کارگیری کارشناسان در اجرای عملیات روانی؛

ـ بهره مندی از راهکارهای فرهنگی مناسب مانند راه اندازی شبکه های ویژه پخش فیلم و سریال، آموزش های رسانه ای برای افزایش سواد رسانه ای درباره آسیب های برنامه های ماهواره ای برای مخاطبان، آموزش و تربیت نخبگان فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی و تولید محصولات فرهنگی فاخر؛

ص:۲۵۳

ـ گسترش دامنه و شمول فعالیت های فرهنگی؛

ـ افزایش محصولات فرهنگی اثرگذار بر جامعه و جوانان؛

ـ تقویت و تحکیم نهاد خانواده و افزایش سطح بهداشت روانی جامعه با بهر ه گیری از ظرفیت های رسانه ملی؛

ـ بررسی ترفندهای پیچیده برنامه های رسانه ها و شبکه های گوناگونی که فرهنگ و نهادهای فرهنگی مانند خانواده را تحت تأثیر قـرار می دهنـد، برای اتخاذ تدابیری جهت خنثی کردن آثـار آنها؛

ـ ارتقای فرهنگ سیاسی مشارکتی صحیح، به گونه ای که امکان ایجاد تعادلی منطقی میان مشارکت فعالانه سیاسی و تخریب و تبلیغات منفی را داشته باشد؛

ـ توسعه فرهنگ سیاسی دایر بر تحمل و مدارای نیروهای رقیب و خودی، به عنوان اصلی ضروری، با توجه به برخی کشمکش های زیان بار در جبهه خودی ها و دلسوزان حقیقی کشور؛

ـ ارتقای واقعی سطح توانایی های اطلاع رسانی و تبلیغاتی در داخل و خارج از مرزهای کشور؛

۶. ضرورت تسلط به فنون و قواعد رسانه ای (سواد رسانه) در میان کارکنان، به ویژه مدیران رسانه ملی

۶. ضرورت تسلط به فنون و قواعد رسانه ای (سواد رسانه) در میان کارکنان، به ویژه مدیران رسانه ملی

امروزه رسانه های جمعی از میان ابزارها و فنون جدید، بیشترین تأثیر فرهنگی را دارند. در دنیایی که بنگاه های بزرگ رسانه ای، از جمله خبرگزاری های کلان دنیای استعمار، در همه ساعات شبانه روز، با همه توان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، برای در اختیار گرفتن همه چشم ها، گوش ها و زبان ها می کوشند تا دنیا را آن گونه که خود می خواهند، نشان

دهنـد، بی توجهی به تـأثیرات رسـانه و تسـلط نیافتن بر فنون و قواعـد رسانه ای در میان کارکنان، به ویژه مـدیران رسانه، برای رویـارویی بـا آثـار جـبران ناپـذیر آن، قصوری است که جـبران آن به سـادگی امکـان پـذیر نیست. برخی اندیشـمندان مسـائل ارتباطـات و رسـانه معتقدنـد، صاحبان مراکز اطلاع رسانی بین المللی، از چنان قـدرتی برخوردارنـد که هیـچ یک از سـرداران نظامی تاریـخ، صاحب چنین قـدرتی نبوده اند؛ زیرا مالکان وسایل ارتباط جمعی جهان، بدون آنکه سـپاه و لشـکری در اختیار داشـته باشـند، با بهره مندی از شیوه های پیچیده و پنهان، در شیوه تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی مردم، تأثیر بی نظیری دارند و عملاً تحولات گوناگون جهانی را هدایت و رهبری می کنند.

در جهـانی که رسـانه چنین نقش مهمی دارد و در جـامعه ای که دشـمنان آن از پیچیـده ترین ترفنـدهای جنـگ نرم برای نفوذ فرهنگی خود بهره می گیرنـد، نخستین گام در مدیریت سازمان های رسانه ای، پس از شـناخت و فهم سـیاست ها و ترفندهای امپریـالیسم خبری، شـناسایی دقیق کـاستی هـای رسـانه ای و اتخاذ تـدابیر و برنامه ریزی لازم برای رفع این کاستی ها و ارتقای کیفی عملکرد رسانه است که نیازمنـد داشـتن سواد رسانه ای، اندیشه انتقادی و آشـنایی با مهارت های سواد رسانه ای و مبانی مطالعـات انتقـادی ارتبـاطی است. امروزه شاهـد توفیقـات مـدیریت رسـانه ملی، در زمینه اطلاـع رسـانی، در چنـد دهه انقلاـب اسلامی ایران هستیم که جای بسی مباهات است، ولی در نگاهی اجمالی به عملکرد مدیران رسانه، می توان به اجمال به برخی از کـاستی هـا در این باره نیز اشاره داشت؛ مسائلی همچون ضـعف سـیاست های جامع و برنامه های بلندمـدت در زمینه مسائل ارتباطی و خبری، بها ندادن کافی به ارزش های شناخته

شـده خبری در تنظیم و تـدوین و ارائه اخبـار و گزارش هـای خبری، انفعـال و بی توجهی مـدیران به تقاضاهای دولت و مردم، ضعف در شـناخت و بهره مندی از تکنیک های پروپاگاندا (تبلیغات سیاسـی) و فنون پیچیده جنگ نرم، نداشـتن سـرعت عمل لازم در عرصه بازتـاب رویـدادهای خبری، بهره نبردن از نظریـات کارشـناسان در جهت تحلیـل و تفسـیر رخـدادهای خبری و ارضای نیازهای اطلاعاتی مخاطبان، انطباق نیافتن سازمان رسانه ای با تحولات و الزامات دنیای ارتباطی جدید، ضـعف در بهره مندی از رسانه ها و تکنولوژی های جدید ارتباطی، مقاومت در برابر الزامات جهان رسانه نظیر رایانه ای شدن امور.

در کنار مطرح شـدن این ضـعف ها که از مصادیق سواد رسانه ای و مهارت های آن است، این نکته مطرح است که مدیران با سواد رسـانه ای می تواننـد تصویری کـافی و همه جـانبه از رسـانه هـا داشـته باشـند و توانایی رویارویی با غالب تغییرها و نحوه رویارویی با ترفندهای پیچیده رسانه های رقیب را بیابند.

در هر حـال، برای کسب سواد رسـانه ای، مـدیران به مجموعه ای ابزار و مواد اولیه نیـاز دارنـد که ماده اولیه، همان اطلاعات و دانش از رسانه و جهان اطراف است و ابزار نیز همان مهارت های مدیران در زمینه توانایی پردازش اطلاعات است.

بایـد مـدیران رسانه ملی پیوسـته به میزان اطلاعات خود بیفزایند و بکوشـند تکه های اطلاعاتی را به گونه ای سازماندهی کنند که در جـای خود، به نحو احسن از آنهـا بهره منـد شونـد. ترکیب اطلاعـات، ارزیابی و نقادی آن نیز اهمیت دارد و همواره در این راه باید بکوشند، به اطلاعات خود عمق و جهت بیشتری دهند و از سطحی نگری دوری کنند.

دسترسی به سطوح بالای اطلاعات می توانـد نگرش های معقول و ثابتی به مـدیریت بدهد، به گونه ای که این توانایی را می یابند که از سـطح دانش و فهمیدن، به سطوح بالاتر گام بردارند و به تولید علم بپردازند و اطلاعات را نقد کنند یا چیزی به آن بیفزایند.

۷. تلاش برای گسترش سبک زندگی دینی (اسلامی)

۷. تلاش برای گسترش سبک زندگی دینی (اسلامی)

اسـلام، دینی جهان شـمول و کامل ترین مکتب زنـدگی، نگرشـی خاص به سـبک زندگی دارد که ناشـی از شـناخت الهی از صورت و سـیرت انسان است که ملك را به ملکوت و زنـدگی دنیا را به حیات ابـدی آخرت متصل می کنـد، اما بی گمان در عصـر حاضـر، به دلیل رشد فن آوری و گسترش رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، بسـیاری از سلیقه ها و سبك ها و شیوه های زنـدگی بشـری، تحت تـأثیر تبلیغـات و پیام های این رسانه ها در حال تغییر و تحول است. بنابراین، نقش رسانه ملی در سـبک زندگی مردم، به ویژه در جامعه اسـلامی، اهمیت خاصـی دارد. با توجه به عظمت دین اسلام، وجود خلأ بزرگی در ارائه شیوه ای دقیق و کـاربردی و در عین حـال زیبـا و جـذاب برای جامعه اسـلامی و معرفی سـبک زنـدگی دینی، کاملاً محسوس است. همان گونه که امروزه غرب با بهره مندی از رسانه ها جذابیت فرهنگ مادی، خود را به دنیا عرضه کرده، به نظر می رسد یکی از بهترین روش هـا برای گسترش سـبک زنـدگی دینی، بهره گیری از ظرفیت رسـانه ملی است. هجوم رسـانه ها، از یک سو و تهاجم فرهنگی دشمنان، از سوی دیگر، ضرورت استفاده از رسانه ملی و نقش آن را در هدایت و جهت دهی جامعه دوچندان کرده است. گسترش سبك زندگی غربی در جامعه ایران، به ویژه در میان نسل جوان و خطر

استحاله فرهنگی، نیاز اقشار مختلف جامعه به دانستن سبک زندگی دینی بر اساس آموزه های اسلام ـ ناب سبکی از زندگی که تأمین کننده نیازهای مادی و معنوی بشر می باشد و از جذابیت ها و زیبایی های فطری برخوردار است ـ برای جلوگیری از لغزش به سبک غربی یا دچار شدن به ارتجاع و تحجر مذهبی و حفظ و تقویت امنیت ملی، که بر پایه امنیت فرهنگی استوار شده است، ضرورت توجه به آموزه های اسلام و گسترش سبک زندگی دینی ـ اسلامی را دوچندان می سازد.

بنابراین، در جهت طراحی و پیشبرد هدفمند الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، باید رسانه ملی بکوشد با تولید محصولات و فرآورده های بروز فرهنگی، در جهت تبلیغ غیر مستقیم و هنرمندانه و جذاب، پیشرو باشد.

۸. ایجاد هم بستگی و حفظ انسجام گروهی و تلاش برای تقویت روح جمعی

۸. ایجاد هم بستگی و حفظ انسجام گروهی و تلاش برای تقویت روح جمعی

یکی از کارکردهای مهم رسانه، به ویژه در جامعه اسلامی، نقش مهم و مشترک آنها در ایجاد همبستگی و حفظ انسجام گروهی جامعه است.

رسانه ملی برای پیشبرد الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، باید با ارائه مستمر پیام های یک سنخ، برای انبوه مخاطبان پراکنده و دارای ویژگی های شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی گوناگون، آنها را آرام آرام در باورها، ارزش ها، نگرش ها، رفتارها، نمادها و ترجیحات، به هم نزدیک کند و زمینه یک پارچگی، انسجام و هم بستگی ملی را با بهره مندی از ظرفیت فراوان دین، فراهم آورد.

امروزه با توجه به پخش دیجیتال بیشتر شبکه های صدا و سیما، اعم از شبکه های استانی، ملی و برون مرزی و قابلیت پخش این برنامه ها از

راه امواج ماهواره و فضای مجازی، باید این رسانه ها، وجدان جمعی و احساس تعلق مشترک مؤمنان ساکن در مناطق گوناگون و پراکنده در گوشه و کنار جهان را تقویت سازند و به بازیابی هویت دینی آنها فراسوی هویت های متنوع دیگر کمک کنند. وحدت و پیوستگی آنها بر پایه اصول مذهبی مشترک را به رغم فاصله های مرئی و نامرئی تشدید کنند و امکان اثرگذاری آنها بر فرآیندهای موجود جامعه جهانی را افزایش دهند.

۹. اهتمام رسانه ها به نقش های تربیتی در جامعه

۹. اهتمام رسانه ها به نقش های تربیتی در جامعه

نقش تربیتی و اخلاقی رسانه ها، یکی از برجسته ترین و حساس ترین نقش ها و کارکردهای رسانه در عصر حاضر است. این نقش به ویژه در الگوی رسانه دینی و اسلامی، اهمیت خاص تری دارد و در طراحی هدفمند الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت نیز این کارکرد رسانه ملی نقش مهمی را ایفا می کند.

اهمیت نقش تربیتی رسانه ملی به اندازه ای است که همواره در سخن رهبران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مورد نظر بوده است. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه است، این دستگاه ها، دستگاه های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است ... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است ... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام

اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد ... آنکه از همه خدمت ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله هاست، رادیو و تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست. اینها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد.(۱)

مقام معظم رهبری نیز در مقام سکاندار هدایت جامعه اسلامی ایران، بارها به نقش پراهمیت دین و جایگاه متعالی آن در فعالیت های رسانه، اشارات مهمی داشته اند. ایشان در این زمینه می فرماید:

هدف ما این است که صدا و سیما را به آن اوجی برسانیم که کلیه برنامه های آن با بهترین کیفیت، در جهت رسوخ دادن اسلام ناب و همه ملحقاتش (از اخلاق و عمل) در زندگی مخاطبانش باشد... از اول صبح تا آخر شب... تک تک برنامه ها، حتی آرم برنامه ها، موزیک متن فیلم ها و برنامه های کارتون، حتی چهره گویندگان و مجریانی که دیده می شوند و لحن کلام گویندگانی که صدایشان شنیده می شود باید وسیله سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و انسانی باشد. (صدا و سیما) جز این وظیفه ای ندارد و اگر مواردی بود که بر خلاف این هدف وارد صدا و سیما شد، نباید پخش شود.

به اندازه ای قدرت رسانه ها نسبت به دیگر عوامل اثرگذار در فرآیند تربیت انسان، مهم است که برخی بر این باورند که رسانه ها می توانند

در

۱- تعلیم و تربیت از نگاه امام خمینی=، صص ۳۵۴ _ ۳۵۶.

تاریخ انسان نسل جدیدی پدید آورند؛ نسلی که از نظر رفتار و افکار و شیوه تعامل با هم نوعان خود، با نسل های پیشین تفاوت داشته باشند.

امام خمینی رحمه الله در این باره، می فرماید: «این دستگاه ها که مربیان فرهنگی جامعه امروزند، باید وسیله تربیت ملت باشند، یعنی نه تنها نباید با اشاعه ابتذال مانع رشد فرهنگی و ضد تربیتی شوند، بلکه باید مربی بوده و جامعه را تربیت کنند».(۱)

امروزه رسانه ملی همانند مدرسه ای بزرگ بر همه جنبه های زندگی انسان، حتی در اوقات فراغت و هنگامی که به عنوان سرگرمی از آنها استفاده می شود، اثر می گذارد و از آنجا که نسبت به دیگر مراکز آموزشی، مانند مدرسه و دانشگاه از گستردگی زمانی و مکانی بیشتری برخوردار است، در جنبه های تربیتی کودکان و نوجوانان و جوانان و حتی بزرگ سالان اهمیت زیادی پیدا می کند.

امام خمینی رحمه الله که در مقام مرجع و مجتهدی جامع الشرایط و فقیهی اعلم و مربی و فیلسوفی بزرگ، مطرح و اندیشه هایش از جامعیت و ژرف اندیشی فراوانی برخوردار است، درباره اهمیت تربیتی رسانه رادیو و تلویزیون نسبت به دیگر رسانه های جمعی می فرماید:

... شما این را مثل دیگر رسانه های گروهی حساب نکنید، این یک وضع خاصی دارد که این بچه های دو سه ساله، سه چهارساله، به این نگاه می کنند و ازاین روح آنها اثر گذاشته می شود تا پیرمردها، تحت تأثیر واقع می شوند و این یک دستگاهی است که در خدمت گزاری می تواند بهترین

۱- دیدگاه های فرهنگی امام خمینی، ص۲۹.

دستگاه ها باشد و در خیانت می توانند بالاترین خیانت را بکنند. از تمام دستگاه های تبلیغاتی الان، امروز نقش رادیو و تلویزیون از همه دستگاه ها بالاتر است. اگر این اصلاح بشود، یک کشور را می توانند اصلاح بکنند و اگر خدای نخواسته انحراف در این باشد یک کشور را می توان منحرف کند. اینهایی که سواد ندارند، خوب، فیلم ها را تماشا می کنند، حرف ها را هم می شنوند، آنها هم که سواد دارند خوب هست، اینطور نیست که این مخصوص به یک دسته ای باشد. بچه های کوچولو می نشینند و این عروسک هایی که آنجا چه می شود مثلا تماشا می کنند و فیلم ها را تماشا می کنند، اگر انحراف در اینها باشد، آنها را از همان بچگی منحرف می کند. این از مدرسه ها بالاتر است، این مدرسه عمومی سرتاسری کشور است... لهذا مسئولیت این، یک مسئولیت بسیار بزرگی است و خدمت در اینجا هم یک خدمت ارزنده بسیار بزرگی است.(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله برای رادیو و تلویزیون نقش معلم و دانشگاه و برای مخاطبان آنها نقش شاگردی را قائل است:

رادیو و تلویزیون وظیفه دارد که با مردم حکم معلم و شاگرد داشته باشد... به جای آن چیزهایی که به درد ملت نمی خورد یا مضر به حال ملت است، یک چیزهای مفید را به مردم بدهند ... مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح و سالم ... این

۱- همان، صص ۳۱ و ۳۲.

دستگاه ها، دستگاه های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است.(۱)

امام خمینی رحمه الله برای رادیو و تلویزیون در زمینه تربیت دینی و اصلاح جامعه نقشی بسیار حساس و حیاتی قائل است. همان طور که اگر تربیت به دست مربی صالح یا فاسد باشد، متربی نیز صالح یا فاسد خواهد شد. ایشان صلاح و فساد در رادیو و تلویزیون را نیز برابر با اصلاح یا فاسد شدن جامعه می داند:

این دستگاه (رادیو و تلویزیون) اگر آموزنده باشد، اگر فیلم ها یا خطابه ها یا اخبار جوری باشد که آموزنده باشد، این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می شود، یک تربیت صحیح و اگر چنانچه خدای نخواسته یک خلافی در او باشد، آن بچه ها که کوچک اند از او تربیت فاسد می شوند... آنها نگاه می کنند، اگر یک فیلم آموزنده باشد، این بچه ها تربیت می شوند به تربیت صحیح و اگر یک فیلمی باشد که بر خلاف باشد، انحراف کننده باشد، بچه تربیت می شود به تربیت انحرافی، بزرگ ها هم همین طور.(۲)

بی گمان برنامه های رادیویی و تلویزیونی موفق شدند افکار و باورهای انسان های بی شماری را دست خوش تغییر سازند. تمدن منحط غرب برای گسترش فرهنگ بی بندوباری و ابتذال، هزاران شبکه رادیویی و تلویزیونی راه اندازی کرده است که شبانه روزی برنامه های گوناگونی را با این هدف پخش می کنند. بر اساس تحقیقات، همه این شبکه ها، با

۱- همان، صص ۳۳ و ۳۴.

۲- ۵همان، ص۳۵.

وجود هدف ها و سلیقه های گوناگون، در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با مأموریتی خاص، به رویارویی با هویت ارزشی و مکتبی جامعه برخاسته اند.

از سوی دیگر، رسانه های نوشتاری نیز همانند رسانه های شنیداری و دیداری در تعلیم و تربیت دینی، تأثیر مهمی دارند. به همین دلیل، در منابع اسلامی، به قلم و نوشتار اهمیت بسیاری داده اند. زکات دست را حرکت دادن آن برای نگارش علوم و منافعی است که مسلمانان در راه اطاعت خدا از آن بهره می برند، به شمار آورده اند. به همین دلیل، مطبوعات، مجلات و روزنامه ها، مانند رسانه های دیداری و شنیداری، در زمینه تربیت جامعه، نقش معلم و مربی را دارند و از اهمیت بسیاری برخوردار است.

امام خمینی رحمه الله مطبوعات و مجلات را همانند رادیو و تلویزیون، آموزگار جامعه معرفی می کند:

مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می کنند و آرمان ملت را منعکس می کنند. مجله باید در خدمت کشور باشد، خدمت به کشور این است که تربیت کند، جوان تربیت کند، انسان درست کند، انسان برومند درست کند، انسان متفکر درست کند، تا برای مملکت مفید باشد. آنکه از همه خدمت ها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله ها است، رادیو و تلویزیون است، سینماها و تئاترها است، اینها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و

خدمتشان ارزشمند باشد.(۱)

امام خمینی رحمه الله ارزش مطبوعات و قلم را ماننـد خون شـهدا، بلکه بالاتر معرفی می کند. مطبوعات و مجلات می توانند با مطالب سودمنـد دینی و اسـلامی، جامعه و جوانان را تربیت کننـد و افکار جوانان و خواننـدگان را با آموزه های بلند و سازنده اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام آشنا سازند.

نظام اسـلامی ایران با نگاه تربیتی خود، بسیاری از جنبه های فعالیت رسانه ای را به عنوان رسالت رسانه اسلامی تأیید نمی کند و از این منظر، رسـانه را دانشـگاهی عمومی می دانـد که هـدفش تهـذیب آحـاد جـامعه و تسـهیل زمینه هـای فرهنگی و تعالی روحی آنهـاست و از سویی نیز، نقطه اوجی که برای فعالیت صـدا و سـیما در سـپهر رسانه ای متصور است، انطباق کامل آن با رسالت ارزش گستری و نیز رسوخ و نفوذ دادن اسلام ناب و همه ملحقاتش در زندگانی مخاطبان است.(۲)

قـانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران در عرصه فعـالیت وسایـل ارتبـاط جمعی، با صـراحت کامل بر لزوم و وجوب حـاکمیت ارزش هـای اسـلامی تأکیـد می کنـد و در مقـدمه آن، بر لزوم حرکت رسـانه ملی (رادیو و تلویزیون) در جهت رونـد تکـاملی انقلاب اسـلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسـلامی و جلوگیری از گسترش خصـلت های تخریبی و ضد اسـلامی تأکید شده است.

۱۰. به کار گرفتن نمادهای دینی و فرهنگی در تولیدات رسانه ملی

۱۰. به کار گرفتن نمادهای دینی و فرهنگی در تولیدات رسانه ملی

به طور کلی به کارگیری نمادهای دینی و فرهنگی و بهره مندی از ظرفیت

۱- همان، ص۱۲.

۲- ۷همان، ص ۳۶.

عظیم این نمادهای دینی، بسیار مهم و بایسته است که اگر در رسانه ملی رواج یابد، در تربیت اسلامی و گسترش آموزه های دینی و اخلاق اسلامی نقش مهمی دارد و مردم را به سوی دین و دینداری تشویق می کند. در این میان، نماز یکی از برجسته ترین نمادهای دینی است که می تواند در برنامه ها و فیلم های گوناگون رادیو وتلویزیون از آن بهره برد تا گسترش فرهنگ نماز در بین جامعه شود.

یکی از راه هایی که می توان از راه رسانه ها، به ویژه رادیو و تلویزیون؛ جامعه، به خصوص جوانان را از نظر دینی و اسلامی تربیت کرد، پرداختن به نماز و مسائل عبادی و تبلیغ نماز در رادیو و تلویزیون است.

نماز به دلیل ویژگی های خاص خود، برترین و بهترین عبادت نزد خدا به شمار می آید. چنین عبادت ممتازی، آثار بی شماری برای دین و دنیای فرد و جامعه دارد و ترک آن نیز پی آمدهای نامطلوبی به همراه خواهد داشت. نماز مهم ترین نقش را در تربیت دینی دارد و خانواده و هر فردی که از نماز دور شود، بی گمان دین، تربیت دینی و اخلاق اسلامی از آن خانواده و شخص گرفته خواهد شد. ازاین رو، اگر رسانه ملی، به این مسئله اهمیت دهند، بی شک در تربیت دینی جامعه و خانواده ها نقش ویژه ای خواهند داشت. نماز جامعه و فرد را از فحشا ومنکرات باز می دارد: «وَاَقِمِ الصَّلاَهَ إِنَّ الصَّلاَهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنکَرِ وَلَذِکْرُ اللهِ اَکْبَرُ».(۱)

۱۱. بسترسازی برای ایجاد تحول روحی در مخاطبان

ص:۲۶۶

۱- عنکبوت: ۴۵.

۱۱. بسترسازی برای ایجاد تحول روحی در مخاطبان

برنـامه هـای رسانه ای در صورت بهره گیری از جاذبه های معنوی و عرفانی، پردازش های رسانه ای مناسب و پخش در اوقات ویژه، برای ایجاد تکانه های روانی مثبت و زمینه سازی برای تحول روحی در افراد، قدرت زیادی دارند.

۱۲. تولید فیلم ها، سریال ها و برنامه های اسلامی و بومی در نظام رسانه ای کشور

۱۲. تولید فیلم ها، سریال ها و برنامه های اسلامی و بومی در نظام رسانه ای کشور

هنگـامی رسانه ملی می توانـد برای کشور سودمنـد و سازنـده باشـد که برنامه های آن، بومی، تولیـد و ساخته شـده داخل و بر اساس فرهنگ و باور مردم مسلمان و متدین کشور باشد. بنابراین، اهمیت قائل شدن برای تولید آثار فاخر و ارزشمند در حوزه هـای گونـاگون تولیـدی و ایجاد اعتبارات مالی در زمینه های اثرگـذاری چون فیلم و سـریال، می توانـد در این جهت حرکت مطلوبی باشد.

۱۳. توجه به شئونات زنان و خانواده در رسانه ها

۱۳. توجه به شئونات زنان و خانواده در رسانه ها

جایگاه زنان به عنوان قشـری عظیم از جامعه، که پرورش روحی و ذهنی آنان تأثیرات به سزایی در پی خواهد داشت، بر کسی پوشـیده نیست. به دلیل آن که زن ضـربان حیات خانواده است و قلب جامعه در سـینه خانواده می تپد، باید صعود یا سقوط هر جـامعه ای را به چگونگی نقش زنـان در جـامعه اختصـاص داد. اهمیت این مسـئله به انـدازه ای است که امـام راحل رحمه الله درباره آن فرمود: «اگر زن متحول شد، جامعه نیز متحول می شود».

زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله ، مربی جامعه است و صلاح و فساد یک

جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد، یعنی بار تربیت و هدایت هر جامعه بر دوش زنان است و آنان شاخص معیار سلامت روحی و معنوی هر جامعه ای هستند.

بارها امام عظیم الشأن رحمه الله تأکید داشت که اگر انسان درست شود، همه چیز درست خواهد شد. ایشان صدا و سیما را مهم ترین دستگاه انسان سازی و زن را هم پای قرآن کریم، انسان ساز معرفی کرده است.

امروزه تبیین کرامت و جایگاه خانوادگی زن، تفهیم جایگاه واقعی زن در اجتماع به افکار عمومی و مخاطبان، دوری از نقش های پست برای زنان، به ویژه در فیلم ها، سریال ها و برنامه های نمایشی و اهتمام به نمایش دادن نقش همسر خوب، مادر خوب و انسانی کارآمد از زن، ارائه نقش و چهره ارزشی زن، همچون عفت و نجابت، نشان دادن گوهر حیای بانوان، عنصر اصلی و رکن اساسی خانواده بودن، عضو اصلی و رکن اساسی فعالیت های جامعه بودن، تأثیر زن در رشد جامعه و رشد مردان، تأثیر زن در واقعیت های گذشته ما همچون انقلاب و جنگ تحمیلی و دیگر صحنه ها، بخشی از مطالبات زنان از نظام رسانه ای کشور است. از آنجا که چشم امید زنان آزاده و مسلمان جهان به زنان ایران انقلابی و اسلامی دوخته شده است، از این دانشگاه انسان سازی، انتظار می رود تا بیش از گذشته نسبت به اصلاح کیفیت حضور زنان و تبدیل زن ایرانی به زن طراز اسلام، اقدام جدی، مؤثر و سریع داشته باشد تا شاهد بی هویتی ها، خودباختگی ها و نشناختن وظایف و حقوق خانوادگی و اجتماعی و دینی نباشیم.

برای پیشبرد بهتر الگوی اسلامی ـ ایرانی، کشور با توجه به کارکرد رسانه ملی، تصویر زن ایرانی و مسلمان در رسانه باید بانویی باشد که با

شناخت صحیح نسبت به هویت فردی خود، نقش های خانوادگی و اجتماعی خویش را به بهترین شکل ممکن سامان می دهد، او باید در جایگاه مربی جامعه، دارای شرف مادری، ایمان و حس مسئولیت آگاهانه نسبت به مقدرات جامعه و تهیه کننده آذوقه فرهنگی برای خانواده باشد و خانواده مولد و پایدار را مدیریت کند. بنابراین، شناخت جایگاه واقعی، ممتاز و متعالی زن از منابع و متون اصیل اسلامی، یکی از بایسته ها و ضرورت های دست اندرکاران برنامه های مربوط به زن در صداوسیماست. در این مسیر، الگوسازی مناسب از بانوان موفق و فرهیخته صدر اسلا م و معاصر، توجه به فرهنگ آسان سازی ازدواج، اطلا ع رسانی سودمند از موفقیت های زنان و اهتمام به آموزش خانواده می تواند راه گشا باشد.

بدیهی است، تعامل زن و رسانه، به عنوان انسان سازان انقلابی، تأثیر و تحول فراوانی در عرصه فرهنگ و تربیت انسان و جامعه خواهد داشت. از سوی دیگر، یکی از مهم ترین نقش های رسانه های جمعی در کنار وظایفی همچون آموزش، اطلاع رسانی، خبررسانی، تفریح و سرگرمی، حفظ و حراست از جامعه و میراث هویتی، فرهنگی و دینی آن است.

۱۴. دیگر راهبردهای رسانه ای

۱۴. دیگر راهبردهای رسانه ای

ــ همت و آگاهی اصحاب رسانه به رسالت فرهنگی و مسئولیت خود در اطلاع رسانی درست و گسترش تفاهم و تقویت حس هم بستگی ملی و انسجام اسلامی در جامعه؛

ــ رویارویی رسانه ها با نفوذ فرهنگ مبتذل غرب، با بهره گیری از همه امکانات هنری و با تکیه بر پشتوانه عظیم فرهنگ اصیل اسلامی ــ ایرانی؛

ــ توجه بیشتر به بازتاب ابتکارات و موفقیت های کشور در جنبه های

گوناگون مانند علمی، پزشکی، انرژی هسته ای و دیگر زمینه ها و موفقیت های کشور در برنامه های رسانه ملی و محتویات دیگر رسانه ها؛

ـ توجه بیشتر به اخبار فرآیندمحور و اخبار توسعه در رسانه ملی (با توجه به اینکه غول های خبرپراکنی دنیا در مخابره شکل اخبار و گزارش ها و جهت دادن به مسیرهای خبرهای جهان، به ویژه برجسته کردن اخبار پیشرفت های مربوط به مناطق شمال و کم رنگ کردن و بی اهمیت جلوه دادن خبر های جنوب، هماهنگ و حساب شده عمل می کنند، باید به اخبار توسعه ای کشور و خبرهای دنیای جنوب سهم بیشتری را اختصاص دهند).

ـ ایجاد اتاق فکر در رسانه ملی برای پشتیبانی های نظری در زمینه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت؛

ـ اطلاع رسانی به هنگام درباره جنبه های گوناگون الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت و تشریح جنبه های مختلف این الگو به مخاطبان؛

ـ بهره مندی از کارشناسان و نخبگان فرهنگی در برنامه های رسانه ملی و تشریح ابعاد گوناگون این الگو و بحث، کارشناسی و به مناظره گذاشتن ابعاد این الگو در برنامه ها؛

ـ رشد و افزایش نظام تعمیق معرفت دینی جامعه از راه ظرفیت های رسانه ای؛

ـ شناسایی و معرفی ذخایر علمی موجود جامعه و بهره مندی این ظرفیت ها در رسانه ملی؛

ـ گسترش فضای تعمیق تضارب اندیشه و بهره مندی از این فضا در رسانه ملی؛

ـ ارائه عقلانیت چند بُعدی اسلامی و آزادی مثبت در عرصه اندیشه

در برنامه های رسانه، مانند برگزاری کرسی های آزاداندیشی دینی و معرفتی در رسانه ها؛

ـ ترسیم دورنمای کشور و تبیین الگوی صحیح پیشرفت به صورت منظم و دوره ای و رصد تغییرها و پیشرفت های گوناگون جامعه و کشور از راه رسانه؛

ـ برجسته سازی آموزه ها و ارزش های دینی و معنویت، ناشی از دین به عنوان مبنایی برای سامان دادن به برنامه ها و اقدامات مهم اجتماعی؛

ـ معرفی الگوها و سبک های زندگی اقتباس شده از دین یا دارای مرجحات دینی از طریق ابزار رسانه؛

ـ ایجاد پیوند احساسی میان معنویت دینی با مادیت آمیخته به زندگی روزمره با بهره مندی از ظرفیت های تولیدات گوناگون رسانه ای در قالب فیلم، نمایش، سریال و دیگر ژانرهای رسانه ای؛

ـ اطلاع رسانی از جریانات دین گریز و دین ستیز در جهان معاصر و توجه دادن به پی آمدهای سکولار شدن جامعه در تولیدات رسانه ای؛

ـ مشروعیت بخشی، اعتباردهی و گسترش اخلاق دینی در جامعه و بسیج مؤمنان به دفاع از دین، ارزش ها و گروه های دینی؛

ـ تلاش برای ایجاد وفاق جمعی، نظم اجتماعی، انسجام و همبستگی، امنیت روانی و اجتماعی به عنوان ارزش های کلان مورد توصیه دین در تولیدات رسانه ملی؛

ـ افزایش روحیه خودباوری کامل در جامعه علمی کشور، از طریق ابزار رسانه؛

ـ حفظ استاندارد های جهانی در عرصه برنامه سازی رسانه ای.

ـ تشکیل کار گروه های حوزه و رسانه و دانشگاه و رسانه برای سمت

و سو دادن به فعالیت های رسانه ای در جهت نیل به اهداف الگو؛

ــ برخورد فعال رسانه ملی با بی عدالتی ها، مفاسد سیاسی و اقتصادی در جهت نیل به اهداف و آرمان های جامعه اسلامی؛

ــ هم افزایی رسانه ای، توانمندی و حضور مؤثرتر در حوزه اثرگذاری رسانه ای؛

ــ ارائه و گسترش الگوهای رفتاری متناسب با ارزش ها و فرهنگ اصیل اسلامی ــ ایرانی در سطوح گوناگون زندگی مخاطبان؛

ــ تحکیم مبانی خانواده و نفی نگاه ابزاری به زن از طریق ابزار فرهنگ و رسانه؛

ــ پی گیری مطالبات مقام معظم رهبری و دیگر مسئولان عالی رتبه نظام در زمینه الگوی اسلامی ــ ایرانی پیشرفت توسط رسانه ملی؛

ــ آموزش و تربیت نیروهای شاغل در زمینه مباحث رسانه ای و ارتباطات، پرورش و تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص که با دین، فرهنگ و رسانه آشنایی داشته باشد؛

ــ فراگیری تکنیک های روز رسانه ای برای تبلیغ فرهنگ دینی و هویت ملی؛

ــ تولید آثار فاخر مبتنی بر فرهنگ ملی و آموزه های دینی در قالب های هنری گوناگون در رسانه؛

ــ گسترش امور فرهنگی در جهت اشاعه معروفات، به عنوان یکی از مهم ترین رسالت ها و وظایف اصلی از سوی رسانه؛

ــ اهتمام رسانه ها به آشنایی مردم با مفاهیم قرآنی و فرهنگ غنی و اصیل اسلامی؛

ــ گماردن مدیران فرهنگی، متعهد، اجرایی و برنامه ریز در بدنه رسانه

ص:۲۷۲

ملی.

ص:۲۷۳

منابع

اشاره

منابع

زیر فصل ها

الف) کتاب

ب) نشریه

ج) سخنرانی

الف) کتاب

الف) کتاب

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا. ۱۳۵۷.

اخترشهر، علی، اسلام و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱.

اسدی مقدم، کبری، دیدگاه های فرهنگی امام خمینی رحمه الله ، تهران، ذکر، ۱۳۷۴.

اکبری، نعمت الله، مباحثی از توسعه در ایران، اصفهان، هشت بهشت، ۱۳۷۸.

باهنر، ناصر، «سیاست گذاری رسانه های دینی در ایران؛ سامانه متعامل، پویا و همگرایی، ارتباطات دینی»، مجموعه مقالات دین و رسانه، تهران، دفتر پژوهش های رادیو، ۱۳۸۶.

باهنر، ناصر، رسانه ها و دین: از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما. ۱۳۸۷.

ص:۲۷۵

بهار، مهری، «تلویزیون، ابژه های دینی و سکولاریسم»، مجموعه مقالات دین و رسانه، تهران، دفتر پژوهش های رادیو، ۱۳۸۶.

بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.

پژوهشکده امام خمینی رحمه الله ، کوثر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.

پیروزمند، علی رضا، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.

تامپسون، جان، رسانه ها و مدرنیته، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.

تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران، وزارت برنامه و بودجه. ۱۳۶۶.

ثقفی کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه: محمدباقر کمره ای، تهران، فرهنگ اسلام، ۱۳۵۶.

جرالد، ام. مایر و دادلی سیرز، پیشگامان توسعه، ترجمه: علی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، سمت، ۱۳۶۹.

جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موعود موجود، قم، اسراء، ۱۳۸۰.

جهانیان، ناصر، اهداف توسعه با نگرشی سیستمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۲.

حسنی، محمدحسن، نوسازی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، تهران، عروج، ۱۳۷۸.

خوانساری، جمال الدین، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

دادگر، حسن، اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.

ص:۲۷۶

دیرباز، عسگر، دادگر، حسن، نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.

راودراد، اعظم، «تعامل دین و رسانه»، مجموعه مقالات دین و رسانه، تهران، دفتر پژوهش های رادیو، ۱۳۸۶.

رحیم پورازغدی، حسن، «عقلانیت اسلامی و عقلانیت غربی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.

روشه، گی، تغییر اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران، نی، ۱۳۶۶.

زاهدی، محمد جواد، توسعه و نابرابری، تهران، انتشارات مازیار، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

ساروخانی، باقر، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰.

ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰.

ساعی، احمد، مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۷.

سریع القلم، محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران، سفیر، ۱۳۷۵.

سلیمی، محمد، «فرهنگ، رسانه و فرآیند سکولاریزاسیون»، مجموعه مقالات همایش سراسری رسانه، تلویزیون و سکولاریسم، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۷۰.

سورین و تانکارد، نظریات ارتباط جمعی، ترجمه: علی رضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

سید محمد دادگران، مبانی ارتباط جمعی، تهران، فیروزه، ۱۳۸۴.

سید هادی لشکری، علی رضا، توسعه در آینه تحولات، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت. ۱۳۸۳.

صدیق اورعی، غلام رضا، تغییر اجتماعی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، تهران. ۱۳۷۳.

عباسی، ابراهیم، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

عزتی، مرتضی، «توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله »، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

علی خانی، علی اکبر، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام ، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۰.

فرشادفر، عزت الله، امامت در نهج البلاغه، چاپ اول، ناشر مولف، ۱۳۸۶.

قزوینی، عبدالکریم بن محمد بن یحیی، بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرالمؤمنین، به کوشش: رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.

کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه از بنتام تا راسل (جلد هشتم)، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

کاظمی، سید علی اصغر، بحران جامعه مدرن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۷۷.

کینز، جان مینارد، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه: دکتر منوچهر فرهنگ، تهران، نی، ۱۳۷۳.

گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نی، چاپ

اول، ۱۳۷۳.

مارک هنری، پاول، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه: مسعود محمدی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

محمدی، مجید، دین و ارتباطات، تهران، نشر کویر، ۱۳۸۲.

مرعشی، سید جعفر، درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی. ۱۳۷۷.

مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، قم، صدرا، ۱۳۶۱.

مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم، صدرا، ۱۳۶۵.

معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.

مک کوئیل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۸۲.

منصوری، جواد، فرهنگ، استقلال و توسعه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.

موسوی خمینی، روح الله، کشف الاسرار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۵.

موسوی خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله ، چاپ ششم، ۱۳۷۶.

مولانا، سید حمید، جریان بین المللی ارتباطات، ترجمه: یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۱.

مولانا، سید حمید، گذر از نوگرایی، ترجمه: یونس شکرخواه، تهران، مرکز

مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۱.

نبوی، سید عباس، «انسان مطلوب توسعه یافته از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

ندایی، هاشم، توسعه اسلامی، مؤلفه ها و شاخص های آن، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه مدیریت کلان دستگاه های فرهنگی، ۱۳۸۷.

هادوی نیا، علی اصغر، معنویت و اقتصاد، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.

Altschull، J.H. Agents of power: The role of news media in Hunan affairs، New York: Longman, ۱۹۸۴

Mcquail, Denis, Mass communicationand the publice Interest: Towards Social for .structure and performance, London: polity press ۱۹۹۴

Sibert، F.peterson and W. Schramm، Four Theories of the press، Urbana: University of .Illinois press. ۱۹۶۳

ب) نشریه

ب) نشریه

استوارت ام. هور، از رسانه تا معنا، ترجمه: اسماعیل بشری، فصل نامه رسانه، شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۶.

اسماعیلی، محسن، «جایگاه حقوقی رسالت رسانه ها»، پژوهش و سنجش، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۸۴.

افروغ، عماد، «روش شناسی مردم، پایه نظری دیدگاه نوین توسعه»، ماه نامه فرهنگ توسعه، شماره ۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۲.

بئک، لوئیس، «دگرگونی در مفاهیم و هدف های توسعه»، ترجمه: حسین قاضیان، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۱و۲، مهر ۱۳۷۰.

جهانیان، ناصر، «تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین»، قبسات، شماره ۷، بهار ۱۳۷۷.

رضایی بایندر، محمدرضا، «شبکه های ماهواره ای اسلامی؛ ضرورت، اهداف و کارکردها»، فصل نامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۶، ۱۳۷۹.

، محمدتقی، «گذری بر توسعه از دیدگاه امام خمینی رحمه الله »،

.

طباطبایی، سید محمدحسین، «توسعه در اسلام»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۵۷، ۱۳۷۰.

قاضیان، حسین، «درباره تعریف توسعه»، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره ۶۳_۶۴، آذر و دی ۱۳۷۱.

گولت، دنیس، «توسعه آفریننده و مخرب ارزش ها»، برنامه و توسعه، شماره ۱۰، بهار ۱۳۷۴.

مولانا، سید حمید، «جهانی سازی فرهنگ»، روزنامه کیهان، مورخ ۱۷/۱/۱۳۷۹.

همایون، محمدهادی، «برداشتی از اندیشه های تبلیغی و ارتباطی امام خمینی رحمه الله »، فصل نامه رسانه، شماره ۶۹، ۱۳۸۶.

ج) سخنرانی

ج) سخنرانی

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان در تاریخ ۱۸/۰۲/۱۳۸۴.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل در تاریخ ۲۰/۰۸/۱۳۸۰.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله در تاریخ ۱۶/۰۳/۱۳۷۵.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی در تاریخ ۲۵/۰۴/۱۳۷۶.

بیانـات رهبر معظم انقلاـب اسـلامی در دیـدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسـبت بزرگ داشت هفته دولت در تاریخ ۰۸/۰۶/۱۳۷۴.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۵/۰۵/۱۳۸۲.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۷/۰۳/۱۳۸۳.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۶/۰۹/۱۳۸۱.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان استان سمنان، ۱۸/۰۸/۱۳۸۵.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشـست انـدیشه های راهبردی در جمهوری اسـلامی ایران در میان اندیشـمندان و صاحب نظران، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹.

رفیع پور، فرامرز، سخنرانی در نخستین نشست اندیشه های راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۰/۹/۱۳۸۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹